

«به نام خدا»

"جزوه ی آیین دادرسی کیفری"

مدرس: دکتر سید حجت نبوی

دوره اول رتبه یک آزمون وکالت ۱۴۰۴

۹.....	بخش اول - کلیات
۹.....	فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری
۱۰.....	فصل دوم: اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری
۱۲.....	فصل سوم: رابطه آیین دادرسی کیفری با آیین دادرسی مدنی
۱۴.....	فصل چهارم: خصوصیات آیین دادرسی کیفری
۱۶.....	فصل پنجم: منابع آیین دادرسی کیفری
۱۷.....	فصل ششم: نظام‌های دادرسی کیفری
۱۸.....	فصل هفتم: دعوای حقوقی و کیفری
۲۱.....	بخش دوم: دعوای خصوصی
۲۱.....	فصل اول: حیثیت (جنبه) عمومی و خصوصی جرائم
۲۲.....	فصل دوم: دعوای خصوصی در مرجع کیفری
۲۲.....	مبحث اول: مفهوم بزه دیده، شاکی و مدعی خصوصی
۲۳.....	مبحث دوم: انواع ضرر و زیان قابل مطالبه ناشی از جرم
۲۴.....	مبحث سوم: امکان سنجی طرح دعوای خصوصی در مرجع کیفری
۲۴.....	مبحث چهارم: شرایط طرح دعوای خصوصی در مرجع کیفری
۲۴.....	گفتار اول: در جریان بودن دعوای عمومی
۲۵.....	گفتار دوم: لزوم تقدیم دادخواست
۲۵.....	گفتار سوم: استثنائات لزوم تقدیم دادخواست
۲۸.....	گفتار چهارم: رعایت مهلت تقدیم دادخواست
۲۸.....	مبحث پنجم: دعوای خصوصی در دادگاه نظامی
۲۹.....	بخش سوم: دعوای عمومی
۲۹.....	فصل اول: دادرسی و حدود صلاحیت آن
۲۹.....	مبحث اول: ویژگی‌های دادرسی
۲۹.....	گفتار اول: سلسله مراتب
۲۹.....	گفتار دوم: وحدت دادرسی
۳۰.....	گفتار سوم: استقلال دادرسی
۳۰.....	گفتار چهارم: قابل رد بودن مقامات دادرسی

۳۰	گفتار پنجم: عدم مسئولیت
۳۱	مبحث دوم: تشکیلات دادسرا
۳۱	گفتار اول: دادسرای دیوان عالی کشور
۳۴	گفتار دوم: دادسرای عمومی و انقلاب
۳۵	گفتار سوم: دادسرای ویژه روحانیت
۳۵	گفتار چهارم: دادسرای نظامی
۳۶	مبحث سوم: دادسرا؛ از تکلیف تا اختیار تعقیب
۳۶	گفتار اول: اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب
۳۶	گفتار دوم: اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن یا مقتضی بودن تعقیب
۳۶	فصل دوم: جهات قانونی شروع به تعقیب
۳۶	مبحث اول: اقرار متهم
۳۸	مبحث دوم: شکایت شاکی
۳۸	مبحث سوم: وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس
۳۹	مبحث چهارم: اعلام جرم توسط دیگران
۳۹	گفتار اول: توسط اشخاص عادی
۳۹	گفتار دوم: توسط مقامات رسمی غیر از ضابطین
۴۱	گفتار سوم: توسط سازمان‌های مردم نهاد
۴۲	مبحث پنجم: گزارش ضابطین دادگستری
۴۲	گفتار اول: مفهوم ضابط دادگستری
۴۲	گفتار دوم: انواع ضابطین دادگستری
۴۴	گفتار سوم: ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری
۴۵	گفتار چهارم: وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری
۴۹	فصل سوم: شروط و موانع تعقیب
۴۹	مبحث اول: شروط خاص تعقیب برخی جرائم
۴۹	گفتار اول: لزوم شکایت شاکی خصوصی
۵۱	گفتار دوم: لزوم تحصیل اجازه از برخی مقامات
۵۱	مبحث دوم: موانع تعقیب دعوای عمومی
۵۱	گفتار اول: مصونیت‌ها
۵۳	گفتار دوم: اناطه
۵۴	گفتار سوم: جنون متهم
۵۷	فصل چهارم: سقوط دعوای عمومی
۵۸	مبحث اول: جهات شخصی سقوط دعوای عمومی
۵۸	گفتار اول: فوت متهم یا محکوم علیه

۵۹	گفتار دوم: گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت
۶۱	گفتار سوم: شمول عفو
۶۲	گفتار چهارم: توبه
۶۴	مبحث دوم: جهات عینی سقوط دعوای عمومی
۶۴	گفتار اول: نسخ قانون
۶۵	گفتار دوم: اعتبار امر مختوم
۶۷	گفتار سوم: مرور زمان
۷۲	گفتار چهارم: اعمال قاعده درء
۷۳	فصل پنجم: تحقیقات مقدماتی
۷۳	مبحث اول: ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی
۷۳	گفتار اول: کتبی بودن
۷۴	گفتار دوم: غیرترافی بودن
۷۴	گفتار سوم: غیرعلنی بودن
۷۴	گفتار چهارم: محرمانه بودن
۷۵	مبحث دوم: حقوق اصحاب دعوای کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی
۷۵	گفتار اول: حقوق شاکی (بزه دیده)
۸۴	گفتار دوم: حقوق متهم
۹۰	مبحث سوم: مرجع تحقیقات مقدماتی و صلاحیت محلی
۹۰	گفتار اول: مرجع تحقیقات مقدماتی
۹۰	گفتار دوم: صلاحیت محلی
۹۱	مبحث چهارم: موارد عدم انجام تحقیقات در دادسرا
۹۲	گفتار اول: جرائم افراد کمتر از پانزده سال
۹۲	گفتار دوم: جرائم منافی عفت
۹۳	گفتار سوم: جرائم تعزیری درجه هفتم و هشتم
۹۴	گفتار چهارم: جرائم کیفری دو در صلاحیت دادگاه بخش
۹۵	گفتار پنجم: جرائم رییس جمهور
۹۵	گفتار ششم: جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی
۹۷	مبحث پنجم: اقدامات تحقیقی
۹۷	گفتار اول: تحقیق از شاکی
۹۸	گفتار دوم: تحقیق از شاهد و مطلع
۱۰۰	گفتار سوم: تحقیق از متهم
۱۰۷	گفتار چهارم: اعطای مهلت به متهم و ارجاع به میانجیگری
۱۰۸	گفتار پنجم: تفتیش اماکن، بازرسی اشیاء

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۱۱۰.....	گفتار ششم: معاینه محل و تحقیقات محلی
۱۱۲.....	گفتار هفتم: تشکیل پرونده شخصیت
۱۱۲.....	گفتار هشتم: جلب نظر کارشناس
۱۱۴.....	گفتار نهم: نیابت قضایی
۱۱۵.....	گفتار دهم: تأمین خواسته
۱۱۷.....	مبحث ششم: قرارهای تأمین کیفری
۱۱۸.....	گفتار اول: قواعد مشترک حاکم بر قرارهای تأمین کیفری
۱۱۹.....	گفتار دوم: انواع قرارهای تأمین
۱۳۳.....	مبحث هفتم: قرارهای نظارت قضایی
۱۳۳.....	گفتار اول: انواع قرارهای نظارت قضایی
۱۳۴.....	گفتار دوم: مدت و ضمانت اجرای قرارهای نظارت قضایی
۱۳۵.....	مبحث هشتم: جبران خسارت
۱۳۶.....	مبحث نهم: پایان اعتبار قرارهای تأمین
۱۳۷.....	مبحث دهم: قرارهای نهایی
۱۳۹.....	گفتار اول: قرار منع تعقیب
۱۳۹.....	گفتار دوم: قرار موقوفی تعقیب
۱۳۹.....	گفتار سوم: قرار بایگانی پرونده
۱۴۰.....	گفتار چهارم: قرار توقف تحقیقات
۱۴۰.....	گفتار پنجم: قرار جلب به دادرسی
۱۴۱.....	مبحث یازدهم: کیفرخواست
۱۴۱.....	گفتار اول: کیفرخواست کتبی
۱۴۲.....	گفتار دوم: کیفرخواست شفاهی
۱۴۲.....	مبحث دوازدهم: اختلاف نظر بین دادستان و بازپرس یا دادستان و دادیار
۱۴۲.....	گفتار اول: اختلاف بین دادستان و دادیار
۱۴۲.....	گفتار دوم: اختلاف بین دادستان و بازپرس
۱۴۶.....	مبحث سیزدهم: قرارهای قابل اعتراض در مرحله تحقیقات مقدماتی
۱۴۶.....	گفتار اول: قرارهای قابل اعتراض از ناحیه شاکی
۱۴۸.....	گفتار دوم: قرارهای قابل اعتراض از ناحیه متهم
۱۵۲.....	گفتار سوم: سایر تصمیمات قابل اعتراض
۱۵۳.....	گفتار چهارم: قرارهای غیرقابل اعتراض
۱۵۳.....	مبحث چهاردهم: نحوه رسیدگی اعتراض به قرارها و نیز حل اختلاف بین دادستان و بازپرس
۱۵۴.....	مبحث پانزدهم: وظایف و اختیارات دادستان در تحقیقات مقدماتی
۱۵۵.....	گفتار اول: نظارت بر روند تحقیق

گفتار دوم: انصراف از ادامه تعقیب.....	۱۵۵
مبحث شانزدهم: تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان.....	۱۵۷
بخش چهارم: صلاحیت مراجع در امور کیفری.....	۱۵۹
فصل اول: قواعد عمومی صلاحیت مراجع رسیدگی.....	۱۵۹
مبحث اول: انواع صلاحیت.....	۱۵۹
گفتار اول: صلاحیت ذاتی.....	۱۵۹
گفتار دوم: صلاحیت محلی.....	۱۶۰
گفتار سوم: صلاحیت شخصی.....	۱۶۲
مبحث دوم: استثنائات قواعد صلاحیت.....	۱۶۲
گفتار اول: صلاحیت اضافی.....	۱۶۲
گفتار دوم: احاله.....	۱۶۵
گفتار سوم: صلاحیت انحصاری در دادگاههای مرکز استان یا پایتخت.....	۱۶۶
مبحث سوم: تعارض صلاحیت و حل اختلاف آن.....	۱۶۸
مبحث چهارم: ضمانت اجرای قواعد صلاحیت.....	۱۶۹
فصل دوم: صلاحیت اختصاصی هر یک از مراجع رسیدگی.....	۱۷۰
مبحث اول: مراجع رسیدگی نخستین.....	۱۷۰
گفتار اول: مراجع عمومی رسیدگی.....	۱۷۰
گفتار دوم: مراجع اختصاصی رسیدگی.....	۱۷۳
مبحث دوم: مراجع رسیدگی مجدد.....	۱۹۲
گفتار اول: قبل از قطعیت حکم.....	۱۹۲
گفتار دوم: بعد از قطعیت حکم.....	۱۹۳
بخش پنجم: نحوه رسیدگی.....	۱۹۷
فصل اول: رسیدگی بدوی.....	۱۹۷
مبحث اول: با کیفرخواست.....	۱۹۹
گفتار اول: کیفرخواست کتبی.....	۱۹۹
گفتار دوم: کیفرخواست شفاهی.....	۲۰۲
مبحث دوم: بدون کیفرخواست.....	۲۰۲
گفتار اول: بدون تحقیق در دادسرا.....	۲۰۲
گفتار دوم: پس از تحقیق در دادسرا.....	۲۰۴
فصل دوم: رسیدگی مجدد.....	۲۰۵
مبحث اول: رسیدگی به واخواهی از حکم غیابی.....	۲۰۶

۲۰۶.....	گفتار اول: حکم غیابی
۲۰۷.....	گفتار دوم: واخواهی از حکم غیابی و رسیدگی مجدد
۲۰۸.....	مبحث دوم: رسیدگی به اعتراض به حکم حضوری
۲۱۰.....	گفتار اول: رسیدگی تجدیدنظر
۲۱۱.....	گفتار دوم: رسیدگی فرجامی
۲۱۲.....	فصل سوم: رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان
۲۱۲.....	مبحث اول: تشکیلات
۲۱۳.....	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان
۲۱۴.....	بخش ششم: ادله اثبات دعوی در امور کیفری
۲۱۴.....	فصل اول: اهمیت دلیل در امور کیفری و تکلیف ارائه آن
۲۱۵.....	فصل دوم: ارزیابی دلایل
۲۱۶.....	فصل سوم: مهم‌ترین دلایل اثبات در امور کیفری
۲۱۹.....	بخش هفتم – اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی
۲۱۹.....	فصل اول: کلیات
۲۲۲.....	فصل دوم: اجرای مجازات حبس
۲۲۵.....	فصل سوم: اجرای محکومیت‌های مالی
۲۲۷.....	فصل چهارم: اجرای سایر احکام کیفری
۲۲۸.....	فصل پنجم: اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی
۲۳۰.....	بخش هشتم – هزینه دادرسی
۲۳۲.....	بخش نهم – سایر مقررات
۲۳۲.....	بخش دهم – آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح
۲۳۲.....	فصل اول: کلیات
۲۳۳.....	فصل دوم: تشکیلات دادرسی و دادگاه‌های نظامی
۲۳۶.....	فصل سوم: صلاحیت
۲۳۷.....	فصل چهارم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی
۲۴۰.....	فصل پنجم: وکالت در دادرسی و دادگاه نظامی
۲۴۱.....	فصل ششم: ترتیب رسیدگی، صدور و ابلاغ رأی
۲۴۲.....	فصل هفتم: تجدید نظر و اعاده دادرسی
۲۴۲.....	فصل هشتم: اجرای احکام

۲۴۳.....	فصل نهم: زندان ها و بازداشتگاه های نظامی
۲۴۴.....	بخش یازدهم: دادرسی الکترونیکی.....
۲۴۵.....	بخش دوازدهم: آیین دادرسی جرائم رایانه ای
۲۴۸.....	بخش سیزدهم: آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی.....

بخش اول – کلیات

فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری

۱ - در معنای عام: آیین دادرسی کیفری شاخه‌ای از حقوق عمومی داخلی است و فقط در دادگاه‌های داخلی لازم‌الاجراست و روش‌های رسیدگی به پرونده‌های کیفری را به ما می‌آموزد. شامل کلیه ترتیبات و قواعدی که در زمینه کشف جرم، تحقیق و تعقیب آن و اجرای حکم کیفری وضع شده است.

۲ - در معنای خاص: چون دادرسی به معنی اخص آن فقط به مرحله دادگاه محدود می‌شود و دادسرا را شامل نمی‌شود، لذا فقط قواعدی که در دادرسی‌های جزایی از زمان صدور کیفرخواست تا تاریخ صدور حکم قطعی در دادگاه باید رعایت شود را شامل می‌شود.

۳ - تعریف قانونی: مطابق ماده ۱ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ "مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود."

نکته: در این تعریف به قواعد ناظر بر صلاحیت مراجع کیفری و قواعد ناظر بر ادله اثبات دعوی کیفری اشاره نشده است.

نکته: متهم یعنی شخصی که ادعا شده است که جرمی را مرتکب شده و لذا در این تعریف به درستی از عبارت "تعقیب متهم" استفاده شده است تا در پناه اصل برائت، برای فرد تحت تعقیب، از عنوان "مجرم" استفاده نگردد.

۴ - بر اساس تعریف قانونی آیین دادرسی کیفری؛ **مراحل عدالت کیفری عبارتند از:**

- **کشف جرم:** اصولاً توسط ضابطین دادگستری به عمل می‌آید.
- **تعقیب متهم:** اصولاً در دادسرا و توسط دادستان یا دادیار به عمل می‌آید. مگر مواردی که مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود و نیز حوزه قضایی بخش که وظایف دادسرا را دادگاه انجام می‌دهد.
- **تحقیقات مقدماتی:** اصولاً در دادسرا و توسط بازپرس به عمل می‌آید. مگر ۱- با جمع شرایط مذکور در ماده ۹۲ ق.آ.د.ک که در این صورت دادیار نیز می‌تواند تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. ۲- مواردی که مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود و نیز حوزه قضایی بخش که وظایف دادسرا را دادگاه انجام می‌دهد.
- **رسیدگی (محاکمه):** اعم از بدوی و تجدیدنظر؛ در دادگاه به عمل می‌آید.
- **اجرای حکم:** معمولاً در دادسرا به عمل می‌آید. مگر در موارد خاص مثل: حوزه قضایی بخش که دادسرا ندارد و وظیفه اجرای حکم را نیز دادگاه انجام می‌دهد.

۵ - **اهداف آیین دادرسی کیفری عبارتند از:**

- اعاده نظم اجتماعی لطمه دیده از جرم.
- حفظ حقوق و آزادی‌های افراد؛ بالأخص متهم.

فصل دوم: اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری

۶ - آیین دادرسی کیفری تابع اصولی است که لازمه یک دادرسی منصفانه و دقیق بوده و بر قواعد و مقررات آن حاکمیت دارند. لذا در تصویب، تفسیر و اجرای مقررات آیین دادرسی کیفری باید رعایت گردند.

این اصول عبارتند از:

- اصل قانونی بودن دادرسی
- اصل تضمین حقوق طرفین
- اصل تساوی افراد در برابر قانون.

ماده ۲ ق.آ.دک: "دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می گیرند، به صورت یکسان اعمال شود."

- اصل بی طرفی و استقلال مقام قضایی.

ماده ۳ ق.آ.دک: "مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند."

ماده ۹۳ ق.آ.دک: "بازپرس باید در کمال بی طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد."

ماده ۲۸۲ ق.آ.دک: "دادستان نمی تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می شود به دادگاه اعلام کند."

- اصل برائت و حفظ کرامت و حیثیت انسان.
- اصل عدم جواز ورود به حریم خصوصی اشخاص.

اصل ۳۷ ق.ا: "اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد."

ماده ۴ ق.آ.دک: "اصل، برائت است هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند."

• اصل سریع بودن فرایند دادرسی.

ماده ۳ ق.آ.دک: "مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند."

ماده ۹۴ ق.آ.دک: "تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست."

ماده ۹۵ ق.آ.دک: "بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورد و در تحصیل و جمع آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند."

• اصل لزوم آگاهی متهم از اتهام در اسرع وقت.

• اصل دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی در اسرع وقت.

ماده ۵ ق.آ.دک: "متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود."

• اصل آگاهی متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی ربط در پرونده از حقوق خود.

ماده ۶ ق.آ.دک: "متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود."

• اصل ترافعی بودن دادرسی.

ماده ۳۵۹ ق.آ.دک: "رسیدگی در دادگاه به صورت ترافعی و به ترتیب زیر انجام می شود:

الف- قرائت کیفرخواست توسط منشی دادگاه یا استماع عقیده دادستان یا نماینده وی در مواردی که طبق قانون، پرونده با بیان ادعای شفاهی در دادگاه مطرح شده است.

ب- استماع اظهارات و دلایل دادستان یا نماینده وی که برای اثبات اتهام انتسابی ارائه می شود.

پ- استماع اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی که شخصاً یا از سوی وکلای آنان بیان می شود.

ت- پرسش از متهم راجع به قبول یا رد اتهام انتسابی و استماع دفاعیات متهم و وکیل او، که عیناً توسط منشی در صورت مجلس قید می شود.

ث- در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در صحت اقرار، دادگاه شروع به تحقیقات از متهم می کند و اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره ای که دادستان یا شاکی، مدعی خصوصی، متهم و یا وکیل آنان معرفی می کنند، استماع می نماید.

ج- بررسی وسایل ارتکاب جرم و رسیدگی به سایر ادله ابرازی از سوی طرفین و انجام هر نوع تحقیق و اقدامی

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

که دادگاه برای کشف واقع، ضروری تشخیص می‌دهد."

• اصل رعایت حقوق شهروندی در تمام مراحل دادرسی.

ماده ۷ ق.آ.دک: "در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

فصل سوم: رابطه آیین دادرسی کیفری با آیین دادرسی مدنی

۷ - وجه شباهت: هم محتوای آیین دادرسی کیفری و هم آیین دادرسی مدنی؛ در خصوص آیین رسیدگی و دادرسی می‌باشد.

۸ - وجه اختلاف آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی عبارتند از:

• در آیین دادرسی کیفری موضوع رسیدگی، جنبه عمومی دعوا می‌باشد؛ ولی در آیین دادرسی مدنی موضوع رسیدگی، جنبه خصوصی دعوا می‌باشد.

• قاضی کیفری به منظور اجرای عدالت ملزم به شناخت شخصیت بزهکار بوده؛ ولی قاضی حقوقی نیازی به شناخت اصحاب دعوا ندارد.

• دادستان در دعاوی کیفری اصولاً حق هیچ گونه صلح و سازش با متهم را ندارد؛ ولی دعاوی حقوقی متعلق به اصحاب دعوا می‌باشد و تعقیب یا انصراف از آن به ایشان سپرده شده است.

• در دعاوی کیفری، بار دلیل بر عهده شاکی یا دادستان است و متهم با رعایت اصل برائت موظف به اثبات بی گناهی خود نیست؛ ولی در دعاوی حقوقی، تحصیل و ارائه دلیل بر عهده مدعی است. (البینه علی المدعی) اعم از اینکه مدعی خواهان یا خوانده باشد.

۹ - با جمع سه شرط می‌توان از مقررات آیین دادرسی مدنی در آیین دادرسی کیفری استفاده کرد:

• قانون آیین دادرسی کیفری ساکت باشد.

• مقررات آیین دادرسی مدنی مغایر اصول مسلم دادرسی کیفری نباشد.

• مقررات آیین دادرسی مدنی کلی و عام الشمول باشد.

۱۰ - در چند مورد نیز مقنن در آیین دادرسی کیفری، خودش صراحتاً ما را به قانون آیین دادرسی مدنی ارجاع داده است. از جمله:

• مقررات ناظر بر ابلاغ اوراق قضایی.

ماده ۱۷۷ ق.آ.د. ک: "سایر ترتیبات و قواعد ابلاغ احضاریه و دیگر اوراق قضایی بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی صورت می‌گیرد."

• مقررات ناظر بر حل اختلاف در صلاحیت مراجع کیفری.

ماده ۳۱۷ ق.آ.د. ک: "حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری، مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است و حل اختلاف بین دادرها مطابق قواعد حل اختلاف دادگاه‌هایی است که دادرها در معیت آن قرار دارد."

- تشریفات رسیدگی به دعوای خصوصی.

ماده ۱۵ ق.آ.د. ک: "پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است."

- تشریفات تجدیدنظر یا فرجام خواهی نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم.

ماده ۴۳۶ ق.آ.د. ک: "تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی طرفین راجع به جنبه کیفری رأی با درخواست کتبی و پرداخت هزینه دادرسی مقرر صورت می گیرد و نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم، مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی مطابق قانون آیین دادرسی مدنی است."

تبصره- تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی محکوم علیه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم به صورت توأمان، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی در امر حقوقی و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست."

۱۱ - در مواردی مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری ما را صراحتاً به قانون اجرای احکام مدنی ارجاع داده است. از جمله:

- اجرای تأمین خواسته.

ماده ۱۰۹ ق.آ.د. ک: "قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ، اجراء می شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجراء موجب تضییع خواسته می شود، ابتداء قرار تأمین، اجراء و سپس ابلاغ می شود. این موارد، فوراً به اطلاع دادستان می رسد. قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی در اجرای احکام کیفری دادسرای مربوط اجراء می شود."

- اعتراض ثالث به تأمین خواسته.

ماده ۱۱۱ ق.آ.د. ک: "دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می کند."

- اجرای ضبط وثیقه یا اخذ وجه الكفاله یا وجه التزام.

ماده ۲۳۰ ق.آ.د. ک: "متهمی که برای او قرار تأمین صادر و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می شود و هرگاه ثابت شود بدون عذرموجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اختاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می شود. چنانچه متهم، کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اختاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان، حسب مورد، وجه الكفاله اخذ و یا از وثیقه، معادل وجه قرار، ضبط می شود. دستور دادستان پس از قطعیت، بدون صدور اجرائیه در اجرای احکام کیفری و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی اجراء می شود."

تبصره - مبلغ مازاد بر وجه قرار وثیقه، پس از کسر هزینه‌های ضروری مربوط به اجرای دستور، به وثیقه‌گذار مسترد می‌شود."

• نحوه توقیف یا فروش اموال متهم یا مجرم.

تبصره ماده ۵۳۷ ق.آ.د. ک: "...تبصره - چنانچه اجرای دستور یا رأی در موارد فوق مستلزم توقیف و یا فروش اموال باشد، انجام عملیات مذکور مطابق مقررات اجرای احکام مدنی است."

• نحوه خلعید در دعوی تصرف عدوانی.

ماده ۵۵۰ ق.آ.د. ک: "اجرای احکام رفع تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی است."

فصل چهارم: خصوصیات آیین دادرسی کیفری

۱۲ - قانون آیین دادرسی کیفری جزو قوانین شکلی است.

• قوانین ماهوی: قوانینی هستند مربوط به ماهیت و محتوای دعاوی. به عبارت دیگر، قوانین ماهوی عملاً به ذات دعوی می‌پردازد و تمامی آرای صادره نیز بر اساس همین قوانین است.

• قوانین شکلی: قوانینی هستند مربوط به تشریفات و شکل رسیدگی به دعاوی. در حقیقت قوانین شکلی به مفاهیمی مانند: نهاد قضایی رسیدگی کننده به دعوی، روند دادرسی، ابزارهای مورد استفاده در هر دعوی، زمان رسیدگی به دعوی، امکان تجدیدنظرخواهی و موارد دیگر از این قبیل می‌پردازد و به نوعی پروتکل‌های لازم برای هر دعوی و اجرای قوانین ماهوی مربوط به دعوی را بیان می‌کند.

۱۳ - ویژگی‌های قوانین شکلی عبارتند از:

الف - قوانین شکلی عطف بماسبق می‌شوند:

یکی از نتایج مهم اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی است. بدین معنی که اثر هر قانون نسبت به آینده است. بدین معنی که هر قانون جدیدی که وضع می‌شود فقط در خصوص رفتارهای ارتكابی بعد از تاریخ لازم الاجرا شدنش کاربرد دارد. اصطلاحاً گفته می‌شود قانون اثر قهقرائی ندارد و تأثیر آن نسبت به آینده است.

نکته: بر قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی استثنائاتی به شرح ذیل وجود دارد:

• مواردی که قانونگذار خودش تصریح کرده است؛ همیشه عطف به ماسبق می‌شود.

مثال: ماده ۳۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ "اگر مجنی علیه یا همه اولیای دم یا برخی از آنان، صغیر یا مجنون باشند، ولی آنان با رعایت مصلحتشان حق قصاص، مصالحه و گذشت دارد و همچنین می‌تواند تا زمان بلوغ یا افاقه آنان منتظر بماند. اگر برخی از اولیای دم، کبیر و عاقل و خواهان قصاص باشند، می‌توانند مرتکب را قصاص کنند لکن در صورتی که ولی صغیر یا مجنون خواهان اداء یا تأمین سهم دیه مولی علیه خود از سوی آنها باشد باید مطابق خواست او عمل کنند. مفاد این ماده در مواردی که حق قصاص به علت مرگ مجنی علیه یا ولی دم به ورثه آنان منتقل می‌شود نیز جاری است این حکم در مورد جنایاتی که پیش از لازم‌الاجراء شدن این قانون واقع شده است نیز جاری است."

مثال: ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ (کتاب تعزیرات) "هرکس نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را به جای اثر اصلی بسازد یا آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش، معرفی، حمل یا نگهداری کند یا با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می‌شود.

تبصره ۱- نمونه تقلبی به اشیائی اطلاق می‌گردد که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل بوده یا بدون آن که نمونه اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

تبصره ۲- چنانچه شیء تقلبی نمونه اصلی نداشته باشد، ارزش آن به فرض وجود توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می‌گردد.

تبصره ۳- اشیاء مکشوفه موضوع این ماده به نفع سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ضبط می‌گردد. حکم این تبصره شامل اشیائی که قبل از لازم الاجراء شدن این قانون ضبط شده نیز می‌گردد.

• **قوانین تفسیری** همیشه عطف به ماسبق می‌شوند؛ چرا که در حقیقت مقرره جدیدی وضع نشده، بلکه قانون جدید به منظور رفع ابهام از قانون جاری تصویب شده است.

• جرائم **حدود قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی** همیشه عطف به ماسبق می‌شوند.

• قانون جدید به هر دایره مساعدت به حال مرتکب باشد.

- قانون جدید مجازات را به اتمام تعلیمی تربیتی تبدیل کرده باشد.

- قانون جدید میزان مجازات جرم ارتكابی را تخفیف داده باشد.

- قانون جدید عامل مشدده قانون سابق را حذف کرده باشد.

- قانون جدید مجازات تکمیلی جرمی را حذف کرده باشد.

- قانون جدید مجازات تبعی جرمی را به مجازات تکمیلی تبدیل کرده باشد.

- قانون جدید جرم غیر قابل گذشتی را قابل گذشت اعلام کرده باشد.

- قانون جدید جرم مطلق را به مقید به نتیجه تبدیل کرده باشد.

- قانون جدید تخفیف اختیاری مجازات را به تخفیف الزامی مجازات تبدیل کرده باشد.

- قانون جدید نهادهای ارفاقی و مساعدی را برای مرتکب در نظر گرفته باش. با لازم الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری،

مجازات بزه آدم ربایی که حبس تعزیری درجه سه (پنج تا پانزده سال) بود تخفیف و حسب مورد به حبس تعزیری درجه پنج (دو تا پنج سال)

یا درجه چهار (پنج تا ده سال) تبدیل شده که مبنی بر تخفیف مجازات است.

مثال: با لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲؛ در تعدد جرم؛ قاعده جمع مجازات‌ها جای خود را به قاعده اعمال مجازات اشد داد و بدین ترتیب، قانون جدید مساعدتر به حال مرتکب شد.

• قانون جدید مبنی بر عدم اجرای مجازات باشد **(قانون جرم زدا)** به عبارتی قانونی وضع می‌شود که مجازات جرمی را از بین می‌برد و به عبارتی آن را نسخ می‌کند.

• **قانون سحلی** (موارد مندرج در بندهای الف تا ت ماده ۱۱ همین قانون) مگر به تصریح قانون یا مخالف حقوق مکتسبه متهم باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۱۱ ق.م.ا: "قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت

ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم.

پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی.

ت- قوانین مربوط به مرور زمان.

تبصره- در صورتی که در مورد بند (ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می شود.

ب- تفسیر موسع در قوانین شکلی پذیرفته شده است:

چرا که تأثیری در محکومیت و مجازات ندارد و چنین تفسیری در واقع به خاطر بهبود و تسریع در رسیدگی خواهد بود.

پ- قیاس در قوانین شکلی پذیرفته شده است:

البته فقط در صورتی که به نفع متهم باشد.

فصل پنجم: منابع آیین دادرسی کیفری

۱۴ - منابع آ.د.ک به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می شوند:

الف: منابع اصلی عبارتند از:

- قانون: اعم از قانون اساسی و قوانین عادی
- معاهدات بین المللی:

ماده ۹ قانون مدنی: "مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است."

- آرای وحدت رویه یا رویه قضایی به معنای خاص:

ماده ۴۷۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاهها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها یا دادستانها یا وکلای دادگستری نیز می توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیأت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می شود تا موضوع مورد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیرن لازمالاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی اثر است. در صورتی که رأی، اجراء نشده یا در حال اجراء باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عمل انتسابی برهم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد، رأی هیأت عمومی نسبت به آرای مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می شود.

ماده ۴۷۲ ق.آ.د. ک: "در کلیه مواردی که هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی و یا رسیدگی به آراء اصراری و یا انجام سایر وظایف قانونی تشکیل می گردد، باید با حضور دادستان کل یا نماینده وی باشد. قبل از اتخاذ تصمیم، دادستان کل یا نماینده وی، اظهار نظر می کند."

ماده ۴۷۳ ق.آ.د. ک: "آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق ماده (۴۷۱) این قانون صادر می شود، قابل تغییر است."

ب: منابع فرعی عبارتند از:

- عرف.
- رویه قضایی به معنای عام.
- نظریه علمای حقوق (دکترین حقوقی).
- منابع و فتاوی معتبر فقهی.

فصل ششم: نظام های دادرسی کیفری

الف: نظام دادرسی اتهامی

۱۵ - اولین و قدیمی ترین شیوه دادرسی کیفری به شمار می آید که ویژگی های آن عبارتند از:

- لزوم طرح شکایت بزه دیده برای محاکمه و مجازات مرتکب: این دوران هنوز تحت تأثیر ایده انتقام بوده، جامعه حقی مستقل از بزه دیده برای خود قائل نبوده و مجازات جبهه جبران خسارت داشته است.
- علنی بودن دادرسی.
- شاهی بودن محاکمه.
- ترافعی بودن دادرسی: همانند دادرسی های حقوقی الان، ساقی و متهم در مقام خوانده و خواهان قرار داشتند.

۱۶ - مزیت این نظام: تأمین حقوق دفاعی متهم به دلیل ترافعی و علنی بودن دادرسی.

عیب این نظام: عدم تأمین منافع جامعه به دلیل لزوم دخالت زیان دیده برای تعقیب و محدود بودن قاضی به قبول دلایل از پیش تعیین شده می باشد. شفاهی بودن دادرسی نیز عیب دیگر این نظام می باشد.

ب: نظام دادرسی تفتیشی

۱۷ - ویژگی‌های این نظام عبارتند از:

- وجود مرجعی برای تعقیب و تقاضای محاکمه متهم، صرف نظر از شکایت یا عدم شکایت بزه دیده.
- غیر علنی بودن دادرسی.
- کتبی بودن محاکمه.
- غیر ترافعی بودن دادرسی. (طرفین دادرسی، متهم و قاضی به عنوان نماینده جامعه می‌باشند).

۱۸ - مزیت این نظام: دفاع از حقوق جامعه بوده است.

عیب این نظام: اختیارات بسیار قاضی برای گرفتن اقرار و حقوق اندک متهم بوده که به دلیل غیر علنی بودن و غیر ترافعی بودن، حقوق متهم در معرض تعرض قاضی قرار داشته و حمایت کافی از وی صورت نمی‌پذیرفت.

ج: نظام دادرسی مختلط

۱۹ - در این نظام در مرحله تحقیق که نیاز به سرعت و دقت و جمع آوری دلایل و جلوگیری از محو آثار جرم، بیشتر وجود دارد از نظام تفتیشی استفاده می‌شده؛ به نحوی که مرجعی مستقل به نمایندگی از جامعه امر تعقیب را برعهده داشته است. ولیکن در مرحله محاکمه در دادگاه از نظام اتهامی استفاده می‌شده و در این مرحله رسیدگی‌ها ترافعی و علنی بوده است.

د: نظام دادرسی اسلامی

۲۰ - ویژگی‌های این نظام عبارتند از:

- جرائم از لحاظ تعقیب به دو دسته حق الله و حق الناس تقسیم شده‌اند. تعقیب و محاکمه جرائم حق الناس منوط به شکایت بزه دیده است. ولی تعقیب و محاکمه جرائم حق اللهی منوط به شکایت نمی‌باشد.
- عدم تفکیک مرحله تحقیق از محاکمه. قاضی، خود نهاده‌دار تحقیق، جمع آوری دلایل، محاکمه و صدور حکم است.
- اصل وحدت قاضی: طبق این اصل، یک قاضی به امور تحقیق، دادرسی، صدور حکم و اجرای حکم رسیدگی می‌کند.
- علنی بودن دادرسی.
- یک درجه‌ای (یک مرحله‌ای) بودن دادرسی: که البته به منظور جلوگیری از اشتباهات احتمالی در موارد استثنایی امکان بازنگری وجود دارد.

فصل هفتم: دعوای حقوقی و کیفری

۲۱ - دعوای حقوقی و کیفری از جهاتی با یکدیگر متفاوت هستند:

الف - اختلاف در هدف: هدف دعوای حقوقی؛ جبران خسارت ولی هدف دعوای کیفری؛ اعاده نظم اجتماعی است.

ب - اختلاف در موضوع: موضوع دعوای حقوقی؛ مالی و شخصی ولی موضوع دعوای کیفری؛ جرم است.

ج - اختلاف در ضمانت اجرا: ضمانت اجرای دعوای حقوقی؛ پرداخت خسارت، الزام به انجام تعهد، فسخ یا بطلان معامله ولی ضمانت اجرای دعوای کیفری؛ مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

د- اختلاف در مرجع رسیدگی: مرجع رسیدگی به دعاوی حقوقی؛ مراجع و محاکم حقوقی ولی مرجع رسیدگی به دعاوی کیفری؛ دادسرا و محاکم کیفری است.

ه- اختلاف در ادله اثبات دعوی: ادله اثبات در دعاوی حقوقی؛ موضوعیت دارد. (یعنی قاضی موظف به تبعیت است) ولی در دعاوی کیفری؛ هم موضوعیت و هم طریقیّت دارد. (یعنی در حقیقت علم قاضی در طول سایر ادله است و اگر علم قاضی با سایر ادله در تضاد قرار گیرد، علم قاضی اولویت دارد).

و- اختلاف در اصحاب دعوی: در دعاوی حقوقی؛ خواهان و خوانده را داریم. دعاوی حقوقی متعلق به اشخاص است. لذا خواهان می تواند از طرح دعوی صرف نظر کند و یا در هر زمان با خوانده دعوی مصالحه کند و یا دادخواست یا دعوی خود را مسترد نماید ولی اصحاب در دعاوی کیفری؛ دادستان و متهم بوده و دعوی کیفری متعلق به جامعه است. لذا دادستان (طبق قاعده قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب)، مکلف به تعقیب همه جرائم است و اصولاً نمی تواند از تعقیب دعوی صرف نظر کند و یا با بزهکار مصالحه کند و یا پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، آن را مسترد کند.

ماده ۲۸۲ ق.آ.د. ک: "دادستان نمی تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می شود به دادگاه اعلام کند."

۲۲ - در راستای تعدیل قاعده قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب، با حصول شرایطی مقام قضایی می تواند به جای تعقیب، از جایگزین های آن استفاده کند. (قاعده مقتضی بودن یا متناسب بودن یا موقعیت داشتن تعقیب)

۲۳ - مهم ترین نهادهایی که در راستای قاعده مقتضی بودن یا متناسب بودن یا موقعیت داشتن تعقیب در قانون آ.د.ک پیش بینی شده است عبارتند از:

• قرار ترک تعقیب. ماده ۷۹ ق.آ.د. ک: "در جرائم قابل گذشت، شاکی می تواند تا قبل از صدور کیفرخواست، در خواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می کند. شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند."

• قرار بایگانی کردن پرونده.

ماده ۸۰ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری، در چه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می تواند پس از تفهیم اتهام با ملائمت رفع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم براء، استسرا، آزادی مشروط، قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است."

تبصره- مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرایمی که به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می شوند، دادگاه تجدیدنظر است"

• قرار تعلیق تعقیب.

ماده ۸۱ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکي وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش‌ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند:

الف- ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده.
ب- ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش‌ماه.
پ- خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک‌سال. ت- خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یک‌سال. ث- معرفی خود در زمان‌های معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک‌سال. ج- انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام‌المنفعه با تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک‌سال. چ- شرکت در کلاس‌ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یک‌سال. ح- عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یک سال. خ- عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال. د- عدم ارتباط و ملاقات با شرکاء جرم و بزه‌دیده به تعیین دادستان، برای مدت معین.

ذ- ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش‌ماه.

تبصره ۱- در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا دستورهای مقام قضایی را اجراء نکند، قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه قرار تعلیق را ابقاء می‌کند. مرجع صادرکننده قرار مکلف است به مفاد این تبصره در قرار صادره تصریح کند.

تبصره ۲- قرار تعلیق تعقیب، ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

تبصره ۳- هرگاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر است، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سرگرفته می‌شود. مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود.

تبصره ۴- بازپرس می‌تواند در صورت وجود شرایط قانونی، اعمال مقررات این ماده را از دادستان درخواست کند.

تبصره ۵- در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه می‌تواند مقررات این ماده را اعمال کند. تبصره ۶- قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در واحد سجل کیفری ثبت می‌شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر، ترتیبات مندرج در قرار را رعایت ننماید، تعلیق لغو می‌گردد."

• اعطای مهلت به متهم.

ماده ۸۲ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می تواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه ای برای میانجی گری ارجاع دهد. مدت میانجی گری بیش از سه ماه نیست. مهلت های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می دهد. تبصره - بازپرس می تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجی گری را از دادستان تقاضا نماید."

بخش دوم: دعوای خصوصی

فصل اول: حیثیت (جنبه) عمومی و خصوصی جرائم

۲۴ - همه جرائم دارای جنبه الهی هستند. حیثیت (جنبه) عمومی جرائم، مربوط است به نقض هنجارهای اجتماعی و تجاوز به حقوق جامعه و نقض احکام الهی. در حالی که حیثیت (جنبه) خصوصی جرائم مربوط است به تجاوز و تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین. (ماده ۸ ق.آ.د. ک)

۲۵ - همه جرائم دارای حیثیت عمومی هستند. برخی جرائم یا حیثیت خصوصی ندارند مثل ولگردی و یا این که حیثیت خصوصی آنها کمتر از حیثیت عمومی اش است. مثل سرقت مسلحانه یا آدم ربایی. به این جرائم، جرائم دارای حیثیت عمومی یا جرائم غیر قابل گذشت گفته می شود. جرایمی که برای تعقیب نیاز به شکایت شاکی نداشته و در صورت شکایت، با گذشت شاکی تعقیب موقوف نمی شود. ۲۶ - برخی جرائم نه تنها حیثیت خصوصی دارند؛ بلکه حیثیت خصوصی آنها بیشتر از حیثیت عمومی اش است. مثل توهین. به این جرائم، جرائم دارای حیثیت خصوصی یا جرائم قابل گذشت گفته می شود. جرایمی که تعقیب آنها منوط به شکایت بزه دیده است و با گذشت شاکی، تعقیب موقوف می شود.

ماده ۱۲ ق.آ.د. ک: "تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می شود. تبصره - تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است."

۲۷ - همان گونه که از تبصره ماده ۱۲ ق.آ.د. ک نیز استنباط می شود؛ اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرائم است و تعیین جرائم قابل گذشت با قانون است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۲۸ - تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.

۲۹ - همه جرائم می‌توانند منجر به طرح دو دعوا شوند:

الف - دعوی عمومی: دعوایی است که دادسرا یا نهاد مشابه آن به نمایندگی از سوی جامعه و با هدف حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی علیه متهم طرح و تعقیب می‌کند.

ب - دعوی خصوصی: دعوایی است که با هدف جبران خسارت بزه دیده، به ضرر و زیان ناشی از جرم و پرداخت خسارت می‌پردازد. به عبارتی؛ دعوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم در مرجع کیفری و یا مطالبه کیفرهایی است که حق خصوصی بزه دیده می‌باشد. مانند حد قذف و قصاص.

۳۰ - وجوه افتراق دعوی خصوصی و دعوی عمومی:

- اختلاف در موضوع: موضوع دعوی خصوصی، مطالبه خسارات و موضوع دعوی عمومی، محکومیت متهم می‌باشد.
- اختلاف در هدف: هدف از طرح دعوی خصوصی، جبران خسارت و هدف از طرح دعوی عمومی، اعاده نظم عمومی می‌باشد.
- اختلاف در خاصیت: مدعی (خواهان) می‌تواند از دعوی خصوصی منصرف شود ولیکن دادستان حق ندارد از دعوی عمومی انصراف دهد.
- اختلاف در اصحاب دعوا: دعوی خصوصی می‌تواند علیه خوانده، وراث و افراد دارای مسئولیت مدنی طرح شود ولیکن دعوی عمومی فقط علیه متهم، شرکا و معاونین جرم (با رعایت اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری) قابل طرح می‌باشد.

فصل دوم: دعوی خصوصی در مرجع کیفری

مبحث اول: مفهوم بزه دیده، شاکی و مدعی خصوصی

۳۱ - بزه دیده: فردی است که به طور مستقیم از وقوع جرم ضرر کرده است.

شاکی: بزه دیده یا نماینده قانونی وی (اعم از وکیل دادگستری، ولی یا قیم محجور، وراث) است که تعقیب متهم از جهت دعوی عمومی را درخواست می‌کند.

مدعی خصوصی: شاکی‌ای که علاوه بر تقاضای تعقیب متهم، جبران ضرر و زیان ناشی از جرم را نیز از مرجع کیفری مطالبه می‌کند.

ماده ۱۰ ق.آ.د. ک: "بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود."

نکته: دادستان همواره مرجع و مقام تعقیب است و هیچ‌گاه شاکی محسوب نمی‌شود.

۳۲ - هر مدعی خصوصی لزوماً شاکی است اما هر شاکی لزوماً مدعی خصوصی نیست. (عموم و خصوص مطلق دارند)

مبحث دوم: انواع ضرر و زیان قابل مطالبه ناشی از جرم

۳۳ - قانونگذار در ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲، ضرر و زیان‌های ناشی از جرم را که قابل مطالبه هستند در سه دسته جای داده است:

الف- ضرر مادی: خساراتی است که بر جسم و مال اشخاص وارد می‌شود. در خصوص صدمات جسمانی، دیه و آرش مقرر شده که هدف اولیه از آنها جبران خسارت بزه دیده می‌باشد ولی در قانون ما به عنوان مجازات شناخته شده‌اند. گاهی اوقات هزینه‌های درمان صدمات جسمانی ناشی از جرم، از میزان دیه مقرر برای آن جرم بیشتر است. طبق رأی اصراری دیوان عالی کشور و قواعد لاضرر، تسبیب، اتلاف و این که دیه برای جبران خسارت مجنی علیه پرداخت می‌شود، باید صدور حکم بر خسارت مازاد بر دیه را پذیرفت. اما امروزه این موضوع اختلافی است.

نکته: قانونگذار در ماده ۵ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن، مرتکب را علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر در ماده ۱۴ ق.آ.د.ک، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه دیده نیز نموده است.

ماده ۵ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن: "در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر در ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه دیده می‌باشد. در صورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی کننده متمکن از پرداخت هزینه‌های درمان نباشد، هزینه‌های مربوطه از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود. تبصره ۱- سازمان بهزیستی کشور مکلف است با تشخیص قاضی رسیدگی کننده، به بزه دیدگان موضوع این قانون خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی ارائه کند. تبصره ۲- در مواردی که هزینه‌های موضوع این ماده و تبصره (۱)، از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و سازمان بهزیستی پرداخت می‌شود، صندوق یا سازمان بهزیستی می‌توانند برای دریافت هزینه‌های پرداخت شده به مرتکب رجوع کنند."

ب- ضرر معنوی: عبارت است از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی. این نوع ضررها قابل تقویم به پول نیستند، اما پرداخت پول به زیان دیده می‌تواند یکی از راه‌های جبران خسارت باشد. دادگاه در راستای جبران ضرر و زیان معنوی می‌تواند علاوه بر تعیین خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل: الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نیز محکوم نماید.

ج- منافع ممکن الحصول: منظور منافی است ناظر به آینده که سبب تحقق آنها موجود بوده و روند طبیعی امور منجر به حصول آنها می‌شده، ولی ارتکاب جرم، مانع تحقق این منافع برای شاکی گردیده است. مثلاً شخصی شاخه درخت متعلق به غیر را در حالی شکسته که شکوفه داشته است. هرچند در زمان وقوع جرم، درخت هنوز میوه نداشته ولی سبب تحقق میوه (شکوفه) موجود بوده و لذا در زمره منافع ممکن الحصول و قابل مطالبه تلقی می‌شود.

نکته: مطابق تبصره دو ماده ۱۴ ق.آ.د.ک:

اولاً: منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدیق اتلاف نماید. یعنی منافی که تلف شده باشد.

ثانیاً: منافع محتمل الحصول (عدم النفع) قابل مطالبه نمی‌باشد.

ثالثاً: خسارت معنوی و منافع ممکن‌الحصول در دیات و تعزیرات منصوص شرعی قابل مطالبه نیست ولی در قصاص و حد و تعزیرات غیر منصوص قابل مطالبه است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

مبحث سوم: امکان سنجی طرح دعوای خصوصی در مرجع کیفری

۳۴ - اصولاً دعوای خصوصی دعوی صرفاً حقوقی است که در مرجع حقوقی برای جبران خسارت مطرح می‌شود. اما اگر جرمی دارای هر دو جنبه عمومی و خصوصی باشد؛ امکان طرح دو دعوای عمومی و خصوصی فراهم می‌شود و هر دو دعوی در دادگاه جزایی قابل طرح می‌باشد.

۳۵ - مطابق ماده ۱۷ ق.آ.د. ک؛ دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آن که رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می‌کند.

نکته مهم: حتی در صورتی که دادگاه کیفری؛ قرار موقوفی تعقیب، منع تعقیب و یا حکم بر برائت متهم نیز صادر کند باز این تکلیف از وی رفع نشده و همچنان مکلف است در صورتی که دعوای خصوصی نزدش مطرح شده باشد، رسیدگی کند و رأی بدهد. (ماده ۲۰ ق.آ.د. ک)

۳۶ - طبق ماده ۹ ق.آ.د. ک؛ فقط دعوای مطالبه خسارت ناشی از جرم و دعوای مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده شناخته شده‌اند (مثل قصاص و حد قذف) قابل طرح در مرجع کیفری هستند؛ نه همه دعوای حقوقی. بنابراین دعوای ابطال سند مجعول در پی شکایت جعل، یا دعوای ابطال سند مالکیت غیرمنقول، در پی شکایت انتقال مال غیر قابل طرح در مرجع کیفری نیستند.

مبحث چهارم: شرایط طرح دعوای خصوصی در مرجع کیفری

گفتار اول: در جریان بودن دعوای عمومی

۳۷ - به دلیل استثنایی بودن امکان طرح دعوای حقوقی در دادگاه کیفری، زیان دیده از جرم نمی‌تواند بدون اینکه تعقیب کیفری عامل ورود خسارت آغاز شده باشد، دعوای خصوصی خود را در مرجع کیفری مطرح کند.

۳۸ - حق مدعی خصوصی برای مراجعه به دادگاه حقوقی یا کیفری، حق انتخاب نامیده می‌شود.

۳۹ - مطابق ماده ۱۶ ق.آ.د. ک؛ حق انتخاب دارای محدودیت‌هایی به شرح ذیل است:

- هرگاه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست؛ مگر آن که مدعی خصوصی پس از اقامه دعوا در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند با استرداد دعوی، به دادگاه کیفری مراجعه کند.

- چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری اقامه شود نیز دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه حقوقی نیست؛ مگر آن که صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود که در این صورت، مدعی خصوصی می‌تواند با استرداد دعوی، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند.

نکته: چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد، نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.

۴۰ - هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم‌الاتباع است.

۴۱ - در مواردی که دادگاه حکم به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می‌کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم علیه، حدود مسئولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۴۲ - در **شرکت در جرم**، هر شریک به میزان سهم خود از جرم، ضامن جبران خسارت و رد مال است که اصل بر تساوی است. در هر حال مسئولیت شرکا در این مورد تضامنی نخواهد بود؛ **مگر در مورد رد مال سرقت** که مطابق **رأی وحدت رویه** شماره ۷۹۹ هیات عمومی دیوانعالی کشور، مسئولیت شرکای جرم استثنائاً **تضامنی می‌باشد**.

۴۳ - در صورتی که حکم به پرداخت **قیمت** مال صادر شود، **قیمت زمان اجرای حکم (یوم الادا)**، ملاک است.

۴۴ - اجرای دستور دادستان یا رأی دادگاه مبنی بر رد مال و یا جبران ضرر و زیان ناشی از جرم، با **معاونت اجرای احکام کیفری** است.

گفتار دوم: لزوم تقدیم دادخواست

۴۵ - علی‌الاصول شروع رسیدگی به دعوای حقوقی در دادگاه کیفری، مستلزم **رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی** از جمله تقدیم **دادخواست** و پرداخت هزینه‌های دادرسی می‌باشد. (**رأی وحدت رویه** شماره ۵۸۲ هیات عمومی دیوانعالی کشور و ماده ۱۵ ق.آ.د. ک)

گفتار سوم: استثنائات لزوم تقدیم دادخواست

مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، در موارد زیر نیازمند تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی نبوده و دادگاه کیفری به‌صورت خودکار، در خصوص آن نیز حکم می‌دهد:

الف- رد مال تحصیل شده از جرم: (ماده ۱۴۸ ق.آ.د. ک)

۴۶ - بازپرس در صورت صدور قرار منع، موقوفی یا ترک تعقیب باید درباره استرداد و یا معدوم کردن اشیاء و اموال مکشوفه که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده، از جرم تحصیل شده، حین ارتکاب استعمال شده و یا برای استعمال اختصاص داده شده است، **تعیین تکلیف** کند. در مورد **ضبط** این اموال یا اشیاء **دادگاه** تکلیف آنها را تعیین می‌کند.

۴۷ - بازپرس **مکلف** است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به **تقاضای ذی‌نفع** و با رعایت شرایط زیر، **دستور رد اموال و اشیاء مذکور** را صادر کند:

الف- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

ب- اشیاء و اموال بلامعارض (بدوم مدعی) باشد؛ یعنی شخص دیگری مدعی حقی نسبت به آن نباشد.

پ- از اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم شود.

۴۸ - در تمام امور کیفری، **دادگاه نیز** باید ضمن صدور رأی، نسبت به استرداد، ضبط و یا معدوم کردن اشیاء و اموال موضوع این ماده تعیین تکلیف کند؛ خواه شاکی درخواست کرده باشد یا نه.

۴۹ - متضرر از تصمیم بازپرس یا دادگاه در مورد اشیاء و اموال موضوع این ماده، می‌تواند **طبق مقررات اعتراض کند**، هر چند قرار بازپرس یا حکم دادگاه نسبت به امر کیفری قابل اعتراض نباشد.

۵۰ - مرجع رسیدگی به اعتراض **نسبت به تصمیم بازپرس، دادگاه و نسبت به تصمیم دادگاه، دادگاه تجدیدنظر استان** است.

۵۱ - صدور قرار ترک تعقیب موضوع ماده ۷۹ ق.آ.د.ک **فقط** از ناحیه **دادستان** متصور است نه بازپرس. چرا که دادستان مقام تعقیب است و بازپرس مقام تحقیق. لذا بازپرس صرفاً می‌تواند مراتب تقاضای شاکی مبنی بر ترک تعقیب را به دادستان اطلاع دهد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۵۲ - تکلیف مقرر در ماده ۱۴۸ ق.آ.د. ک، تنها ناظر به عین مال است و نه مثل یا قیمت آن. لذا حتی اگر مالی کشف گردیده ولی بعداً تلف شده باشد نمی‌توان طبق این ماده عمل نمود.

ب- تکلیف دادگاه به صدور حکم در جرائم خاص

در عنصر قانونی جرائم زیر، حکم به رد مال و یا جبران ضرر و زیان ناشی از جرم به صراحت قید شده و لذا نیاز به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی از ناحیه مدعی خصوصی نمی‌باشد:

• کلاهبرداری ساده یا رایانه‌ای:

ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: "هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیشامدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاسد حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبش، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود."

۵۳ - برخلاف مقررات عام مربوط به دعوای خصوصی؛ در کلاهبرداری در صورت صدور حکم برائت یا قرار موقوفی یا منع تعقیب، دادگاه نمی‌تواند حکم به رد مال به شاکی بدهد. در این صورت شاکی باید طبق مقررات آیین دادرسی مدنی برای رد اصل مال اقدام نماید.

۵۴ - در صورت صدور حکم به محکومیت کیفری در کلاهبرداری، دادگاه فقط به رد مال حکم می‌کند و نه به اجرت المثل و یا خسارت تأخیر تأدیه آن. لذا مدعی خصوصی برای مطالبه اجرت المثل یا خسارت تأخیر تأدیه، باید طبق مقررات آیین دادرسی مدنی اقدام نماید.

در صورتی که مرتکب کلاهبرداری پس از تحصیل مال، آن را از تصرف خود خارج ساخته باشد؛ دادگاه نمی‌تواند او را بدون دادخواست محکوم نماید و مدعی خصوصی حسب مورد باید دادخواست خود را به دادگاه کیفری یا حقوقی تقدیم نماید.

• سرقت:

ماده ۶۶۷ ق.م.ا. مصوب ۷۵ (کتاب تعزیرات): "در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده، سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود."

۵۵ - حکم ماده ۶۶۷ فقط مختص سرقت‌های تعزیری می‌باشد و شامل سرقت‌های حدی نمی‌شود.

۵۶ - در سرقت؛ بر خلاف کلاهبرداری؛ در صورت صدور حکم به محکومیت کیفری، سارق یا رباینده به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و نیز به جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد.

- تخریب عمدی:

ماده ۶۸۹ ق.م.ا.م. مصوب ۷۵ (کتاب تعزیرات): "در تمام موارد مذکور در این فصل هرگاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور، حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد."

- اختلاس:

ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: "هر یک از کارمندان ادارات و سازمان‌ها و یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیر رسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام یا اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است بفتح خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد. در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود."

- تصرف عدوانی:

ماده ۶۹۱ ق.م.ا.م. مصوب ۷۵ (کتاب تعزیرات): "هر کس به قهر و غلبه داخل ملک شود که در تصرف دیگری است اعم از آنکه محصور باشد یا نباشد، یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد، علاوه بر رفع تجاوز؛ حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود..."

- حکم موضوع ماده ۶۳۱ ق.آ.د.ک

"چنانچه در اجرای مأموریت‌های نیروهای مسلح در اثر تیراندازی یا غیر آن، شخص یا اشخاص بی‌گناهی مقتول یا مجروح شوند یا خسارت مالی به آنان وارد شود و درباره اتهام مأموران قرار منع تعقیب صادر شود، بنا به تقاضای اولیای دم یا متضرر بدون تقدیم دادخواست، پرونده جهت تعیین تکلیف در خصوص پرداخت دیه و خسارت توسط سازمان متبوع به دادگاه نظامی ارسال می‌شود..."

- جرائم علیه اطفال و نوجوانان:

ماده ۳۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: "دادگاه کیفری رسیدگی کننده به جرائم موضوع این قانون مکلف است هنگام صدور رأی، با درخواست طفل یا نوجوان یا والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی نسبت به تعیین و جبران خسارت‌های وارد شده به طفل یا نوجوان اقدام کند."

• قلع و قمع بنا در بزه تغییر کاربری اراضی:

رای وحدت رویه شماره ۷۰۷ هیات عمومی دیوان عالی کشور: "... صدور حکم به قلع و قمع بنای غیرمجاز، به عنوان تکلیف قانونی، وظیفه دادگاه صادرکننده حکم کیفری بوده و نیازی به تقدیم دادخواست از سوی اداره شاکی ندارد."

• مطالبه خسارت از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی:

رای وحدت رویه شماره ۷۳۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور: "... در صورت امتناع صندوق تأمین خسارت‌های بدنی از پرداخت خسارت بدنی زیان دیده، دادگاه عمومی جزایی صالح به رسیدگی و اظهارنظر در خصوص مورد خواهد بود و رعایت تشریفات مقرر برای دعاوی حقوقی در این موارد ضرورت ندارد."

ج- مطالبه دیه و آرش

۵۷- در تمام جرائم؛ صدور حکم بر پرداخت دیه یا آرش، نیازمند تقدیم دادخواست و هزینه دادرسی از ناحیه مدعی خصوصی نمی‌باشد.

گفتار چهارم: رعایت مهلت تقدیم دادخواست

۵۸- مدعی یا شاکی می‌تواند از نخستین مراحل فرایند رسیدگی در دادسرا تا قبل از اعلام ختم دادرسی (بجز در کیفرخواست شفاهی)، درخواست مطالبه ضرر و زیان خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید تا در دادگاه مورد رسیدگی و صدور حکم قرار گیرد.

۵۹- امکان تقدیم دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم در مرحله واخواهی، تجدیدنظرخواهی و نیز فرجام خواهی، دیگر متصور نیست و مدعی خصوصی برای احقاق حق باید به دادگاه حقوقی مراجعه نماید.

۶۰- مهلت تقدیم دادخواست ضرر و زیان در مواردی که دعوای کیفری بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی در دادگاه مطرح می‌شود؛ استثنائاً حداکثر پنج روز از تاریخ تشکیل جلسه خواهد بود. (ماده ۸۶ ق.آ.د. ک)

۶۱- اگر تا قبل از اعلام ختم دادرسی دادخواست ضرر و زیان تقدیم نشود، حسب مورد به درخواست متهم از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود.

۶۲- اگر پرونده کیفری به هر دلیلی در دادسرا موقوف یا به هر دلیلی مختومه شود، برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم باید به دادگاه حقوقی مراجعه کرد. تنها استثنای این مطلب ماده ۶۳۱ ق.آ.د.ک است که در صورت صدور قرار منع تعقیب، بنا به تقاضای اولیای دم یا متضرر، بدون تقدیم دادخواست، پرونده جهت تعیین تکلیف در خصوص پرداخت دیه و خسارت توسط سازمان متبوع به دادگاه نظامی ارسال می‌شود.

مبحث پنجم: دعوای خصوصی در دادگاه نظامی

۶۳- بسته به این که ضرر و زیان به یگان‌های نیروهای مسلح یا به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی؛ وارد شده باشد؛ شرایط متفاوت است:

الف- ضرر و زیان به یگان‌های نیروهای مسلح وارد شده است:

- تنها ضرر و زیان مادی قابل مطالبه است.
- یگان مکلف به طرح دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم می‌باشد.
- مهلت تقدیم دادخواست تا قبل از اعلام ختم دادرسی و با رعایت تشریفات ق.آ.د.م است؛ ولی هزینه دادرسی ندارد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- یگان حق طرح دعوی، دفاع و پیگیری و اعتراض و تجدیدنظر دارد؛ ولی حق گذشت ندارد.
- دعوی اعسار از پرداخت ضرر و زیان باید به طرفیت یگان مطرح شود.

ب- ضرر و زیان به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی وارد شده است:

- ضرر و زیان مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول قابل مطالبه است.
- مهلت تقدیم دادخواست تا قبل از اعلام ختم دادرسی و با رعایت تشریفات ق.آ.د.م و پرداخت هزینه دادرسی است.

مبحث چهارم: دعوای خصوصی در دادگاه اطفال و نوجوانان

۶۴ - مطابق ماده ۴۱۶ ق.آ.د. ک؛ به دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم که در دادگاه اطفال و نوجوانان مطرح می‌گردد، طبق مقررات قانونی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌شود. در هنگام رسیدگی به دعوای ضرر و زیان، حضور طفل لازم نیست، مگر در صورتی که توضیحات وی برای صدور رأی ضروری باشد.

بخش سوم: دعوای عمومی

فصل اول: دادسرا و حدود صلاحیت آن

مبحث اول: ویژگی‌های دادسرا

۱ - مهم‌ترین ویژگی‌های دادسرا عبارتند از:

- سلسله مراتب
- وحدت دادسرا
- استقلال دادسرا
- غیر قابل رد بودن مقامات دادسرا
- عدم مسئولیت

گفتار اول: سلسله مراتب

۲ - در دادسرا دادستان در رأسی قرار دارد و معاونین و دادیاران از دستورات اداری و حتی نظرات قضایی او تبعیت می‌کنند.

۳ - دادیار علاوه بر تبعیت از نظر دادستان، ملزم به رعایت نظر معاون ذی‌ربط او نیز هست.

۴ - بازپرسی با این که از قضات دادسرا محسوب می‌شود ولی تابع سلسله مراتب نیست و جز در موارد محدود ملزم به تبعیت از نظر دادستان نمی‌باشد.

گفتار دوم: وحدت دادسرا

۵ - مجموعه قضات دادسرا بدنه واحدی را تشکیل می‌دهند و اقدام هر یک از آنها به عنوان اقدام دادسرا تلقی می‌شود.

۶ - در دادگاه اصولاً قضات قابل تغییر نیستند و انتقال آنها تابع تشریفات خاصی است اما در دادسرا هر یک از قضات دادسرا ممکن است به جای یکدیگر انجام وظیفه کنند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۷ - در مرحله تحقیقات یا دفاع از کیفر خواست ممکن است هر یک از مقامات قضایی دادسرا (دادستان، معاون یا دادیار) این کار را انجام دهند یا این که چند نفر در دفاع از کیفرخواست حاضر شوند.

گفتار سوم: استقلال دادسرا

۸ - دادسرا، هم در برابر دادگاه و هم در مقابل طرفین پرونده مستقل می‌باشد:

• استقلال در برابر دادگاه:

ماده ۳۶۳ ق.آ.د. ک: "هرگاه در حین رسیدگی، جرم دیگری کشف شود که بدون شکایت شاکی قابل تعقیب باشد، دادگاه بدون ایجاد وقفه در جریان رسیدگی، حسب مورد، موضوع را به دادستان یا رییس حوزه قضایی مربوط اعلام می‌کند."

• استقلال در مقابل متهم:

دادسرا می‌تواند در حدود قانون هر تحقیقی را انجام دهد یا هر نوع قرار تأمینی را که ضروری می‌داند صادر کند. فقط در خصوص قرارهای منتهی به بازداشت، متهم حق اعتراض دارد که خارج از نوبت در دادگاه رسیدگی می‌شود.

• استقلال در برابر شاکی:

۹ - در برخی موارد می‌تواند تعقیب کیفری را بدون شکایت شاکی به جریان اندازد.

در برخی موارد می‌تواند به گذشت شاکی ترتیب اثر ندهد.

در عنوان اتهامی که به متهم تفهیم می‌کند، تابع موضوع شکایت شاکی نیست.

گفتار چهارم: قابل رد بودن مقامات دادسرا

ماده ۴۲۴ ق.آ.د. ک: "مقامات قضایی دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرسی، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌نماید و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیراین صورت، باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد، ابلاغ شود. مدعی رد می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. تبصره - صدور قرار رد ایراد، مانع انجام تحقیقات مقدماتی نیست."

گفتار پنجم: عدم مسئولیت

۱۰ - فلسفه عدم مسئولیت دادسرا، انجام بدون هراس و هرچه بهتر وظایف محوله در تعقیب

و تحقیق می‌باشد.

۱۱ - در صورت برائت متهم از اتهام انتسابی، نمی‌توان دادسرا را به جبران خسارت متهم محکوم و یا به عنوان مفتری، مسئول قلمداد کرد؛ مگر در صورت ارتکاب یک خطای شخصی. ضمن این که مفاد ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، منافاتی با عدم مسئولیت دادسرا ندارد.

ماده ۲۵۵ ق.آ.د. ک: "اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند."

مبحث دوم: تشکیلات دادسرا

۱۲ - در حال حاضر چهار نوع دادسرا در کشورمان داریم:

- دادسرای دیوان عالی کشور
- دادسرای عمومی و انقلاب
- دادسرای ویژه روحانیت
- دادسرای نظامی

گفتار اول: دادسرای دیوان عالی کشور

۱۳ - این دادسرا در معیت دیوان عالی کشور فعالیت می‌کند و حوزه صلاحیت آن، تمام ایران است. چون مقر دیوان عالی کشور در پایتخت و نیز برخی شعب آن در شهرهای قم و مشهد می‌باشد؛ لذا دادسرای دیوان عالی کشور نیز در همین شهرها فعال است.

۱۴ - دادسرای دیوان عالی کشور بازپرسی ندارد و از دادستان کل کشور، معاون و دادیار تشکیل شده است.

۱۵ - وظیفه دادسرای دیوان عالی کشور انجام اموری است که به موجب قوانین مختلف بر عهده دادستان کل کشور قرار گرفته است.

۱۶ - این دادسرا اصولاً نقشی در تعقیب و تحقیقات ندارد؛ مگر در مواردی که مطابق قانون، تعقیب و رسیدگی به تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری به عهده دیوان عالی کشور است.

۱۷ - دادستان کل کشور در رأس دادسرای دیوان عالی کشور قرار دارد و مهم‌ترین وظایف وی عبارتند از:

- نظارت، اقدام به بازرسی و ایراد تذکر به کلیه دادرهای عمومی و انقلاب و نظامی در سطح کشور.

نکته: دادسرای دیوان عالی کشور هیچ گونه نظارتی بر دادسرای ویژه روحانیت ندارد.

- ارائه پیشنهادات به رئیس قوه قضاییه و سایر مراجع قضایی و اجرایی ذی‌ربط.
- اعلام تخلف یا جرم حسب مورد به دادسرای انتظامی قضات، مراجع قضایی یا اداری صالح.
- پیشنهاد انتصاب، جابجایی و تغییر شغل و محل خدمت مقامات قضایی دادسرا به رئیس قوه قضاییه.

نکته مهم: پیشنهاد انتصاب، جابجایی و تغییر شغل و محل خدمت برای دادستان‌های عمومی سطح کشور، پس از کسب نظر موافق از رئیس کل دادگستری استان ذی‌ربط و برای دادستان‌های نظامی، پس از کسب نظر موافق از رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح خواهد بود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- پیگیری و نظارت در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی.
- اعلام ممنوعیت خروج از کشور اشخاص به مراجع ذی‌ربط.
- اعلام احکام قطعی خلاف شرع بین یا قانون در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غایب مفقودالثر بی‌سرپرست به رییس قوه قضاییه جهت اعمال ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک.
- پیشنهاد احاله پرونده به حوزه قضایی دیگر به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی.

نکته مهم: در جرائم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، رییس این سازمان می‌تواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به حوزه قضایی دیگر احاله کند.

- درخواست صدور رأی وحدت رویه از هیات عمومی دیوان عالی کشور.
- درخواست اعاده دادرسی.
- تقاضای فرجام خواهی در امور مدنی.
- درخواست انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی.

ماده ۲۸۸ ق.آ.د.ک: "دادستان کل کشور بر کلیه دادرهای عمومی و انقلاب و نظامی نظارت دارد و به منظور حسن اجرای قوانین و ایجاد هماهنگی بین دادرها می‌تواند اقدام به بازرسی کند و تذکرات و دستورهای لازم را خطاب به مراجع قضایی مذکور صادر نماید. همچنین وی پیشنهادهای لازم را به رییس قوه قضاییه و سایر مراجع قضایی و اجرایی ذی‌ربط ارائه می‌کند. تبصره ۱- چنانچه دادستان کل کشور در اجرای وظایف مقرر در این فصل و سایر وظایف قانونی خود، به موارد تخلف یا جرم برخورد نماید حسب مورد مراتب را برای تعقیب قانونی به دادرای انتظامی قضات، مراجع قضایی یا اداری صالح اعلام می‌کند. تبصره ۲- کلیه مراجع قضایی و قضات مکلفند همکاری‌های لازم را در اعمال نظارت دادستان کل کشور انجام دهند."

ماده ۲۸۹ ق.آ.د.ک: "دادستان کل کشور می‌تواند انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت مقامات قضایی دادرها را به رییس قوه قضاییه پیشنهاد دهد. تبصره ۱- پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌های عمومی سراسر کشور پس از کسب نظر موافق از رییس کل دادگستری استان ذی‌ربط با دادستان کل کشور است. تبصره ۲- پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌های نظامی پس از کسب نظر موافق از رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح با دادستان کل کشور است."

ماده ۲۹۰ ق.آ.د.ک: "دادستان کل کشور مکلف است در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید."

ماده ۲۹۱ ق.آ.د.ک: "در مواردی که مطابق قانون، تعقیب و رسیدگی به تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری به‌عهده دیوان عالی کشور است، اقدامات مقدماتی و انجام تحقیقات لازم توسط دادرای دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد."

ماده ۲۹۲ ق.آ.د.ک: "کلیه مراجع قضایی مکلفند در موارد قانونی پس از اتخاذ تصمیم بر ممنوعیت خروج اشخاص از کشور، مراتب را به دادستانی کل کشور ارسال دارند تا از آن طریق به مراجع ذی‌ربط اعلام گردد. تبصره- دادستان کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

کل کشور در موارد انقضای مدت قانونی ممنوعیت خروج از کشور اشخاص و عدم تمدید آن توسط مراجع مربوطه، نسبت به رفع ممنوعیت خروج اقدام می‌کند."

ماده ۲۹۳ ق.آ.د. ک: "هرگاه در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غایب مفقودالاثر بی‌سرپرست حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف شرع بین و یا قانون تشخیص دهد به طور مستدل مراتب را جهت اعمال ماده (۴۷۷) به رئیس قوه قضائیه اعلام می‌کند."

ماده ۳۵۳ ق.آ.د. ک: "... تبصره ۲- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه امکان پذیر است."

ماده ۴۲۰ ق.آ.د. ک: "علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می‌شود. تبصره- در جرائم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، رئیس این سازمان می‌تواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به حوزه قضایی دیگر احاله کند."

ماده ۴۷۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستان‌ها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیأت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است. در صورتی که رأی، اجراء نشده یا در حال اجراء باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد، رأی هیأت عمومی نسبت به آرای مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود."

ماده ۴۷۵ ق.آ.د. ک: "اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی دارند: الف- محکوم علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او. ب- دادستان کل کشور. پ- دادستان مجری حکم"

ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک: "... تبصره ۳- در صورتی که رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و یا رئیس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی خود، رأی قطعی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف شرع بین تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مستندات از رئیس قوه قضائیه درخواست تجویز اعاده

دادرسی نمایند. مفاد این تبصره فقط برای یکبار قابل اعمال است؛ مگر اینکه خلاف شرع بین آن به جهت دیگری باشد."

ماده ۲۳۶ ق.آ.د. ک: "... تبصره ۲- در صورت تحت تعقیب قرار گرفتن اتباع بیگانه و تقاضای آنان بازپرس مکلف است مشخصات و نوع اتهام آنها را بلافاصله جهت اقدام لازم به دادستانی کل کشور اعلام نماید، تا از آن طریق وفق مقررات به مراجع ذی ربط اعلام شود. چنانچه تعقیب این افراد منجر به محکومیت قطعی شود، قاضی اجرای احکام خلاصه‌ای از دادنامه را جهت اجرای این تبصره به دادستانی کل اعلام می‌کند. در صورت تقاضای ملاقات از سوی کنسولگری مربوط، مراتب به دادستانی کل اعلام می‌شود تا بر اساس تصمیم آن مرجع، مطابق مقررات اقدام شود."

ماده ۳۸۷ ق.آ.د. م: "هرگاه از رأی قابل فرجام در مهلت مقرر قانونی فرجام خواهی نشده، یا به هر علتی در آن موارد قرار رد دادخواست فرجامی صادر و قطعی شده باشد و ذی‌نفع مدعی خلاف شرع یا قانون بودن آن رأی باشد، می‌تواند از طریق دادستان کل کشور تقاضای رسیدگی فرجامی بنماید. تقاضای یادشده مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی فرجامی است. تبصره- مهلت تقدیم دادخواست یک ماه حسب مورد از تاریخ انقضاء مهلت فرجام خواهی یا قطعی شدن قرار رد دادخواست فرجامی یا ابلاغ رأی دیوان عالی کشور درخصوص تأیید قرار رد دادخواست فرجامی می‌باشد."

گفتار دوم: دادرسی عمومی و انقلاب

۱۸- این دادرسی از دادستان، معاون دادستان، بازپرس، دادیار و کارمند اداری تشکیل شده که دادستان ریاست آن را بر عهده دارد.

۱۹- این دادرسی در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود. لذا دادرسی بخش یا استان نداریم.

۲۰- دادرسی عمومی و انقلاب در معیت چهار دادگاه می‌باشد:

- دادگاه کیفری دو
- دادگاه کیفری یک
- دادگاه انقلاب
- دادگاه اطفال و نوجوانان

۲۱- وظایف دادستان در حوزه قضایی بخش بر عهده رییس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرسی علی‌البدل دادگاه است.

۲۲- وظیفه دادرسی کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات و سرانجام اجرای احکام کیفری است.

۲۳- در هر دادرسی بخشی به عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به منظور انجام تحقیقات مقدماتی نسبت به جرائم افراد پانزده تا هجده سال تشکیل می‌شود. این دادرسی تخصصی است و نه اختصاصی. از سویی این دادرسی دادیار ندارد و همه بازپرس هستند.

۲۴- ممکن است دادرسیهای تخصصی از قبیل دادرسی جرائم کارکنان دولت یا دادرسی ویژه جرائم امنیتی و نیز زیر نظر دادرسی شهرستان تشکیل گردد.

ماده ۲۵ ق.آ.د. ک: "به تشخیص رییس قوه قضاییه، دادسراهای تخصصی از قبیل دادسرای جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می‌شود."

۲۵ - **دادسرای تخصصی** زیر نظر دادسرای عمومی و انقلاب تشکیل شده تا با استفاده از نیروهای متخصص بتواند به جرائم خاص آن حوزه رسیدگی کرده و موجب بهبود در عملکرد دادسرا در تحقیقات مقدماتی و تعقیب جرم گردد و در حقیقت به منظور تقسیم کار بوجود می‌آید. لذا تخصصی بودن یک دادسرا نافی صلاحیت وی در سایر امور نمی‌باشد. مثل دادسرای ویژه جرائم پزشکی، جرائم اقتصادی، جرائم رایانه‌ای و... در حالی که **دادسرای اختصاصی** زیر نظر دادسرای عمومی و انقلاب نبوده و تنها صلاحیت رسیدگی به اموری را دارد که به موجب قانون مشخص و تصریح شده است. این دادسرا در معیت دادگاه‌های اختصاصی قرار دارد. مثل دادسرای ویژه روحانیت و دادسرای نظامی که به ترتیب در معیت دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه نظامی قرار دارد.

گفتار سوم: دادسرای ویژه روحانیت

۲۶ - این دادسرا از دادستان، معاون دادستان و دادیار تشکیل شده و در معیت دادگاه ویژه روحانیت فعالیت می‌کند.

۲۷ - دادسرای ویژه روحانیت همانند دادسرای دیوان عالی کشور **بازپرسی ندارد**.

۲۸ - این دادسرا مطابق آیین نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در یازده شهر معین تشکیل شده و صلاحیت آن عبارت است از:

- کلیه جرائم و یا اعمال خلافشان روحانیون.
- کلیه اختلافات محلی محل امنیتی عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.
- اموری که از سوی مقام رهبری ارجاع گردد.

گفتار چهارم: دادسرای نظامی

۲۹ - این دادسرا در معیت دادگاه‌های نظامی در مرکز هر استان تشکیل می‌گردند. البته در شهرستان‌ها نیز در صورت نیاز ممکن است تحت عنوان دادسرای نظامی ناحیه تشکیل شود.

۳۰ - دادسرای نظامی از دادستان، معاون دادستان، دادیار، بازپرس و کارمند اداری تشکیل شده است.

۳۱ - رییس دادسرای نظامی ناحیه، معاون دادستان نظامی مرکز استان است.

۳۲ - دادستان نظامی استان بر اقدامات قضات دادسرای نظامی ناحیه از حیث وظایفی که برعهده دارند، نظارت دارد و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید.

ماده ۵۷۸ ق.آ.د. ک: "در مرکز هر استان، سازمان قضایی استان متشکل از دادسرا و دادگاه‌های نظامی است. در شهرستان‌ها در صورت نیاز، دادسرای نظامی ناحیه تشکیل می‌شود. حوزه قضایی دادسرای نظامی نواحی به تشخیص رییس قوه قضاییه تعیین می‌شود. تبصره ۱- دادستان نظامی استان بر اقدامات قضات دادسرای نظامی ناحیه از حیث وظایفی که برعهده دارند، نظارت دارد و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید. تبصره ۲- رییس دادسرای نظامی ناحیه که معاون دادستان نظامی مرکز استان است، علاوه بر نظارت قضایی، بر امور اداری نیز ریاست دارد. تبصره ۳- حوزه قضایی هر استان به تعداد لازم شعب دادگاه و دادسرا و نیز تشکیلات مورد نیاز از قبیل واحد ابلاغ،

اجرای احکام و واحد ارشاد و معاضدت قضایی دارد و در صورت تعدد شعب دادگاه و دادسرا، هر یک دارای دفتر کل نیز می‌باشد."

۳۳ - صلاحیت دادسرا و دادگاه نظامی، جرائم خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح می‌باشد.

مبحث سوم: دادسرا؛ از تکلیف تا اختیار تعقیب

گفتار اول: اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب

مطابق این اصل کلی، دادستان مکلف به تعقیب همه جرائم است و اصولاً نمی‌تواند از تعقیب دعوی صرف نظر کند و یا با بزهکار مصالحه کند و یا پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، آن را مسترد کند. فایده این اصل تساوی موقعیت افراد در برابر دادسرا است.

گفتار دوم: اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن یا مقتضی بودن تعقیب

۳۴ - اگر تعقیب کیفری به مصلحت جامعه نباشد؛ در راستای تعدیل اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب و با حصول شرایطی مقام قضایی می‌تواند از تعقیب صرف نظر کرده و به جای تعقیب، از جایگزین‌های آن استفاده کند که هم به نفع متهم و هم به نفع جامعه باشد.

۳۵ - مهم‌ترین نهادهایی که در راستای اصل مقتضی بودن یا متناسب بودن یا موقعیت داشتن تعقیب در قانون آ.د.ک پیش بینی شده است عبارتند از:

- قرار ترک تعقیب. (ماده ۷۹ ق.آ.د. ک)
- قرار بایگانی کردن پرونده. (ماده ۸۰ ق.آ.د. ک)
- قرار تعلیق تعقیب. (ماده ۸۱ ق.آ.د. ک)
- اعطای مهلت به متهم. (ماده ۸۲ ق.آ.د. ک)

فصل دوم: جهات قانونی شروع به تعقیب

۳۶ - مطابق ماده ۶۴ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲؛ جهات قانونی شروع به تعقیب عبارتند از:

- شکایت شاکی یا مدعی خصوصی.
- اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن.
- وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس.
- اظهار و اقرار متهم.
- اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر.

مبحث اول: اقرار متهم

۳۷ - به موجب ماده ۱۶۴ ق.م.ا مصوب ۹۲؛ اقرار عبارت از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است.

۳۸ - اقرار، معتبرترین و قطعی‌ترین وسیله برای پی بردن به وقوع جرم می‌باشد؛ چرا که اصولاً هیچ‌کس با اقرار غیر واقع، خود را در معرض مجازات قرار نمی‌دهد؛ مگر در معدود مواردی آن هم با اهداف عاطفی یا با هدف منحرف ساختن مسیر تحقیقات.

۳۹ - در جرائم قابل گذشت اقرار متهم برای شروع تعقیب کافی نیست و دادستان می‌تواند با توجه به اهمیت جرم، تا وصول شکایت شاکی دستورات لازم برای حفظ آثار و دلایل جرم را به ضابطان دادگستری بدهد.

۴۰ - اظهارات وکیل علیه موکل و نیز اظهارات ولی یا قیم علیه مولی‌علیه **اقرار محسوب نمی‌شود**. به عبارتی اقرار به ارتکاب جرم قابل توکیل نیست.

۴۱ - اقرار باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعدّر، با فعل از قبیل اشاره نیز واقع می‌شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد. نیز اقرار باید منجز باشد و اقرار معلق و مشروط معتبر نیست.

۴۲ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار، عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد.

لذا اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید.

ماده ۵۷۸ ق.م.ا (کتاب تعزیرات): "هر یک از مستخدمین و مأمورین قضائی یا غیر قضائی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت."

بند ۹ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی: "هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجت شرعی و قانونی نخواهد داشت."

۴۳ - اقرار شخص سفیه که حکم حجر او صادر شده است و شخص ورشکسته، نسبت به امور کیفری نافذ است، اما نسبت به ضمان مالی ناشی از جرم معتبر نیست.

۴۴ - هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد، با بررسی قضای مگر این که رسیدگی کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد که در این صورت دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند. **به عبارتی اقرار در امور کیفری جنبه طریقت دارد و نه موضوعیت.**

۴۵ - در کلیه جرائم، یکبار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

• چهار بار در زنا، لواط، تفریض و مساحقه.

• دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد.

۴۶ - برای اثبات جنبه غیرکیفری کلیه جرائم، یکبار اقرار کافی است.

۴۷ - در مواردی که تعدّد اقرار شرط است، اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه انجام شود.

۴۸ - انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می‌گردد.

مبحث دوم: شکایت شاکی

۴۹ - مطابق ماده ۱۰ ق.آ.د. ک؛ بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.

۵۰ - تنها کسی که جرم مستقیماً نسبت به او واقع شده است و یا قائم مقام قانونی او (مثل وکیل دادگستری) می‌تواند به عنوان شاکی شکایت نماید.

۵۱ - شکایت شاکی در جرائم قابل گذشت لازم و در جرائم غیر قابل گذشت کافی است.

۵۲ - شکایت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد اگر شفاهی باشد در صورت مجلس قید شده و به امضاء در صورت عدم قدرت شاکی بر امضاء، اثر انگشت معتبر است. لازم نیست حتماً بر روی فرم‌های مخصوصی باشد و روی کاغذ عادی نیز مسموع می‌باشد؛ گرچه قوه قضاییه مکلف به تهیه اوراق متحد الشکل شکواییه می‌باشد.

۵۳ - شاکی در شکایت خود باید مشتکی عنه یا مظنون را معرفی نماید و در صورتی که هویت وی مشخص نباشد و یا این که شاکی به شخص معینی ظن داشته ولی نتواند دلیل کافی ارائه کند، دادستان موظف است تعقیب را شروع نماید.

۵۴ - در جرائم غیر قابل گذشت، حتی با گذشت شاکی نیز دادستان همچنان تعقیب را ادامه می‌دهد. (از باب حیثیت یا جنبه عمومی جرم)

مبحث سوم: وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس

۵۵ - جرائم از نظر فاصله زمانی میان وقوع جرم تا کشف آن به دو دسته مشهود و غیر مشهود تقسیم بندی می‌شوند.

۵۶ - اصل بر غیر مشهود بودن جرائم است. مطابق ماده ۴۵ ق.آ.د.ک؛ جرم در موارد زیر مشهود است:

- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.
- بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.
- بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.
- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.
- جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.
- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.
- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.

نکته: تنها مصداق جرم مشهود، قسمت اول بند الف (در مرئی و منظر ضابطین دادگستری) می‌باشد و سایر بندهای این ماده در حکم جرم مشهود می‌باشند.

نکته: اگر جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود رخ دهد و ضابطین دادگستری حضور نداشته باشند؛ تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را فقط در حد جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

نکته: ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد.

۵۷ - تنها قسمت اول بند الف این ماده "**در مرئی و منظر**"، از جهات قانونی شروع به تعقیب می‌باشد و در صورتی بازپرس یا دادستان می‌توانند برای شروع به تعقیب به این بند استناد نمایند که در حین انجام وظیفه این جرائم را مشاهده کنند.

مبحث چهارم: اعلام جرم توسط دیگران

گفتار اول: توسط اشخاص عادی

۵۸ - شخص عادی که وقوع جرمی را اعلام می‌کند:

الف: خودش ناظر وقوع جرم بوده است:

در این صورت به شرطی که جرم غیرقابل گذشت بوده و قرائنی بر نادرستی اظهارات وی نیز وجود نداشته باشد، می‌توان تعقیب را شروع کرد. مفهوم مخالف این است که اگر جرم قابل گذشت باشد و یا قرائنی مبنی بر نادرستی اظهارات وی وجود داشته باشد، مجاز به شروع به تعقیب نیستیم.

ب: خودش ناظر وقوع جرم نبوده است:

در این صورت در دو حالت می‌توان تعقیب کیفری را شروع کرد:

اول: زمانی که دلایل احراز کننده صحت ادعایش وجود داشته باشد.

دوم: زمانی که جرم بر علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد.

۵۹ - به موجب ماده ۶۷ ق.آ.د. ک؛ **اعلام جرم** باید حضور در نزد مقام تعقیب یا با ارائه گزارش حاوی هویت اعلام کننده صورت بگیرد.

۶۰ - در مواردی که جرم مهم و محل نظم و امنیت عمومی اعلام شده باشد، شروع به تعقیب ولو با وجود معلوم نبودن هویت اعلام کننده مجاز است.

گفتار دوم: توسط مقامات رسمی غیر از ضابطین

۶۱ - منظور از مقامات و اشخاص رسمی مدیران و کارکنان سازمان‌ها و ادارات دولتی و عمومی است، اعم از این که استخدام رسمی باشند یا پیمانی.

۶۲ - مطابق ماده ۷۲ ق.آ.د. ک؛ هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرائم غیر قابل گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند **مکلفند** موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند. این تکلیف قانونی در برخی موارد ضمانت اجرای کیفری نیز دارد.

ماده ۱۳ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد ۱۳۹۰ مصوب ۹۰: "کلیه مسئولان دستگاه‌های مشمول این قانون موظفند بدون فوت وقت از شروع یا وقوع جرائم مربوط به ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ درصد (پورسانت) در معاملات داخلی یا خارجی، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، دخالت در معاملات دولتی در مواردی که ممنوعیت قانونی دارد، تحصیل مال نامشروع، استفاده غیرمجاز یا تصرف غیرقانونی

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

در وجوه یا اموال دولتی یا عمومی و یا تضییع آنها، تدلیس در معاملات دولتی، اخذ وجه یا مال غیرقانونی یا امر به اخذ آن، منظور نمودن نفعی برای خود یا دیگری تحت هر عنوان اعم از کمیسیون، پاداش، حق الزحمه یا حق العمل در معامله یا مزایده یا مناقصه و سایر جرائم مرتبط با مفاسد اقتصادی در حوزه مأموریت خود بلافاصله باید مراتب را به مقامات قضائی و اداری رسیدگی کننده به جرائم و تخلفات گزارش نمایند، در غیر این صورت مشمول مجازات مقرر در ماده (۶۰۶) قانون مجازات اسلامی می‌شوند. تبصره- هر یک از کارکنان دستگاه‌های موضوع این قانون که در حیطه وظایف خود از وقوع جرائم مذکور در دستگاه متبوع خود مطلع شود مکلف است بدون اطلاع سایرین مراتب را به صورت مکتوب و فوری به مسؤول بالاتر خود و یا واحد نظارتی گزارش نماید در غیر این صورت مشمول مجازات فوق می‌شود."

ماده ۱۴ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد ۱۳۹۰ مصوب ۹۰: "بازرسان، کارشناسان رسمی، حسابرسان و حسابداران، ممیزین، ذی حساب‌ها، ناظرین و سایر اشخاصی که مسئول ثبت یا رسیدگی به اسناد، دفاتر و فعالیت‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در حیطه وظایف خود می‌باشند موظفند در صورت مشاهده هرگونه فساد موضوع این قانون، چنانچه ترتیباتی در قوانین دیگر نباشد، مراتب را به مرجع نظارتی یا قضائی ذی صلاح اعلام نمایند. متخلفین به سه سال محرومیت یا انفصال از خدمت در دستگاه‌های مشمول این قانون و یا جزای نقدی به میزان دو تا ده برابر مبلغ معاملات بزرگ مذکور در قانون برگزاری مناقصات و نیز لغو عضویت در انجمن‌ها، مؤسسات و اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای و یا هر دو مجازات محکوم می‌شوند."

ماده ۶۰۶ ق.م.ا (کتاب تعزیرات): "هر یک از روسا یا مدیران یا مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرائم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت دار قضائی یا اداری اعلام ننماید علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد."

ماده ۲۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر: "هر یک از اعضای شورای اسلامی روستا موظف است به محض آگاهی از کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه روستا مراتب را کتباً به‌دهدار و نزدیک‌ترین پاسگاه یا حوزه انتظامی اطلاع دهد. فرماندهان پاسگاه‌ها و حوزه‌های انتظامی موظفند فوراً و همزمان با گزارش موضوع به فرمانده بالاتر خود، به اتفاق دهدار یا بخشدار و نماینده شورای اسلامی روستا در محل کشت حاضر شوند و آن را امحاء و صور تجلسه امر را تهیه کنند و همراه متهم یا متهمین به مراجع ذیصلاح قضائی تحویل نمایند. تبصره- در صورتی که خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه‌های شهری کشت یا روئیده شده باشد، مأمورین (نیروی انتظامی، شهرداری، نیروی مقاومت بسیج منطقه) حسب مورد موظفند به محض آگاهی مراتب را به نزدیک‌ترین پاسگاه انتظامی و یا پایگاه نیروی مقاومت بسیج منطقه اطلاع دهند و مسئولان مربوطه به اتفاق نماینده مرجع قضائی ذیصلاح وفق مقررات این ماده اقدام نمایند."

ماده ۲۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر: "اشخاص مذکور در ماده ۲۴ و تبصره آن در صورتی که بدون عذر موجه از انجام وظیفه خودداری یا کوتاهی کنند بار اول به شش ماه تا یک سال محرومیت از مشاغل دولتی و بار دوم

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شوند. اعضای شورای اسلامی نیز بار اول به شش ماه تا یک سال و بار دوم برای همیشه از عضویت شوراهای اسلامی محروم می‌شوند

گفتار سوم: توسط سازمان‌های مردم نهاد

۶۳ - سازمان مردم نهاد؛ موسسه غیر انتفاعی و غیر دولتی است که حوزه فعالیت مشخصی دارد.

۶۴ - سازمان‌های مردم نهادی که موضوع اساسنامه آن‌ها حمایتی و صرفاً یکی از موارد زیر باشد می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی همان حوزه اعلام جرم کنند:

- اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی.
- محیط زیست و منابع طبیعی.
- میراث فرهنگی.
- بهداشت عمومی.
- حقوق شهروندی.

۶۵ - این مؤسسات نه تنها اعلام کننده جرم هستند بلکه به عنوان یک دنبال کننده فعال نیز عمل می‌کنند. به نحوی که به موجب قانون حق دارند در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت کنند و نسبت به آراء مراجع قضایی نیز حق اعتراض دارند.

نکته: سازمان‌های مردم نهاد در جرائم منافی عفت صرفاً حق دارند با رعایت مفاد ماده ۱۰۲ ق.آ.د. ک، اعلام جرم کنند و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند ولی حق شرکت در جلسات را نخواهند داشت.

ماده ۱۰۲ ق.آ.د. ک: "انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود. تبصره ۱- در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند. تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد. تبصره ۳- در جرائم مذکور در این ماده، اگر بزه دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد."

۶۶ - در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، سازمان مردم نهادی که قصد اعلام جرم دارد باید بدو رضایت بزه دید خاص و چنانچه نامبرده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او و اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان را اخذ کند.

۶۷ - ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم نهاد مربوطه آگاه کنند.

۶۸ - سازمان‌های مردم نهاد در صورتی می‌توانند از حق اعلام جرم استفاده کنند که از مراجع ذیصلاح قانونی ذی ربط مجوز اخذ کنند.

۶۹ - اگر یک سازمان مردم نهاد سه بار متوالی اعلام جرم کند و هر بار به طور قطعی رد شود؛ به مدت یک سال از حق اعلام جرم محروم می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

مبحث پنجم: گزارش ضابطین دادگستری

گفتار اول: مفهوم ضابط دادگستری

۷۰ - مطابق ماده ۲۸ ق.آ.د. ک؛ ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

۷۱ - شرایط احراز عنوان ضابط دادگستری:

- وثاقت و مورد اعتماد بودن.
- فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضائی مربوط.
- تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری.

ماده ۳۰ ق.آ.د. ک: "احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است. تبصره ۱- دادستان مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید...."

گفتار دوم: انواع ضابطین دادگستری

۷۲ - قانونگذار در ماده ۲۹ ق.آ.د. ک، ضابطین دادگستری را به دو دسته عام و خاص تقسیم بندی نموده است:

الف: ضابطین عام: ضابطینی هستند که صلاحیت عام دخالت در مورد هر جرمی را دارند و عبارتند از فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی که آموزش‌های مربوطه را دیده باشند.

نکته: کارکنان وظیفه (سربازان) ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند.

ب: ضابطین خاص: ضابطینی هستند که صلاحیت دخالت آنها محدود به جرائم خاص پیش بینی شده در قانون با شرایط معین می‌باشد. قانونگذار چند مورد از ضابطین خاص را بصورت تمثیلی در این ماده نام برده است؛ از جمله:

- رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.

نکته: منظور از مأموران زندان؛ مأموران مربوط به نگهداری، جابجایی و نگهبانی زندان می‌باشد نه آشپز و آرایشگر.

نکته: منظور از امور مربوط به زندانیان؛ حفظ آثار و دلایل جرائم ارتكابی در داخل فضای زندان و انجام برخی تحقیقات مقدماتی در خصوص آنها می‌باشد و شامل جرائم خارج از زندان مثلاً در دوران مرخصی نمی‌شود.

- مأموران وزارت اطلاعات.

- سازمان اطلاعات سپاه.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

• نکته: تا قبل از تصویب قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مأموران وزارت اطلاعات و یا پرسنل اطلاعات سپاه پاسداران ضابط دادگستری محسوب نمی شدند. اما به موجب بند ب ماده ۲۰۵ قانون مذکور اقدام به پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرائم سازمان یافته ضد امنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی در مقام ضابط دادگستری از وظایف وزارت اطلاعات اعلام شد. همچنین طبق بخشنامه ۰ شماره ۳۱۳۱۰۷۳ مورخ ۷۳/۱/۲۳؛ اجازه ۰ پیگیری فسادهای مالی در ادارات دولتی نیز به وزارت اطلاعات داده شده است. همچنین طبق تبصره ۱ ماده ۴ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد؛ وزارت اطلاعات در پرونده های فساد مالی کلان ضابط قوه قضاییه محسوب می شود.

• مأموران نیروی مقاومت بسیج.

نکته: مستفاد از ماده ۱ و تبصره های قانون حمایت قضایی از بسیج؛ ضابط محسوب شدن نیروهای بسیج منوط به تحقق سه شرط است:

اولاً: نیروی مقاومت بسیج در جرائم غیر مشهود به هیچ وجه و در جرائم مشهود (ماده ۴۵) صرفاً در حد اقدامات اولیه حق دخالت دارند.

ثانیاً: در موقع وقوع جرم مشهود ضابطین در محل حضور نداشته باشند؛ یا حضور دارند ولی به موقع اقدام نمی کنند و یا حضور دارند و باز هم تقاضای کمک (اعلام نیاز) از نیروهای بسیج می کنند.

ثالثاً: مأمور مربوطه باید دارای مجوز مخصوص باشد.

• نیروهای مسلح.

نکته: اصولاً نیروهای مسلح اعم از ارتش یا سپاه وظیفه حفاظت از کشور در برابر تجاوز بیگانگان را بر عهده دارند. در برخی موارد این نیروها ضابط محسوب می شوند.

ماده ۱۴۴ ق.آ.د. ک: "در صورت ضرورت، بازپرس می تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوط استفاده کند که در این صورت، نیروی نظامی زیر نظر مقام قضایی و در حکم ضابط دادگستری است."

ماده ۶۰۲ ق.آ.د. ک: "ضابطین نظامی، مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می کنند."

ماده ۶۰۳ ق.آ.د. ک: "مأموران زیر پس از کسب مهارت های لازم و أخذ کارت مربوط، ضابط نظامی می باشند:

الف- مأموران دژبان نیروهای مسلح.

ب- مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چهارچوب مأموریت ها و وظایف قانونی.

پ- مأموران بازرسی و قضایی نیروهای مسلح.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ت-فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی.

ث-افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت عدم حضور سایر ضابطان نظامی.

ج-مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۱- رؤسا، معاونان و مأموران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی و همچنین مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی است، ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۲- کارکنان وظیفه، ضابط نظامی محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان نظامی است و این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست.

تبصره ۳- اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی به عهده ضابطان نظامی مربوط است."

نکته: طبق اساسنامه سپاه پاسداران، این نیرو در زمینه مأموریت مبارزه با عوامل یا جریان‌هایی که در صدد خرابکاری، براندازی و یا اقدام علیه جمهوری اسلامی یا نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی از طریق توسل به قوه قهریه، همچنین اقدام به خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانونی اسلحه و مهمات حمل می‌کنند و همچنین همکاری با نیروی انتظامی در مواقع لزوم در جهت برقراری نظم و امنیت و حاکمیت قانون در کشور ضابط دادگستری محسوب می‌شود.

- سایر مأموران به موجب قوانین خاص.
 - فرمانده هواپیما در خصوص جرائم داخل در هواپیمای ایرانی و یا هواپیمایی که بر فراز ایران پرواز می‌کند.
 - مأمور جنگل‌بانی در خصوص جرائم مذکور در قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع.
 - مأمور شکاربانی در خصوص جرائم مذکور در قانون شکار و صید.
 - فرمانده کشتی (قانون دریایی ایران).
 - مأموران حفاظت گمرک برای حفظ اماکن گمرکی و کالاهای موجود در آنها و جلوگیری از قاچاق در محدوده آن اماکن.
 - مأموران سازمان بنادر و کشتیرانی و...
- ۷۳- به منظور حسن اجرای وظایف ضابطین در مورد اطفال و نوجوانان؛ پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود.

گفتار سوم: ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری

۷۴- مطابق ماده ۳۲ ق.آ.د. ک؛ ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با دادستان است. از سویی؛ سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطین ارجاع می‌دهند حق نظارت دارند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۷۵ - ریاست اداری بر ضابطین منحصرأ بر عهده دادستان است.

۷۶ - نظارت بر ضابطان بین دادستان و بازپرس تقسیم شده است. نظارت دادستان نظارت عام و کلی (قطع نظر از پرونده خاص و در هر مرحله‌ای) است. اما نظارت بازپرس موردی و محدود به انجام دستورات و وظایفی است که در پرونده تحقیقات مقدماتی به ضابطین محول می‌کند.

۷۷ - اصولاً دستورهای مقام قضایی به ضابطین به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می‌شود. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات معموله در صورت مجلس، در اسرع وقت و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت آن را به امضای مقام قضایی برساند. (ماده ۳۴ ق.آ.د. ک)

۷۸ - اجرای دستورات توسط ضابطین باید در اسرع وقت و در مهلتی که مقام قضایی مشخص کرده باشد و چنان چه انجام آن در زمان مقرر ممکن نباشد مراتب با ذکر دلیل باید به مقام مربوطه گزارش شود. (ماده ۳۵ ق.آ.د. ک)

۷۹ - ضابطان و ماموران نمی‌توانند دستورات غیر قانونی مقامات مافوق (مثلاً نگهداری متهم بیش از بیست و چهار ساعت تحت نظر) را اجرا کنند و در صورت انجام مسئولیت کیفری خواهند داشت.

ماده ۱۵۹ ق.م.ا: "هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود امر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است."

۸۰ - ضمانت اجرای عدم پیروی از دستورات مقام قضایی برای ضابطین؛ انفصال موقت از خدمات دولتی می‌باشد.

ماده ۶۳ ق.آ.د. ک: "تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است."

گفتار چهارم: وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری

۸۱ - وظیفه عام ضابطین دادگستری تبعیت از دستور مقام قضایی و وظیفه خاص آن‌ها پس از تحقق جرم آغاز می‌شود.

۸۲ - وظایف و اختیارات خاص ضابطین دادگستری را در چهار حوزه بررسی می‌کنیم:

- جرائم مشهود
- جرائم غیرمشهود
- در برابر شاکی
- در برابر متهم

الف: در جرائم مشهود

۸۳ - ضابطین موظفند پس از اطلاع از وقوع جرم مشهود آن را به دادسرا گزارش دهند و البته قبل از گزارش و از باب فوریت امر باید تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات ادوات آثار علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی به عمل می‌آورند تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنان چه شاهد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم نشانی شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. (ماده ۴۴ ق.آ.د. ک)

نکته: عبارت "تمام اقدامات" قید شده در متن ماده شامل اختیارات ضابطین در ورود بدون اجازه به منزل اشخاص، تفتیش محل و اشخاص و بازرسی اشیاء، دستگیری، انتقال از محلی به محل دیگر و محدود سازی آزادی افراد متهم نیز می‌شود.

۸۴ - بازداشت متهم در جرائم مشهود تنها در صورتی امکان دارد که دلایل قوی بر ارتکاب جرم او وجود داشته باشد. (ماده ۴۴ ق.آ.د. ک)

۸۵ - در مواردی که اصل دستگیری و بازداشت متهم ضرورت دارد؛ سه تکلیف برای ضابطین پدید می‌آید:

- موضوع اتهام و دلایل آن باید کتباً به متهم تفهیم شود.
- دستگیری متهم به خانواده او اطلاع داده شود.
- مدت نگهداری متهم تحت نظر بیشتر از بیست و چهار ساعت نباشد.

۸۶ - در تفهیم اتهام کتبی ضابطان باید برگ صورت مجلسی مشتمل بر اتهام و دلایل آن را به امضای متهم رسانده، تحقیقات اولیه را انجام داده و در نهایت متهم را به همراه گزارش واقعه به دادسرا اعزام کنند. مجموع اقدامات ضابطین از لحظه دستگیری تا آخرین لحظه اعزام به دادسرا نباید بیشتر از بیست و چهار ساعت طول بکشد. در غیر این صورت مأمور مرتکب جرم توقیف غیرقانونی شده و قابل مجازات است.

ماده ۵۸۳ ق.م.ا (کتاب تعزیرات): "هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از ۲۶۴۰۰۰۰۰۰ تا ۸۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد."

۸۷ - نگهداری و بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمانی یا نیروی انتظامی و... منتقل می‌نمایند، توسط مراجع مذکور ممنوع است.

۸۸ - تشخیص نوع اقدامات بر عهده مأمور حاضر در صحنه جرم است ولی در تشخیص، آزادی مطلق نداشته و تابع اصل ضرورت است.

۸۹ - ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضائی است. (صریح و با ذکر نام متهم، نشانی و...) هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد. (ماده ۵۵ ق.آ.دک) و به همین دلیل است که قانونگذار در ماده ۵۸ گفته ضابطین باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، اوراق هویت ضابط بودن خود و نیز اصل دستور قضائی را به متصرف محل نشان دهند.

ماده ۵۸ ق.آ.د. ک: "ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت مجلس قید نمایند و به امضاء شخص یا اشخاص حاضر برسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند."

نکته: اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه‌های مشورتی متعددی، بازرسی خودروهای عبوری توسط مأموران (در محل‌های ایست و بازرسی و در خیابان‌ها) را در جرائم غیر مشهود بدون دستور مقام قضایی، غیر قانونی دانسته است.

۹۰ - اگر جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک به صورت مشهود واقع شود. در صورت عدم حضور ضابطین دادگستری تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.

ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک: "به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود:

الف - جرائم موجب مجازات سلب حیات.

ب - جرائم موجب حبس ابد.

پ - جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن.

ت - جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر.

ث - جرائم سیاسی و مطبوعاتی."

ب: در جرائم غیرمشهود

۹۱ - وظیفه ضابطین در جرائم غیر مشهود منحصر به اعلام وقوع جرم است.

۹۲ - ضابطین دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. نیز مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند. (ماده ۳۷ ق.آ.د.ک)

۹۳ - ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. (ماده ۴۴ ق.آ.د.ک)

۹۴ - هرگاه قرائین و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند. (ماده ۴۳ ق.آ.د.ک)

ج: در برابر شاکی

۹۵ - در برخی موارد، قانون علی الاطلاق حکم به حمایت از بزه دیده داده است؛ اعم از این که شاکی باشد یا نباشد. به عنوان مثال مواد ۳۸ و ۴۰ ق.آ.د.ک از جمله موارد حمایتی از ناحیه ضابط محسوب می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۳۸ ق.آ.د. ک: "ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند."

ماده ۴۰ ق.آ.د. ک: "افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است."

د: در برابر متهم

۹۶ - مواد قانونی در رابطه با تکلیف ضابطان در برابر متهم تحت تأثیر موازین حقوق بشر جنبه حمایتی داشته و بیشتر ناظر بر متهم تحت نظر می‌باشد. در ذیل به برخی از این مواد اشاره شده است.

ماده ۴۱ ق.آ.د. ک: "ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند. در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود."

ماده ۴۷ ق.آ.د. ک: "هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هر یک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد."

ماده ۴۸ ق.آ.د. ک: "با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. تبصره - در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رییس قوه قضاییه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رییس قوه قضاییه اعلام می‌گردد."

نکته: آنچه در ماده ۴۸ موضوعیت دارد حضور وکیل و ذکر نکات کتبی از قبیل جرم نبودن عمل مشهود نبودن آن، عدم ضرورت دستگیری متهم ایراد به رفتار غیر قانونی و... است نه دفاع از متهم در مراحل بازجویی.

ماده ۴۹ ق.آ.د. ک: "به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می‌شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رییس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است."

ماده ۵۰ ق.آ.د. ک: "شخص تحت نظر می تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند."

ماده ۵۱ ق.آ.د. ک: "بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می شود"

ماده ۵۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند."

فصل سوم: شروط و موانع تعقیب

مبحث اول: شروط خاص تعقیب برخی جرائم

گفتار اول: لزوم شکایت شاکی خصوصی

- ۱ - همان گونه که قبلاً نیز گفتیم؛ هر جرمی دارای جنبه عمومی است و بعضی از جرائم جنبه خصوصی نیز دارند.
- ۲ - با توجه به اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب، اصل بر لزوم تعقیب متهم به ارتکاب جرم است.
- ۳ - در جرائم قابل گذشت، عرف ذی نفع اصلی را شخص یا اشخاص خاصی می داند. از این رو قانون گذار دخالت دادستان و تعقیب این جرائم را در ماده ۱۲ ق.آ.د.ک منوط به شکایت شاکی کرده و بیان نموده با گذشت شاکی نیز موقوف می شوند.

ماده ۱۲ ق.آ.د. ک: "تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می شود. تبصره - تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است."

نکته: اگر جرائم قابل گذشت مشهود باشند ضابطان باید تکلیف خود مبنی بر اقدامات اولیه برای حفظ آثار و ادله و جلوگیری از فرار و تبانی و مخفی شدن متهم را به عمل بیاورند اما به جریان انداختن تعقیب منوط به شکایت است.

- ۴ - با توجه به اصل الزامی بودن تعقیب، اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرائم است و به همین دلیل باید جرائم قابل گذشت صریحاً ذکر گردند. به همین دلیل است که قانونگذار در تبصره ماده ۱۲ بیان می دارد "تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است."
- ۵ - جرائم قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا و نیز برخی مواد دیگر از سایر قوانین مشخص شده اند. به عنوان مثال:
 - در تبصره ماده ۵۱۷ ق.م.ا (کتاب تعزیرات)؛ رسیدگی به جرائم سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی، منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی علیه یا ولی او شده است.

ماده ۵۱۷ ق.م.ا (کتاب تعزیرات): "... تبصره - اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزائی نیز موقوف خواهد شد."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- در ماده ۱۱ قانون صدور چک؛ رسیدگی به جرائم مربوط به چک پرداخت نشدنی را منوط به شکایت دارنده چک کرده است.

ماده ۱۱ قانون صدور چک: "جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست..."

۶ - اقدام به شکایت استیفای حق است. بنابراین شاکی باید اهلیت استیفا داشته باشد و در صورتی که بزه دیده محجور باشد؛ قائم مقام وی (ولی، وصی یا قیم) به نمایندگی از طرف محجور شکایت می کند.

۷ - گاهی اوقات در جرائم قابل گذشتی که علیه محجورین رخ داده، دادستان برای طرح و تعقیب شکایت، قیم موقت تعیین می کند یا خودش راساً اقدام به اعقیب می نماید. این موارد عبارتند از:

- در صورت عدم وجود یا عدم دسترسی به ولی، وصی و قیم؛ مشروط بر این که تا تعیین یا حضور قیم، ضرری متوجه محجور گردد.
- در صورتی که نماینده قانونی محجور که حق طرح شکایت دارد، خود مرتکب جرمی شده یا مداخله در ارتکاب آن جرم داشته باشد.
- بزه دیده یا ولی یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشند.
- ولی یا قیم با وجود مصلحت بزه دیده، اقدام به شکایت نکند یا بزه دیده به عللی ناتوان از طرح و تعقیب شکایت باشد.
- بزه دیده به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا معلولیت ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوی باشد مشروط به جلب موافقت وی. (تنها موردی است که برای مداخله دادستان، جلب موافقت بزه دیده ضروری است)

نکته: عنوان "از قبیل بیهوشی"، در قسمت اخیر ماده ۷۱ حصری نبوده و بنابراین، می توان تکلیف دادستان به مداخله یا تعیین قیم موقت را شامل موارد دیگری هم دانست مانند عدم اطلاع از وقوع جرم به لحاظ غیبت.

نکته: تعیین قیم موقت، مختص بزه دیدگان محجور (اعم از نابالغ، مجنون و غیر رشید) می باشد.

نکته: ملاک اهلیت برای طرح شکایت کیفری، سن بلوغ قانونی (دختر ۷ سال و پسر ۱۵ سال تمام قمری است. مگر اینکه جرم جنبه مالی داشته باشد (مانند صدمات بدنی ناشی از تصادف رانندگی یا ترک انفاق پدر نسبت به فرزند) که در این صورت تعیین قیم موقت برای او ضروری است.

۸ - محجورین سفیه فقط در امور غیرمالی می توانند رأساً شکایت کنند (مانند توهین و افترا) و در سایر موارد باید نماینده آنها شکایت کنند. (مانند سرقت و کلاهبرداری). به عبارتی اعمال مقررات مواد ۷۰ و ۷۱ ق.آ.د.ک در مورد سفیه، فقط در دعاوی کیفری خواهد بود که جنبه مالی داشته باشد.

ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: "در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه دیده، محجور می باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می آورد. این حکم در مواردی که بزه دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است. تبصره - در خصوص شخص سفیه فقط در دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد رعایت ترتیب مذکور در این ماده الزامی است و در غیر موارد مالی، سفیه می تواند شخصاً طرح شکایت نماید."

ماده ۷۱ ق.آ.د. ک: "در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه‌دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت موّلی‌علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. همچنین در مورد بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهنولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند. در این صورت، در خصوص افراد محجور، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است."

گفتار دوم: لزوم تحصیل اجازه از برخی مقامات

- ۹ - تنها موردی که تعقیب متهم توسط دادستان، موکول به اجازه مقامی دیگر شده؛ تعقیب دارندگان پایه قضایی است که با توجه به مواد ۳۹ و ۴۰ قانون نظارت بر رفتار قضات بین جرائم عمدی و غیر عمدی ایشان تفاوت است:
- در جرائم عمدی دارندگان پایه قضایی؛ اجازه تعقیب باید توسط دادگاه عالی انتظامی قضات داده شود و متهم از شغل خود نیز معلق گردد.
 - در جرائم غیر عمدی دارندگان پایه قضایی؛ اجازه تعقیب توسط دادستان انتظامی قضات داده می‌شود و دیگر نیازی به تعلیق متهم از شغل خود وجود ندارد.

نکته: در جرائم غیر عمدی دارندگان پایه قضایی، چنان چه متهم برای رسیدگی یا اجرای حکم حاضر نگردد به طوری که جلب یا بازداشت او ضرورت داشته باشد، ابتدا باید توسط دادگاه عالی انتظامی قضات از شغل خود معلق گردد.

مبحث دوم: موانع تعقیب دعوای عمومی

- ۱۰ - گاهی علیرغم تحقق جرم و وجود شرایط لازم برای تعقیب کیفری متهم، عواملی وجود دارند که مانع به جریان افتادن تعقیب کیفری یا در صورت به تعقیب افتادن مانع ادامه تعقیب کیفری می‌شوند. این **موانع** ممکن است موقتی یا دائمی باشند و عبارتند از:
- مصونیت‌ها (سیاسی یا پارلمانی).
 - اناطه.
 - جنون متهم.

گفتار اول: مصونیت‌ها

- ۱۱ - مصونیت یعنی عدم امکان تعقیب مرتکب جرم به دلیل موقعیت سیاسی یا اجتماعی خاصی که دارد.
- ۱۲ - اصل بر لزوم تعقیب پس از ارتکاب جرم می‌باشد و **مصونیت امری استثنائی** است.

الف: مصونیت سیاسی

- ۱۳ - یعنی مصونیت نمایندگان دیپلماتیک یک دولت در قلمرو دولت دیگر.
- ۱۴ - مصونیت افراد سیاسی در دولت پذیرنده، مانع از تعقیب کیفری ایشان در کشور فرستنده نمی‌باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۶ ق.م.ا مصوب ۹۲: "به جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و به جرائم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود."

۱۵ - افراد دارای مصونیت سیاسی در سه دسته تقسیم بندی می‌شوند:

الف: مأموران دیپلماتیک

۱۶ - مأموران دیپلماتیک در سفارتخانه‌ها مستقر هستند و وظیفه توسعه و تعمیق روابط سیاسی دولت متبوع خود با دولت پذیرنده را دارند. به همین دلیل محل خدمت آنها پایتخت دولت خارجی است.

۱۷ - رئیس، کارکنان سیاسی، کارمندان اداری و فنی هیات دیپلماتیک و بستگان آنها که اهل خانه او هستند (مشروط بر این که تبعه کشور پذیرنده نباشند)؛ در کلیه جرائم اعم از مهم و غیرمهم و اعم از این که مربوط به وظایف آنها یا بی ارتباط با آن باشد از مصونیت برخوردار هستند. ولی خدمه مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن نباشند فقط نسبت به اعمال ناشی از انجام وظیفه‌شان از مصونیت برخوردار هستند.

۱۸ - مأمور سیاسی در هنگام عزیمت به محل مأموریت یا بازگشت از آن چنان چه از کشور ثالثی عبور کند در محل اخیر نیز از مصونیت برخوردار است مشروط بر این که روادید عبور را دریافت کرده باشد.

۱۹ - مصونیت حتی در صورت وجود منازعه مسلحانه بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده پا برجاست.

۲۰ - مصونیت با خاتمه یافتن دوره مأموریت از زمان ترک کشور محل خدمت و یا پس از انقضای مدت مناسبی که برای ترک محل خدمت به مأمور داده می‌شود پایان می‌یابد. پس از پایان مصونیت، چنان چه مأمور دیپلماتیک در خصوص اعمال مرتبط با وظیفه خود مرتکب جرم شده است قابل تعقیب نمی‌باشد ولی در خصوص سایر اعمال امکان تعقیب کیفری وجود دارد.

ب: مأموران کنسولی

۲۱ - مأمورانی هستند که وظیفه آنها توسعه روابط فرهنگی بازرگانی و اقتصادی یک دولت با دولتی دیگر، حمایت از منافع اتباع در خارج از کشور و انجام اموری همچون صدور اسناد سجلی یا ثبت اسناد مربوط به آنها می‌باشد.

۲۲ - محل خدمت آنها کنسولگری است که علاوه بر پایتخت در نقاطی از کشور خارجی که تعداد زیادی از اتباع دولت فرستنده در آن جا اقامت دارند، تشکیل می‌گردد.

۲۳ - مصونیت مأموران کنسولی از مأموران دیپلماتیک محدودتر است:

- مصونیت آنها فقط در مورد اعمالی است که مرتبط با انجام وظایفشان است.
- در جرائم مهم (جنایات بزرگ به تعبیر کنوانسیون) می‌توان مأمور کنسولی را توقیف یا در انتظار محاکمه بازداشت نمود.

ج: سایر مأموران

۲۴ - این مأمورین به طور موردی و نه ثابت برای یک مأموریت خاص به کشور دیگر اعزام شدند و پس از انجام آن مأموریت، به کشور خود باز می‌گردند. این افراد حتی ممکن است افراد سیاسی متعلق به وزارت امور خارجه کشور خود نیز نباشند.

۲۵ - این مأمورین و کارمندان اداری و فنی آنها و همچنین اعضای خانواده همراهشان به شرطی که از اتباع دولت پذیرنده یا مقیم در قلمرو آن نباشند؛ صرفاً در مأموریت مخصوصی که اعزام شده‌اند، از مصونیت تعقیب جزایی برخوردارند. ولیکن خدمه این مأموریت، تنها نسبت به اعمال ناشی از انجام وظایف خود؛ مصونیت دارند.

ب: مصونیت پارلمانی

۲۶ - به منظور تأمین شرایط مناسب برای انجام آزادانه وظایف نمایندگی و جلوگیری از ایجاد محدودیت برای نمایند از طریق تعقیب یا تهدید او، در بسیاری از کشورها برای آنها مصونیت و محدودیت از تعقیب در نظر گرفته شده است.

اصل ۸۶ ق.ا: "نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد."

نکته: تشخیص مصادیق اصل ۸۶ بر عهده هیأت نظارت یعنی هیأت هفت نفره مرکب از نمایندگان مجلس می‌باشد.

گفتار دوم: اناطه

۲۷ - چنان چه بازپرس در جریان تحقیقات مقدماتی، ناگزیر به بررسی و تعیین تکلیف یک موضوع حقوقی گردد که نتیجه آن در سرنوشت تحقیقات در مورد اتهام مؤثر باشد، به منظور حفظ اصل تخصص در رسیدگی قضایی و رعایت دقت در کشف حقیقت با صدور قرار اناطه، ادامه تحقیقات مقدماتی را منوط به تعیین تکلیف موضوع حقوقی می‌کند.

ماده ۲۱ ق.ا.د. ک: "هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست، با تعیین ذی‌نفع و با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود. در این صورت، هرگاه ذی‌نفع ظرف یک‌ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد، مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. تبصره ۱- در مواردی که قرار اناطه توسط بازپرس صادر می‌شود، باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد. در صورتی که دادستان با این قرار موافق نباشد حل اختلاف طبق ماده (۲۷۱) این قانون به عمل می‌آید. تبصره ۲- اموال منقول از شمول این ماده مستثنی هستند. تبصره ۳- مدتی که پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود، جزء مواعد مرور زمان محسوب نمی‌شود."

۲۸ - در اناطه صلاحیت دادگاه حقوقی موضوعیت ندارد بلکه عدم صلاحیت دادگاه کیفری برای رسیدگی به آن موضوع مهم است. بنابراین به عنوان مثال ممکن است قرار اناطه برای رسیدگی در شورای حل اختلاف صادر گردد.

۲۹ - در دعاوی مربوط به اموال منقول، قرار اناطه جایگاهی ندارد. چرا که در اموال منقول؛ تصرف شخص بر مال، اماره مالکیت می‌باشد و نیازی به اثبات در مرجع دیگر نیست.

۳۰ - بازپرس باید در قرار اناطه خود مشخص سازد که چه کسی مکلف است به دادگاه حقوقی مراجعه و حکم را اخذ و ارائه نماید. یعنی بازپرس باید ذی‌نفع را مشخص کند. ذی‌نفع کسی است که از اثبات ادعایش در دادگاه حقوقی سود می‌برد.

۳۱ - پس از صدور قرار اناطه ذی‌نفع مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه درخواست به دادگاه صالح تقدیم کند و گواهی آن را به مرجع تحقیق ارائه نماید. در نتیجه؛ تحقیقات مرجع کیفری تا صدور حکم و قطعیت آن از دادگاه حقوقی متوقف می‌ماند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۳۲ - اگر ذی نفع در مهلت مقرر به دادگاه مراجعه نکند؛ دادگاه کیفری بدون لحاظ دلیلی که برای آن قرار اناطه صادر کرده است به رسیدگی ادامه داده و تصمیم مقتضی می‌گیرد.

نکته: صدور قرار اناطه مانع انجام تحقیقاتی که با موضوع قرار ارتباطی ندارند (مثل استماع شهادت شهود) نیست.

۳۳ - قرار اناطه:

• **اگر در دادسرا صادر شده باشد؛** ظرف مدت ده روز قابل اعتراض است و مرجع اعتراض دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را دارد؛ **مگر این که** دادگاه صالح، دادگاه کیفری یک یا انقلاب باشد و در حوزه دادسرا نیز تشکیل نشده باشد که در این صورت دادگاه کیفری دو صالح به رسیدگی می‌باشد.

• **اگر در دادگاه صادر شده باشد؛** ظرف مدت بیست روز قابل اعتراض است. برای تعیین مرجع اعتراض باید قائل به تفکیک شد:

- چنانچه دادگاه در مقام انجام تحقیقات مقدماتی (در موارد طرح مستقیم پرونده در دادگاه) قرار اناطه صادر کرده باشد؛ **دادگاه تجدید نظر استان** صالح است.

- اگر دادگاه در جریان دادرسی قرار اناطه صادر کرده باشد؛ **حسب مورد دادگاه تجدید نظر استان یا دیوان عالی کشور** صالح است.

گفتار سوم: جنون متهم

۳۴ - مطابق ماده ۱۴۹ ق.م.ا مصوب ۹۲؛ **جنون** نوعی اختلال روانی است، به نحوی که مرتکب را فاقد اراده یا قوه تمیز نموده و در نتیجه مسئولیت کیفری را از او سلب می‌نماید.

۳۵ - جنون ممکن است در مراحل مختلف ارتکاب جرم و محاکمه رخ دهد:

- جنون حین ارتکاب جرم.
- جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی.
- جنون پس از صدور حکم قطعی.

الف: هنگام ارتکاب جرم

۳۶ - چنان چه مرتکب در زمان ارتکاب جرم **مجنون باشد** (دائمی یا ادواری)؛ مسئولیت کیفری **از او رفع** می‌شود. اعم از این که جرم ارتكابی مستوجب مجازات حد، قصاص یا تعزیر باشد.

۳۷ - **در جرائم مستوجب دیه؛** با توجه به این که دیه حق مجنی علیه است و با ارتکاب جرم بر نفس، عضو یا منفعت برای او ایجاد می‌گردد؛ جنون یا سلامت عقل در آن تأثیری ندارد. از این رو پرونده باید با دستور دادستان (و نه صدور کیفرخواست)، برای تعیین تکلیف پرداخت دیه توسط **عاقله مجنون**، به دادگاه ارسال گردد.

۳۸ - جنون مرتکب در حین ارتکاب جرم، از موارد صدور **قرار موقوفی تعقیب** است.

۳۹ - اگر **حالت خطرناک مجنون** با جلب نظر کارشناس ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد **به دستور دادستان** تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب (مراکز مخصوص نگهداری و درمان بهزیستی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و...) **نگهداری می‌شود.**

ماده ۱۴۹ ق.م.ا: "هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد."

ماده ۱۵۰ ق.م.ا: "هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود. شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او می‌توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می‌کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیراین صورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر می‌کند. این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هرگاه علل بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند. این امر مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری‌های روانی، مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند. تبصره ۱- هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد، پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی‌شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست..."

ماده ۲۹۲ ق.م.ا: "جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود: الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود. ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد. پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید. تبصره- در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود."

ماده ۴۶۳ ق.م.ا: "در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه برعهده عاقله است و اگر با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد برعهده خود او است. تبصره- هرگاه پس از اقرار مرتکب به جنایت خطایی، عاقله اظهارات او را تصدیق نماید، عاقله مسئول پرداخت دیه است."

ماده ۸۵ ق.آ.د. ک: "در مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود. تبصره ۱- حکم این ماده در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا با هر تصمیم دیگری در دادسرا مختومه می‌شود اما باید نسبت به پرداخت دیه تعیین تکلیف شود نیز جاری است. تبصره ۲- در مواردی که مسئولیت پرداخت دیه متوجه عاقله است، در صورت وجود دلیل کافی و با رعایت مقررات مربوط به احضار، به وی اخطار می‌شود برای دفاع از خود حضور یابد. پس از حضور، موضوع برای وی تبیین و اظهارات او اخذ می‌شود. هیچ‌یک از الزامات و محدودیت‌های مربوط به متهم در مورد عاقله قابل اعمال نیست. عدم حضور عاقله مانع از رسیدگی نیست."

ماده ۲۰۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعین به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب نزد دادستان می‌فرستد. در صورت موافقت دادستان با نظر بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد شخص مجنون بنابر ضرورت، حسب دستور دادستان به مراکز مخصوص نگهداری و درمان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل می‌شود. مراکز مذکور مکلف به پذیرش می‌باشند و در صورت امتناع از اجرای دستور دادستان، به مجازات امتناع از دستور مقام قضایی مطابق قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند. تبصره ۱- ... تبصره ۲- چنانچه جرائم مشمول این ماده مستلزم پرداخت دیه باشد، طبق مقررات مربوط اقدام می‌شود."

ب: پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی

۴۰ - در این حالت جنون عطف به ماسبق نمی‌شود و رافع مسئولیت کیفری نیست. اما در عین حال محاکمه مجنون نیز عادلانه نیست و باید بستری فراهم گردد تا وی سلامت خود را بازیابد و تا زمانی که وی به سلامت کامل برسد تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود.

تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د. ک: "هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد."

تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا: "... در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق اللهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست."

۴۱ - جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از قطعیت حکم:

- در تعزیرات: تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود.
- در حدودی که جنبه حق اللهی داشته باشد: تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود.
- در حدودی که جنبه حق الناسی دارد و نیز در قصاص و دیات: مانع رسیدگی نمی‌شود.

نکته: جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی، فقط مانع تعقیب کیفری متهم می‌شود ولیکن تا بهبود وی انجام سایر اقدامات تحقیقاتی بلامانع می‌باشد.

نکته: در قصاص و دیات جنون قبل از صدور حکم مانع از رسیدگی نمی‌باشد.

ج: پس از صدور حکم قطعی

۴۲ - در قوانین ایران جنون پس از صدور حکم قطعی موجب سقوط مجازات شناخته نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا: "هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می افتد. نسبت به مجازات هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست."

ماده ۵۰۳ ق.آ.د. ک: "هرگاه محکوم علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می افتد؛ مگر در مورد مجازات های مالی که از اموال محکوم علیه وصول می شود"

۴۳ - جنون پس از صدور حکم قطعی:

• در تعزیرات: تا زمان افاقه اجرای حکم به تعویق می افتد. (مگر در مورد مجازات های مالی که از اموال محکوم علیه مجنون وصول می شود.)

• در حدود: حد ساقط نمی شد.

• در قصاص و دیات: وقتی جنون قبل از صدور حکم قطعی مانع رسیدگی نمی شود، بنابراین به طریق اولی، پس از صدور حکم قطعی نیز مانع رسیدگی نخواهد شد.

۴۴ - در خصوص بیماری جسمی یا روانی متهم در مرحله اجرای احکام، قانونگذار در ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک تعیین تکلیف نموده است:

• اگر اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی اجرای مجازات را به تعویق می اندازد.

• اگر وضعیت بیماری محکوم علیه به گونه ای باشد که امیدی به بهبودی او وجود نداشته باشد و نیز بیماری او مانع مجازات گردد، امکان تبدیل مجازات به مجازات مناسب دیگر توسط دادگاه صادر کننده حکم قطعی وجود دارد. (صرفاً در جرائم تعزیری)

ماده ۵۰۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می کند. تبصره - هرگاه حین اجرای مجازات، بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات این ماده اقدام می کند."

فصل چهارم: سقوط دعوای عمومی

۱ - گاهی قبل از به پایان رسیدن تحقیقات مقدماتی، دعوای عمومی بنا به دلایلی (اغلب شکلی) ساقط می گردد. در این موارد حسب مورد قاضی دادسرا یا دادگاه اصولاً بدون بررسی ماهوی، قرار موقوفی تعقیب صادر می کند. اگر جهات سقوط دعوا، بعد از شروع عملیات اجرای حکم حادث گردند؛ قاضی اجرای احکام کیفری قرار موقوفی اجرا را صادر می کند.

۲ - با صدور قرار موقوفی تعقیب، فقط دعوای عمومی ساقط می شود ولی حق مدعی خصوصی مبنی بر مطالبه دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم همچنان باقی خواهد بود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۲۰ ق.آ.د. ک: "سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید."

۳ - موارد (جهات) سقوط دعوای عمومی را می‌توان به دو دسته شخصی و عینی تقسیم نمود:

الف: جهات شخصی

- فوت متهم یا محکوم علیه.
- گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت.
- شمول عفو.
- توبه.

ب: جهات عینی

- نسخ قانون.
- اعتبار امر مختوم
- مرور زمان
- قاعده درء

ماده ۱۳ ق.آ.د. ک: "تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر: الف- فوت متهم یا محکوم علیه. ب- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت. پ- شمول عفو. ت- نسخ مجازات قانونی. ث- شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون. ج- توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون. چ- اعتبار امر مختوم."

مبحث اول: جهات شخصی سقوط دعوای عمومی

گفتار اول: فوت متهم یا محکوم علیه

۴ - سقوط دعوای عمومی با فوت متهم یا محکوم علیه طبق اصل شخصی بودن مجازات‌ها قابل توجیه است. به بیاد داشته باشیم که اصل بر این است که هر کس مرتکب جرمی شود خودش باید مجازات گردد نه دیگری. (به جز استثناعات مسئولیت کیفری)

۵ - در مورد اشخاص حقوقی که متهم یا محکوم علیه واقع شده‌اند، انحلال را داریم و لذا واژه فوت را به کار نمی‌بریم. انحلال شخص حقوقی (متهم یا محکوم علیه) فقط در صورتی موجب سقوط دعوای عمومی می‌گردد که قهری و قانونی باشد.

ماده ۶۹۲ ق.آ.د. ک: "در صورت انحلال غیر ارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجراء صادر می‌شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود."

۶ - دیه با ارتکاب جنایت بر عهده مرتکب مستقر می‌گردد. لذا فوت او تأثیری بر آن ندارد و مستفاد از مواد ۴۳۵ و ۴۷۴ و ۴۷۵ ق.م.ا.پس از فوت وی باید از اموال وی وصول گردد.

ماده ۴۳۵ ق.م.ا: "هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت المال خواهد بود. چنانچه پس از اخذ دیه، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیر قتل، ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی علیه محفوظ است، لکن باید قبل از قصاص، دیه گرفته شده را برگرداند."

ماده ۴۷۴ ق.م.ا: "در جنایت شبه عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی که مال او کفایت نکند از بیت المال پرداخت می‌شود."

ماده ۴۷۵ ق.م.ا: "در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد دیه از بیت المال پرداخت می‌شود."

۷ - در مورد جرائمی که مستلزم پرداخت دیه می‌باشند؛ پس از صدور قرار موقوفی تعقیب به لحاظ فوت متهم، پرونده با دستور دادستان نه کیفرخواست برای صدور حکم در مورد دیه ارسال می‌گردد.

تبصره ماده ۸۵ ق.آ.د. ک: "در مواردی که دیه باید از بیت المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود. تبصره ۱ - حکم این ماده در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا با هر تصمیم دیگری در دادسرا مختومه می‌شود اما باید نسبت به پرداخت دیه تعیین تکلیف شود نیز جاری است."

گفتار دوم: گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت

۸ - وقتی جرم تعزیری، قابل گذشت باشد؛ گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای حکم خواهد شد.

ماده ۱۰۰ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است. تبصره ۱ - جرائم قابل گذشت، جرایمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است. تبصره ۲ - جرائم غیرقابل گذشت جرایمی می‌باشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد. تبصره ۳ - مقررات راجع به گذشت شاکی در مورد مجازات‌های قصاص نفس و عضو، حدّ قذف و حدّ سرقت همان است که در کتاب دوم «حدود» و سوم «قصاص» این قانون ذکر شده است. گذشت شاکی در سایر حدود تأثیری در سقوط و تخفیف مجازات ندارد."

۹ - اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرائم است و قابل گذشت بودن جرم امری است استثنائی که نیازمند تصریح است.

۱۰ - در حدود به جز حد قذف و حد سرقت؛ گذشت شاکی تأثیری در سقوط و تخفیف مجازات ندارد.

۱۱ - درباره تشخیص قابل گذشت بودن جرائم دو روش وجود دارد:

- احصای قانونی: که از صراحت کافی برخوردار بوده و موجب تشتت آراء نمی‌گردد.
- تعیین ضابطه: که قانون گذار به وسیله آن تشخیص مصادیق را به دادگاه‌ها واگذار نموده است. این شیوه از دقت و صراحت برخوردار نیست و موجب برداشت‌های متفاوت دادگاه‌ها می‌گردد.

قانونگذار ما در ماده ۱۰۴ ق.م.ا از روش اول و در ماده ۱۰۳ همان قانون از روش دوم استفاده کرده است.

ماده ۱۰۳ ق.م.ا: "چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیر قابل گذشت محسوب می‌شود، مگر این که از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد."

ماده ۱۰۴ ق.م.ا: "علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد قذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند، جرائم مندرج در مواد (۵۳۶)، (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۰۹)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۱)، (۶۴۷)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰) در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، (۶۹۲)، (۶۹۳)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹)، (۷۰۰)، (۷۱۶)، (۷۱۷) و (۷۴۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ و شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور، همچنین کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه دیده، مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴/۱۲/۱۳۹۲ بوده و قابل گذشت است. تبصره - حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد."

۱۲ - گذشت یا کتبی است یا شفاهی.

• اگر کتبی باشد باید در صحت صدور آن و تعلق آن به شاکی تردید نباشد مثلاً در دفترخانه اسناد رسمی تنظیم گردد.

• اگر شفاهی باشد باید در مرجع رسیدگی بیان شده و صورت مجلس شده و به امضای شاکی برسد.

۱۳ - گذشت باید بعد از وقوع جرم باشد و اگر قبل از آن باشد رضایت نامیده می‌شود.

۱۴ - گذشت بعد از وقوع جرم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، مرحله دادرسی، صدور حکم یا اجرای حکم صورت بگیرد.

۱۵ - اگر گذشت بعد از صدور حکم قطعی باشد، مجازات اجرا نمی‌شود و چنان چه در جریان اجرا باشد، اجرای آن متوقف می‌شود.

تبصره ۲ ماده ۲۵ ق.م.ا: "در مورد جرائم قابل گذشت، در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود."

۱۶ - چون گذشت نوعی استیفای حق است، گذشت کننده باید عاقل، بالغ و مختار بوده و در موارد امور مالی، رشید نیز باشد.

۱۷ - چنان چه قیم اتفاقی بخواهد از طرف مولی علیه خود اعلام گذشت نماید باید به تأیید دادستان برسد.

۱۸ - گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد.

• در گذشت مشروط: شاکی گذشت خود را مشروط بر انجام یا عدم انجام کاری می‌کند (مثل پرداخت خسارت از سوی متهم).

• در گذشت معلق: شاکی گذشت خود را موکول به تحقق نتیجه خاص می‌کند (مثل پرداخت شدن خسارات).

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۱۹ - در جرائم قابل گذشت؛ در مواردی که شاکی به صورت مشروط یا معلق گذشت نموده باشد، این گذشت وی مانع ادامه تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود. ولی در مرحله اجرای احکام، فقط در صورتی حکم محکومیت اجرا می شود که شرط یا معلق علیه محقق نشده باشد.

ماده ۱۰۱ ق.م.ا: "گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد. همچنین عدول از گذشت، مسموع نیست. تبصره ۱ - گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است. در این صورت، محکوم علیه با قرار تأمین مناسب آزاد می شود. تبصره ۲ - تأثیر گذشت قییم اتفاقی، منوط به تأیید دادستان است."

۲۰ - عدول از گذشت مسموع نیست.

۲۱ - اگر در یک جرم، چند نفر متضرر داشتیم؛ برای شروع به تعقیب متهم، شکایت یک نفر از متضررین کافی است ولی برای موقوفی تعقیب حتماً بایستی همه کسانی که شکایت کرده اند گذشت نمایند.

۲۲ - گذشت حق بزه دیده است و با فوت او به ورثه اش منتقل می شود و اگر اختلاف نظر بین گذشت یا عدم گذشت بین ورثه وجود داشته باشد تعقیب ادامه پیدا خواهد کرد.

ماده ۱۰۲ ق.م.ا: "هرگاه متضررین از جرم، متعدد باشند تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع می شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده اند. تبصره - حق گذشت، به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می گردد.

گفتار سوم: شمول عفو

۲۳ - عفو بر دو نوع است:

• **عفو عمومی (ماده ۹۷ ق.م.ا):** توسط مجلس قانون گذاری و با تصویب یک قانون اعطاء می شود. معمولاً بعد از وقوع انقلاب، کودتا یا آشوب های داخلی برای عفو مبارزان سیاسی سابق یا ایجاد آشتی ملی یا برقراری آرامش عمومی تصویب می شود. هم شامل حال متهمین و هم محکومان می شود. و مخصوص جرائم تعزیری است.

• **عفو خصوصی (ماده ۹۶ ق.م.ا):** پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه، از طرف مقام رهبری اعطا می گردد. عفو خصوصی معمولاً برای انصراف از مجازات افرادی است که قبل از پایان دوران محکومیت نشانه های اصلاح و ندامت را از خود بروز داده و یا اشتباهی قضایی در حکم دیده شده که از طریق شکلی پیش بینی شده در قانون، قابل رفع نیست. فقط شامل حال محکومان می شود.

۲۴ - عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می شود؛ تعقیب و دادرسی را موقوف می کند. در صورت صدور حکم محکومیت اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می شود.

۲۵ - چون عفو عمومی آثار محکومیت را زائل می کند، پس باعث سلب عنوان مجرمانه از اعمال مرتکبین می شود که این امر، خود دو اثر مهم دارد:

اولاً: نسبت به معاونین جرائم موضوع عفو نیز مؤثر است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ثانیاً: اگر عفو پس از صدور حکم قطعی باشد اثر تبعی آن نیز از بین می‌رود.

ماده ۹۶ ق.م.ا: "عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است."

ماده ۹۷ ق.م.ا: "عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود."

۲۶ - عفو خصوصی فقط پس از قطعیت یافتن حکم امکان دارد. پس در دادسرا فقط عفو عمومی موجب سقوط دعوا می‌گردد.

۲۷ - در عفو عمومی چون عنوان مجرمانه از بین می‌رود، هم مجازات اصلی و هم آثار تبعی آن زائل می‌شود. ولی در عفو خصوصی فقط مجازات مقرر در حکم مورد عفو قرار می‌گیرد و لذا آثار تبعی به قوت خودش باقی است. لذا می‌توان چنین استدلال نمود که تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا ناظر بر عفو خصوصی و ماده ۹۸ همان قانون ناظر بر عفو عمومی است؛ چرا که ماده ۹۸ بلافاصله پس از ماده ۹۷ (عفو عمومی) و در تکمیل آن آمده است.

کفتار چهارم: توبه

۲۸ - از نظر مفهومی توبه یعنی احساس پشیمانی از ارتکاب گناه و تصمیم جدی بر عدم تکرار آن.

۲۹ - توبه باید توسط مرتکب ابراز و توسط قاضی احراز گردد.

۳۰ - توبه باید نزد قاضی دادگاه بدوی یا تجدید نظر صورت گیرد. توبه در دادسرا موجب موقوفی تعقیب نمی‌شود.

۳۱ - تأثیر توبه مرتکب بر انواع مجازات‌ها:

• قصاص و دیه:

- چون حق الناس هستند؛ توبه مرتکب اثری نداشته و مجازات با توبه ساقط نمی‌شود.

• حدود:

- در **قذف** چون حق الناس است؛ توبه مرتکب اثری نداشته و مجازات با توبه ساقط نمی‌شود.

- در **محاربه** توبه مرتکب فقط قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

- در **سایر حدود**؛ اگر توبه قبل از اثبات جرم باشد، موجب سقوط حد می‌شود و اگر بعد از اثبات جرم باشد فقط در صورتی موجب سقوط حد می‌شود که جرم با اقرار ثابت شده باشد. در این صورت دادگاه از طریق رئیس قوه قضائیه، عفو مرتکب را از رهبری درخواست می‌کند.

نکته: در زنا و لواط؛ هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آن‌ها محکوم می‌شود.

ماده ۱۱۴ ق.م.ا: "در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید. تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است. تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دوی آنها محکوم می‌شود."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۱۱۶ ق.م.ا: "دیه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی گردد."

نکته: در حدود اگر توبه قبل از تاریخ اثبات جرم صورت گرفته باشد عفو توسط قاضی صورت می گیرد ولی اگر توبه بعد از اثبات جرم باشد قاضی باید از مقام رهبری درخواست عفو نماید. تاریخ اثبات جرم را باید تاریخ قطعیت حکم محکومیت در نظر بگیریم.

نکته: در مورد حبس ابد در سرقت حدی مرتبه سوم و سایر حبس‌هایی که مشمول عنوان تعزیر نیستند، هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام معظم رهبری آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود. همچنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید؛ بدون این که اثبات جرم از طریق اقرار باشد.

ماده ۲۷۸ ق.م.ا: "حد سرقت به شرح زیر است: الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند. ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند. پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است. ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد. تبصره ۱- هرگاه سارق، فاقد عضو متعلق قطع باشد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری می‌شود. تبصره ۲- در مورد بند (پ) این ماده و سایر حبس‌هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود. همچنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید."

• در تعزیرات:

- توبه مرتکب در جرائم تعزیری مستوجب مجازات درجه ۶ تا ۸؛ موجب سقوط مجازات می‌شود.
- توبه مرتکب در جرائم تعزیری مستوجب مجازات درجه ۱ تا ۵؛ می‌تواند موجب تخفیف مجازات شود.

نکته: در دو مورد، توبه مرتکب در تعزیرات تأثیری ندارد: ۱- جرائم تعزیری مشمول تکرار جرم. (تبصره ۱ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) ۲- جرائم تعزیری منصوص شرعی. (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا)

ماده ۱۱۵ ق.م.ا: "در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید. تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد. تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۲)، (۹۳) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود."

۳۲- در مواردی که توبه مرتکب موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد؛ توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنان چه پس از اعمال مقررات راجع به توبه ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است، سقوط مجازات و تخفیفات در

نظر گرفته شده، ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

ماده ۱۱۷ ق.م.ا: "در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود."

۳۳ - در جرائم تعزیری توبه مرتکب فقط تا قبل از قطعیت حکم مورد قبول است.

رأی وحدت رویه شماره ۸۱۳ مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۹ هیات عمومی دیوان عالی کشور: "با عنایت به مواد ۱۱۵ و ۱۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرگاه متهم قبل از قطعیت حکم، توبه کند و ندامت و اصلاح وی برای قاضی محرز شود، در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت، مجازات ساقط می‌شود و در سایر جرائم موجب تعزیر، دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال کند، اما بعد از قطعیت حکم، موضوع از شمول این مقررات خارج است. بدیهی است، بعد از قطعیت حکم، عفو یا تخفیف مجازات محکومان مطابق بند ۱۱ اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مشابه آنچه ذیل ماده ۱۱۴ و تبصره ۲ ماده ۲۷۸ قانون یادشده مقرر شده است)، امکان‌پذیر است. بنا به مراتب، رأی شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی گرگان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است."

۳۴ - اگر دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدید نظر اعتراض کند.

ماده ۱۱۹ ق.م.ا: "چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند."

مبحث دوم: جهات عینی سقوط دعوای عمومی

۳۵ - منظور از جهات عینی؛ علل و عوامل مرتبط با عمل مجرمانه یا سابقه رسیدگی است که موجب سقوط دعوا می‌گردد.

گفتار اول: نسخ قانون

۳۶ - منظور حذف مجازات عمل مجرمانه است نه تخفیف مجازات آن یا سایر جهات مساعدتر بودن. به عبارتی قانونگذار با وضع قانون جدید قانون قبلی را از اعتبار می‌اندازد.

ماده ۹۹ ق.م.ا: نسخ قانون، تعقیب و اجرای مجازات را موقوف می‌کند. آثار نسخ قوانین کیفری به شرح مندرج در ماده (۱۰) این قانون است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۱۰ ق.م.ا: "در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود، نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم الاجراء، صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود: الف- اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء باشد اجرای آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست. ب- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید."

۳۷ - نسخ قانون بر دو نوع است:

- نسخ صریح:

در این نوع نسخ، قانونگذار سلب اعتبار از قانون سابق را به صراحت در قانون جدید بیان می‌کند.

- نسخ ضمنی:

در این نوع نسخ، تعارض میان قانون سابق و قانون لاحق به نحوی است که مانع اجرای همزمان آن‌ها می‌گردد و به طور ضمنی حکایت از سلب اعتبار قانون قدیم دارد.

۳۸ - موقوف شدن تعقیب، محدود به موارد نسخ صریح مجازات یک عمل یا قانون سابق نمی‌باشد. لذا اگر با وضع قانون جدید، سخنی از جرمی که در قانون سابق وجود داشته به میان نیاید نیز یعنی دیگر آن عمل نسخ شده است؛ هرچند به صراحت در قانون جدید از نسخ آن چیزی دیده نشود. حتی اگر قانون جدیدی وضع نگردد، اما بنابر دلایلی (از جمله پایان مهلت اجرای قانون) اعتبار قانون سلب گردد، مرتکب از موقوفی تعقیب بهره مند می‌گردد.

۳۹ - نسخ قانون چه در مرحله دادرسی و چه در مرحله دادگاه منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌گردد.

گفتار دوم: اعتبار امر مختوم

۴۰ - اصولاً حکمی که در پایان رسیدگی به یک اتهام توسط مرجع صالح صادر و طرق عادی اعتراض به آن نیز پیموده یا ترک شده باشد؛ حکم محکومیت یا برائت معتبر تلقی و مفاد آن باید اجرا گردد.

۴۱ - اگر در جریان تحقیقات مقدماتی مشخص گردد متهم به خاطر همان اتهام موضوع پرونده که توسط شاکی مطرح گردیده، محاکمه و در مورد او حکم قطعی نیز صادر شده است، باید قرار موقوفی تعقیب صادر گردد.

۴۲ - احکام قطعی برائت، محکومیت و قرارهای موقوفی تعقیب اصولاً اعتبار امر مختوم دارند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۴۳ - در خصوص اعتبار امر مختوم قرارهای منع تعقیب؛ با توجه به ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک باید قائل به تفکیک شد:

- اگر قرار مبتنی بر مسائل حکمی و انطباق یا عدم انطباق عمل با عناوین مجرمانه و به دلیل جرم نبودن عمل صادر گردد؛ از اعتبار امر مختوم برخوردار است.
 - اگر قرار مبتنی بر وقایع مادی و عالم خارج و عدم کفایت ادله یا انتساب آن‌ها به متهم باشد؛ قرار از اعتبار امر مختوم برخوردار نمی‌باشد.
- ۴۴ - در خصوص قرار منع تعقیب به دلیل عدم کفایت ادله؛ با تحقق دو شرط می‌توان فقط یکبار دیگر تعقیب را شروع نمود:
- کشف دلایل جدید
 - حسب مورد موافقت دادستان (اگر قرار در دادسرا قطعی شده باشد) و یا درخواست دادستان و اجازه دادگاه صالح (اگر قرار در دادگاه قطعی شده باشد)

ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک: "هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یکبار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یکبار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند"

۴۵ - حکم برانست حتی با وجود کشف دلایل جدید واجد اعتبار امر مختوم می‌باشد.

۴۶ - اعتبار امر مختوم نیازی به ایراد متهم ندارد و محدود به زمان خاصی هم نمی‌باشد.

۴۷ - شرط اعمال قاعده اعتبار امر مختوم کیفری، قطعیت رأی است.

نکته: رأی قطعی رأیی است که:

- یا قانوناً در هنگام صدور قطعی و غیر قابل اعتراض باشد.
- یا مدت اعتراض آن سپری شده باشد.
- یا طرق اعتراض به آن پیموده شده باشد.

۴۸ - عدم اجرای رأی قطعی، مانع از استناد به اعتبار امر مختوم کیفری نمی‌باشد.

۴۹ - اگر رسیدگی قبلی هنوز منجر به صدور حکم قطعی نشده باشد نمی‌توان به اعتبار امر مختوم استناد کرد. در این گونه موارد با رجوع به بند دو ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی و نیز ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار امتناع از رسیدگی صادر شده و پرونده برای رسیدگی به مرجع صالح ارسال می‌شود.

ماده ۸۴ ق.آ.د.م: "در موارد زیر خوانده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند:

- ۱- دادگاه صلاحیت نداشته باشد. ۲- دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد. ۳- خواهان به جهتی از جهات قانونی از قبیل صغر، عدم رشد، جنون یا ممنوعیت از تصرف در اموال در نتیجه حکم ورشکستگی، اهلیت قانونی برای اقامه دعوا نداشته باشد. ۴- ادعا متوجه شخص خوانده نباشد. ۵- کسی که به عنوان نمایندگی اقامه دعوا کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و سمت او محرز نباشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۶- دعوای طرح شده سابقاً" بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد. ۷- دعوا بر فرض ثبوت، اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض. ۸- مورد دعوا مشروع نباشد. ۹- دعوا جزمی نبوده بلکه ظنی یا احتمالی باشد. ۱۰- خواهان در دعوای مطروحه ذی نفع نباشد. ۱۱- دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد."

ماده ۸۹ ق.آ.د. م: "درمورد بند ۱ ماده ۸۴ هرگاه دادگاه، خود را صالح نداند مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت می نماید و طبق ماده ۲۷ عمل می کند و در مورد بند ۲ ماده ۸۴ هرگاه دعوا در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی به دعوا خودداری کرده پرونده را به دادگاهی که دعوادر آن مطرح است می فرستد و در سایر موارد یادشده در ماده ۸۴ قرار رد دعوا صادر می نماید."

۵۰ - برای امکان استناد به قاعده اعتبار امر مختوم باید شرایط سه گانه زیر نیز وجود داشته باشد:

- **وحدت اصحاب:** یعنی در هر دو پرونده بزه دیده و متهم یکی باشند. در خصوص بزه دیده باید توجه نمود که مهم نیست چه کسی در پرونده سابق باعث به جریان افتادن تعقیب کیفری شده است. در واقع تمام افرادی که می توانند سبب به جریان افتادن تعقیب کیفری متهم شوند در برابر او یک طرف واحد را تشکیل می دهند.

- **وحدت سبب:** یعنی مبنا یا هدفی که بر اساس آن اقدام به رسیدگی می شود در دعوای سابق و کنونی یکی باشد.

- در دادرسی های **حقوقی**؛ سبب دعوی، جبران خسارت یا الزام به انجام تعهد است.

- در دادرسی های **کیفری**؛ سبب دعوی، اعمال مجازات یا اقدام تأمینی تربیتی نسبت به کسی است که ادعا شده به نظم عمومی لطمه زده است.

- در دادرسی های **اداری**؛ سبب دعوی، اعمال مجازات انتظامی نسبت به کسی است که تخلف اداری نموده است.

نکته: اگر عمل مرتکب علاوه بر لطمه به نظم عمومی، موجب خسارت مالی هم شده باشد؛ صدور حکم قطعی از دادگاه حقوقی مانع از رسیدگی کیفری نخواهد شد.

- **وحدت موضوع:** یعنی رفتار موضوع تعقیب کیفری در رسیدگی جدید، همان رفتاری باشد که در رسیدگی قبلی مطرح بوده است. در این خصوص شرح رفتار مورد توجه هست نه وصف مجرمانه آن. بنابراین رفتار واحدی که واجد عناوین مجرمانه متعدد باشد (تعدد معنوی) نباید چندبار و هربار تحت یک عنوان مورد رسیدگی قرار گیرد.

گفتار سوم: مرور زمان

۵۱ - **مرور زمان** یعنی انقضای مدتی از تاریخ وقوع جرم یا قطعیت حکم که پس از آن، دیگر متهم قابل تعقیب نبوده و یا حکم صادره در خصوص وی قابل اجرا نباشد.

ماده ۱۰۷ ق.م.ا: "مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است: الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال. ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای پانزده سال. پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای ده سال. ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال. ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال. تبصره ۱- اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

تبصره ۲- مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقتنامه‌های قانونی، مشمول مقررات این ماده است."

۵۲ - در قانون ایران، مرور زمان در حدود، قصاص و دیات وجود ندارد و فقط در خصوص تعزیرات مورد پذیرش قرار گرفته که باز آن هم استثنائاتی به شرح ذیل دارد:

- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور.
- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده.
- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر.
- تعزیرات منصوص شرعی.

ماده ۱۰۹ ق.م.ا: "جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور. ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده. پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر."

ماده ۱۱۵ ق.م.ا: "در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید. تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد. تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود."

نکته: تعزیرات منصوص شرعی آن دسته از تعزیراتی هستند که در نصوص شرعی ذکر و برای آن‌ها مجازات مقرر شده است.

الف: انواع مرور زمان

۵۳ - با توجه به مواد ۱۰۶ و ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲؛ در حال حاضر چهار نوع مرور زمان داریم:

- مرور زمان شکایت (خاص جرائم قابل گذشت):

۵۴ - در جرائم قابل گذشت، اگر بزه دیده ظرف مهلت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، طرح شکایت نکند؛ پس از آن دیگر نمی‌تواند از شکایت نماید؛ مگر در سه حالت:

- بزه دیده تحت سلطه متهم بوده است.
- بزه دیده به دلیل دیگری خارج از اختیار، قادر به شکایت نبوده است.
- بزه دیده قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نیز نباشد که در این صورت، هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارد.

ماده ۱۰۶ ق.م.ا: "در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از

اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارد. تبصره - غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می‌شود که جرم موضوع شکایت، طبق ماده ۱۰۵ این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد."

نکته: هرچند عمده‌تاً مرور زمان شکایت، یک ساله است ولیکن؛ گاهی در قوانین خاص مثل قانون صدور چک، این مدت، شش ماه پیش بینی شده و به قوت خود باقی است.

۵۵ - در مورد مرور زمان شکایت؛ **مبدأ زمانی** به جریان افتادن مرور زمان، تاریخ اطلاع بزه دیده از وقوع جرم است. از طرفی **اصل بر عدم اطلاع بزه دیده است؛** مگر این که قرائنی بر آگاهی او وجود داشته باشد.

- مرور زمان تعقیب:

۵۶ - عبارت است از گذشت مدتی از تاریخ وقوع جرم که پس از آن، متهم دیگر قابل تعقیب نیست.

۵۷ - در مرور زمان تعقیب؛ **مبدأ، تاریخ وقوع جرم است.** با این وصف؛ **مبدأ در جرائم مرکب، تاریخ وقوع آخرین جزء جرم و در جرائم مستمر، تاریخ خاتمه استمرار عمل خواهد بود، نه تاریخ شروع آن.**

۵۸ - در مرور زمان تعقیب، فرقی ندارد جرم کشف شده باشد یا خیر و یا این که بزه دیده از وقوع جرم اطلاع داشته باشد یا خیر.

۵۹ - اگر از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر، جرم تعقیب نشده و یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای مواعد زیر، حکم قطعی صادر نشده باشد؛ به ترتیب مشمول مرور زمان تعقیب و مرور زمان صدور حکم می‌شود:

- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال.
- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال.
- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال.
- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال.
- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال.

۶۰ - حال اگر در جرائم قابل گذشت قبل از اطلاع بزه دیده از وقوع جرم یا قبل از شمول مرور زمان شکایت، مدت‌های فوق سپری گردد، حق شکایت ساقط می‌شود؛ مگر در فرضی که بزه دیده در سلطه متهم باشد.

- مرور زمان صدور حکم:

۶۱ - عبارت است از گذشت مدتی از آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی در پرونده و عدم صدور حکم قطعی؛ که پس از آن، دیگر نمی‌توان به موضوع رسیدگی نمود.

۶۲ - در مرور زمان صدور حکم؛ **مبدأ، تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی از ناحیه مقام قضایی (و نه کارکنان دفتری) می‌باشد.**

نکته: موارد مندرج در تبصره یک ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص مرور زمان صدور حکم، تمثیلی است و لذا ممکن است هر نوع اقدام تعقیبی و تحقیقی را شامل شود.

نکته: مواعد مرور زمان صدور حکم همان است که در ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ آمده است.

- مرور زمان اجرای مجازات:

۶۳ - عبارت است از گذشت مدتی از تاریخ قطعی شدن حکم و عدم شروع به اجرای آن؛ که پس از آن، دیگر امکان اجرای حکم نسبت به محکوم علیه وجود ندارد.

۶۴ - در مرور زمان اجرای حکم؛ مبدأ، تاریخ قطعیت دادنامه می‌باشد.

نکته: هرگاه اجرای مجازات، شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود. مانند زندانی که در مرخصی غیبت می‌کند.

ب: مبدأ مرور زمان

۶۵ - مبدأ مرور زمان شکایت: تاریخ اطلاع بزه دیده از وقوع جرم است.

۶۶ - مبدأ مرور زمان تعقیب: تاریخ وقوع جرم است.

۶۷ - مبدأ مرور زمان صدور حکم: تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی از ناحیه مقام قضایی (و نه کارکنان دفتری) است.

۶۸ - مبدأ مرور زمان اجرای حکم: تاریخ قطعیت دادنامه است.

ماده ۱۰۷ ق.م.ا: "مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است: الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال. ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای پانزده سال. پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای ده سال. ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال. ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال. تبصره ۱- اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود. تبصره ۲- مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقتنامه‌های قانونی، مشمول مقررات این ماده است."

ج: قطع و تعلیق مرور زمان

۶۹ - دو عامل ممکن است مانع از تحقق مرور زمان شده و امکان تعقیب یا اجرای حکم را فراهم سازند. این دو عامل عبارتند از: قطع و تعلیق مرور زمان.

۷۰ - قطع مرور زمان:

- اقدام به شکایت کیفری توسط بزه دیده؛ باعث قطع مرور زمان شکایت می‌شود.
- شروع به تعقیب که در اختیار دادرسی و به معنی به جریان انداختن تعقیب کیفری بوده (اعم از این که مستقیم متوجه فرد خاصی باشد یا این که مستقیماً جهت جمع آوری اطلاعات باشد)؛ باعث قطع مرور زمان تعقیب می‌شود.
- قطعیت یافتن حکم کیفری؛ باعث قطع مرور زمان صدور حکم می‌شود.
- شروع به اجرای مجازات مندرج در حکم؛ باعث قطع مرور زمان اجرای مجازات می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

نکته: قطع مرور زمان، مطلق است و نسبت به کلیه شرکا و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می شود هر چند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد. همچنین شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است.

۷۱ - تعلیق مرور زمان:

وضعیتی است که در آن مرور زمان به دلیل عامل خارجی متوقف می شود و با قطع مرور زمان دو تفاوت دارد:

- اگر مدتی، قبل از وقوع عامل خارجی سپری شده بوده بعد از رفع آن محاسبه می گردد.
 - بعد از دوره تعلیق امکان شمول مرور زمان وجود دارد.
- ۷۲ - در مرور زمان شکایت؛ اگر بعد از اطلاع بزه دیده از وقوع جرم، تحت سلطه مرتکب قرار گیرد و و یا این که به دلیل بروز حوادث قهری نتواند شکایت کند مرور زمان به حالت تعلیق در می آید.
- ۷۳ - در مرور زمان تعقیب؛ اگر متهم از افرادی باشد که تعقیب وی منوط به اجازه مقام خاصی است مثل قضات، مرور زمان تا زمان کسب اجازه به حالت تعلیق در می آید.
- ۷۴ - در مرور زمان صدور حکم؛ عواملی از قبیل جنون که بعد از آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی، صدور حکم را به تأخیر می اندازند، موجب تعلیق مرور زمان خواهند شد.
- ۷۵ - در مرور زمان اجرای حکم؛ هر عاملی (مثل بارداری یا زایمان) که با وجود آن قانوناً نتوان مجازات قطعی را به اجرا در آورد، باعث تعلیق مرور زمان خواهد شد.
- ۷۶ - علی الاصول مقامات قضایی ایران مجاز به اجرای احکام کیفری صادر شده از دادگاه های خارجی نیستند. با این حال یکی از اشکال همکاری مندرج در موافقتنامه های بین ایران و سایر کشورها، **انتقال محکومان** نام دارد که به موجب آن وقتی در دادگاه یک کشور، یکی از اتباع خارجی به زندان محکوم می شود؛ برای گذراندن حبس به کشور متبوع فرستاده می شود.

د: قلمرو زمانی قواعد مرور زمان

۷۷ - در گذشته؛ **قوانین ماهوی** اصولاً تابع قاعده عطف بما سبق نشدن و **قوانین شکلی** اصولاً تابع قاعده عطف بما سبق شدن معرفی می شدند.

۷۸ - امروزه بدون تفکیک قوانین به ماهوی و شکلی:

- قوانین ناظر بر تعیین اعمال مجرمانه و مجازات آنها و عوامل مؤثر بر هر یک؛ عطف به ماسبق نمی شوند.
- قوانین مساعدتر و تفسیری، به علاوه قوانین و احکام الهی (از جمله راجع به قصاص) که از صدر اسلام تشریع شده اند؛ عطف به ماسبق می شوند.
- سایر قوانین؛ نیز تابع قاعده اثر فوری یا اجرای فوری قانون می باشند.

نکته: در قاعده اجرای فوری قانون، تاریخ وقوع جرم مهم نیست؛ بلکه تاریخ کامل شدن موقعیتی که موضوع حکم قانون جدید است اهمیت دارد. یعنی باید درست تشخیص داد که آیا موقعیت موضوع حکم قانونگذار، قبل از لازم الاجرا شدن قانون جدید محقق و کامل شده است یا خیر. اگر این موقعیت به طور کامل محقق شده، قانون جدید نباید شامل آن شود. ولی اگر موقعیت مزبور در جریان باشد، قانون جدید بر آن حاکم می شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

مثال: در خصوص آزادی مشروط؛ تا زمانی که فرد زندانی به طور مشروط آزاد نگردد هر قانون جدیدی که در مورد کاهش یا افزایش مدت مجازات مورد نیاز برای دادن آزادی مشروط وضع گردد، باید سریعاً اجرا گردد.

- ۷۹ - در قلمرو زمانی مرور زمان شکایت، تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات؛ جرائم باید در هر دو قانون مرور زمان پذیر باشند.
- ۸۰ - در مورد آن دسته از جرائم قابل گذشتی که قبلاً واقع شده‌اند ولی شکایت از آنها در زمان حکومت قانون جدید صورت می‌گیرد؛ مبدأ مرور زمان شکایت، تاریخ لازم الاجرا شدن قانون جدید است.
- ۸۱ - در مورد آن دسته از جرائمی که قبلاً واقع شده‌اند ولی تعقیب از آنها در زمان حکومت قانون جدید صورت می‌گیرد؛ مبدأ مرور زمان تعقیب، تاریخ لازم الاجرا شدن قانون جدید است.
- ۸۲ - اگر جرمی طبق قانون قدیم و قبل از حاکمیت قانون جدید، مشمول مرور زمان شود؛ دیگر قابل تعقیب نخواهد بود و اگر جرمی تا زمان لازم الاجرا شدن قانون جدید هنوز مشمول مرور زمان نشده باشد، تابع مدت‌هایی است که در قانون جدید پیش بینی شده است؛ اعم از این که مدت کاهش یا افزایش پیدا کرده باشد.
- ۸۳ - جرائمی که در دوره حاکمیت قانون سابق مشمول مرور زمان صدور حکم شده باشند؛ دیگر قابل تعقیب نخواهند بود. ولی اگر مشمول نشده باشند تابع مدت‌های مذکور در قانون جدید هستند. که در این صورت، مبدأ مرور زمان، آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی در قانون قدیم خواهد بود.
- ۸۴ - مجازات‌هایی که در قانون سابق مشمول مرور زمان شده باشند؛ دیگر در زمان قانون جدید قابل اجرا نیستند و مجازاتی که قبلاً مشمول مرور زمان نشده باشد، با لازم الاجرا شدن قانون جدید از نظر مدت مرور زمان، تابع قانون جدید خواهد بود. که در این صورت، مبدأ مرور زمان، قطع اجرای مجازات می‌باشد و در صورتی که مجازات در زمان حاکمیت قانون سابق قطع شده باشد، مدت مذکور باید از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون جدید سپری گردد.

گفتار چهارم: اعمال قاعده درء

۸۵ - یک قاعده فقهی است بر مبنای حدیث نبوی. "تدراً الحدود بالشبهات"

ماده ۱۲۰ ق.م.ا: "هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود."

۸۶ - اطلاق ماده ۱۲۰ حاکی از آن است که قاعده درء مختص حدود نبوده و در تعزیرات نیز قابل اعمال می‌باشد.

۸۷ - اگر شبهه در ذهن قاضی رسیدگی کننده ایجاد گردد؛ او باید این گونه نتیجه بگیرد که جرم در عالم خارج محقق نشده یا مسئولیت کیفری محقق نیست.

ماده ۱۲۱ ق.م.ا: "در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فیالارض، سرقت و کذب، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود."

۸۸ - اگر شک و شبهه در ذهن مرتکب ایجاد گردد؛ باید قائل به تفکیک شد:

- شبهه موضوعی باشد؛ مجازات ساقط می‌گردد.
- اگر شبهه حکمی باشد؛ دو حالت پیش می‌آید:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- شخص قاصر است: یعنی کسی که در شرایطی قرار داشته که عادتاً نمی‌توانسته از حکم قانون آگاهی پیدا کند که در این فرض مجازات ساقط می‌گردد.

- شخص مقصر است: یعنی کسی که با وجود توانایی به کسب اطلاع از حکم قانون، کوتاهی نموده است که در این فرض مجازات ساقط نمی‌گردد.

۸۹ - قاعده درأ یک قاعده ماهوی است که در زمان بروز شبهه کاربرد دارد. از آنجایی که بروز شبهه در حقیقت موجب تزلزل و خدشه در رکن روانی می‌شود؛ لذا از موارد صدور قرار منع تعقیب و یا حکم بر برائت خواهد بود.

فصل پنجم: تحقیقات مقدماتی

مبحث اول: ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی

ماده ۹۰ ق.آ.د. ک: "تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود."

گفتار اول: کتبی بودن

۱ - یکی از ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی کتبی بودن آن است که در مواد مختلفی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ به آن اشاره شده است.

ماده ۱۹۹ ق.آ.د. ک: "پاسخ پرسش‌ها باید بدون تغییر، تبدیل و یا تحریف نوشته شود و پس از قرائت برای متهم به امضاء یا اثر انگشت او برسد. متهم با سواد خودش پاسخ را می‌نویسد، مگر آنکه نخواهد از این حق استفاده کند."

ماده ۱۱۵ ق.آ.د. ک: "نوشتن بین سطور، قلم‌خوردگی و تراشیدن کلمات در اوراق بازجویی و تحقیقات، ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه اضافه گردد باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و بازپرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می‌آید، آن را امضاء کنند. همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود، اشخاص یادشده باید زیر آن را امضاء کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است. رعایت مقررات این ماده در تمام مراحل دادرسی از سوی مقامات قضایی و ضابطان دادگستری الزامی است. در صورت قلم‌خوردگی جزئی موضوع باید در ذیل برگه توضیح داده شده و به امضای اشخاص فوق برسد."

ماده ۲۱۲ ق.آ.د. ک: "اظهارات شهود و مطلعان در صورت مجلس قید می‌شود، سپس متن آن قرائت می‌گردد و به امضاء یا اثر انگشت شاهد یا مطلع می‌رسد و چنانچه از امضاء یا اثر انگشت امتناع یا از ادای شهادت خودداری ورزد یا قادر به انجام آن نباشد، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و تمام صفحات صورت مجلس به امضای بازپرس و منشی می‌رسد. تبصره - بازپرس مکلف است از شاهد یا مطلع علت امتناع از امضاء یا اثر انگشت یا ادای شهادت را بپرسد و پاسخ را در صورت مجلس قید کند."

گفتار دوم: غیر ترافیعی بودن

۲ - یعنی عدم رویارویی طرفین با یکدیگر و تحقیق جداگانه از آنها و سایر افراد.

۳ - در نظام دادرسی تفتیشی غیر ترافیعی بودن به معنی عدم تساوی جایگاه متهم و شاکی و عدم امکان رویارویی آنها بود. در آن نظام متهم فقط می‌بایست به سؤالات پاسخ دهد. اما امروز سخن از اصل برابری سلاح‌ها به میان آمده است.

ماده ۱۹۲ ق.آ.د. ک: "تحقیق از شاکی و متهم غیر علنی و انفرادی است مگر در جرائم قابل گذشت که به آنها در دادسرا حتی‌الامکان به صورت ترافیعی رسیدگی می‌شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی‌گری نماید."

ماده ۱۹۸ ق.آ.د. ک: "بازپرس جز در موارد مواجهه حضوری، از متهمان به نحو انفرادی تحقیق می‌کند. متهمان نباید با یکدیگر داخل در مذاکره و مواضعه شوند."

ماده ۲۰۷ ق.آ.د. ک: "بازپرس از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند و منشی اطلاعات ایشان را ثبت می‌کند و به امضاء یا اثر انگشت آنان می‌رساند. تحقیق مجدد از شهود و مطلعان در موارد ضرورت یا مواجهه آنان بلامانع است. دلیل ضرورت باید در صورت مجلس قید شود."

گفتار سوم: غیر علنی بودن

۴ - غیر علنی بودن یعنی هیچ‌کس به جز شاکی، متهم، وکلای مربوطه، کارشناسان، شاهد، مطلع و سایر افراد مربوطه حق حضور در جلسات دادسرا را ندارد.

۵ - اصولاً جلسات دادگاه علنی و جلسات دادسرا غیر علنی برگزار می‌شوند؛ تا هم قاضی از فشار افکار عمومی خارج شده و استقلالش تأمین شود و هم انگ شهرت به متهم نرسد.

گفتار چهارم: محرمانه بودن

۶ - در نظام دادرسی تفتیشی، متهم از تحقیقات مراجع تحقیق و حتی گاهی از موضوع اتهام اطلاع نداشت. اما امروزه اقداماتی همچون تفهیم اتهام، اعلام داشتن حق سکوت، قبول سکوت متهم، عدم اجبار به پاسخگویی، ابلاغ قرارهای قضایی و... باعث شده از ویژگی محرمانه بودن نظام دادرسی تفتیشی فاصله بگیریم. به عبارت دیگر؛ در گذشته، هدف غافلگیر ساختن متهم بود؛ اما امروزه هدف کشف حقیقت و اعطای حقوق دفاعی لازم به متهم است.

ماده ۹۱ ق.آ.د. ک: "تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند."

نکته: منظور از عبارت "کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند" کسانی هستند که به دلیل سمت خود در پیشبرد فرآیند تحقیقات، ایفای نقش می‌کنند. لذا شامل کسانی که در تحقیقات مقدماتی حضور ندارند و بعداً از آن اطلاع پیدا می‌کنند (مانند خبرنگار و...) نمی‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

مبحث دوم: حقوق اصحاب دعوای کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی

۷ - حقوق اصحاب دعوی در مواد مختلفی از قانون آیین دادرسی کیفری گنجانده شده که در این مبحث به برخی از این حقوق اشاره می‌کنیم:

گفتار اول: حقوق شاکی (بزه دیده)

۸ - حق به رسمیت شناخته شدن جایگاه بزه‌دیده

ماده ۱۰ ق.آ.د. ک: "بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود."

۹ - حق بر دسترسی فوری به نظام عدالت کیفری

ماده ۳۷ ق.آ.د. ک: "ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند."

ماده ۶۹ ق.آ.د. ک: "دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می‌رسد. هرگاه شاکی سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود."

۱۰ - حق بزه‌دیده بر حمایت‌های رایگان در کشف جرم

ماده ۳۹ ق.آ.د. ک: "ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده را در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند."

ماده ۶۲ ق.آ.د. ک: "تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه‌دیده ممنوع است."

۱۱ - حق بزه‌دیده بر لزوم پذیرش درخواست تعقیب

ماده ۶۹ ق.آ.د. ک: "دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می‌رسد. هرگاه شاکی سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۶۶ ق.آ.د. ک: "سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند. تبصره ۲- ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند. تبصره ۳- سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، استفاده کنند که از مراجع ذی صلاح قانونی ذیربط مجوز اخذ کنند و اگر سه‌بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به‌طور قطعی رد شود، برای یک‌سال از استفاده از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون ذکر شده، محروم می‌شوند.

تبصره ۴- اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده (۱۰۲) این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند."

ماده ۷۰ ق.آ.د. ک: "در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه‌دیده، محجور می‌باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به‌عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد. این حکم در مواردی که بزه‌دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است. تبصره- در خصوص شخص سفیه فقط در دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد رعایت ترتیب مذکور در این ماده الزامی است و در غیر موارد مالی، سفیه می‌تواند شخصاً طرح شکایت نماید."

ماده ۷۱ ق.آ.د. ک: "در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه‌دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی‌علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. همچنین در مورد بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهنولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند. در این صورت، در خصوص افراد محجور، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است."

ماده ۴۰ ق.آ.د. ک: "افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است."

ماده ۶۲ ق.آ.د. ک: "تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه‌دیده ممنوع است."

ماده ۹۷ ق.آ.د. ک: "بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند."

ماده ۱۰۱ ق.آ.د. ک: "بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده، از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رییس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود."

ماده ۲۰۴ ق.آ.د. ک: "بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی‌ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند. تبصره ۱- در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد جلب می‌شود. اما در صورتی که عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد، مجدداً احضار و در صورت عدم حضور جلب می‌شود. تبصره ۲- در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می‌تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید."

ماده ۱۵۳ ق.آ.د. ک: "مقامات و مأموران وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی و نهادهای و شرکت‌های وابسته به آنها، سازمان‌های نظامی و انتظامی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، دفاتر اسناد رسمی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب، ادله و اطلاعات راجع به جرم و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری را که مراجعه به آنها برای تحقیق امر کیفری لازم است، به درخواست مرجع قضایی در دسترس آنان قرار دهند، مگر در مورد اسناد سری و به کلی سری که این درخواست باید با موافقت رییس قوه قضاییه باشد. متخلف از این ماده، در صورتی که عمل وی برای خلاصی متهم از محاکمه و محکومیت نباشد، حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی از سه ماه تا یک سال محکوم

می‌شود. تبصره - در خصوص اسناد سری و به کلی سری مربوط به نیروهای مسلح رییس قوه قضاییه می‌تواند اختیار خود را به رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح تفویض کند."

ماده ۱۵۴ ق.آ.د. ک: "هرگاه متهم، نوشته، اسناد، مدارک، اسباب و ادله مؤثر در کشف جرم مربوط را به وکیل خود یا شخص دیگری بسپارد، بازپرس می‌تواند آنها را حسب مورد، در حضور وکیل یا آن شخص بررسی کند. در صورت استتکاف اشخاص مذکور از ارائه آنها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم می‌شود، اما در صورتی که این اشخاص عذر موجه داشته باشند، ادله خود را به مقام قضایی رسیدگی کننده ارائه می‌دهند. نوشته، اسناد و مدارک غیر مرتبط با جرم نباید مطالبه و مورد بررسی قرار گیرد."

۱۷ - حق بزه دیده بر ردّ مقام تحقیق

ماده ۴۲۱ ق.آ.د. ک: "دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین دعوی نیز می‌توانند در این موارد ایراد رد دادرس کنند: الف- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس و یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم؛ وجود داشته باشد. ب- دادرس، قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوی باشد یا یکی از طرفین، مباشر امور دادرس یا امور همسر وی باشد. پ- دادرس، همسر و یا فرزند او، وارث یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم باشند. ت- دادرس در همان امر کیفری قبلاً تحت هر عنوان یا سمتی اظهار نظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین بوده باشد. ث- بین دادرس، پدر و مادر، همسر و یا فرزند او و یکی از طرفین دعوی یا پدر و مادر، همسر و یا فرزند او، دعوای حقوقی یا کیفری مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور رأی قطعی، بیش از دو سال نگذشته باشد. ج- دادرس، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشند. تبصره- شکایت انتظامی از جهات رد دادرس محسوب نمی‌شود."

ماده ۴۲۴ ق.آ.د. ک: "مقامات قضایی دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرس، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌نماید و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیر این صورت، باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد، ابلاغ شود. مدعی ردّ می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. تبصره - صدور قرار ردّ ایراد، مانع انجام تحقیقات مقدماتی نیست."

۱۸ - حق بزه دیده بر ناترافعی بودن بازجویی

ماده ۱۹۲ ق.آ.د. ک: "تحقیق از شاکی و متهم غیر علنی و انفرادی است مگر در جرائم قابل گذشت که به آنها در دادسرا حتی الامکان به صورت ترافعی رسیدگی می‌شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی‌گری نماید"

ماده ۳۴۶ ق.آ.د. ک: "در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است. تبصره - در غیر جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند"

۲۰ - حق بزه‌دیده بر استمرار تحقیقات و فوریت آن

ماده ۹۴ ق.آ.د. ک: "تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست."

ماده ۱۰۴ ق.آ.د. ک: "بازپرس نمی‌تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می‌شود. شاکی می‌تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها، به این قرار اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه مطرح شود، دادگاه راساً، مطابق مقررات این ماده اقدام می‌کند."

۲۱ - حق بزه‌دیده بر اطلاع‌رسانی از فرآیند تحقیقات مقدماتی

ماده ۹۹ ق.آ.د. ک: "هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که با جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را طبق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می‌آورد و همزمان مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد. تبصره - چنانچه جرم کشف شده از جرائمی باشد که با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان، توسط دادستان به نحو مقتضی به اطلاع بزه دیده می‌رسد."

ماده ۱۹۴ ق.آ.د. ک: "بازپرس در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌نماید، محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند و در غیر این صورت، احضاریه‌ها و سایر اوراق قضائی به محل اقامت اعلام شده قبلی فرستاده می‌شود. تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و تعلل به گونه‌ای که ابلاغ اوراق دشوار باشد، پذیرفته نیست و تمام اوراق در همان محل اعلام شده قبلی ابلاغ می‌شود. تشخیص تغییر محل به منظور تأخیر و تعلل، با مقامی است که به اتهام رسیدگی می‌کند. رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی نیز لازم است."

۲۲ - حق بزه‌دیده بر درخواست صدور قرار تحقیق محلی و معاینه محل

ماده ۱۲۳ ق.آ.د. ک: "هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می‌کند."

۲۳ - حق بزه‌دیده بر جبران خسارت

ماده ۸ ق.آ.د. ک: "محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد: الف- حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی ب- حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین"

ماده ۹ ق.آ.د. ک: "ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود: الف- دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی. ب- دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است مانند حد قذف و قصاص"

۲۴ - حق بزه‌دیده بر جبران خسارت در قالب صدور قرار تأمین خواسته

ماده ۱۰۷ ق.آ.د. ک: "شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند. تبصره - چنانچه با صدور قرار تأمین خواسته، اموال متهم توقیف شود، بازپرس مکلف است هنگام صدور قرار تأمین کیفری این موضوع را مدنظر قرار دهد."

ماده ۱۰۸ ق.آ.د. ک: "در صورتی که خواسته شاکی، عین معین نبوده یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، بازپرس معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی‌های متهم توقیف می‌کند."

ماده ۱۰۹ ق.آ.د. ک: "قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ، اجراء می‌شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجراء موجب تضییع خواسته می‌شود، ابتداء قرار تأمین، اجراء و سپس ابلاغ می‌شود. این موارد، فوراً به اطلاع دادستان می‌رسد. قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی در اجرای احکام کیفری دادسرای مربوط اجراء می‌شود."

ماده ۱۱۰ ق.آ.د. ک: "رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می‌آید."

ماده ۱۱۱ ق.آ.د. ک: "دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می‌کند."

ماده ۱۱۲ ق.آ.د. ک: "در مواردی که مطالبه خواسته به تقدیم دادخواست نیاز دارد، چنانچه شاکی تا قبل از ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند، به درخواست متهم، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود."

ماده ۱۱۳ ق.آ.د. ک: "در صورتی که به جهتی از جهات قانونی، تعقیب متهم موقوف یا قرار منع تعقیب صادر و یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود، پس از قطعیت رأی و اجرای آن، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود."

۲۵ - حق بزه‌دیده بر جبران خسارت در سایر قرارها

ماده ۸۲ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضائی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضائی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا موسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضائی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضائی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد. تبصره - بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجیگری را از دادستان تقاضا نماید."

ماده ۸۵ ق.آ.د. ک: "در مواردی که دیه باید از بیت المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود. تبصره ۱ - حکم این ماده در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا با هر تصمیم دیگری در دادسرا مختومه می‌شود اما باید نسبت به پرداخت دیه تعیین تکلیف شود نیز جاری است. تبصره ۲ - در مواردی که مسئولیت پرداخت دیه متوجه عاقله است، در صورت وجود دلیل کافی و با رعایت مقررات مربوط به احضار، به وی اخطار می‌شود برای دفاع از خود حضور یابد. پس از حضور، موضوع برای وی تبیین و اظهارات او اخذ می‌شود. هیچ‌یک از الزامات و محدودیت‌های مربوط به متهم در مورد عاقله قابل اعمال نیست. عدم حضور عاقله مانع از رسیدگی نیست."

ماده ۱۶۷ ق.آ.د. ک: "هرگاه یکی از طرفین دعوی از تخلف کارشناس متضرر گردد، می‌تواند مطابق قوانین و مقررات مربوط از کارشناس مطالبه جبران خسارت کند."

ماده ۲۱۷ ق.آ.د. ک: "به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند: الف - التزام به حضور با قول شرف ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام پ - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام ث - التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه

التزام ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط چ - التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات ح - اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله خ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول د - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی تبصره ۱ - در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار کفالت صادر می شود. تبصره ۲ - در مورد بندهای (پ) و (ت)، خروج از حوزه قضایی با اجازه قاضی ممکن است. تبصره ۳ - در جرائم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه دیده به طریق دیگر امکان پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست."

۲۶ - حق بزه دیده بر درخواست جلب متهم به دادسرا توسط بازپرس

ماده ۱۷۹ ق.آ.د. ک: "متهمی که بدون عذر موجه حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور بازپرس جلب می شود. تبصره - در صورتی که احضاریه، ابلاغ قانونی شده باشد و بازپرس احتمال دهد که متهم از احضاریه مطلع نشده است، وی را فقط برای یکبار دیگر احضار می نماید."

تبصره دو ماده ۱۸۴ ق.آ.د. ک: "در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگه جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار ضابطان دادگستری قرار می گیرد تا هر جا متهم را یافتند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند. تبصره ۱ - چنانچه جلب متهم به هر علت در مدت تعیین شده میسر نشود، ضابطان مکلفند علت عدم جلب متهم را گزارش کنند. تبصره ۲ - در صورت ضرورت، بازپرس می تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوط، متهم را جلب کنند و تحویل دهند. تبصره ۳ - در صورتی که متهم در منزل یا محل کار خود یا دیگری مخفی شده باشد، ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضایی اخذ کنند."

۲۷ - حق بزه دیده بر بازداشت متهم توسط مقام قضایی دادسرا

ماده ۲۲۶ ق.آ.د. ک: "متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به اصل قرار منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند. تبصره - مرجع صادرکننده قرار و رئیس یا معاون زندان مکلفند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه گذار معرفی می کند، فراهم کنند و هر زمان متهم، کفیل یا وثیقه معرفی نماید هر چند خارج از وقت اداری باشد، در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک مکلف به پذیرش آن هستند."

ماده ۲۳۸ ق.آ.د. ک: "صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده قبل، منوط به وجود یکی از شرایط زیر است: الف - آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند. ب - بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر

نتوان از آن جلوگیری کرد. پ- آزاد بودن متهم مخل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد."

۲۸ - حق بزه‌دیده بر جلب متهم به دادرسی

ماده ۲۶۵ ق.آ.د. ک: "بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به‌طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات فوق اقدام می‌شود."

۲۹ - حق بزه‌دیده بر تعقیب مجدد

ماده ۲۷۸ ق.آ.د. ک: "هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یکبار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یکبار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند."

۳۰ - حق بزه‌دیده بر ترک دعوا

ماده ۷۹ ق.آ.د. ک: "در جرائم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یکبار تا یک‌سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند."

۳۱ - حق دسترسی شاکی به اوراق پرونده

ماده ۱۰۰ ق.آ.د. ک: "شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، صورت‌مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد. تبصره ۱- در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است. تبصره ۲- ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی به شاکی ممنوع است. تبصره ۳- شاکی باید از انتشار مطالب و مدارکی که انتشار آنها به موجب شرع یا قانون ممنوع است امتناع کند، مگر در مقام احقاق حق خود در مراجع صالح."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۳۵۱ ق.آ.د. ک: "شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رییس دادگاه به هزینه خود از اوراق مورد نیاز، تصویر تهیه کنند. تبصره - دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است."

گفتار دوم: حقوق متهم

۳۲ - حق اطلاع از موضوع اتهام و دلایل آن (تفهیم اتهام).

ماده ۴۶ ق.آ.د. ک: "ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند."

۳۳ - حق اطلاع متهم از حقوق قانونی خود

ماده ۵۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند"

۳۴ - حق اطلاع به نزدیکان

ماده ۵۰ ق.آ.د. ک: "شخص تحت نظر می تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند."

۳۵ - حق معاینه پزشکی.

ماده ۵۱ ق.آ.د. ک: "بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می شود."

۳۶ - حق برخورداری از وکیل و اعلام آن

ماده ۴۸ ق.آ.د. ک: "با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. تبصره - در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می گردد.

۳۷ - حق سکوت و اعلام آن.

ماده ۱۹۷ ق.آ.د. ک: "متهم می تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورتمجلس قید می شود."

۳۸ - حق متهم مبنی بر عدم احضار یا جلب بدون دلیل کافی

ماده ۱۶۸ ق.آ.د. ک: "بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند."

تبصره - تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

۳۹ - حق متهم مبنی بر عدم اجبار و اکره و طرح سؤالات تلقینی

ماده ۶۰ ق.آ.د. ک: "در بازجویی ها اجبار یا اکره متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سوالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکره است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورتمجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد."

۴۰ - تذکر به مواظبت در اظهارات، اعلام تخفیف در مجازات در صورت اقرار یا همکاری مؤثر متهم و منع پرسش های همراه با اغفال یا اکره یا اجبار متهم

ماده ۱۹۵ ق.آ.د. ک: "بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می کند و به او اعلام می نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می کند. پرسش ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکره و اجبار متهم ممنوع است."

تبصره - وکیل متهم می تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد.

۴۱ - اخذ آخرین دفاع از متهم

ماده ۲۶۲ ق.آ.د. ک: "بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا

وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است."

ماده ۲۶۳ ق.آ.د. ک: "در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شود و هیچ یک از آنان بدون اعلام عذر موجه، حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود."

۴۲ - حق برخورداری از وکیل

ماده ۴۸ ق.آ.د. ک: "با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. تبصره - در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد."

ماده ۱۹۰ ق.آ.د. ک: "متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگیرنده احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود. تبصره ۱ - سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است. تبصره ۲ - در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند. تبصره ۳ - در مورد این ماده و نیز چنانچه اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد، مفاد ماده (۱۹۱) جاری است."

ماده ۲۴۶ ق.آ.د. ک: "در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلاً تأمین اخذ نشده یا تأمین قبلی منتفی شده باشد، دادگاه، خود یا به تقاضای دادستان و با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین یا نظارت قضایی صادر می‌کند. چنانچه تصمیم دادگاه منتهی به صدور قرار بازداشت موقت شود، این قرار، طبق مقررات این قانون، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است."

ماده ۳۴۶ ق.آ.د. ک: "در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است. تبصره - در غیر جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند"

ماده ۳۴۷ ق.آ.د. ک: "متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک‌ترین حوزه قضایی، برای متهم، وکیل تعیین می‌نماید. در صورتی که وکیل درخواست حق الوکاله کند، دادگاه حق الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام شده، تعیین می‌کند که در هر حال میزان حق الوکاله نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

حق الوکاله از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود. تبصره - هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، طبق مفاد این ماده اقدام می‌کند."

ماده ۳۴۸ ق.آ.د. ک: "در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود. چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می‌کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود. تبصره ۱ - هرگاه وکیل بدون عذر موجه از حضور در دادرسی امتناع کند، دادگاه مراتب را به مرجع صالح به منظور تعقیب وکیل متخلف اعلام می‌دارد. تبصره ۲ - هرگاه پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم، وکیل تعیینی به دادگاه معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی می‌شود. تبصره ۳ - تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم فقط برای یک‌بار قابل پذیرش است."

ماده ۳۴۹ ق.آ.د. ک: "وجود یکی از جهات رد دادرسی بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکا و معاونان جرم یا وکلای آنان موجب ممنوعیت از انجام وکالت در آن پرونده است."

ماده ۳۵۰ ق.آ.د. ک: "در صورتی که متهم دارای وکیل باشد، جز در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون و نیز در مواردی که دادگاه حضور متهم را لازم تشخیص دهد، عدم حضور متهم در جلسه دادگاه مانع از رسیدگی نیست."

۴۳ - اخذ آخرین دفاع از متهم

ماده ۳۷۱ ق.آ.د. ک: "قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می‌شود و دادستان یا نماینده وی نیز می‌تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است."

۴۴ - قرائت کیفرخواست

ماده ۳۵۹ ق.آ.د. ک: "رسیدگی در دادگاه به صورت توافقی و به ترتیب زیر انجام می‌شود: الف - قرائت کیفرخواست توسط منشی دادگاه یا استماع عقیده دادستان یا نماینده وی در مواردی که طبق قانون، پرونده با بیان ادعای شفاهی در دادگاه مطرح شده است. ب - استماع اظهارات و دلایل دادستان یا نماینده وی که برای اثبات اتهام انتسابی ارائه می‌شود. پ - استماع اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی که شخصاً یا از سوی وکلای آنان بیان می‌شود. ت - پرسش از متهم راجع به قبول یا رد اتهام انتسابی و استماع دفاعیات متهم و وکیل او، که عیناً توسط منشی در صورت مجلس قید می‌شود. ث - در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در صحت اقرار، دادگاه شروع به تحقیقات از متهم می‌کند و اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره‌ای که دادستان یا شاکی، مدعی خصوصی، متهم و یا وکیل آنان معرفی می‌کنند، استماع می‌نماید. ج - بررسی وسایل ارتکاب جرم و رسیدگی به سایر ادله ابرازی از سوی طرفین و انجام هر نوع تحقیق و اقدامی که دادگاه برای کشف واقع، ضروری تشخیص می‌دهد."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۱۷۱ ق.آ.د. ک: "فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد."

ماده ۳۴۳ ق.آ.د. ک: "فاصله بین ابلاغ احضاریه تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک هفته باشد. هرگاه متهم عذر موجهی داشته باشد، جلسه رسیدگی به وقت مناسبی موکول می‌شود."

۴۶ - استفاده از معاضدت مترجم در صورت عدم آشنایی و فهم زبانی که در دادگاه به آن تکلم می‌شود برای متهم.

ماده ۲۰۰ ق.آ.د. ک: "بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلع که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست."

ماده ۲۰۱ ق.آ.د. ک: "بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلع که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. چنانچه افراد مذکور قادر به نوشتن باشند، منشی شعبه سؤال را برای آنان می‌نویسد تا به طور کتبی پاسخ دهند."

ماده ۳۶۷ ق.آ.د. ک: "دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به او، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست."

ماده ۳۶۸ ق.آ.د. ک: "دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدهی که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود او را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. چنانچه افراد مذکور قادر به نوشتن باشند، منشی دادگاه سؤال را برای آنان می‌نویسد تا به طور کتبی پاسخ دهند."

۴۷ - امکان احضار شهودی که می‌توانند به سود متهم شهادت دهند، به تقاضای متهم و تحت همان شرایطی که نسبت به احضار شهود علیه او اقدام گردیده است.

ماده ۲۰۴ ق.آ.د. ک: "بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی‌ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند. تبصره ۱ - در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد جلب می‌شود. اما در صورتی که عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد، مجدداً احضار و در صورت عدم حضور جلب می‌شود. تبصره ۲ - در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می‌تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۳۵۳ ق.آ.د. ک: "انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است. تبصره ۱- هرگونه عکسبرداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است. اما رییس دادگاه می تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود. تبصره ۲- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رییس قوه قضاییه امکان پذیر است."

۴۹ - ممنوعیت جلوگیری از فعالیتهای خدماتی و تولیدی متهم

ماده ۱۱۴ ق.آ.د. ک: "جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجارتي، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجارتي و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است مگر در مواردی که حسب قراین معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، محل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یادشده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است."

۵۰ - حق دسترسی متهم به اوراق پرونده

ماده ۱۹۱ ق.آ.د. ک: "چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم گیری کند."

ماده ۳۵۱ ق.آ.د. ک: "شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رییس دادگاه به هزینه خود از اوراق مورد نیاز، تصویر تهیه کنند. تبصره- دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است."

نکته: قرار عدم دسترسی می تواند بطور کلی متهم را از دسترسی منع کند ولی قرار رد درخواست شاکی باید موردی باشد.

مبحث سوم: مرجع تحقیقات مقدماتی و صلاحیت محلی

گفتار اول: مرجع تحقیقات مقدماتی

۵۱ - در تحقیقات مقدماتی؛ اصل بر تفکیک مقام تحقیق از مقام تعقیب است.

ماده ۹۲ ق.آ.د. ک: "تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده بازپرس است. در غیرجرائم مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده (۳۰۲) این قانون، در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند. تبصره - در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رییس حوزه قضایی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد."

۵۲ - دادستان یا معاون ارجاع پرونده‌ها را برای رسیدگی به دادیار یا بازپرس ارجاع می‌دهند.

گفتار دوم: صلاحیت محلی

۵۳ - شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس منوط به ارجاع دادستان است. چنان چه بازپرس ناظر وقوع جرم باشد، تحقیقات را شروع می‌کند و مراتب را فوری به اطلاع دادستان می‌رساند و در صورت ارجاع دادستان تحقیقات را ادامه می‌دهد.

ماده ۸۹ ق.آ.د. ک: "شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس منوط به ارجاع دادستان است. چنانچه بازپرس، ناظر وقوع جرم باشد تحقیقات را شروع می‌کند، مراتب را فوری به اطلاع دادستان می‌رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد."

نکته: منظور از عبارت "ناظر وقوع جرم" این است که وی در حین انجام وظیفه، وقوع جرم را مشاهده کرده باشد نه خارج از اوقات انجام وظایف اداری یا در ایام مرخصی یا تعلیق و نظایر آن.

۵۴ - از نظر صلاحیت محلی؛ مرجع تحقیق همانند مرجع رسیدگی در حوزه‌های قضایی معین و مشخص صلاحیت اقدام دارد.

ماده ۱۱۶ ق.آ.د. ک: "بازپرس در حوزه قضایی محل مأموریت خود با رعایت مفاد این قانون ایفای وظیفه می‌کند و در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق می‌نماید: الف - جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شود. ب - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود. پ - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد."

۵۵ - چنان چه هیچ یک از محل‌های ماده ۱۱۶ در حوزه قضایی بازپرس نباشد؛ بازپرس با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌دارد. این قرار باید به تأیید دادستان برسد و چنان چه بین بازپرس و دادستان اختلاف ایجاد گردد، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه کیفری دو ارسال می‌شود.

ماده ۲۷۲ ق.آ.د. ک: "در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، حل اختلاف با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می‌کند."

۵۶ - اگر تحقیقات مقدماتی طبق ماده ۱۱۶ این قانون در دادسرای محلی غیر از محل وقوع جرم آغاز شده و یا بدون اطلاع از جریان تحقیقات در محل وقوع جرم، م تحقیقات در محل دیگری نیز شروع شده باشد؛ بازپرس تحقیقات و اقدامات مقتضی را به عمل می‌آورد و در صورت لزوم قرار تأمین نیز صادر می‌کند و چنان چه قرار صادره منتهی به بازداشت متهم شود، پس از رسیدگی به اعتراض وی در دادگاه کیفری که بازپرس در معیت آن انجام وظیفه می‌نماید، پرونده را با صدور قرار عدم صلاحیت به همراه متهم حداکثر ظرف چهل و هشت ساعت به دادسرای محل وقوع جرم می‌فرستد. ولی اگر تا پایان تحقیقات مشخص نگردد که محل وقوع جرم کجاست بازپرس در خصوص موضوع اظهار عقیده نهایی می‌کند.

ماده ۱۱۷ ق.آ.د. ک: "در مواردی که جرم خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس واقع شده، اما در حوزه او کشف یا مرتکب در آن حوزه دستگیر شود، بازپرس تحقیقات و اقدامات مقتضی را به عمل می‌آورد و در صورت لزوم، قرار تأمین نیز صادر می‌کند و چنانچه قرار صادره منتهی به بازداشت متهم شود، پس از رسیدگی به اعتراض وی در دادگاه کیفری که بازپرس در معیت آن انجام وظیفه می‌نماید، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به همراه متهم، حداکثر ظرف چهل و هشت ساعت، به دادسرای محل وقوع جرم می‌فرستد."

ماده ۱۱۸ ق.آ.د. ک: "هرگاه آثار و ادله وقوع جرمی در حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس کشف شود، اما محل وقوع آن معلوم نباشد، بازپرس ضمن انجام تحقیقات، سعی در کشف محل وقوع جرم می‌کند و اگر محل وقوع جرم تا ختم تحقیقات مشخص نشود، بازپرس در خصوص موضوع، اظهار عقیده می‌کند."

۵۷ - صلاحیت دادسرا، صلاحیت دادگاهی است که در معیت آن قرار دارد. لذا در صورتی که متهم مرتکب چند جرم در حوزه دادسراهای مختلف باشد تحقیقات راجع به همه اتهامات در یک دادسرا و توسط یک بازپرس انجام می‌شود.

ماده ۳۱۰ ق.آ.د. ک: "متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضایی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدای تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد."

مبحث چهارم: موارد عدم انجام تحقیقات در دادسرا

۵۸ - اصل بر این است که تحقیقات مقدماتی جرائم باید در دادسرا انجام شود. با این وجود؛ قانونگذار مواردی استثنایی را پیش بینی نموده که تحقیقات مقدماتی در دادسرا انجام نشده و پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود. این موارد عبارتند از:

- جرائم افراد کمتر از ۱۵ سال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- جرائم منافی عفت
 - جرائم مستوجب مجازات تعزیری درجه ۷ و ۸
 - جرائم کیفری دو واقع شده در حوزه قضایی بخش
 - جرائم رییس جمهور
 - جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی
- ۵۹ - حتی در موارد بالا نیز تقدیم شکایت یا اعلام جرم بدواً به دادسرا انجام می‌شود و سپس، دادسرا پرونده را بدون صدور قرار مستقیماً به دادگاه صلاحیت دار ارسال می‌کند.

نکته: در صورتی که دادگاه پرونده را مشمول موارد قابل طرح مستقیم در دادگاه نداند می‌تواند پرونده را به دادسرا اعاده کند که در این صورت دادسرا مکلف به تبعیت می‌باشد.

گفتار اول: جرائم افراد کمتر از پانزده سال

- ۶۰ - در حالت کلی برای اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال تمام شمسی، دادگاه اطفال و نوجوانان پیش بینی شده است.
- ماده ۳۰۴ ق.آ.د. ک:** "به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در قانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند. تبصره ۱- طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است. تبصره ۲- هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد."
- ۶۱ - اگر سن مرتکب در زمان وقوع جرم کمتر از ۱۵ سال تمام باشد؛ تحقیقات مقدماتی جرم در صلاحیت مستقیم دادگاه اطفال و نوجوانان خواهد بود.

تبصره یک ماده ۲۸۵ ق.آ.د. ک: "تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون برعهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد."

گفتار دوم: جرائم منافی عفت

- ۶۲ - به طور کلی هرگونه تعقیب، تحقیق یا پرسش در جرائم منافی عفت ممنوع است؛ مگر در یکی از چهار حالت زیر:
- جرم در مرئی و منظر عام واقع شود.
 - دارای شاکی باشد.
 - به عنف باشد.
 - سازمان یافته باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۱۰۲ ق.آ.د. ک: "انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می شود. تبصره ۱- در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می کند. تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد. تبصره ۳- در جرائم مذکور در این ماده، اگر بزه دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد."

نکته: حتی در چهار مورد بالا نیز قانونگذار نظرش بر وجود محدودیت هایی بوده، به نحوی که مقرر داشته، تعقیب و تحقیق در این موارد نیز فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود و آن هم فقط توسط مقام قضایی انجام می شود نه ضابطین ...

۶۳- از طرفی قانونگذار رسیدگی به جرائم منافی عفت را به طور مستقیم در صلاحیت دادگاه قرار داده است.

ماده ۳۰۶ ق.آ.د. ک: "به جرائم منافی عفت به طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می شود. تبصره- منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است"

۶۴- از نظر ماهوی جرائم منافی عفت عنوان عامی است که زنا و لواط از مهم ترین آنها می باشند. و تعیین مصادیق آن با دادگاه است. اما از نظر شکلی تبصره ماده ۳۰۶ در مقام تبیین منظور مقنن از جرائم منافی عفت است و از این نظر جرائم مذکور را جرائم جنسی حدی (زنا، لواط، تفخیذ، مساحقه و قوادی) و همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه می داند.

۶۵- در مورد تعزیرات منافی عفت؛ **اولاً:** با توجه به قید واژه "رابطه" در تبصره مذکور می توان فهمید که جرم، مستلزم دخالت دو یا چند نفر می باشد. پس شامل کسی که به تنهایی (با اعمالی همچون عورت نمایی) عفت عمومی را جریحه دار می کند نمی شود. **ثانیاً:** باید بر خلاف احکام شرع اسلام در مورد روابط نامحرم با یکدیگر باشد. **ثالثاً:** با توجه به مثال های "تقبیل و مضاجعه"، ارتباط باید فیزیکی و جسمانی باشد و مثلاً ارتباط مجازی را شامل نمی گردد. (اختلاف نظر است)

گفتار سوم: جرائم تعزیری درجه هفت و هشت

۶۶- قانونگذار در ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، تحقیقات مقدماتی جرائم مستوجب مجازات تعزیری درجات ۷ و ۸ را مستقیماً بر عهده دادگاه قرار داده است.

ماده ۳۴۰ ق.آ.د. ک: "جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود."

ماده ۱۹ ق.م.ا: "مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم می شود: ...

درجه ۷

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- جزای نقدی بیش از صد میلیون ریال تا دویست میلیون ریال.
 - شلاق از یازده تا سی ضربه.
 - محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه.
- درجه ۸

- حبس تا سه ماه.
- جزای نقدی تا صد میلیون ریال.
- شلاق تا ده ضربه.

گفتار چهارم: جرائم کیفری دو در صلاحیت دادگاه بخش

۶۷ - دادسرا فقط در شهرستان تشکیل می‌شود و در حوزه قضایی بخش دادسرا نداریم.

ماده ۲۴ ق.آ.د. ک: "در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی البدل دادگاه است."

نکته: در دادگاه بخش وظیفه دادستان از حیث تجدیدنظرخواهی از آراء بر عهده رئیس دادگاه است و در مورد آرای که توسط وی صادر می‌شود بر عهده دادرس علی البدل است.

۶۸ - بنابراین در حوزه قضایی بخش، رئیس یا دادرس علی البدل رأساً و از ابتدا انجام تحقیقات مقدماتی و سپس رسیدگی و صدور حکم را بر عهده دارد.

ماده ۳۳۶ ق.آ.د. ک: "در دادگاه بخش، رئیس یا دادرس علی البدل در جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه رأساً رسیدگی و رأی صادر می‌کند. در این دادگاه وظیفه دادستان از حیث تجدیدنظرخواهی از آراء بر عهده رئیس دادگاه است و در مورد آرای که توسط وی صادر می‌شود بر عهده دادرس علی البدل است."

۶۹ - از آنجایی که صلاحیت دادگاه بخش، همان صلاحیت دادگاه کیفری دو است؛ لذا این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرائم کیفری یک را ندارد. بنابراین در صورتی که جرم از جرائم موضوع ماده ۳۰۲ باشد، رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط، انجام وظیفه می‌نماید. در صورت تعدد شعب با ارجاع رئیس حوزه قضایی، رؤسای شعب عهده‌دار این وظیفه هستند. هرگاه دادگاه بخش فاقد رئیس باشد، دادرس علی البدل به عنوان جانشین بازپرس اقدام می‌کند و در هر حال، پس از صدور قرار جلب به دادرسی پرونده برای صدور کیفرخواست نزد دادستان شهرستان ارسال می‌کند.

ماده ۲۹۹ ق.آ.د. ک: "در صورت ضرورت به تشخیص رئیس قوه قضاییه در حوزه بخش، دادگاه عمومی بخش تشکیل می‌شود. این دادگاه به تمامی جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کند."

ماده ۳۳۷ ق.آ.د. ک: "در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط، انجام وظیفه می‌نماید. در صورت تعدد شعب با ارجاع رئیس حوزه قضایی، رؤسای شعب عهده‌دار این وظیفه هستند. هرگاه دادگاه بخش فاقد رئیس باشد، دادرس علی البدل به عنوان جانشین بازپرس اقدام می‌کند و در هر حال، صدور کیفرخواست بر عهده دادستان است."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۷۰ - جرائم در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور و جرائم عادی وی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران می‌باشد. لذا در هیچ حالتی دادسرا حق دخالت ندارد.

بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی: "وظایف و اختیارات رهبر: ... ۱۰- عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم،"

اصل ۱۴۰ قانون اساسی: "رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود."

ماده ۱۹ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی: "رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است و در جرائم عادی از طریق دادگاه‌های عمومی دادگستری تهران و با اطلاع مجلس صورت می‌گیرد. تبصره- در هر کدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به وسیله دادگاه انجام گرفته و دادسرا حق دخالت ندارد."

ماده ۳۰۷ ق.آ.د. ک: "رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رییس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رییس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استان‌ها حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد. تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضاییه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند. تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است."

گفتار ششم: جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی

۷۱ - یکی دیگر از موارد طرح مستقیم پرونده در دادگاه که اخیراً در ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ پیش بینی شده؛ جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی می‌باشد.

ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف: "صلاحیت‌های دادگاه صلح به شرح زیر است:

۱- دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد ریال. تبصره- رئیس قوه قضاییه می‌تواند نصاب مذکور در این بند را هر سه سال یک بار با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعدیل کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۲- دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق.

۳- دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (۱) این ماده در صورتی که مشمول ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده نباشد.

۴- دعاوی و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره‌بها به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب یا پیشه یا تجارت.

۵- اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

۶- حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن.

۷- تأمین دلیل.

۸- تقاضای سازش موضوع ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی.

۹- جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی.

۱۰- جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت.

۱۱- دعاوی اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی به استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است، الزام به اخذ پایان کار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام. تبصره ۱- به کلیه جرائم مذکور در این ماده مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست در دادگاه صلح رسیدگی می‌شود. تبصره ۲- دادگاه صلح با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل رسمیت می‌یابد. دادگاه صلح با رضایت طرفین، پرونده را برای حصول سازش به عضو یا اعضای شورا که در دادگاه مستقر می‌باشند یا شعبه شورا یا میانجی‌گری ارجاع می‌دهد. چنانچه حداکثر ظرف دو ماه موضوع منتهی به سازش شود، مراتب صورت جلسه و جهت اتخاذ تصمیم به قاضی دادگاه صلح اعلام می‌شود تا طبق مقررات اقدام کند. در صورت عدم حصول سازش، قاضی دادگاه صلح مطابق قانون، به موضوع رسیدگی کرده و مبادرت به صدور رأی می‌نماید. تبصره ۳- دادگاه صلح می‌تواند در ساعات غیر اداری یا در روزهای تعطیل نیز به دعاوی رسیدگی نماید و استقرار آن در محل شورا بلامانع است. تبصره ۴- در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه‌های صلح و همچنین سایر مراجع قضائی و غیر قضائی به ترتیب زیر اقدام می‌شود:

الف- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضائی شهرستان‌های یک استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح با دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی یک استان، حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر آن استان است.

ب- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضائی دو استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح و دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضائی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده است.

پ- در مواردی که دادگاه صلح به صلاحیت مراجع غیر قضائی، از خود نفی صلاحیت کند، پرونده برای تعیین صلاحیت به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌شود، تشخیص آن مرجع لازم‌الاتباع است.

تبصره ۵ - آرای دادگاه صلح، قطعی است مگر در موارد زیر که قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است:

الف- دعاوی موضوع بند (۱) این ماده در صورتی که خواسته بیشتر از نصف نصاب مذکور در آن بند باشد.

ب- موارد موضوع بند (۹) این ماده نسبت به دیه یا آرش، در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها بیش از یک دهم دیه کامل یا معادل آن باشد.

پ- موارد مذکور در بندهای (۲)، (۳) و (۴) این ماده.

ت- موارد موضوع بند (۵) این ماده مشروط به اینکه اصل دعوا قابل اعتراض باشد.

ث- جنبه عمومی جرائم غیر عمدی موضوع بند (۹) در صورتی که مجازات قانونی آن درجه شش یا بیشتر باشد.

ج- جرائم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها حبس درجه هفت باشد."

مبحث پنجم: اقدامات تحقیقی

۷۲ - پس از ارجاع تحقیقات به دادیار یا بازپرس، هر یک از این مقامات ابتدا باید صلاحیت خود را احراز نمایند و سپس تحقیقات را انجام دهند تا پرونده برای اظهار نظر نهایی و صدور قرار لازم مهیا گردد.

ماده ۹۸ ق.آ.د. ک: "بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می‌تواند در غیرجرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آنها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. تبصره- در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ این قانون نیز بازپرس می‌تواند با همکاری ضابطان دادگستری تحقیقات لازم را انجام دهد."

۷۳ - ماده ۹۸ بیانگر اصل قائم به شخص بودن امر تحقیق است. از آنجایی که شروع به تحقیق از متهم، نیازمند تفهیم اتهام است و تفهیم اتهام را حسب مورد بازپرس یا دادیار انجام می‌دهد؛ لذا ارجاع اولیه تحقیق به ضابطین صحیح نبوده و منظور ماده ۹۸ از "ارجاع به ضابطان" پس از تفهیم اتهام می‌باشد. مگر در مواردی که دلایل کافی بر اثبات اتهام مرتکب وجود نداشته باشد که در این صورت ارجاع تحقیق به ضابطین به عنوان مطلع بدون اشکال است.

گفتار اول: تحقیق از شاکی

۷۴ - در مواردی که بزه دیده اقدام به طرح شکایت نموده اولین اقدام شنیدن اظهارات وی برای پی بردن به عمل مجرمانه انتسابی به مرتکب می‌باشد. پس از تقدیم شکایت و ثبت در دفتر دادر، دو فرض وجود دارد:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- شاکی شخصاً شکایت را نزد بازپرس یا دادیار برده است: در این صورت مقام مزبور توضیحات شاکی را در صورت مجلس نوشته و به امضای وی می‌رساند.
- در هنگام ارجاع شاکی حضور نداشته است: در این صورت شاکی برای اخذ توضیحات احضار خواهد شد. باید دقت داشت که بی توجهی شاکی به احضاریه و عدم حضورش، نه موجب جلب وی خواهد شد و نه در جرائم قابل گذشت دلیل بر گذشت تلقی می‌شود.

گفتار دوم: تحقیق از شاهد و مطلع

- ۷۵ - شاهد کسی است که جرم را مشاهده یا با حواس خود درک نموده است.
- ۷۶ - مطلع کسی است که جرم را مشاهده یا با حواس خود درک ننموده اما اطلاعاتی از وقوع آن دارد.
- ۷۷ - در صورتی که مرجع تحقیق رأساً تشخیص دهد و یا شاکی یا متهم درخواست کند، باید از شاهد یا مطلع تحقیق به عمل آید.
- ۷۸ - ادای شهادت الزامی نیست و جلب شاهد و مطلع به علت بی توجهی آنها نسبت به دستور قضایی است. شاهد و مطلع حتی در صورت جلب و انتقال به دادرسی می‌توانند از ادای شهادت خودداری ورزند. لذا پس از جلب شاهد و مطلع، حتی اگر شهادت ندهد نیز بایستی بلافاصله و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شود.

ماده ۲۰۴ ق.آ.د. ک: "بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی‌ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند. تبصره ۱- در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد جلب می‌شود. اما در صورتی که عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد، مجدداً احضار و در صورت عدم حضور جلب می‌شود. تبصره ۲- در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می‌تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید."

۷۹ - شرط استماع اظهارات شاهد و مطلع حضور آنهاست و شرط حضور آنها نیز ارسال احضاریه است.

ماده ۲۱۶ ق.آ.د. ک: "در صورتی که شاهد یا مطلع به عللی از قبیل بیماری یا کهولت سن نتواند حاضر شود و یا تعداد شهود یا مطلعان، زیاد و در یک یا چند محل باشند و همچنین هرگاه اهمیت و فوریت امر اقتضاء کند، بازپرس در محل حضور می‌یابد و مبادرت به تحقیق می‌کند."

۸۰ - تحقیق از شاهد و مطلع باید بطور جداگانه، غیر علنی و بدون حضور متهم انجام شود. آنها باید پیش از اظهارات خود سوگند یاد کنند.

ماده ۲۰۶ ق.آ.د. ک: "تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان قبل از رسیدگی در دادگاه، غیر علنی است."

ماده ۲۰۷ ق.آ.د. ک: "بازپرس از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند و منشی اطلاعات ایشان را ثبت می‌کند و به امضاء یا اثر انگشت آنان می‌رساند. تحقیق مجدد از شهود و مطلعان در موارد ضرورت یا مواجهه آنان بلامانع است. دلیل ضرورت باید در صورت مجلس قید شود."

ماده ۲۱۰ ق.آ.د. ک: "شاهد و مطلع پیش از اظهار اطلاعات خود به این شرح سوگند یاد می‌کند: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام واقعیت را بیان کنم»."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۲۱۳ ق.آ.د. ک: "تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده از قبیل شاهد یا مطلع ممنوع است و چنانچه این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود."

۸۱ - ممکن است شاهد یا مطلع بگوید هزینه ایاب و ذهاب می‌خواهد و یا بگوید امروز که در دادگاه حاضر شده‌ام از کار و کاسبی جا مانده‌ام. در این صورت هزینه ایاب و ذهاب طبق تعرفه اعلامی قوه قضاییه و هزینه جاماندن از کاسبی توسط کارشناس تعیین و به شرح ذیل پرداخت می‌شود.

الف - احضار شاهد از طرف بازپرس بوده باشد: پرداخت از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه

ب - احضار شاهد به درخواست شاکی بوده باشد:

- شاکی به تشخیص بازپرس، توانایی پرداخت هزینه مذکور را ندارد: پرداخت از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه.
- شاکی با وجود ملائت، پرداخت نمی‌کند:
- در جرائم قابل گذشت، استماع شهادت یا گواهی مطلعین معرفی شده از جانب وی به عمل نمی‌آید.
- در جرائم غیرقابل گذشت، هزینه‌های مذکور به دستور بازپرس از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود.
- ج - احضار شاهد به درخواست متهم بوده باشد: هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود.

ماده ۲۱۵ ق.آ.د. ک: "در صورتی که شاهد یا مطلع برای حضور خود درخواست هزینه ایاب و ذهاب کند یا مدعی ضرر و زیانی از حیث ترک شغل خود شود، بازپرس هزینه ایاب و ذهاب را طبق تعرفه‌ای که قوه قضاییه اعلام می‌کند و ضرر و زیان ناشی از ترک شغل را در صورت لزوم با استفاده از نظر کارشناس تعیین و شاکی را مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می‌نماید. هرگاه شاکی، به تشخیص بازپرس توانایی پرداخت هزینه را نداشته یا احضار از طرف بازپرس باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود. هرگاه در جرائم قابل گذشت، شاکی با وجود ملائت از پرداخت هزینه‌های مذکور در این ماده خودداری کند، استماع شهادت یا گواهی مطلعین معرفی شده از جانب وی به عمل نمی‌آید. اما در جرائم غیرقابل گذشت، هزینه‌های مذکور به دستور بازپرس از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود. هرگاه متهم متقاضی احضار شاهد یا مطلع باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود."

۸۲ - در سه حالت، ممکن است بازپرس برای تحقیق از شاهد یا مطلع، در محل دیگری غیر از دادسرا حضور یابد:

- شاهد یا مطلع به عللی از قبیل بیماری یا کهولت سن نتواند حاضر شود.
- تعداد شهود یا مطلعان، زیاد و در یک یا چند محل باشند.
- هرگاه اهمیت و فوریت امر اقتضاء کند.

ماده ۲۱۶ ق.آ.د. ک: "در صورتی که شاهد یا مطلع به عللی از قبیل بیماری یا کهولت سن نتواند حاضر شود و یا تعداد شهود یا مطلعان، زیاد و در یک یا چند محل باشند و همچنین هرگاه اهمیت و فوریت امر اقتضاء کند، بازپرس در محل حضور می‌یابد و مبادرت به تحقیق می‌کند."

گفتار سوم: تحقیق از متهم

۸۳ - متهم در پناه اصل برائت قرار دارد و حقوق او باید در مقابل مقام تعقیب و تحقیق از تعرض مصون بماند. به همین دلیل قانون ضوابط خاصی را برای تحقیق از متهم پیش بینی کرده است:

الف: احضار متهم

۸۴ - نخستین اقدام نسبت به متهم احضار وی برای تحقیق از اوست. در صورت شکایت شاکی یا حتی گزارش ضابطان، بازپرس نباید بدون دلیل کافی مبنی بر توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.

ماده ۱۶۸ ق.آ.د. ک: "بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند. تبصره - تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است."

۸۵ - احضار متهم از طریق احضاریه صورت می گیرد. در احضاریه مشخصات احضار شونده، تاریخ ساعت محل حضور علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می شود و به امضاء مقام قضائی (نه منشی یا ضابط) می رسد.

ماده ۱۶۹ ق.آ.د. ک: "احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم می شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ می گردد و نسخه دیگر پس از امضا به مأمور ابلاغ مسترد می شود."

ماده ۱۷۰ ق.آ.د. ک: "در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می شود و به امضاء مقام قضائی می رسد. تبصره - در جرایمی که به تشخیص مرجع قضائی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، علت احضار ذکر نمی شود، اما متهم می تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضائی مراجعه کند."

نکته: اگر به تشخیص مرجع قضائی، حیثیت اجتماعی متهم یا عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند؛ علت احضار در برگ احضاریه ذکر نمی شود (مثل جرائم منافی عفت). در این صورت متهم می تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضائی مراجعه کند.

۸۶ - فاصله میان دعوت متهم و حضورش در دادسرا نباید کمتر از پنج روز باشد تا در این مهلت بتواند برای دفاع از اتهام انتسابی تدارک کافی ببیند.

ماده ۱۷۱ ق.آ.د. ک: "فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد."

۸۷ - مأمور ابلاغ باید با لباس شخصی باشد و در هنگام ابلاغ، کارت شناسایی خود را نیز به رؤیت مخاطب ابلاغ برساند.

ماده ۱۷۲ ق.آ.د. ک: "ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می شود."

۸۸ - مقام قضائی نمی تواند وقتی قصد احضار کسی به عنوان متهم را دارد، وی را به عنوان شاهد یا مطلع احضار نماید. زیرا اولاً: مخاطب چون فکر می کند برای ادای گواهی یا شهادت به مرجع قضائی می رود، هیچ گونه دفاعی آماده نمی کند. ثانیاً: چون به عنوان شاهد یا مطلع احضار شده، حق برخورداری از وکیل را نیز ندارد و از این بابت نیز در حقیقت جفا می شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۲۱۳ ق.آ.د. ک: "تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده از قبیل شاهد یا مطلع ممنوع است و چنانچه این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود."

۸۹ - در مواردی که محل اقامت متهم معلوم نیست و تلاش برای دستیابی به وی نیز نتیجه نمی‌دهد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر نمی‌شود؛ باید متهم را از طریق انتشار آگهی احضار نمود. نحوه این گونه احضار در ماده ۱۷۴ قانون پیش بینی شده است.

ماده ۱۷۴ ق.آ.د. ک: "هرگاه ابلاغ احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر نگردد، متهم از طریق انتشار یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی و با ذکر عنوان اتهام و مهلت یک‌ماه از تاریخ نشر آگهی، احضار می‌شود. در این صورت، بازپرس پس از انقضای مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می‌کند. تبصره - در جرایمی که به تشخیص بازپرس، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، عنوان اتهام در آگهی موضوع این ماده ذکر نمی‌شود."

نکته: نشر آگهی موضوع ماده ۱۷۴ قانون، ناظر بر فرضی است که متهم شناخته شده باشد؛ نه این که ناشناس باشد.

۹۰ - هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد؛ علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می‌باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار؛ به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات، نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست.

نکته: فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است نمی‌تواند نمایندگی آن را عهده دار شود.
ب: جلب متهم

۹۱ - در صورت ابلاغ احضاریه به نحو صحیح و عدم حضور متهم در مهلت مقرر قانونی بدون وجود عذر موجه، متهم جلی می‌شود.

۹۲ - در برگ احضاریه معمولاً درج می‌شود که نتیجه عدم حضور متهم جلب است.

ماده ۱۷۸ ق.آ.د. ک: "متهم مکلف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام کند. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود: الف - نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه‌ای که مانع از حضور شود. ب - بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود. پ - همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود. ت - ابتلاء به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد. ث - متهم در توقیف یا حبس باشد. ج - سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود. تبصره - در سایر موارد، متهم می‌تواند برای یک‌بار پیش از موعد تعیین شده، بازپرس را از علت عدم حضور خود مطلع سازد و موافقت وی را اخذ نماید که در این مورد، بازپرس می‌تواند در صورت عدم تأخیر در تحقیقات، تا سه روز مهلت را تمدید کند."

ماده ۱۷۹ ق.آ.د. ک: "متهمی که بدون عذر موجه حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور بازپرس جلب می‌شود. تبصره- در صورتی که احضاریه، ابلاغ قانونی شده باشد و بازپرس احتمال دهد که متهم از احضاریه مطلع نشده است، وی را فقط برای یکبار دیگر احضار می‌نماید."

۹۳ - شرایط جلب متهم عبارتند از:

- ابلاغ احضاریه به نحو صحیح.
 - عدم حضور متهم در مهلت مقرر قانونی.
 - عدم وجود عذر موجه قانونی برای عدم حضور.
- ۹۴ - یک سری موارد استثنایی وجود دارد که می‌توان متهم را بدون احضار بدوی، جلب نمود. این موارد عبارتند از:
- جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو و یا حبس ابد است.
 - هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسد.
 - جرائم تعزیری درجه پنج و بالاتر؛ در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود.
 - جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی.

ماده ۱۸۰ ق.آ.د. ک: "در موارد زیر بازپرس می‌تواند بدون آن که ابتداء احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند: الف- در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو و یا حبس ابد است. ب- هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسد. پ- در مورد جرائم تعزیری درجه پنج و بالاتر؛ در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود. ت- در مورد اشخاصی که به جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی متهم باشند."

۹۵ - برای جلب متهم بایستی برگ جلب با مشخصات متهم تنظیم و به امضای قاضی برسد. هنگامی که مأمور با متهمی که برگ جلب وی صادر شده است مواجه می‌شود ابتدا بایستی مفاد برگ جلب را به وی ابلاغ کند و از او بخواهد که در معیت، نزد قاضی صادر کننده برگ جلب بروند. اگر متهم امتناع نمود، وی را دستگیر و تحت الحفظ نزد قاضی ببرد. به عبارتی؛ برگ جلب لزوماً به معنی مجوز دستبند زدن نیست و تنها در صورت خودداری متهم از همراه شدن با مأمور جلب، می‌توان اقدام به دستبند زدن نمود.

ماده ۱۸۱ ق.آ.د. ک: "جلب متهم به موجب برگه جلب به عمل می‌آید. مضمون برگه جلب که حاوی مشخصات متهم و علت جلب است باید توسط بازپرس امضاء و به متهم ابلاغ شود."

ماده ۱۸۲ ق.آ.د. ک: "مأمور جلب پس از ابلاغ برگه جلب، متهم را دعوت می‌کند که با او نزد بازپرس حاضر شود. چنانچه متهم امتناع کند، مأمور او را جلب و تحت الحفظ نزد بازپرس حاضر می‌نماید و در صورت نیاز می‌تواند از سایر مأموران کمک بخواهد."

۹۶ - برگ جلب مجوز ورود به منزل، محل اقامت یا مخفی گاه متهم نیست. برای این امر نیاز به مجوزی جداگانه از برگ جلب است.

ماده ۱۸۴ ق.آ.د. ک: "در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگه جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار ضابطان دادگستری قرار می‌گیرد تا هر جا متهم را یافتند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند. تبصره ۱- چنانچه

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

جلب متهم به هر علت در مدت تعیین شده میسر نشود، ضابطان مکلفند علت عدم جلب متهم را گزارش کنند. تبصره ۲- در صورت ضرورت، بازپرس می تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوط، متهم را جلب کنند و تحویل دهند. تبصره ۳- در صورتی که متهم در منزل یا محل کار خود یا دیگری مخفی شده باشد، ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضایی اخذ کنند."

۹۷ - جلب متهم مگر در موارد استثنائی باید در روز از طلوع تا غروب آفتاب صورت بگیرد و مأمور جلب باید بلافاصله پس از جلب متهم را نزد مقام قضایی ببرد. مگر در مواردی که به مقامقضایی دسترسی نیست که در این صورت باید وی را در اولین وقت اداری نزد قاضی ببرند و در هر حال مدت نگهداری متهم نزد ضابط قبل از تفهیم اتهام نباید بیشتر از ۲۴ ساعت باشد.

نکته: ضمانت اجرای نگهداری بیش از ۲۴ ساعت متهم، اعمال ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ (کتاب تعزیرات) می باشد.

ماده ۱۸۳ ق.آ.د. ک: "جلب متهم به استثنای موارد ضروری باید در روز به عمل آید و در همان روز به وسیله بازپرس و یا قاضی کشیک تعیین تکلیف شود. تبصره- تشخیص موارد ضرورت با توجه به اهمیت جرم، وضعیت متهم، کیفیت ارتکاب جرم و احتمال فرار متهم با نظر بازپرس است. بازپرس موارد ضرورت را در پرونده درج می کند."

ماده ۱۸۵ ق.آ.د. ک: "ضابطان دادگستری مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورند و در صورت عدم دسترسی به بازپرس یا مقام قضایی جانشین، در اولین وقت اداری، متهم را نزد او حاضر کنند. در صورت تأخیر از تحویل فوری متهم، باید علت آن و مدت زمان نگهداری در پرونده درج شود. به هر حال مدت نگهداری متهم تا تحویل وی به بازپرس یا قاضی کشیک نباید بیش از بیست و چهار ساعت باشد."

ماده ۵۸۳ ق.م.ا. (تعزیرات): "هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از ۲۶۴۰۰۰۰۰۰ تا ۸۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد."

ج: انتشار تصویر چهره متهم

۹۸ - به طور کلی انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه ها، مراجع انتظامی و قضائی ممنوع است. این مقرر چند استثناء به شرح ذیل دارد:

- تصویر اصلی یا تصویر به دست آمده از طریق چهره نگاری متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد.
- تصویر متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده اند جهت آگاهی بزه دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوای خصوصی توسط آنان.

نکته: انتشار تصویر و سایر مشخصات متهم، حتی در صورت وجود یکی از شرایط فوق نیز بایستی حتماً با درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان باشد و در صورت بروز اختلاف بین بازپرس و دادستان مرجع حل اختلاف دادگاه صالح بر رسیدگی می‌باشد.

ماده ۹۶ ق.آ.د. ک: "انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است؛ مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است: الف- متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود. ب- متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوای خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود."

د: دستور منع خروج از کشور

۹۹ - اگر متهم از کشور خارج گردد دستگیری وی بسیار مشکل و نیازمند وجود موافقتنامه استرداد با کشور محل حضور وی خواهد بود. به همین دلیل یکی از تمهیداتی که قانونگذار برای در دسترس بودن متهم پیش بینی نموده است منع خروج وی از کشور است.

۱۰۰ - در قانون آیین دادرسی کیفری، دو نوع منع خروج از کشور برای متهم پیش بینی شده است:

- قبل از دسترسی به متهم: که در قالب صدور دستور است. (ماده ۱۸۸ ق.آ.د. ک)

این دستور شش ماه اعتبار دارد و قابل تمدید است. نیز قطعی و غیر قابل اعتراض است. در چند حالت این دستور خودبخود منتفی می‌شود:

- حضور متهم در بازپرسی.
- صدور قرار موقوفی تعقیب.
- صدور قرار ترک تعقیب.
- صدور قرار منع تعقیب.
- انقضای مدت مندرج در دستور و عدم تمديدان از ناحیه مقام قضایی.

ماده ۱۸۸ ق.آ.د. ک: "تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشده، بازپرس می‌تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور، شش ماه و قابل تمدید است. در صورت حضور متهم در بازپرسی و یا صدور قرار موقوفی، ترک و یا منع تعقیب، ممنوعیت خروج منتفی و مراتب بلافاصله به مراجع مربوط اطلاع داده می‌شود. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود این دستور خودبه‌خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند."

- بعد از دسترسی به متهم: که در قالب صدور قرار نظارت قضایی است. (ماده ۲۴۷ ق.آ.د. ک)

این قرار علاوه بر قرار تأمین کیفری و برای مدت معین صادر شده و ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ نیز حسب مورد در دادگاه کیفری دو (در صورت صدور از ناحیه دادرسی) و یا دادگاه تجدیدنظر استان (در صورت صدور از ناحیه دادگاه) قابل اعتراض می‌باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۲۴۷ ق.آ.د. ک: "بازپرس می تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند: الف- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس. ب- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری. پ- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی. ت- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز. ث- ممنوعیت خروج از کشور. تبصره ۱- در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفاء کند. تبصره ۲- قرارهای موضوع این ماده ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد."

ه: بازجویی از متهم

۱۰۱ - تحقیقات از متهم باید به محض حضور یا جلب وی و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری شروع شود.

ماده ۱۸۹ ق.آ.د. ک: "بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، با رعایت ماده (۹۸) این قانون مبادرت به تحقیق نماید. در صورت غیبت یا عذر موجه بازپرس یا امتناع وی از شروع تحقیقات به دلایل قانونی، دادستان انجام تحقیقات را به بازپرس دیگر یا در صورت اقتضاء به دادرس دادگاه محول می کند. تبصره- تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می شود."

۱۰۲ - اولین اقدام در بازجویی از متهم پرسیدن نام و مشخصات و اطلاعات هویتی وی است.

ماده ۱۹۳ ق.آ.د. ک: "بازپرس ابتداء اوراق هویت متهم را ملاحظه می نماید و سپس مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، تابعیت، مذهب، سابقه کیفری در موارد ضروری و مرتبط، همچنین نشانی محل سکونت و محل کار او، اعم از شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه، شماره و کدپستی منزل، شماره ملی، پیام‌نگار (ایمیل) و شماره تلفن ثابت و همراه او را به طور دقیق پرسش می کند، به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق قضایی به متهم به آسانی مقدور باشد."

ماده ۱۹۴ ق.آ.د. ک: "بازپرس در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می نماید، محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند و در غیر این صورت، احضاریه‌ها و سایر اوراق قضایی به محل اقامت اعلام شده قبلی فرستاده می شود. تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و تعلل به گونه‌ای که ابلاغ اوراق دشوار باشد، پذیرفته نیست و تمام اوراق در همان محل اعلام شده قبلی ابلاغ می شود. تشخیص تغییر محل به منظور تأخیر و تعلل، با مقامی است که به اتهام رسیدگی می کند. رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی نیز لازم است."

۱۰۳ - دومین اقدام در بازجویی، تفهیم اتهام و دلایل آن است. تفهیم اتهام یعنی اعلام صریح عنوان مجرمانه‌ای که به متهم نسبت داده شده و به خاطر آن تحت تعقیب کیفری قرار گرفته است. اگر اعمال انتسابی به متهم به اندازه کافی صریح و روشن باشند نیازی نیست که حتماً عنوان مجرمانه بیان گردد و بیان اعمال مجرمانه وی کفایت می‌کند.

۱۰۴ - مشتکی عنه پس از تفهیم اتهام متهم محسوب می‌شود.

ماده ۱۹۵ ق.آ.د. ک: "بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند. پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است. تبصره - وکیل متهم می‌تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد."

نکته: در مورد شخص حقوقی، تبیین اتهام داریم و نه تفهیم اتهام؛ چرا که نماینده شخص حقوقی صرفاً برای انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی در مرجع قضایی حاضر می‌شود و لذا هیچ یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر در قانون برای متهم، در مورد وی اعمال نمی‌شود.

ماده ۶۸۹ ق.آ.د. ک: "پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای وی تبیین می‌شود. حضور نماینده شخص حقوقی تنها جهت انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی است و هیچ یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر در قانون برای متهم، در مورد وی اعمال نمی‌شود."

و: اخذ آخرین دفاع

۱۰۵ - پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، بازپرس به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت، هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. در صورتی که متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کنند یا مدرکی ابراز نمایند که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد بازپرس مکلف به رسیدگی است.

ماده ۲۶۲ ق.آ.د. ک: "بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است."

نکته: وقتی مقام قضایی متهم را برای اخذ آخرین دفاع دعوت می‌کند حکایت از این دارد که دلیل علیه وی کافی است و قاضی قصد منع تعقیب یا برائتش را ندارد.

۱۰۶ - آخرین دفاع حق است نه تکلیف. بنابراین اولاً: قابل اسقاط می‌باشد. ثانیاً: در صورت عدم حضور متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع مقام قضایی حق ندارد که دستور جلب صادر کند و یا احضار وی را از کفیل یا وثیقه گذار بخواهد.

ماده ۲۶۳ ق.آ.د. ک: "در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شود و هیچ یک از آنان بدون اعلام عذر موجه، حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود."

گفتار چهارم: اعطای مهلت به متهم و ارجاع به میانجیگری

۱۰۷ - این دو امر که در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده، از آموزه‌های عدالت ترمیمی برای جبران خسارت بزه دیده، سازش طرفین و کاهش آمار پرونده‌های قضایی هستند.

۱۰۸ - به موجب ماده ۱ آیین نامه میانجیگری در امور کیفری؛ "**میانجیگری** فرایندی است که طی آن بزه دیده و متهم با مدیریت میانجیگر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارت ناشی از آن نسبت به بزه دیده و متهم گفتگو می‌نمایند و در صورت سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌گردد.

۱۰۹ - **میانجیگر** عبارت است از شورای حل اختلاف، شخص یا مؤسسه‌ای که فرایند گفت و گو و ایجاد سازش بین طرفین امر کیفری را مدیریت و تسهیل می‌نماید.

ماده ۸۲ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک‌بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد. تبصره - بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجی‌گری را از دادستان تقاضا نماید."

۱۱۰ - اعطای مهلت به متهم و نیز ارجاع امر به میانجیگری:

- هر دو مختص جرائم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ می‌باشند که مجازاتش قابل تعلیق است. لذا در جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ و نیز جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ که مجازاتش غیر قابل تعلیق است را در بر نمی‌گیرد.
- چون قید "می‌تواند" را در ماده آورده پس هیچ کدام الزامی نیست و در اختیار و به دلخواه قاضی می‌باشد.
- **در اعطای مهلت؛ درخواست متهم + موافقت بزه دیده + اخذ تأمین متناسب لازم است. و در ارجاع به شورای حل اختلاف و یا میانجیگری موافقت طرفین لازم است.**
- **حداکثر مهلت به متهم برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم دو ماه و حداکثر مدت ارجاع موضوع به شورای حل اختلاف یا مؤسسه میانجیگری سه ماه می‌باشد که هر دو فقط برای یک بار دیگر و به همین میزان قابل تمدید هستند.**

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

• اگر اعطای مهلت و یا ارجاع به شورای حل اختلاف یا میانجیگری منجر به گذشت شاکی یا جبران خسارت و یا توافق بر نحوه جبران خسارت شود:

- جرم قابل گذشت باشد: قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

- جرم غیر قابل گذشت باشد: در صورتی که متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. (مطابق ماده ۸۱ و تبصره‌های آن عمل می‌شود).

گفتار پنجم: تفتیش اماکن، بازرسی اشیاء

۱۱۱ - در مواردی که برای دستگیری متهم یا کشف آلات و ادله جرم، ظن قوی وجود داشته باشد که می‌توان آنها را در منازل یا اماکن بسته و تعطیل یافت و یا از طریق بازرسی اشیاء به آنها دست پیدا کرد؛ بازپرس می‌تواند دستور تفتیش یا بازرسی آن محل یا اشیاء را بدهد. باید دقت داشت که محلی که بازرسی می‌شود لزوماً محل ارتکاب جرم نیست.

ماده ۱۳۷ ق.آ.د. ک: "تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود."

ماده ۱۳۸ ق.آ.د. ک: "مجوز تفتیش و بازرسی منزل و محل کار اشخاص و مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) و نیز متهمان جرائم موضوع بند (ث) ماده (۳۰۲) این قانون، باید به تأیید رییس کل دادگستری استان برسد و با حضور مقام قضایی اجراء شود."

۱۱۲ - اصولاً مجوز تفتیش و بازرسی منزل، اماکن و اشیاء را بازپرس صادر می‌کند و می‌تواند بازرسی را به ضابطان محول نماید؛ به جز موارد زیر که مجوز بازرسی و تفتیش منزل و محل کار باید به تأیید رییس کل دادگستری استان برسد و بازرسی با حضور مقام قضایی باشد:

- رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان.
- رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان.
- نمایندگان مجلس شورای اسلامی.
- وزیران، معاونان و مشاوران ایشان.
- دارندگان پایه قضایی.
- رییس و دادستان دیوان محاسبات.
- سفیران.
- استانداران، فرمانداران و بخشداران.
- جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل.
- مدیران کل ادارات و نیز رؤسای ادارات شهرستان.
- رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی.
- شهرداران مراکز شهرستان‌ها.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۱۱۳ - ضابطین بازرسی و تفتیش یک مکان را فقط در حدود موضوعی که مقام قضایی به ایشان محول نموده انجام می‌دهند و اگر در هنگام بازرسی محل ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدید کننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است مشاهده کنند؛ ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضائی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند.

ماده ۵۷ ق.آ.د. ک: "چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدید کننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است، مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند."

۱۱۴ - اگر شیء مورد نظر در یک مکان خصوصی باشد که ورود به آن نیاز به اجازه مالک آن دارد؛ بازپرس باید علاوه بر دستور تفتیش، اجازه ورود مأموران به محل مورد بازرسی را هم بدهد.

۱۱۵ - دستور مقام قضائی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید به صورت موردی باشد. یعنی موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان ورود، دفعات ورود، اموال یا اماکن و نشانی آن‌ها باید به صراحت مشخص شود.

ماده ۱۴۱ ق.آ.د. ک: "دستور مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید موردی باشد و موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، دفعات ورود، اموال، اماکن و نشانی آن‌ها به صراحت مشخص شود. ضابطان مکلفند ضمن رعایت دستورهای مقام قضایی، کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورت مجلس تنظیم کرده، آن را به امضاء یا اثر انگشت متصرف برسانند و مراتب را حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت به مقام قضایی اعلام کنند."

۱۱۶ - اصولاً تفتیش و بازرسی منزل باید در روز انجام شود؛ مگر در صورت ضرورت؛ که در شب به عمل می‌آید که در این حالت بازپرس موظف است دلایل ضرورت را احراز و در صورت مجلس قید کند و در صورت امکان خودش نیز در محل حضور یابد.

ماده ۱۴۰ ق.آ.د. ک: "تفتیش و بازرسی منزل در روز به عمل می‌آید و در صورتی هنگام شب انجام می‌شود که ضرورت اقتضاء کند. بازپرس دلایل ضرورت را احراز و در صورت مجلس قید می‌کند و در صورت امکان، خود در محل حضور می‌یابد. تبصره - روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است."

۱۱۷ - دستور مقام قضایی در خصوص حفظ داده‌های رایانه‌ای، تفتیش رایانه، توقیف یا کپی برداری از داده‌ها نیز به صورت جداگانه در مواد ۶۶۹، ۶۷۱ و ۶۷۵ قانون پیش بینی شده است.

ماده ۶۶۹ ق.آ.د. ک: "هرگاه حفظ داده‌های رایانه‌ای ذخیره شده برای تحقیق یا دادرسی لازم باشد، مقام قضایی می‌تواند دستور حفاظت از آنها را برای اشخاصی که به نحوی تحت تصرف یا کنترل دارند صادر کند. در شرایط فوری، نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده‌ها، ضابطان قضایی می‌توانند دستور حفاظت را صادر کنند و مراتب را حداکثر تا بیست و چهار ساعت به اطلاع مقام قضایی برسانند. چنانچه هر یک از کارکنان دولت یا ضابطان قضایی یا سایر اشخاص از اجرای این دستور خودداری یا داده‌های حفاظت شده را افشاء کنند یا اشخاصی که داده‌های مزبور به آنها مربوط می‌شود را از مفاد دستور صادره آگاه کنند، ضابطان قضایی و کارکنان دولت به مجازات امتناع از دستور مقام قضایی و سایر اشخاص به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از پنج تا ده میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم می‌شوند. تبصره ۱ - حفظ داده‌ها به منزله افشاء آنها نیست و

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

مستلزم رعایت مقررات مربوط است. تبصره ۲- مدت زمان حفاظت از داده‌ها حداکثر سه‌ماه است و در صورت لزوم با دستور مقام قضایی قابل تمدید است."

ماده ۶۷۱ ق.آ.د. ک: "تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد."

نکته: فقط در یک صورت، ضابطین مجوز صدور دستور حفاظت از داده‌ها را دارند و آن مربوط به شرایط فوری از قبیل خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده‌ها است که البته باید مراتب را حداکثر تا بیست و چهار ساعت به اطلاع مقام قضایی برسانند.

ماده ۶۷۵ ق.آ.د. ک: "در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم، به روش‌هایی از قبیل چاپ داده‌ها، تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیرقابل دسترس کردن داده‌ها با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاری و ضبط حامل‌های داده عمل می‌شود."

گفتار ششم: معاینه محل و تحقیقات محلی

۱۱۸ - گاهی بازپرس نیاز می‌بیند که برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل به عمل آید. گاهی نیز متهم یا شاکی چنین درخواستی را می‌نمایند. در این موارد قرار معاینه محل یا قرار تحقیقات محلی صادر می‌شود.

ماده ۱۲۳ ق.آ.د. ک: "هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می‌کند."

ماده ۱۲۴ ق.آ.د. ک: "معاینه محل و تحقیق محلی جز در مواردی که ضرورت دارد باید در روز انجام شود. مراتب ضرورت در دستور قید می‌شود."

ماده ۱۲۵ ق.آ.د. ک: "معاینه محل و تحقیق محلی توسط بازپرس و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می‌شود. هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند، اما عدم حضور آنان، مانع از انجام معاینه نیست. تبصره- هرگاه حضور متهم یا سایر اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند در هنگام معاینه محل ضروری باشد، مکلفند به دستور بازپرس در محل حاضر شوند."

ماده ۱۲۶ ق.آ.د. ک: "هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، چنانچه بازپرس لازم بداند، شخصاً حاضر می‌شود؛ اما در جرائم موضوع بند (الف) ماده (۳۰۲) این قانون و همچنین هنگام معاینه اجساد، مکلف است شخصاً و در اسرع وقت حضور یابد."

ماده ۱۲۷ ق.آ.د. ک: "هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، شهود و مطلعان نیز دعوت می‌شوند. در موارد ضروری، بازپرس می‌تواند دیگر اشخاصی را که حضور آنان لازم است به محل دعوت کند. چنانچه اثبات حق به اظهارات اشخاص موضوع این ماده منحصر باشد و آنان بدون عذرموجه حاضر نشوند، بازپرس دستور جلب آنان را صادر می‌کند، مشروط به اینکه به تشخیص بازپرس حضور آنان ضرورت داشته باشد."

ماده ۱۲۸ ق.آ.د. ک: "کارشناس رسمی یا خبره، از قبیل پزشک، داروساز، مهندس و ارزیاب هنگامی دعوت می‌شوند که اظهارنظر آنان از جهت علمی یا فنی یا معلومات مخصوص لازم باشد. تبصره- بازپرس می‌تواند در صورت لزوم از پزشک معالج نیز دعوت به عمل آورد."

ماده ۱۲۹ ق.آ.د. ک: "هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، تمام آثار و نشانه‌های مشهود و مکشوف که به نحوی در قضیه مؤثر است، به دستور بازپرس توسط کارشناسان جمع‌آوری و در صورت مجلس قید می‌شود و به امضای اشخاص دخیل در موضوع می‌رسد."

ماده ۱۳۰ ق.آ.د. ک: "صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم که حسب مورد، متشکل از پزشک قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی و عنداللزوم سایر کارشناسان است، تحت نظارت بازپرس و در صورت ضرورت به سرپرستی وی بررسی شود. تبصره- حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم توسط این گروه به موجب آیین‌نامه اجرایی است که ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری و وزیر کشور با همکاری نیروی انتظامی و سازمان پزشکی قانونی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد."

ماده ۱۳۱ ق.آ.د. ک: "بازپرس برای حفظ جسد، کشف هویت متوفی و چگونگی فوت وی، نسبت به ترسیم کروکی، عکسبرداری و در صورت امکان، فیلمبرداری از جسد و غیره اقدام و دستورهای لازم را صادر می‌کند."

ماده ۱۳۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد به دستور بازپرس، علائم و مشخصات جسد به‌طور دقیق در صورت مجلس قید می‌گردد و اثر انگشتان دست متوفی در پرونده ثبت و برای تشخیص هویت وی به هر نحو که مقتضی بداند، اقدام می‌شود. تبصره ۱- در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند دستور انتشار تصویر متوفی را در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی و یا به هر نحو مناسب دیگر صادر کند. تبصره ۲- اجرای مقررات این ماده و ماده (۱۳۱) منوط به رعایت موازین شرعی است."

ماده ۱۳۳ ق.آ.د. ک: "ضابطان دادگستری مکلفند در جرائم منجر به سلب حیات، صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و تا حضور بازپرس یا صدور دستور لازم برای معاینه محل، در صورت ضرورت از ورود افراد و خروج آنان از محل جلوگیری کنند."

ماده ۱۳۴ ق.آ.د. ک: "از تمام آثار قابل انتقال موجود در صحنه جرم که در کشف جرم مؤثر است باید به میزان لازم برداشت و به نحوی مهر و موم نمود که در معرض تلف نباشد."

ماده ۱۳۵ ق.آ.د. ک: "هرگاه ادله وقوع جرم، مواردی از قبیل مایعات ریخته‌شده و غیرقابل انتقال از محل باشد، تا جمع‌آوری آنها، بازپرس برای حفظ ادله یادشده اقدام می‌کند و اگر لازم بداند محل را قفل یا مهر و موم می‌کند و حفاظت آنها را به ضابط دادگستری می‌سپارد."

ماده ۱۳۶ ق.آ.د. ک: "بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود."

گفتار هفتم: تشکیل پرونده شخصیت

۱۱۹ - واحد مددکاری اجتماعی؛ توسط قوه قضاییه در حوزه قضایی هر شهرستان ایجاد می‌شود.

۱۲۰ - هدف از تشکیل پرونده شخصیت، شناخت بهتر شخصیت مرتکب به منظور اتخاذ تدابیر کیفری یا تأمینی متناسب با آن است.

۱۲۱ - پرونده شخصیت پرونده‌ای جدا از پرونده اتهامی مربوط به رفتار مجرمانه و حاوی اطلاعاتی از شخصیت مرتکب این رفتار است.

۱۲۲ - تشکیل پرونده شخصیت برای متهمین بزرگسال در موارد ذیل ضروری است:

- جرائم مستوجب مجازات سلب حیات.
- جرائم مستوجب مجازات قطع عضو.
- جرائم عمدی مستوجب مجازات ثلث دیه یا بیشتر از آن.
- جرائم مستوجب مجازات حبس ابد.
- جرائم مستوجب مجازات تعزیری درجه ۱ تا ۴

نکته: در مورد متهمین اطفال و نوجوان، علاوه بر موارد فوق؛ در جرائم مستوجب مجازات تعزیری درجه ۵ و ۶ نیز تشکیل پرونده شخصیت الزامی است.

ماده ۲۰۳ ق.آ.د. ک: "در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد، حاوی مطالب زیر است: الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم. ب- گزارش پزشکی و روان پزشکی."

ماده ۲۸۶ ق.آ.د. ک: "علاوه بر موارد مذکور در ماده (۲۰۳) این قانون، در جرائم تعزیری درجه پنج و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است."

گفتار هشتم: جلب نظر کارشناس

۱۲۳ - گاهی به نظر بازپرس یا به تقاضای یکی از طرفین پرونده، انجام کارشناسی ضروری است. در این مورد بازپرس قرار ارجاع امر به کارشناسی صادر می‌کند.

ماده ۱۵۵ ق.آ.د. ک: "هرگاه بازپرس رأساً یا به تقاضای یکی از طرفین انجام کارشناسی را ضروری بداند، قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر می‌کند. بازپرس باید موضوعی را که جلب نظر کارشناس نسبت به آن لازم است به طور دقیق تعیین کند."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۱۵۶ ق.آ.د. ک: "بازپرس، کارشناس را به قید قرعه از بین کارشناسان رسمی دادگستری دارای صلاحیت در رشته مربوط انتخاب می‌کند. در صورت تعدد کارشناسان، عده منتخبان باید فرد باشد تا به هنگام اختلاف نظر، نظر اکثریت ملاک عمل قرار گیرد. تبصره ۱- اعتبار نظر اکثریت در صورتی است که کارشناسان از نظر تخصص با هم مساوی باشند. تبصره ۲- اگر حوزه‌ای فاقد کارشناس رسمی دادگستری است یا به تعداد کافی کارشناس رسمی دادگستری ندارد و یا در دسترس نیست، بازپرس می‌تواند از میان کارشناسان رسمی آن رشته در حوزه قضایی مجاور یا اهل خبره انتخاب کند."

ماده ۱۵۷ ق.آ.د. ک: "بازپرس دستمزد کارشناس را با رعایت کمیت، کیفیت و ارزش کار، پیش از ارجاع امر، تعیین می‌کند. هرگاه پس از اظهار نظر کارشناس معلوم شود که دستمزد تعیین شده متناسب نبوده است، بازپرس میزان آن را به طور قطعی تعیین و دستور وصول آن را می‌دهد. در هر حال دستمزد مزبور نباید از تعرفه تجاوز نماید."

ماده ۱۵۸ ق.آ.د. ک: "کارشناس منتخب از سوی بازپرس مکلف به انجام موضوع کارشناسی است، مگر آنکه به تشخیص بازپرس عذر موجه داشته باشد یا موضوع از موارد رد کارشناس محسوب شود که در این صورت، کارشناس باید پیش از اقدام به کارشناسی، مراتب را به طور کتبی به بازپرس اعلام دارد. تبصره- جهات رد کارشناس همان جهات رد دادرسی است."

ماده ۱۵۹ ق.آ.د. ک: "بازپرس هنگام ارجاع موضوع به کارشناس، مهلت معین را برای اعلام نظر وی مشخص می‌کند. در مواردی که اظهار نظر مستلزم زمان بیشتر باشد، کارشناس باید ضمن تهیه و ارسال گزارشی از اقدامات انجام شده، با ذکر دلیل، تقاضای تمدید مهلت کند که در این صورت، بازپرس می‌تواند برای یکبار مهلت را تمدید کند. تمدید مهلت به کارشناس و طرفین ابلاغ می‌گردد. هرگاه کارشناس ظرف مدت معین نظر خود را به طور کتبی تقدیم بازپرس ننماید، کارشناس دیگری تعیین می‌شود. چنانچه قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر نظر کارشناس به بازپرس واصل شود، به آن ترتیب اثر می‌دهد. در هر حال بازپرس تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیتدار اعلام می‌کند."

ماده ۱۶۰ ق.آ.د. ک: "بازپرس پرسش‌های لازم را از کارشناس به صورت کتبی یا شفاهی به عمل می‌آورد و نتیجه را در صورت مجلس قید می‌کند. در صورتی که بعضی موارد از نظر بازپرس در کشف حقیقت اهمیت داشته باشد، کارشناس مکلف است به درخواست بازپرس در مورد آنها اظهار نظر کند."

ماده ۱۶۱ ق.آ.د. ک: "جز در موارد فوری، پس از پرداخت دستمزد، به کارشناس اخطار می‌شود که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی، نظر خود را تقدیم کند. مراتب وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ می‌شود. طرفین می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ، جهت ملاحظه نظر کارشناس به دفتر بازپرسی مراجعه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کنند."

ماده ۱۶۲ ق.آ.د. ک: "شهود تحقیق و سایر اشخاصی که هنگام اجرای قرار کارشناسی حق حضور دارند، می‌توانند مخالفت خود با نظریه کارشناس را با ذکر دلیل اعلام کنند. این امر در صورت مجلس قید می‌شود."

ماده ۱۶۳ ق.آ.د. ک: "در صورت نقص نظریه کارشناسی یا ضرورت اخذ توضیح از کارشناس، بازپرس موارد لازم را در صورت مجلس درج و به کارشناس اعلام می‌کند و او را برای ادای توضیح دعوت می‌نماید. در صورتی که کارشناس بدون عذر موجه در بازپرسی حاضر نشود، جلب می‌شود. تبصره - هرگاه پس از اخذ توضیحات، بازپرس نظریه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و اجرای قرار را به همان کارشناس یا کارشناس دیگر محول می‌کند."

ماده ۱۶۴ ق.آ.د. ک: "اگر یکی از کارشناسان در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر باشد، اما بدون عذر موجه از اظهار نظر یا حضور در جلسه یا امضای نظریه کارشناسی امتناع کند، نظر اکثریت ملاک عمل است. عدم حضور کارشناس یا امتناع وی از اظهار نظر یا امضاء باید از طرف کارشناسان دیگر صورت مجلس شود."

ماده ۱۶۵ ق.آ.د. ک: "هرگاه نظریه کارشناس به نظر بازپرس، محل تردید باشد یا در صورت تعدد کارشناسان، بین نظر آنان اختلاف باشد، بازپرس می‌تواند تا دو بار دیگر از سایر کارشناسان دعوت به عمل آورد، یا نظریه کارشناس یا کارشناسان مذکور را نزد متخصص علم یا فن مربوط ارسال و نظر او را استعلام کند."

ماده ۱۶۶ ق.آ.د. ک: "در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، بازپرس نظر کارشناس را به نحو مستدل رد می‌کند و موضوع را به کارشناس دیگر ارجاع می‌دهد."

ماده ۱۶۷ ق.آ.د. ک: "هرگاه یکی از طرفین دعوی از تخلف کارشناس متضرر گردد، می‌تواند مطابق قوانین و مقررات مربوط از کارشناس مطالبه جبران خسارت کند."

گفتار نهم: نیابت قضایی

۱۲۴ - مرجع تحقیق در جریان تحقیقات نسبت به جرمی که در حوزه صلاحیت اوست، نمی‌تواند اقداماتی را در خارج از حوزه قضایی خود انجام داده و یا دستور انجام آن را به ضابطان بدهد. لذا اگر انجام اقدامات خاصی در خارج از حوزه قضایی مرجع رسیدگی به پرونده لازم باشد، باید از طرف این مرجع به مرجع قضایی صالح در انجام آن نمایندگی داده شود. به این نمایندگی، نیابت قضایی می‌گویند. به نیابت دهنده، معطی و به نیابت گیرنده، مجری می‌گویند.

۱۲۵ - نیابت قضایی فقط در خصوص تحقیقات مقدماتی امکان پذیر است. به عبارتی اظهار نظر نهایی در خصوص پرونده قابل نیابت نیست و باید توسط بازپرس صلاحیت دار صورت پذیرد.

ماده ۱۱۹ ق.آ.د. ک: "هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه محل، بازرسی از منازل و اماکن و اشیاء، جمع‌آوری آلات جرم و به‌طور کلی هر اقدام دیگری خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس لازم شود، وی با صدور قرار نیابت قضایی مطابق مقررات قانونی و ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آنها را از بازپرس محل، تقاضا می‌کند. این بازپرس در حدود مفاد نیابت اعطایی، موضوع نیابت را انجام می‌دهد و اوراق تنظیمی را پس از امضاء به همراه سایر مدارک به‌دست‌آمده نزد مرجع نیابت‌دهنده می‌فرستد و در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، اوراق را برای اجرای نیابت به مرجع مزبور ارسال و مراتب را به بازپرس نیابت‌دهنده اعلام می‌دارد. تبصره ۱ - انجام نیابت قضایی در حوزه قضایی بخش به‌عهده رییس یا دادرس علی‌البدل دادگاه آن محل است. تبصره ۲ - در مواردی که اقرار متهم و یا

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد، مستند رأی دادگاه باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رأی الزامی است."

۱۲۶ - اگر قرار باشد رأی بر مبنای اقرار متهم، شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد صادر شود؛ این موضوعات قابل نیابت نیست و شخص قاضی صادر کننده رأی باید استماع کند.

۱۲۷ - در خصوص قرار تأمین کیفری در نیابت قضایی سه فرض متصور است:

الف- مرجع معطی، در نیابت صادره صراحتاً می گوید تأمین اخذ شود و نوع قرار تأمین را هم مشخص می نماید:

- اگر مرجع مجری نیابت، نوع تأمین خواسته شده را متناسب با دفاع متهم و ادله ابرازی بداند؛ همان قرار تأمین را صادر می کند.
- اگر مرجع مجری نیابت، نوع تأمین خواسته شده را متناسب با دفاع متهم و ادله ابرازی نداند؛ به تشخیص خود، قرار تأمین متناسبی اخذ می کند.

ب- مرجع معطی، در نیابت صادره صراحتاً می گوید تأمین اخذ شود ولی نوع قرار تأمین را مشخص نمی نماید:

- مرجع مجری نیابت، متناسب با دفاع متهم و ادله ابرازی، به تشخیص خود، قرار تأمین متناسبی اخذ می کند.

پ- مرجع معطی، در نیابت صادره اصلاً در مورد اخذ تأمین سخنی به میان نمی آورد:

- مرجع مجری نیابت در صورت توجه اتهام و به تشخیص خود، قرار تأمین متناسبی اخذ می کند.

ماده ۱۲۰ ق.آ.د. ک: "بازپرس در هنگام صدور قرار نیابت قضایی می تواند نوع تأمین را معین یا اختیار اخذ تأمین و نوع آن را به نظر بازپرسی که تحقیق از او خواسته شده، واگذار کند. چنانچه بازپرسی که تحقیق از او درخواست شده با توجه به دفاع متهم و ادله ابرازی وی احرار کند که تأمین خواسته شده نامتناسب است به نظر خود، تأمین متناسبی اخذ می کند. همچنین در موردی که تقاضای اخذ تأمین نشده باشد، وی می تواند در صورت توجه اتهام با نظر خود تأمین مناسب اخذ کند."

۱۲۸ - موافقت با قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم در راستای انجام مفاد نیابت، با دادستان حوزه قضایی مجری نیابت است.

۱۲۹ - اعتراض به قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم نیز مطابق مقررات در دادگاه صالح حوزه قضایی مجری نیابت، رسیدگی می شود.

ماده ۱۲۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه در اجرای نیابت قضایی، قرار تأمین صادره منتهی به بازداشت متهم شود، پرونده جهت اظهارنظر نزد دادستان محل اجرای نیابت ارسال می شود. به اعتراض متهم نسبت به قرار بازداشت، مطابق مقررات در دادگاه صالح محل اجرای نیابت، رسیدگی می شود."

گفتار دهم: تأمین خواسته

ماده ۱۰۷ ق.آ.د. ک: "شاکی می تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می کند. تبصره - چنانچه با صدور قرار تأمین خواسته، اموال متهم توقیف شود، بازپرس مکلف است هنگام صدور قرار تأمین کیفری این موضوع را مدنظر قرار دهد."

۱۳۰ - برای صدور قرار تأمین خواسته در امور کیفری؛ بر خلاف امور حقوقی (وجود چهار شرط ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی)؛ فقط کافی است که:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- دلیل بر ارتکاب جرم توسط متهم وجود داشته باشد.
- به شاکی ضرر و زیان وارد شده باشد.
- ضرر و زیان مذکور متناسب به عمل متهم باشد.

ماده ۱۰۸ ق.آ.د. ک: "در صورتی که خواسته شاکی، عین معین نبوده یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، بازپرس معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی‌های متهم توقیف می‌کند."

۱۳۱ - اصل بر این است که قرار تأمین خواسته ابتدا ابلاغ و بلافاصله بعدش اجرا شود. در برخی موارد که تأخیر در اجرای قرار تأمین خواسته موجب تضییع خواسته می‌شود؛ قانونگذار در ماده ۱۰۹ ق.آ.د.ک مجوز داده که ابتدا قرار تأمین خواسته اجرا و سپس ابلاغ شود که در این مورد حتماً باید دادستان از موضوع مطلع شود.

۱۳۲ - قرار تأمین خواسته؛ در اجرای احکام کیفری ولی مطابق مقررات اجرای احکام مدنی اجرا می‌شود.

ماده ۱۰۹ ق.آ.د. ک: "قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ، اجراء می‌شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجراء موجب تضییع خواسته می‌شود، ابتداء قرار تأمین، اجراء و سپس ابلاغ می‌شود. این موارد، فوراً به اطلاع دادستان می‌رسد. قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی در اجرای احکام کیفری دادسرای مربوط اجراء می‌شود."

۱۳۳ - اگر قرار تأمین خواسته ابهام یا اجمالی داشت؛ رفع آن بر عهده بازپرس است ولی اگر در اجرای قرار تأمین خواسته اشکالی به وجود آمد؛ رفع آن به عهده دادستان و یا قاضی اجرای احکام کیفری است.

ماده ۱۱۰ ق.آ.د. ک: "رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می‌آید."

۱۳۴ - اگر شخص ثالثی نسبت به مالی که در اجرای قرار تأمین خواسته توقیف شده اعتراض داشته باشد، این اعتراض در دادگاه حقوقی و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۱۱ ق.آ.د. ک: "دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می‌کند."

۱۳۵ - اگر زیان‌دیده تا قبل از ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند، به درخواست متهم از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود. مگر در مواردی که برای مطالبه ضرر و زیان نیاز به تقدیم دادخواست نیست (مثل سرقت و کلاهبرداری و...) که در این صورت زیان‌دیده تکلیفی نداشته و از تأمین خواسته تا تعیین تکلیف نهایی رفع اثر نمی‌شود.

ماده ۱۱۲ ق.آ.د. ک: "در مواردی که مطالبه خواسته به تقدیم دادخواست نیاز دارد، چنانچه شاکی تا قبل از ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند، به درخواست متهم، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود."

۱۳۶ - در موارد زیر پس از قطعیت رأی و اجرای آن از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود:

- صدور قرار موقوفی تعقیب.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- صدور قرار منع تعقیب.
- مختومه شدن پرونده به هر کیفیت.
- عدم تقدیم دادخواست ضرر و زیان از ناحیه زیان‌دیده تا قبل از ختم دادرسی، در مواردی که تقدیم دادخواست لازم است. (ماده ۱۱۲ ق.آ.دک)

ماده ۱۱۳ ق.آ.د. ک: "در صورتی که به جهتی از جهات قانونی، تعقیب متهم موقوف یا قرار منع تعقیب صادر و یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود، پس از قطعیت رأی و اجرای آن، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود."

نکته خیلی مهم: صدور قرار تأمین خواسته نیاز به موافقت دادستان ندارد. اما توسط متهم در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اتهام را دارد قابل اعتراض می‌باشد؛ مگر این که دادگاه انقلاب یا کیفری یک در حوزه قضایی نباشد که در این صورت دادگاه کیفری دو صالح به رسیدگی می‌باشد.

مبحث ششم: قرارهای تأمین کیفری

۱۳۷ - به تصمیمات شکلی یا ماهوی که مرجع تحقیق در تحقیقات مقدماتی برای پیشبرد تحقیقات و یا در پایان تحقیقات در مورد کفایت یا عدم کفایت دلایل توجه اتهام به متهم و نهایتاً لزوم ارسال پرونده به دادگاه اظهار می‌کند **قرار** گفته می‌شود.

۱۳۸ - قرارها به دو دسته اعدادی و نهایی تقسیم می‌شوند.

- قرارهای اعدادی پرونده را مهیای اظهار نظر در مورد دلایل اتهام و قابلیت محاکمه می‌کنند. مانند قرار تأمین کیفری، قرار ارجاع امر به کارشناسی، قرار معاینه محل و....

- قرارهای نهایی اظهار نظر در مورد اتهام متهم و دلایل آن و لزوم یا عدم لزوم ارسال پرونده به دادگاه جهت محاکمه متهم است. قرارهای نهایی عبارتند از: قرار منع تعقیب، موقوفی تعقیب و قرار جلب به دادرسی.

۱۳۹ - **قرار تأمین کیفری**؛ یک قرار محدود کننده آزادی متهم تلقی می‌شود و وسیله‌ای برای تضمین حضور متهم در مراحل مختلف تحقیقات مقدماتی، محاکمه و اجرای حکم می‌باشد.

ماده ۲۱۷ ق.آ.د. ک: "به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند: الف- التزام به حضور با قول شرف. ب- التزام به حضور با تعیین وجه التزام. پ- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف. ت- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام. ث- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام. ج- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط. چ- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات. ح- اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله. خ- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول. د- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی. تبصره ۱- در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار کفالت صادر می‌شود. تبصره ۲- در مورد بندهای (پ) و (ت)، خروج از حوزه

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

قضایی با اجازه قاضی ممکن است. تبصره ۳- در جرائم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست."

گفتار اول: قواعد مشترک حاکم بر قرارهای تأمین کیفری

۱۴۰ - اخذ قرار تأمین مستفاد فقط از اختیارات مقام قضایی (دادیار، بازپرس، دادستان، قاضی دادگاه، قاضی اجرای احکام) است. ضابطان اختیار اخذ قرار تأمین ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند.

ماده ۴۱ ق.آ.د. ک: "ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند. در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود."

۱۴۱ - فقط در صورت وجود دلایل کافی بر توجه اتهام به متهم، قرار تأمین صادر می‌شود. لذا اگر دلایل کافی نباشد؛ صدور قرار تأمین لازم نیست. بنابراین تصور این که با تفهیم اتهام لزوماً باید تأمین اخذ گردد غلط می‌باشد.

۱۴۲ - بر اساس اصل تناسب تأمین کیفری؛ قرار تأمین کیفری و نظارت قضایی هم باید متناسب باشد و هم باید متناسب بماند. بنابراین مقام صادر کننده قرار تأمین اختیار تغییر در آن و تشدید یا تخفیف آن را دارد. در هر حال تشخیص تناسب اصولاً با مقام قضایی است؛ مگر در مواردی خاص که قانون پیش بینی کرده است. مثلاً در ماده ۲۱۹ که مقرر گشته؛ مبلغ وجه التزام، وجه الکفاله و وثیقه نباید از خسارت وارد به بزه‌دیده کمتر باشد یا مثلاً در خصوص چک بلا محل که مقرر شده حتماً باید قرار تأمین کفالت یا وثیقه گرفته شود.

ماده ۲۵۰ ق.آ.د. ک: "قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد. تبصره- اخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است."

ماده ۲۱۹ ق.آ.د. ک: "مبلغ وجه التزام، وجه الکفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه‌دیده کمتر باشد. در مواردی که دیه یا خسارت زیان‌دیده از طریق بیمه قابل جبران است، بازپرس با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بیمه قرار تأمین متناسب صادر می‌کند."

۱۴۳ - **قرار تأمین کیفری، تخفیف یا تشدید آن** نیازی به موافقت دادستان ندارد. اما تشدید تأمین قابل اعتراض از سوی متهم در دادگاه صالح به رسیدگی اتهام می‌باشد.

۱۴۴ - برای اتهامات متعدد متهم، تنها یک قرار تأمین متناسب صادر می‌شود. مگر در مواردی که هر کدام از اتهامات در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد. به نحوی که پس از صدور کیفرخواست لازم باشد که پرونده تفکیک شده و به دادگاه‌هایی با صلاحیت ذاتی متفاوت ارسال شود که در این صورت برای هر اتهام، یک قرار تأمین صادر می‌شود.

ماده ۲۱۸ ق.آ.د. ک: "برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می‌شود، مگر آنکه رسیدگی به جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود."

گفتار دوم: انواع قرارهای تأمین

۱۴۶ - در مورد اشخاص حقیقی بالای ۱۸ سال قرارهای تأمین کیفری به طور حصری در ماده ۲۱۷ قانون از خفیف‌ترین تا شدیدترین آمده است. این قرارها عبارتند از:

- التزام به حضور با قول شرف.
- التزام به حضور با تعیین وجه التزام.
- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف.
- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام.
- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام.
- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط.
- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات.
- اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله.
- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول.
- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.

۱۴۷ - در مورد اشخاص حقیقی زیر ۱۸ سال تمام باید قاتل به تفکیک شد:

- اشخاص زیر ۱۵ سال: مطلقاً قرار تأمین کیفری صادر نمی‌شود. در خصوص این افراد:
 - متهم به والدین، اولیاء، سرپرست قانونی سپرده می‌شود.
 - در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع ایشان از پذیرش متهم، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که قاضی مصلحت بداند سپرده می‌شود.

نکته: افراد فوق در حقیقت ملتزم می‌شوند که هرگاه نیاز به متهم باشد، وی را حاضر نمایند. ولیکن احکام و آثار کفیل بر آنان بار نمی‌شود و لذا عدم حاضر نمودن متهم در موعد مقرر هیچ گونه ضمانت اجرایی برای ایشان ندارد.

- اشخاص بین ۱۵ تا ۱۸ سال: اصولاً قرار تأمین کیفری صادر نمی‌شود و خود متهم ملتزم می‌شود؛ مگر در موارد ضرورت که حسب مورد فقط یکی از قرارهای ذیل صادر می‌شود:
 - قرار تأمین کفالت.
 - قرار تأمین وثیقه.
 - قرار نگهداری موقت در کانون اصلاح و تربیت.

نکته: در صورت صدور قرار تأمین کیفری کفالت یا وثیقه برای متهم ۱۵ تا ۱۸ سال و عجز وی از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه، قرار نگهداری موقت در کانون اصلاح و تربیت صادر و متهم به کانون اعزام می‌شود.

نکته: قرار نگهداری موقت در قانون اصلاح و تربیت در حقیقت همان قرار بازداشت موقتی است که برای بزرگسالان صادر می‌شود و لذا تمام آثار و احکام قرار بازداشت موقت نیز در مورد آن جاری است. پس بنابراین نیاز به موافقت دادستان دارد؛ قابل اعتراض است؛ در مواعد حسب مورد یک ماهه یا دو ماهه نیاز به بازبینی جهت ابقاء یا فک دارد و...

ماده ۲۸۷ ق.ا.د.ک: "در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بدانند، می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند. در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان پذیر است. در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه و یا در مورد جرائم پیش‌بینی شده در ماده (۲۳۷) این قانون، دادسرا یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده (۲۳۸) این قانون، قرار نگهداری موقت آنان را در قانون اصلاح و تربیت صادر کند. تبصره - قرار نگهداری موقت، تابع کلیه آثار و احکام قرار بازداشت موقت است.

۱۴۸ - در مورد اشخاص حقوقی دو نوع قرار تأمین صادر خواهد شد:

- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.
- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی.

الف: قرار التزام به حضور با قول شرف

۱۴۹ - این قرار در جرائم کم اهمیت در مورد متهمان پایبند به قول و شرف خود صادر می‌گردد. در صورت عدم قبول قرار از سوی متهم، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر می‌گردد.

ب: قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام

۱۵۰ - در صورت عدم حضور متهم در مواقع احضار، دادستان برای اخذ مبلغ وجه التزام به نفع صندوق دولت اقدام می‌کند. در صورت عدم قبول قرار از سوی متهم قرار کفالت صادر می‌گردد.

ج: قرار عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف

۱۵۱ - این قرار متضمن التزام به حضور نیز می‌باشد. با یکی از دو امر زیر **نقض** می‌شود:

- خروج از حوزه قضایی بدون اجازه.
 - عدم حضور نزد مرجع قضایی در مواقع احضار.
- در صورت عدم قبول قرار از سوی متهم، قرار کفالت صادر می‌گردد.

د: قرار عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام

۱۵۲ - این قرار نیز متضمن التزام به حضور است با این تفاوت که در این قرار وجه التزام هم تعیین می‌شود. این قرار نیز با یکی از دو امر زیر **نقض** می‌شود می‌توان وجه التزام را از متهم گرفت:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- خروج از حوزه قضایی بدون اجازه.
- عدم حضور نزد مرجع قضایی در مواقع احضار.

در صورت عدم قبول قرار از سوی متهم قرار کفالت صادر می‌گردد.

تبصره ۱ ماده ۲۱۷ ق.آ.د. ک: "در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار کفالت صادر می‌شود."

ه: قرار التزام به معرفی نوبه‌ای خود به مرجع قضایی یا انتظامی

۱۵۳ - این قرار متضمن التزام به حضور نیز می‌باشد که با یکی از دو امر زیر نقض می‌شود و می‌توان وجه التزام را از متهم گرفت:

- عدم حضور نزد مرجع قضایی یا انتظامی برای معرفی نوبه‌ای خود.
- عدم حضور نزد مرجع قضایی در مواقع احضار.

و: قرار التزام مستخدمان رسمی

۱۵۴ - قرار التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام که با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط صادر می‌گردد. در واقع همان قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام است که بر خلاف آن، متضمن احراز قبلی امکان پرداخت وجه التزام است. به عبارتی در این نوع قرار، پرداخت وجه التزام هم بر عهده متهم و هم بر عهده سازمان محل اشتغال اوست. در صورت عدم حضور متهم، دادستان ابتدا باید کل وجه التزام را از متهم مطالبه نماید و چنان چه موفق به اخذ تمام وجه از متهم نشود مبلغ مورد نظر را از سازمان متعهد، مطالبه نماید. در صورتی که حقوق متهم برای کل وجه التزام کافی نباشد، مبلغ مذکور توسط سازمان مذکور تقسیط خواهد شد. طبق قانون اجرای احکام مدنی؛ از حقوق و مزایای کارکنان سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و بانک‌ها و شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی و نظایر آن، در صورتی که داری زن یا فرزند باشند؛ ربع و گرنه ثلث توقیف می‌شود.

ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی: "از حقوق و مزایای کارکنان سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و بانک‌ها و شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی و نظائر آن در صورتی که داری زن یا فرزند باشند ربع و الا ثلث توقیف می‌شود. تبصره ۱- توقیف و کسر یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط بر این که دین مربوط به شخص بازنشسته یا وظیفه‌بگیر باشد. تبصره ۲- حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند و مستمری مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی توقیف نمی‌شود."

نکته: منظور از کارمند رسمی؛ کارمند قطعی یا آزمایشی است نه پیمانی و قراردادی و خرید خدمت و

ز: قرار التزام به عدم خروج از منزل

۱۵۵ - قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده، با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات و به هدف کاهش موارد بازداشت به لحاظ عدم معرفی کفیل یا وثیقه یا صدور قرار بازداشت موقت است. این قرار متضمن التزام به حضور نیز می‌باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۱۵۶ - قرار کفالت اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله است. در این قرار دو نفر ملتزم می‌شوند:

- متهم ملتزم به حضور می‌شود.
- شخص ثالثی به نام کفیل که ملتزم به حاضر نمودن متهم در صورت عدم حضور وی می‌شود و اگر در صورت لزوم متهم را حاضر ننماید باید وجه الکفاله را پرداخت نماید.

۱۵۷ - با صدور این قرار، مرجع تحقیق از متهم می‌خواهد که ضمن تعهد به حضور در مرجع قضایی، شخصی را به عنوان کفیل برای حاضر نمودن خود معرفی نماید. کفیل باید علاوه بر تعهد به حاضر نمودن متهم ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ، متعهد گردد که چنان چه موفق به این کار نشود، مبلغ وجه الکفاله را که توسط مرجع تحقیق تعیین می‌گردد به صندوق دولت واریز نماید.

۱۵۸ - در تعیین مبلغ وجه الکفاله باید به چند نکته توجه کرد:

- مفاد ماده ۲۱۹ قانون.

ماده ۲۱۹ ق.آ.د. ک: "مبلغ وجه التزام، وجه الکفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه‌دیده کمتر باشد. در مواردی که دیه یا خسارت زیان‌دیده از طریق بیمه قابل جبران است، بازپرس با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بیمه قرار تأمین متناسب صادر می‌کند."

- جرم ارتكابی مجازات جزای نقدی، شلاق یا حبس دارد یا خیر؟

ماده ۲۳۲ ق.آ.د. ک: "دیه با رعایت مقررات مربوط و ضرر و زیان محکوم‌له، در صورتی از مبلغ وثیقه یا وجه الکفاله کسر می‌شود که امکان وصول آن از بیمه میسر نباشد و محکوم‌علیه حاضر نشود و وثیقه‌گذار یا کفیل هم، وی را طبق مقررات حاضر ننموده و عذر موجهی هم نداشته باشد."

ماده ۲۳۳ ق.آ.د. ک: "چنانچه قرار تأمین صادر شده، متضمن تأدیه وجه التزام باشد یا متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، در صورت عدم حضور محکوم‌علیه و عدم امکان وصول آن از بیمه، علاوه بر اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم‌له از محل تأمین، جزای نقدی نیز در صورت محکومیت وصول می‌شود و در مورد قرار وثیقه، در صورت حضور و عجز از پرداخت، محکومیت‌های فوق، با لحاظ مستثنیات دین از محل تأمین اخذ می‌شود."

۱۵۹ - صدور قرار کفالت یا وثیقه در جرائم غیر عمدی مشروط بر این است که تضمین حقوق بزه‌دیده از طرق دیگر امکان پذیر نباشد. پس اگر متهم بیمه نامه با مبلغ کافی داشته باشد و یا اموال او قبلاً در نتیجه صدور قرار تأمین خواسته توقیف شده باشد، حق صدور قرار تأمین کفالت یا وثیقه نداریم. اما اگر مبلغ مندرج در بیمه نامه برای جبران خسارت بزه‌دیده کافی نباشد، قرار کفالت یا وثیقه به مبلغ مازاد آن صادر می‌شود.

تبصره ۳ ماده ۲۱۷ ق.آ.د. ک: "در جرائم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست."

ماده ۲۱۹ ق.آ.د. ک: "مبلغ وجه التزام، وجه الکفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه‌دیده کمتر باشد. در مواردی که دیه یا خسارت زیان‌دیده از طریق بیمه قابل جبران است، بازپرس با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بیمه قرار تأمین متناسب صادر می‌کند."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

نکته: در جرائمی مانند قتل غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی، گاهی مراجع قضایی ضمن اخذ بیمه نامه برای جنبه خصوصی جرم، اقدام به صدور قرار کفالت یا وثیقه برای جنبه عمومی آن می‌نمایند. این کار اشتباه است؛ زیرا جرم واحد می‌باشد. وقتی برای جرائم متعدد در صلاحیت ذاتی یک مرجع، فقط باید یک قرار تأمین صادر می‌شود؛ به طریق اولی برای جنبه خصوصی و عمومی جرم واحد نیز باید یک قرار تأمین صادر کنیم.

۱۶۰ - کفیل (چه شخص حقیقی یا حقوقی باشد)؛ باید ملأئت داشته باشد. یعنی نه تنها باید شرایط قبول تعهد (عقل، بلوغ و رشد) را داشته باشد بلکه باید از نظر مقام قضایی، توانایی حاضر نمودن متهم و نیز در صورت تخلف از این امر، توانایی پرداخت وجه الکفاله را نیز داشته باشد.

نکته: استمرار ملأئت، شرط اعتبار قرار کفالت نیست. بنابراین کفیل در فرض اخذ وجه الکفاله توسط دادستان، می‌تواند به عذر اعسار، اعتراض نماید.

نکته: پذیرش کفالت شخص حقوقی عمومی ممنوع است. چرا که پرداخت هرگونه وجه از این اشخاص باید از قبل پیش بینی شده و مجوز پرداخت آن نیز موجود باشد.

ماده ۲۳۵ ق.آ.د. ک: "متهم، کفیل و وثیقه‌گذار می‌توانند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان، درباره اخذ وجه التزام، وجه الکفاله و یا ضبط وثیقه اعتراض کنند. مرجع رسیدگی به این اعتراض، دادگاه کیفری دو است: ... ت- هرگاه مدعی شوند پس از صدور قرار قبولی کفالت یا التزام معسر شده‌اند."

۱۶۱ - اگر کفیلی مراجعه کرد و بازپرس ملأئت وی را احراز نکرد؛ باید مراتب صورتجلسه شود و فوری به نظر دادستان برسد. دادستان در همان روز به موضوع رسیدگی می‌کند و نظرش را باید بازپرس بپذیرد و حق اختلاف ندارد.

نکته: پذیرش ملأئت کفیل نیازی به تأیید دادستان ندارد.

ماده ۲۲۱ ق.آ.د. ک: "کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که ملأئت او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه الکفاله محل تردید نباشد. چنانچه بازپرس ملأئت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان می‌رساند. دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهارنظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است. در صورت تأیید نظر بازپرس توسط دادستان مراتب در پرونده درج می‌شود. تبصره- پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بالامانع است."

ماده ۲۲۲ ق.آ.د. ک: "در صورت عدم پذیرش تقاضای کتبی وثیقه‌گذار توسط بازپرس، مراتب با ذکر علت در پرونده منعکس می‌شود. تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است."

۱۶۲ - متهم می‌تواند از بازپرس بخواهد که به جای کفیل، وثیقه بیاورد و بازپرس موظف به قبول است.

ماده ۲۲۰ ق.آ.د. ک: "در صورتی که متهم بخواهد به جای معرفی کفیل، وثیقه بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است. در این صورت متهم می‌تواند در هر زمان با معرفی کفیل، آزادی وثیقه را تقاضا کند."

نکته: اگر قرار کفالت به درخواست متهم به وثیقه تبدیل شده باشد، متعاقباً هر موقع متهم کفیل بیاورد بازپرس باید از وثیقه رفع اثر و قرار قبولی کفالت صادر کند.

۱۶۳ - در صورتی که بازپرس بخواهد کفالت یا وثیقه را بپذیرد، باید قرار قبولی کفالت یا وثیقه صادر کند. ذیل این قرار را باید حتماً کفیل یا وثیقه گذار امضاء کند.

ماده ۲۲۳ ق.آ.د. ک: "بازپرس درمورد قبول وثیقه یا کفالت، قرار صادر می نماید و پس از امضاء کفیل یا وثیقه گذار، خود نیز آن را امضاء می کند و با درخواست کفیل یا وثیقه گذار، تصویر قرار را به آنان می دهد."

۱۶۴ - اگر متهم نتوانست کفیل یا وثیقه معرفی کند، تا معرفی و قبول کفیل به بازداشتگاه معرفی می گردد.

۱۶۵ - اقدام بازپرس به صدور قرار کفالت یا وثیقه قابل اعتراض نیست؛ اما بازداشت ناشی از این قرارها قابل اعتراض است. و متهم می تواند ظرف مدت ده روز در خصوص دو امر، اعتراض نماید:

- اصل صدور قرار منتهی به بازداشت. (مثلاً بگوید جرم من غیر عمدی است و من بیمه نامه دارم و نباید اصلاً قرار تأمین برای من صادر می شد).

- عدم پذیرش کفیل یا وثیقه گذار.

که به این اعتراض طبق مقررات اعتراض موضوع مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ رسیدگی می گردد.

ماده ۲۲۶ ق.آ.د. ک: "متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به اصل قرار منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند. تبصره - مرجع صادرکننده قرار و رییس یا معاون زندان مکلفند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه گذار معرفی می کند، فراهم کنند و هر زمان متهم، کفیل یا وثیقه معرفی نماید هرچند خارج از وقت اداری باشد، در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک مکلف به پذیرش آن هستند."

ماده ۲۷۰ ق.آ.د. ک: "علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است: الف - قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی. ب - قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تأمین به تقاضای متهم. پ - قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم. تبصره - مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است."

ماده ۲۷۱ ق.آ.د. ک: "مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادسرا تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است."

ط: قرار وثیقه

۱۶۶ - در این قرار مرجع تحقیق از متهم می خواهد که متعهد حضور گردد و برای تضمین تعهدش وثیقه ای به مبلغ معین بسپارد.

۱۶۷ - تودیع وثیقه ممکن است از جانب متهم یا شخص ثالث باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

نکته: اگر شخص ثالثی وثیقه بگذارد تکالیفی مشابه تکالیف کفیل دارد.

نکته: اگر مرجع تحقیق، متهم را ملزم به معرفی شخص ثالث برای تودیع وثیقه کند، تخلف نموده است.

نکته: ضابطه تعیین مبلغ وثیقه همان است که در مورد معیارهای تعیین وجه الکفاله رعایت می‌شود.

۱۶۸ - وثیقه اعم است از وجه نقد، مال منقول یا غیرمنقول، ضمانت نامه بانکی. بازپرس با رعایت ضابطه، فقط ارزش ریالی مال مورد وثیقه را تعیین می‌کند نه نوع وثیقه را. لذا انتخاب نوع وثیقه با وثیقه گذار است و تا زمانی که قرار وثیقه اعتبار دارد می‌تواند هر چند بار که بخواهد درخواست تعویض مال دیگری را که ارزش آن کمتر از مبلغ معین نباشد با مال مورد وثیقه را بدهد.

۱۶۹ - پس از معرفی وثیقه؛ اگر مال منقول یا غیر منقول باشد، ابتدا به هزینه متهم بهای آن به وسیله کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی می‌شود.

۱۷۰ - مال منقول جهت جلوگیری از تلف توقیف می‌شود و در خصوص مال غیر منقول مراتب توقیف ملک و ثبت آن در دفتر املاک به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک اعلام می‌شود.

۱۷۱ - در هر مرحله از رسیدگی که کفیل یا وثیقه گذار، متهم را تحویل مرجع قضایی بدهد، می‌تواند درخواست رفع اثر از قرار کفالت یا وثیقه را کند.

ماده ۲۲۸ ق.آ.د. ک: "کفیل یا وثیقه‌گذار در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی با معرفی و تحویل متهم می‌تواند، حسب مورد، رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه خود را از مرجعی که پرونده در آنجا مطرح است درخواست کند. مرجع مزبور مکلف است بلافاصله مراتب رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه را فراهم نماید. تبصره - در مواردی که متهم به علت دیگری از سوی سایر مراجع بازداشت باشد نیز، کفیل یا وثیقه‌گذار می‌تواند اعزام وی را درخواست نماید. در این صورت پس از حضور متهم مطابق این ماده اقدام می‌شود."

۱۷۲ - قاضی حق ندارد متهم را از کفیل یا وثیقه گذار بخواهد؛ مگر در مواردی که حضور متهم برای تحقیقات، دادرسی و یا اجرای حکم ضرورت دارد.

ماده ۲۲۹ ق.آ.د. ک: "خواستن متهم از کفیل یا وثیقه‌گذار جز در موردی که، ممنوع است. تبصره - تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است."

۱۷۳ - اگر متهم احضار شد و بدون اعلام عذر حاضر نگردد، دو فرض متصور است:

- متهم خودش ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است:

در این صورت اگر احضاریه به متهم ابلاغ واقعی شده باشد، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می‌شود.

- شخص ثالثی برای متهم کفالت نموده یا وثیقه گذاشته است:

در این صورت به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه به کفیل یا وثیقه گذار و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان، حسب مورد، وجه الکفاله اخذ و یا از وثیقه، معادل وجه قرار، ضبط می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۲۳۰ ق.آ.د. ک: "متهمی که برای او قرار تأمین صادر و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اختاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می‌شود. چنانچه متهم، کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد، به کفیل یا وثیقه‌گذار اختار می‌شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اختاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان، حسب مورد، وجه‌الکفاله اخذ و یا از وثیقه، معادل وجه قرار، ضبط می‌شود. دستور دادستان پس از قطعیت، بدون صدور اجرائیه در اجرای احکام کیفری و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی اجراء می‌شود. تبصره - مبلغ مازاد بر وجه قرار وثیقه، پس از کسر هزینه‌های ضروری مربوط به اجرای دستور، به وثیقه‌گذار مسترد می‌شود."

نکته: دستور ضبط وجه‌الکفاله یا وجه الوثاقه، در اجرای احکام کیفری و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی ولی بدون نیاز به اجرائیه، اجرا می‌شود.

۱۷۴ - برای ضبط کفالت یا وثیقه، باید حتماً ابلاغ واقعی به عمل آید؛ مگر در موردی که ثابت شود متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اختاریه، نشانی محل اقامت واقعی یا تغییر آن را به مرجع قبول‌کننده کفالت یا وثیقه اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده یا به هر نحو دیگر به این منظور امکان ابلاغ واقعی را دشوار کرده و این امر از نظر بازپرس محرز شود که در این صورت ابلاغ قانونی اختاریه برای ضبط وثیقه، اخذ وجه‌الکفاله و یا وجه التزام کافی خواهد بود.

ماده ۲۳۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه ثابت شود که متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اختاریه، نشانی محل اقامت واقعی یا تغییر آن را به مرجع قبول‌کننده کفالت یا وثیقه اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده یا به هر نحو دیگر به این منظور امکان ابلاغ واقعی را دشوار کرده است و این امر از نظر بازپرس محرز شود، ابلاغ قانونی اختاریه برای ضبط وثیقه، اخذ وجه‌الکفاله و یا وجه التزام کافی است."

۱۷۵ - اگر متهم خودش وثیقه گذاشته باشد و یا ملتزم به حضور شده باشد؛

در صورتی که برای اجرای حکم حاضر نشود و عذر موجهی نیز اعلام نکند و امکان وصول محکوم به از بیمه نیز وجود نداشته باشد، علاوه بر اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم‌له از محل تأمین، جزای نقدی نیز در صورت محکومیت وصول می‌شود.

اگر شخص ثالثی برای متهم کفالت نموده یا وثیقه گذاشته باشد؛

در صورتی که محکوم علیه برای اجرای حکم حضور نیابد و کفیل یا وثیقه‌گذار نیز وی را در مهلت مقرر قانونی بدون عذر موجه حاضر نکند و امکان وصول محکوم به از بیمه نیز وجود نداشته باشد، فقط دیه و ضرر و زیان محکوم‌له از محل تأمین اخذ خواهد شد.

ماده ۲۳۲ ق.آ.د. ک: "دیه با رعایت مقررات مربوط و ضرر و زیان محکوم‌له، در صورتی از مبلغ وثیقه یا وجه‌الکفاله کسر می‌شود که امکان وصول آن از بیمه میسر نباشد و محکوم‌علیه حاضر نشود و وثیقه‌گذار یا کفیل هم، وی را طبق مقررات حاضر ننموده و عذر موجهی هم نداشته باشد."

ماده ۲۳۳ ق.آ.د. ک: "چنانچه قرار تأمین صادر شده، متضمن تأدیه وجه التزام باشد یا متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، در صورت عدم حضور محکوم‌علیه و عدم امکان وصول آن از بیمه، علاوه بر اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم‌له

از محل تأمین، جزای نقدی نیز در صورت محکومیت وصول می‌شود و در مورد قرار وثیقه، در صورت حضور و عجز از پرداخت، محکومیت‌های فوق، با لحاظ مستثنیات دین از محل تأمین اخذ می‌شود."

۱۷۶ - فوت کفیل یا وثیقه گذار:

- اگر قبل از صدور دستور اخذ وجه الکفاله یا ضبط وثیقه باشد؛ قرار کفالت یا وثیقه منتفی می‌شود.
- اگر بعد از صدور دستور اخذ وجه الکفاله یا ضبط وثیقه باشد؛ قرار کفالت یا وثیقه به قوت خود باقی است.

ماده ۲۳۴ ق.آ.د. ک: "در صورت فوت کفیل یا وثیقه گذار، قرار قبولی کفالت یا وثیقه منتفی است و متهم حسب مورد، باید نسبت به معرفی کفیل یا ایداع وثیقه جدید اقدام کند، مگر آنکه دستور اخذ وجه الکفاله یا ضبط وثیقه صادر شده باشد."

۱۷۷ - موارد اعتراض متهم، کفیل یا وثیقه گذار به دستور ضبط وجه التزام، وجه الکفاله یا وثیقه:

- هرگاه مدعی شوند در اخذ وجه التزام و وجه الکفاله و یا ضبط وثیقه مقررات مربوط رعایت نشده است.
- هرگاه مدعی شوند متهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر کرده‌اند یا شخص ثالثی متهم را حاضر کرده است.
- هرگاه مدعی شوند به جهات مذکور در ماده ۱۷۸ قانون (عذر موجه)، متهم نتوانسته حاضر شود یا کفیل و وثیقه گذار به یکی از آن جهات نتوانسته‌اند متهم را حاضر کنند.
- هرگاه مدعی شوند پس از صدور قرار قبولی کفالت یا التزام معسر شده‌اند.
- هرگاه کفیل یا وثیقه گذار مدعی شوند تسلیم متهم، به علت فوت او در مهلت مقرر ممکن نبوده است.

۱۷۸ - مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور ضبط دادستان، دادگاه کیفری دو است. اگر دستور ضبط را رییس یا دادرس دادگاه عمومی بخش صادر کرده باشد، دادگاه کیفری دو نزدیک‌ترین شهرستان آن استان به اعتراض رسیدگی می‌کند که در هر دو فرض، رسیدگی به این اعتراض خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی خواهد بود.

۱۷۹ - اگر متهم، کفیل یا وثیقه گذار ادعای اعسار از پرداخت وجه التزام، کفالت یا وثیقه را داشته باشند؛ دادگاه به ادعای اعسار متهم یا کفیل رسیدگی و در صورت احراز اعسار آنان، به معافیت آنان از پرداخت وجه التزام یا وجه الکفاله حکم می‌کند.

ماده ۲۳۵ ق.آ.د. ک: "متهم، کفیل و وثیقه گذار می‌توانند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان، درباره اخذ وجه التزام، وجه الکفاله و یا ضبط وثیقه اعتراض کنند. مرجع رسیدگی به این اعتراض، دادگاه کیفری دو است: الف- هرگاه مدعی شوند در اخذ وجه التزام و وجه الکفاله و یا ضبط وثیقه مقررات مربوط رعایت نشده است. ب- هرگاه مدعی شوند متهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر کرده‌اند یا شخص ثالثی متهم را حاضر کرده است. پ- هرگاه مدعی شوند به جهات مذکور در ماده (۱۷۸) این قانون، متهم نتوانسته حاضر شود یا کفیل و وثیقه گذار به یکی از آن جهات نتوانسته‌اند متهم را حاضر کنند. ت- هرگاه مدعی شوند پس از صدور قرار قبولی کفالت یا التزام معسر شده‌اند. ث- هرگاه کفیل یا وثیقه گذار مدعی شوند تسلیم متهم، به علت فوت او در مهلت مقرر ممکن نبوده است. تبصره ۱- دادگاه در تمام موارد فوق، خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی به شکایت رسیدگی می‌کند. رأی دادگاه قطعی است. تبصره ۲- مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور رییس یا دادرس دادگاه عمومی بخش، دادگاه کیفری دو نزدیک‌ترین شهرستان آن استان است. تبصره ۳- در خصوص بند

(ت)، دادگاه به ادعای اعسار متهم یا کفیل رسیدگی و در صورت احراز اعسار آنان، به معافیت آنان از پرداخت وجه التزام یا وجه الکفاله حکم می‌کند."

۱۸۰ - اگر بعد از صدور دستور ضبط و قبل از پایان عملیات اجرایی ضبط، متهم خودش در مرجع قضایی حاضر شود یا کفیل یا وثیقه‌گذار او را حاضر کنند؛ دادستان باید از دستور ضبط رفع اثر کند و فقط دستور ضبط و اخذ حداکثر یک چهارم مبلغ قرار را می‌دهد. در این صورت، همان قرار تأمین همچنان معتبر است به شرطی که متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار به ازای مبلغی که ضبط شده، قرار را تکمیل نمایند. اگر در این مرحله کفیل یا وثیقه‌گذار تقاضای رفع مسئولیت نمود؛ متهم حسب مورد، نسبت به معرفی کفیل یا وثیقه‌گذار جدید اقدام خواهد کرد و تا زمانی که کفیل یا وثیقه‌گذار جدید بیاورد بازداشت می‌شود.

ماده ۲۳۶ ق.آ.د. ک: "در صورتی که متهم پس از صدور دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه التزام یا وجه الکفاله و یا ضبط وثیقه و پیش از اتمام عملیات اجرایی، در مرجع قضایی حاضر شود یا کفیل یا وثیقه‌گذار او را حاضر کند، دادستان با رفع اثر از دستور صادره، دستور اخذ یا ضبط حداکثر تا یک چهارم از وجه قرار را صادر می‌کند. در این صورت، اعتبار قرار تأمین صادره به قوت خود باقی است. هرگاه متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، مکلف است، نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند و چنانچه شخص ثالث از متهم کفالت نموده و یا ایداع وثیقه کرده باشد و رفع مسئولیت خود را درخواست نکند، مکلف است نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند. در صورتی که شخص ثالث، رفع مسئولیت خود را درخواست کند، متهم حسب مورد، نسبت به معرفی کفیل یا وثیقه‌گذار جدید اقدام می‌کند. تبصره ۱- هرگاه متهم یا وثیقه‌گذار یا کفیل، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور ضبط بخشی از وجه قرار، معادل وجه مقرر را به صندوق دولت واریز کند، ضبط انجام نمی‌شود و اعتبار قرار تأمین صادره به صورت کامل به قوت خود باقی است. تبصره ۲- در صورت تحت تعقیب قرار گرفتن اتباع بیگانه و تقاضای آنان بازپرس مکلف است مشخصات و نوع اتهام آنها را بلافاصله جهت اقدام لازم به دادستانی کل کشور اعلام نماید، تا از آن طریق وفق مقررات به مراجع ذی ربط اعلام شود. چنانچه تعقیب این افراد منجر به محکومیت قطعی شود، قاضی اجرای احکام خلاصه‌ای از دادنامه را جهت اجرای این تبصره به دادستانی کل اعلام می‌کند. در صورت تقاضای ملاقات از سوی کنسولگری مربوط، مراتب به دادستانی کل اعلام می‌شود تا بر اساس تصمیم آن مرجع، مطابق مقررات اقدام شود."

ی: قرار بازداشت موقت

۱۸۱ - شدیدترین قرار تأمین کیفری است که برخلاف سایر قرارهای تأمین، حتی صدورش هم قابل اعتراض می‌باشد.
۱۸۲ - علی‌الاصول صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست؛ مگر استثنائاً در موارد زیر و آن هم به شرطی که دلایل و قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم وجود داشته باشد:

- جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل یا بیش از آن.

نکته: سلب حیات اعم از قصاص، اعدام یا هر مجازاتی که نوعاً منجر به سلب حیات گردد مانند رجم و... می‌باشد. قطع عضو نیز غیر از قصاص عوض بوده و مجازات سرقت حدی و محاربه می‌باشد.

- جرائم تعزیری که درجه ۱ تا ۴

- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور با مجازات قانونی درجه ۱ تا ۵

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

• ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

• سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور باشد.

نکته: تمام بازداشت موقت‌های قوانین خاص؛ به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح نسخ شده است.

ماده ۲۳۷ ق.ا.د. ک: "صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرائم زیر، که دلایل، قراین و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند: الف- جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است. ب- جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است. پ- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است. ت- ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود. ث- سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور باشد. تبصره- موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون ملغی است."

۱۸۳ - برای صدور قرار بازداشت موقت حتی در مورد جرائم فوق، باز باید حداقل یکی از شرایط زیر وجود داشته باشد:

- آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند.
- بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.
- آزاد بودن متهم محل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاک، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

ماده ۲۳۸ ق.ا.د. ک: "صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده قبل، منوط به وجود یکی از شرایط زیر است: الف- آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند. ب- بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد. پ- آزاد بودن متهم محل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاک، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد."

۱۸۴ - متن قرار بازداشت موقت حتماً بایستی یک سری ویژگی‌ها داشته باشد:

- باید مستدل و موجه باشد.
- مستند قانونی و ادله آن درج شود.
- حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود.

۱۸۵ - به محض صدور قرار بازداشت موقت سه کار باید انجام شود:

- فی المجلس به متهم ابلاغ شود و در صورتی که به قرار صادره اعتراض داشت در ذیل قرار قید شود.
- متهم به بازداشتگاه اعزام شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- پرونده فوراً جهت اظهار نظر به نظر دادستان برسد تا ظرف حداکثر ۲۴ ساعت نظرش را کتبی بدهد:
- دادستان با قرار بازداشت موقت موافقت می‌کند: اقدام خاصی لازم نیست و تحقیقات ادامه می‌یابد.
- دادستان با قرار بازداشت موقت مخالفت می‌کند: در این صورت اگر بازپرس در برابر نظر دادستان تمکین کند، قرار تأمین کیفری دیگری صادر می‌کند. ولی اگر همچنان بر نظر خودش باقی بود، مورد از موارد اختلاف بین دادستان و بازپرس است که حل این اختلاف با دادگاه صالح خواهد بود و دادگاه بایستی حتماً ظرف ده روز حل اختلاف کند و در این مدت متهم در زندان می‌ماند.

ماده ۲۳۹ ق.آ.د. ک: "قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه باشد و مستند قانونی و ادله آن و حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود. با صدور قرار بازداشت موقت، متهم به بازداشتگاه معرفی می‌شود. چنانچه متهم به منظور جلوگیری از تبانی، بازداشت شود، دلیل آن در برگه اعزام قید می‌شود."

ماده ۲۴۰ ق.آ.د. ک: "قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به طور کتبی به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با قرار بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح است و متهم تا صدور رأی دادگاه در این مورد که حداکثر از ده روز تجاوز نمی‌کند، بازداشت می‌شود."

ماده ۲۷۰ ق.آ.د. ک: "علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است: ... ب- قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تأمین به تقاضای متهم... تبصره- مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است."

۱۸۶ - در طول مدت بازداشت موقت متهم:

- اگر دادیار یا بازپرس علت بازداشت را مرتفع ببیند؛ فوراً قرار بازداشت موقت را فک نموده و پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان به عنوان مدعی العموم می‌فرستد.
- دادستان با نظر وی موافق است: در این صورت دادیار یا بازپرس قرار تأمین خفیف‌تری صادر می‌کند.
- دادستان با نظر وی مخالف است: مورد از موارد اختلاف بین دادستان و بازپرس است که حل این اختلاف با دادگاه صالح خواهد بود.
- اگر متهم موجبات بازداشت را مرتفع بداند؛ تقاضای فک بازداشت را از بازپرس یا دادیار می‌کند. بازپرس یا دادیار (به شرطی که در آن ماه قرار منتهی به بازداشت را مورد بازبینی قرار نداده باشد) به طور فوری و حداکثر ظرف پنج روز به طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهار نظر می‌کند.
- درخواست متهم را قبول می‌کند: قرار بازداشت موقت را فک و به قرار تأمین خفیف‌تری تبدیل می‌کند.
- درخواست متهم را قبول نمی‌کند: قرار رد درخواست صادر و به وی ابلاغ می‌کند تا چنانچه اعتراضی دارد ظرف مدت ده روز به آن اعتراض کند.

نکته: متهم ماهانه فقط یک بار می‌تواند درخواست فک بازداشت موقت را بنماید.

ماده ۲۴۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت می‌کند. در صورت مخالفت دادستان با تصمیم بازپرس، حل اختلاف با دادگاه صالح است. اگر متهم نیز موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می‌تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس به طور فوری و حداکثر ظرف پنج روز به طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهار نظر می‌کند."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

در صورت رد درخواست، مراتب در پرونده ثبت و قرار رد به متهم ابلاغ می شود و متهم می تواند ظرف ده روز به آن اعتراض کند. متهم در هر ماه فقط یک بار می تواند این درخواست را مطرح کند."

۱۸۷ - علاوه بر موارد بند قبلی؛ بازپرس نیز تکلیف دارد تا زمانی که پرونده در دادسرا منجر به اتخاذ تصمیم نهایی نشده؛ در جرائم مستوجب مجازات بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ آ.د.ک هر دو ماه یکبار و در سایر موارد هر یک ماه یکبار، قرارهای منتهی به بازداشت متهم (اعم از بازداشت موقت و...) را بازبینی کند:

- اگر موجبات بازداشت را مرتفع دید: نسبت به فک قرار و تبدیل آن به قرار تأمین متناسب دیگری اقدام می کند.
- اگر علل موجهی برای ادامه بازداشت وجود داشت: ضمن ذکر علل مذکور، قرار منتهی به بازداشت را ابقاء و این تصمیم را به متهم ابلاغ می کند تا چنانچه اعتراضی به ابقاء داشت، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند.

ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک: "هرگاه در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه و در سایر جرائم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می شود. متهم می تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می شود و ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. فک، تخفیف، یا ابقای بازداشت موقت، باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب مورد، هر دوماه یا هر یک ماه اعمال می شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی کند. تبصره ۱- نصاب حداکثر مدت بازداشت، شامل مجموع قرارهای صادره در دادسرا و دادگاه است و سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم را نیز شامل می شود. تبصره ۲- تکلیف بازپرس به اظهارنظر درباره درخواست متهم، موضوع ماده (۲۴۱) این قانون، در صورتی است که وفق این ماده، نسبت به قرار اظهارنظر نشده باشد."

۱۸۸ - با توجه به عبارت "تصمیم نهایی در دادسرا" می توان گفت بازبینی قرار تأمین منتهی به بازداشت مخصوص مرحله دادسرا و دادگاه تکلیفی در این خصوص ندارد.

۱۸۹ - منظور از تصمیم نهایی دادسرا؛ در مورد قرارهای منع و موقوفی تعقیب، موافقت دادستان با قرار و در مورد قرار جلب به دادرسی، صدور کیفرخواست است.

نکته: با توجه به عبارت "مجموع قرارهای صادره در دادسرا و دادگاه" در تبصره ۱ این است که حتی پس از اتخاذ تصمیم نهایی در دادسرا و ارسال پرونده به دادگاه، دادگاه مکلف است بر طول مدت بازداشت نظارت داشته و مراقبت نماید که این مدت از حداکثر مدت های مذکور مقرر در ماده ۲۴۲ بیشتر نشود.

نکته: در مورد بازداشت موقت؛ فک، تخفیف و ابقای قرار و در مورد سایر قرارهای تأمین منتهی به بازداشت؛ فقط ابقای آن باید به نظر دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. ولیکن فک یا تخفیف سایر قرارهای تأمین منتهی به بازداشت نیاز به موافقت دادستان ندارد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

نکته: مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی‌کند. شایان ذکر است نصاب حداکثر مدت بازداشت، شامل مجموع قرارهای صادره در دادسرا و دادگاه بوده و همه قرارهای منتهی به بازداشت متهم را در بر می‌گیرد.

۱۹۰ - تشدید یا تخفیف قرار تأمین کیفری:

• از ناحیه بازپرس: در تمام مراحل تحقیقات، می‌تواند قرار تأمین کیفری را (چه از نظر نوع و چه از نظر مبلغ) تشدید کند یا تخفیف دهد.

• از ناحیه دادستان:

- تا قبل از تنظیم کیفرخواست: می‌تواند تشدید یا تخفیف تأمین را از بازپرس درخواست کند.

نکته: هرگاه بین بازپرس و دادستان موافقت حاصل نشود، پرونده برای رفع اختلاف به دادگاه ارسال می‌شود و بازپرس طبق نظر دادگاه اقدام می‌کند.

- پس از تنظیم کیفرخواست: می‌تواند حسب مورد، از دادگاهی که پرونده در آن مطرح است، درخواست تشدید یا تخفیف تأمین کند.

• از ناحیه متهم: متهم نیز می‌تواند در هر مرحله تقاضای تخفیف تأمین کند.

• از ناحیه دادگاه: چنانچه به نظر دادگاه، قرار تأمین صادره متناسب نباشد، نسبت به تخفیف یا تشدید آن اتخاذ تصمیم می‌نماید.

ماده ۲۴۳ ق.آ.د. ک: "بازپرس می‌تواند در تمام مراحل تحقیقات با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین صادره را تشدید کند یا تخفیف دهد. تبصره - تشدید یا تخفیف قرار تأمین، اعم از تبدیل نوع قرار یا تغییر مبلغ آن است.

ماده ۲۴۴ ق.آ.د. ک: "دادستان در جریان تحقیقات مقدماتی تا پیش از تنظیم کیفرخواست می‌تواند تشدید یا تخفیف تأمین را از بازپرس درخواست کند. هرگاه بین بازپرس و دادستان موافقت حاصل نشود، پرونده برای رفع اختلاف به دادگاه ارسال می‌شود و بازپرس طبق نظر دادگاه اقدام می‌کند. پس از تنظیم کیفرخواست نیز دادستان می‌تواند حسب مورد، از دادگاهی که پرونده در آن مطرح است، درخواست تشدید یا تخفیف تأمین کند. متهم نیز می‌تواند تخفیف تأمین را درخواست کند. تقاضای فرجام‌خواهی نسبت به حکم، مانع از آن نیست که دادگاه صادرکننده حکم، به این درخواست رسیدگی کند. در صورت رد درخواست، مراتب رد در پرونده ثبت می‌شود. تصمیم دادگاه در این موارد قطعی است. تبصره ۱ - تقاضای دادستان یا متهم به شرح مقرر در این ماده، در مورد تشدید یا تخفیف نمی‌تواند بیش از یک‌بار مطرح شود. تبصره ۲ - چنانچه به نظر دادگاه، قرار تأمین صادره متناسب نباشد، نسبت به تخفیف یا تشدید آن اتخاذ تصمیم می‌نماید."

ماده ۲۴۵ ق.آ.د. ک: "دادگاه صالح موضوع مواد (۲۴۰)، (۲۴۲) و (۲۴۴) این قانون مکلف است در وقت فوق‌العاده به اختلاف دادستان و بازپرس یا اعتراض متهم رسیدگی نماید. تصمیم دادگاه قطعی است."

۱۹۱ - در صورتی که قرار بازداشت پس از صدور کیفرخواست و یا در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادگاه صادر گردد مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه تجدید نظر استان است.

ماده ۲۴۶ ق.آ.د. ک: "در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلاً تأمین اخذ نشده یا تأمین قبلی منتفی شده باشد، دادگاه، خود یا به تقاضای دادستان و با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین یا نظارت قضایی صادر می‌کند. چنانچه تصمیم دادگاه منتهی به صدور قرار بازداشت موقت شود، این قرار، طبق مقررات این قانون، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است."

تبصره ماده ۸۰ ق.آ.د. ک: "مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرایمی که به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شوند، دادگاه تجدیدنظر است."

مبحث هفتم: قرارهای نظارت قضایی

۱۹۲ - در کشور ما؛ قرارهای نظارت قضایی قرارهایی جداگانه از قرارهای تأمین و قابل الحاق به هر یک از قرارهای تأمین می‌باشند. قانون درباره اهداف قرارهای نظارت قضایی ساکت است. قرارهای نظارت قضایی قرارهایی هستند که به منظور تکمیل تأثیر قرارهای تأمین و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط متهم صادر می‌شوند.

گفتار اول: انواع قرارهای نظارت قضایی

ماده ۲۴۷ ق.آ.د. ک: "بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند: الف- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس. ب- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری. پ- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی. ت- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز. ث- ممنوعیت خروج از کشور. تبصره ۱- در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می‌تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفاء کند. تبصره ۲- قرارهای موضوع این ماده ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد."

۱۹۳ - قرارهای نظارت قضایی پس از تفهیم اتهام به متهم صادر می‌شوند و در مورد متهم غایب قابل صدور نیستند.

۱۹۴ - قرارهای نظارت قضایی اصولاً همراه با قرارهای تأمین صادر می‌شوند ولی استثنائاً در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت بسته به تشخیص بازپرس و به شرط ارائه تضمین لازم برای جبران خسارت وارده صدور آنها به تنهایی و بدون قرار تأمین امکان پذیر است.

۱۹۵ - قرارهای نظارت قضایی نه تنها با قرارهای تأمین بلکه با یکدیگر نیز قابل جمع می‌باشند.

ماده ۲۴۸ ق.آ.د. ک: "مدت اعتبار قرار منع خروج از کشور شش ماه و قابل تمدید است. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود، این دستور خود به خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند."

ماده ۲۴۹ ق.آ.د. ک: "در صورت صدور قرار ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، سلاح و پروانه مربوط اخذ و به یکی از محلهای مجاز نگهداری سلاح تحویل می‌شود و بازپرس مراتب را به مرجع صادرکننده پروانه اعلام می‌کند."

۱۹۶ - قرارهای نظارت قضایی باید مستدل و موجه بوده و همچنین متناسب با جرم ارتكابی صادر کردند.

ماده ۲۵۰ ق.آ.د. ک: "قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد. تبصره - اخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است."

۱۹۷ - همه قرارهای نظارت قضایی ظرف ده روز قابل اعتراض هستند. اگر باز پرس این قرارها را صادر کند، مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه صالح به رسیدگی به اصل اتهام است ولی اگر دادگاه چنین قراری صادر نماید، مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه تجدید نظر استان است.

ماده ۲۷۰ ق.آ.د. ک: "علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است: الف - قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی ب - قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تأمین به تقاضای متهم پ - قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم. تبصره - مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است."

تبصره ۲ ماده ۲۴۷ ق.آ.د. ک: "قرارهای موضوع این ماده ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد."

گفتار دوم: مدت و ضمانت اجرای قرارهای نظارت قضایی

۱۹۸ - مدت این قرارهای باید توسط بازپرس مشخص گردد. قانونگذار فقط مدت اعتبار قرار ممنوعیت خروج از کشور را در ماده ۲۴۸ قانون شش ماه و البته قابل تمدید دانسته است.

نکته: در صورتیکه مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود این دستور خود به خود منتفی است و مراجع مربوط نمی توانند مانع از خروج شوند.

۱۹۹ - چنان چه متهم در مدت قرارهای نظارت قضایی، مفاد آنها را رعایت کند می تواند درخواست تخفیف مجازات بدهد. این درخواست باید به موافقت دادستان برسد و دادستان نیز می تواند رأساً چنین پیشنهادی را به دادگاه بدهد. در این صورت دادگاه می تواند با رعایت مقررات مجازات او را تخفیف دهد.

ماده ۲۵۳ ق.آ.د. ک: "در صورتی که متهم دستورهای مندرج در قرار نظارت قضایی را رعایت نماید، بنا به درخواست وی که باید به تأیید دادستان برسد و یا پیشنهاد دادستان، دادگاه می تواند با رعایت مقررات قانونی در مجازات وی تخفیف دهد."

۲۰۰ - اگر متهم مفاد قرارهای نظارت قضایی را رعایت نکند:

- در خصوص قرار نظارت مستقل؛ مرجع قضایی قرار نظارت را تبدیل به قرار تأمین کیفری می کند.
- در خصوص قرار نظارت همراه با قرار تأمین؛ مرجع قضایی قرار نظارت را لغو و قرار تأمین را تشدید می نماید.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

نکته: به هر حال تحت هیچ شرایطی نمی‌توان قرار نظارت قضایی صادره را به قرار بازداشت تبدیل کرد.

ماده ۲۵۴ ق.آ.د. ک: "هرگاه متهم از اجرای قرار نظارت قضایی که توأم با قرار تأمین صادر شده است، تخلف کند، قرار نظارت لغو و قرار تأمین، تشدید می‌شود و در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، قرار صادره به قرار تأمین متناسب تبدیل می‌گردد. مفاد این ماده در حین صدور قرار نظارت قضایی به متهم، تفهیم می‌شود. تبصره- در اجرای این ماده نمی‌توان قرار صادره را به قرار بازداشت موقت تبدیل کرد."

مبحث هشتم: جبران خسارت

۲۰۱ - فردی که در دادسرا و یا دادگاه به هر علت و با هر قرار تامینی بازداشت می‌شود و پرونده وی در نهایت منجر به صدور قرار منع تعقیب و یا حکم بر برائت شده و این قرار یا حکم قطعی نیز بشود، می‌تواند خسارت ایام بازداشت خود را از دولت مطالبه کند.

نکته: اگر پرونده منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب شده باشد به دلیل عدم اظهار نظر ماهوی مقام قضایی در پرونده متهم سزاوار جبران خسارت نمی‌باشد.

ماده ۲۵۵ ق.آ.د. ک: "اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند."

۲۰۲ - مرجع تقدیم درخواست جبران خسارت، کمیسیون جبران خسارت استانی و مهلت آن ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی می‌باشد.

۲۰۳ - کمیسیون جبران خسارت استانی که از سه نفر قاضی تجدیدنظر به انتخاب رییس قوه قضاییه تشکیل شده است؛ موضوع را بررسی می‌نماید:

- شرایط مقرر قانونی را احراز می‌کند؛ حکم به پرداخت خسارت می‌دهد که قابل اعتراض از سوی دادستان نمی‌باشد.
- شرایط مقرر قانونی را احراز نمی‌کند؛ درخواست را رد می‌کند که این تصمیم ظرف مدت ۲۰ روز قابل اعتراض در کمیسیون ملی جبران خسارت خواهد بود.

۲۰۴ - کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رییس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رییس قوه قضاییه به اعتراض رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌کند. رأی کمیسیون ملی قطعی است.

ماده ۲۵۷ ق.آ.د. ک: "شخص بازداشت شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی، متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رییس قوه قضاییه تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند. در صورت رد درخواست، این شخص می‌تواند ظرف بیست‌روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده (۲۵۸) این قانون اعلام کند."

ماده ۲۵۸ ق.آ.د. ک: "رسیدگی به اعتراض شخص بازداشت شده، در کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس قوه قضاییه به عمل می‌آید. رأی کمیسیون قطعی است."

۲۰۵ - جبران خسارت موضوع ماده (۲۵۵) این قانون بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد؛ دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند.

۲۰۶ - در چند حالت، شخص بازداشت شده نمی‌تواند خسارت ایام بازداشت خود را مطالبه کند:

- بازداشت شخص ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی گناهی خود باشد. (البته به شرط آگاهی وی از اعتبار و ارزش آن اسناد و مدارک)
- به منظور فراری دادن مرتکب جرم خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد.
- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد.
- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

ماده ۲۵۶ ق.آ.د. ک: "در موارد زیر شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارت نیست: الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی گناهی خود باشد. ب- به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد. پ- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد. ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد."

نکته: کمیسیون جبران خسارت موظف است از وزارت دادگستری برای دفاع از حقوق بیت المال برای جلسه رسیدگی دعوت کند.

تبصره ماده ۳۴۲ ق.آ.د. ک: "در دعاوی مربوط به مطالبه خسارت موضوع ماده (۲۶۰) این قانون و ماده (۳۰) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ و مواردی که دیه از بیت المال مطالبه می‌شود، دادگاه موظف است از دستگاه پرداخت کننده دیه یا خسارت به منظور دفاع از حقوق بیت المال برای جلسه رسیدگی دعوت نماید. دستگاه مذکور حق تجدیدنظرخواهی از رأی را دارد."

۲۰۷ - اجرای آرای صادره از کمیسیون جبران خسارت، بر عهده وزارت دادگستری و از محل بودجه کل کشور است.

مبحث نهم: پایان اعتبار قراردادهای تأمین

۲۰۸ - استفاده از ضمانت اجرای قراردادهای تأمین باعث می‌شود که قبولی آن منتفی گردیده و لازم شود که متهم تعهد جدیدی بسپارد. در این حالت اصل قرار منتفی نمی‌شود؛ بلکه ممکن است توسط مقام صادر کننده آن، تشدید نیز بشود.

۲۰۹ - منظور از پایان اعتبار قراردادهای تأمین، زمان پایان عمر قرار است بدون این که تخلفی رخ داده و ضمانت اجرای آن به جریان افتاده باشد. پایان اعتبار قرار تأمین در دو فرض مجازات و عدم مجازات بررسی می‌گردد. در جایی که رسیدگی به هر دلیلی منتهی به اعلام عدم مجازات شود؛ با صدور قرار نهایی یا حکم مربوطه قرار تأمین نیز منتفی می‌شود.

ماده ۲۵۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه متهم یا محکوم علیه در مواعد مقرر حاضر شود، یا پس از آن حاضر و عذر موجه خود را اثبات کند، با شروع به اجرای حبس و تبعید یا اقامت اجباری و با اجرای کامل سایر مجازات‌ها و یا صدور قرارهای منع و موقوفی و تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات و مختومه شدن پرونده به هر کیفیت، قرار تأمین و نظارت قضایی لغو می‌شود. تبصره- در صورت الغای قرار تأمین یا نظارت قضایی، این امر بلافاصله به مراجع مربوط اعلام می‌شود."

ماده ۲۶۷ ق.آ.د. ک: "در صورت موافقت دادستان با قرار بازپرس، در خصوص عدم صلاحیت، پرونده به مرجع صالح ارسال می‌شود و در موارد موقوفی یا منع تعقیب، بازپرس مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند. در این صورت، قرار تأمین و قرار نظارت قضایی ملغی می‌گردد و چنانچه متهم بازداشت باشد، بلافاصله آزاد می‌شود. قاضی مربوط مکلف است از قرار تأمین مأخوذه رفع اثر نماید."

ماده ۲۷۶ ق.آ.د. ک: "در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال نماید."

ماده ۳۷۶ ق.آ.د. ک: "هرگاه رأی بر برائت، منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد، بلافاصله به دستور دادگاه آزاد می‌شود."

نکته: از مواد ۲۶۷ و ۲۷۶ بر می‌آید که قانون گذار شرط لغو قرارهای تأمین را موافقت دادستان با قرارهای مختومه کننده پرونده یا صدور حکم برائت متهم در دادگاه دانسته نه قطعیت آن‌ها.

نکته: در سه مجازات حبس، تبعید و اقامت اجباری؛ با شروع به اجرا و در سایر مجازات‌ها با اجرای کامل آن، قرارهای تأمین و نظارت قضایی لغو می‌شوند.

مبحث دهم: قرارهای نهایی

۲۱۰ - قرارهای نهایی؛ قرارهایی هستند که موجب پایان یافتن انجام تحقیقات مقدماتی و حسب مورد بایگانی پرونده یا ارسال آن به دادگاه می‌شود.

ماده ۲۶۴ ق.آ.د. ک: "پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، بازپرس مکلف است به صورت مستدل و مستند، عقیده خود را حداکثر ظرف پنج روز در قالب قرار مناسب، اعلام کند."

۲۱۱ - برخی از قرارهای نهایی پس از ورود به ماهیت امر صادر می‌شود؛ مثل قرار منع تعقیب و برخی دیگر بدون ورود به ماهیتان؛ مثل قرار موقوفی تعقیب.

۲۱۲ - اصولاً قرارهای نهایی اعم از این که توسط بازپرس یا دادیار صادر شوند باید به تأیید دادستان برسند؛ مگر در مورد قرار بایگانی پرونده که توسط دادگاه صادر شده و نیازی به تأیید دادستان ندارد.

ماده ۱۰۴ ق.آ.د. ک: "بازپرس نمی تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می شود. شاکی می تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها، به این قرار اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه مطرح شود، دادگاه رأساً، مطابق مقررات این ماده اقدام می کند."

۲۱۳ - همه قرارهای نهایی قابل اعتراض هستند:

- قرار بایگانی پرونده؛ توسط شاکی و دادستان.
- قرار جلب به دادرسی؛ فقط توسط متهم.
- سایر قرارها؛ فقط توسط شاکی.

۲۱۴ - مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است.

تبصره ماده ۲۷۰ ق.آ.د. ک: "مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است."

۲۱۵ - مرجع رسیدگی به اعتراض به این قرارها:

- در صورتی که قرارهای نهایی در دادسرا صادر گردد؛ دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد.

نکته: چنان چه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی دادسرا تشکیل نشده باشد دادگاه کیفری دو محل صالح به رسیدگی است.

ماده ۲۷۱ ق.آ.د. ک: "مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادسرا تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است."

- در صورتی که قرارهای نهایی در دادگاه صادر گردد باید قائل به تفکیک شد؛
- پرونده هایی که تحقیقات مقدماتی آنها مستقیماً در دادگاه انجام می شود؛ مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه تجدید نظر استان خواهد بود.

تبصره ماده ۸۰ ق.آ.د. ک: "مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرایمی که به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می شوند، دادگاه تجدیدنظر است."

- اگر قرارها در مرحله دادرسی صادر شوند؛ حسب مورد مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه تجدید نظر استان یا دیوان عالی کشور خواهد بود.

ماده ۴۲۶ ق.آ.د. ک: "دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیرقطعی کیفری است، جز در مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد. دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان تشکیل می شود. این دادگاه دارای رییس و دو مستشار است، دادگاه تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور با دو عضو نیز رسمیت دارند."

ماده ۴۲۸ ق.آ.د. ک: "آرای صادره درباره جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه سه و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل یا بیش از آن است و آرای صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است. تبصره - اجرای این ماده مانع از انجام سایر وظایف نظارتی دیوان عالی کشور به شرح مقرر در اصل یکصد و شصت و یکم (۱۶۱) قانون اساسی نمی باشد."

تبصره ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د. ک: "آرای قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار رد درخواست و اخواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظرخواهی باشد."

گفتار اول: قرار منع تعقیب

۲۱۶ - این قرار متضمن اظهارنظر ماهوی و صریح مرجع تحقیق مبنی بر کافی نبودن دلایل اثبات اتهام است و در مواقعی صادر می شود که یا جرمی واقع نگردیده است و یا متهم، مرتکب آن جرم نشده است.

ماده ۲۶۵ ق.آ.د. ک: "بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات فوق اقدام می شود."

نکته: منظور از جرم نبودن عمل، اعم از این است که عمل منتسب به متهم در قوانین جرم شناخته نشده باشد و یا این که عمل مزبور جرم بوده ولی در پرونده تحت رسیدگی ارتكاب نیافته باشد.

گفتار دوم: قرار موقوفی تعقیب

۲۱۷ - یک قرار شکلی به معنای عدم امکان تعقیب کیفری و انجام تحقیقات مقدماتی؛ قطع نظر از دلایل اثبات اتهام است. بیشتر موارد صدور قرار موقوفی تعقیب در ماده ۱۳ قانون بیان شده و قبلاً تحت عنوان موارد سقوط دعوی عمومی بررسی شده اند.

گفتار سوم: قرار بایگانی پرونده

ماده ۸۰ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکي وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و

سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یکبار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است. تبصره - مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرایمی که به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می شوند، دادگاه تجدیدنظر است."

نکته: چون جرائم تعزیری درجه هفت و هشت مستند ماده ۳۴۰ مستقیماً در دادگاه صادر می شوند؛ لذا صدور قرار بایگانی پرونده فقط از سوی قاضی دادگاه متصور است و نه قاضی دادسرا.

گفتار چهارم: قرار توقف تحقیقات

۲۱۸ - شناسایی متهم یکی از اهداف تحقیقات مقدماتی و از وظایف مرجع تحقیق است. از سویی معین نبودن متهم دلیل موجهی برای عدم انجام تحقیقات در این خصوص تلقی نمی شود.

ماده ۱۰۴ ق.آ.د. ک: "بازپرس نمی تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می شود. شاکی می تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها، به این قرار اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه مطرح شود، دادگاه رأساً، مطابق مقررات این ماده اقدام می کند."

گفتار پنجم: قرار جلب به دادرسی

۲۱۹ - در مواقعی که دلایلی کافی بر وقوع جرم و ارتکاب آن توسط متهم وجود داشته باشد وی شایسته محاکمه در دادگاه است. رار جلب به دادرسی صرفاً حکایت از کفایت دلایل اتهام جهت محاکمه دارد و نه مجرمیت متهم.

ماده ۲۶۵ ق.آ.د. ک: "بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات فوق اقدام می شود."

ماده ۲۶۸ ق.آ.د. ک: "در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می کند."

ماده ۲۷۹ ق.آ.د. ک: "در کیفرخواست موارد زیر قید می شود: الف- مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تأهل او. ب- آزاد، تحت قرار تأمین یا نظارت قضایی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت. پ- نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه. ت- ادله انتساب اتهام. ث- مستند قانونی اتهام. ج- سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم. چ- خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم. تبصره- هرگاه در صدور کیفرخواست، سهو قلم یا اشتباه بین صورت گیرد، تا پیش از ارسال به دادگاه، دادستان آن را اصلاح و پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، موارد اصلاحی آن را به دادگاه اعلام می کند."

ماده ۲۸۰ ق.آ.د. ک: "عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می شود، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست. در صورتی که مجموع اعمال ارتكابی متهم در نتیجه تحقیقات دادرسی روشن باشد و دادگاه فقط عنوان اتهام را نادرست تشخیص دهد، مکلف است اتهام جدید را به متهم تفهیم، تا از اتهام انتسابی مطابق مقررات دفاع کند و سپس مبادرت به صدور رأی نماید."

ماده ۲۸۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه قبل از ارسال پرونده به دادگاه، موجبی برای آزادی متهم یا تبدیل قرار تأمین به وجود آید، دادرسی با رعایت مقررات قانونی اقدام می کند."

ماده ۲۸۲ ق.آ.د. ک: "دادستان نمی تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می شود به دادگاه اعلام کند."

ماده ۲۸۳ ق.آ.د. ک: "پس از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال به دادگاه، هرگاه شاکی در جرائم قابل گذشت، رضایت قطعی خود را به دادستان اعلام کند، در صورت وجود پرونده در دادرسی، دادستان از کیفرخواست عدول می کند. در این صورت، قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس صادر می شود. در جرائم غیرقابل گذشت، هرگاه شاکی رضایت قطعی خود را اعلام کند، دادستان در صورت فراهم بودن شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب، می تواند از کیفرخواست عدول و تعقیب را معلق کند و در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس کیفرخواست جدید صادر می کند."

ماده ۲۸۴ ق.آ.د. ک: "در صورت انتساب اتهامات متعدد به متهم که رسیدگی به آنها در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف است، کیفرخواست جداگانه خطاب به هر یک از دادگاه های صالح صادر می شود."

گفتار دوم: کیفرخواست شفاهی

ماده ۸۶ ق.آ.د. ک: "در غیرجرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوی کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند. در این مورد، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه می دهد و به متهم تفهیم می کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می شود. تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود. هرگاه متهم از این حق استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه، رسیدگی و رأی صادر می کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند، آن ها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می دهد. اخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می تواند فارغ از امر کیفری به دعوی ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید."

مبحث دوازدهم: اختلاف نظر بین دادستان و بازپرس یا دادستان و دادیار

۲۲۰ - گاهی پیش می آید که نظر قضایی دادیار با دادستان و یا بازپرس با دادستان هم سو و یکی نیست و منجر به اختلاف نظر می شود.

گفتار اول: اختلاف بین دادستان و دادیار

۲۲۱ - از آنجایی که دادستان مقام تعقیب است و پس از ارجاع امر به دادیار، نامبرده به جانشینی دادستان، تعقیب متهم را ادامه می دهد، لذا حدوث اختلاف بین دادیار و دادستان متصور نیست و به عبارتی همواره دادیار از دادستان تبعیت می کند.

۲۲۲ - با این وجود نیاز نیست که دادیار همه تصمیمات خود را به نظر دادستان برساند. به موجب ماده ۹۲ قانون، فقط قرارهای نهایی و قرارهای منتهی به بازداشت متهم باید به نظر دادستان برسد. هر نظری که دادستان در این دو مورد داشته باشد برای دادیار لازم الاتباع می باشد.

گفتار دوم: اختلاف بین دادستان و بازپرس

۲۲۳ - اصل بر استقلال مقام تحقیق (بازپرس) در برابر مقام تعقیب (دادستان) است.

۲۲۴ - بازپرس اصولاً در تصمیمات قضایی خود نیاز به تأیید و موافقت دادستان نخواهد داشت؛ مگر در موارد مصرح قانون:

- مواردی که بازپرس باید به تأیید دادستان برساند:

ماده ۲۶۵ ق.آ.د. ک: "بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات فوق اقدام می شود."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۲۷۲ ق.آ.د. ک: "در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، حل اختلاف با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می‌کند."

ماده ۹۶ ق.آ.د. ک: "انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است: الف- متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود. ب- متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوای خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود."

ماده ۱۰۴ ق.آ.د. ک: "بازپرس نمی‌تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به‌طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می‌شود. شاکی می‌تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها، به این قرار اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح شود، دادگاه رأساً، مطابق مقررات این ماده اقدام می‌کند."

ماده ۱۴۹ ق.آ.د. ک: "مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب است و یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن شود و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع‌الفساد، در صورت عدم دسترسی به مالک حسب مورد، به تقاضای بازپرس و موافقت دادستان و یا دستور دادگاه به قیمت روز فروخته می‌شود. وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری می‌شود. تبصره ۱- هرگونه دخالت و تصرف غیرمجاز و استفاده از اموال توقیفی ممنوع است. تبصره ۲- چنانچه مدعی مالکیت، همان قیمت را پرداخت کند در اولویت خرید قرار دارد."

تبصره ماده ۲۱ ق.آ.د. ک: "در مواردی که قرار اناطه توسط بازپرس صادر می‌شود، باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد. در صورتی که دادستان با این قرار موافق نباشد حل اختلاف طبق ماده (۲۷۱) این قانون به عمل می‌آید."

ماده ۱۲۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه به تشخیص بازپرس، مباشرت وی در انجام تحقیقی در خارج از حوزه قضایی محل مأموریتش ضروری باشد، موضوع را به نحو مستدل به دادستان اعلام و پس از کسب نظر موافق وی، ضمن هماهنگی با دادستان محل و تحت نظارت او، نسبت به اجرای مأموریت اقدام می‌کند. در این صورت، ضابطان دادگستری و مراجع رسمی مکلف به اجرای دستورهای بازپرس هستند."

ماده ۲۴۰ ق.آ.د. ک: "قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به طور کتبی به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با قرار بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح است و متهم تا صدور رأی دادگاه در این مورد که حداکثر از ده روز تجاوز نمی کند، بازداشت می شود."

ماده ۲۴۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه و در سایر جرائم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می شود. متهم می تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می شود و ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. فک، تخفیف، یا ابقای بازداشت موقت، باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب مورد، هر دوماه یا هر یک ماه اعمال می شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی کند. تبصره ۱- نصاب حداکثر مدت بازداشت، شامل مجموع قرارهای صادره در دادسرا و دادگاه است و سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم را نیز شامل می شود. تبصره ۲- تکلیف بازپرس به اظهارنظر درباره درخواست متهم، موضوع ماده (۲۴۱) این قانون، در صورتی است که وفق این ماده، نسبت به قرار اظهارنظر نشده باشد"

- مواردی که بازپرس باید صرفاً به اطلاع دادستان برساند:

ماده ۱۰۹ ق.آ.د. ک: "قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ، اجراء می شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجراء موجب تضییع خواسته می شود، ابتداء قرار تأمین، اجراء و سپس ابلاغ می شود. این موارد، فوراً به اطلاع دادستان می رسد. قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی در اجرای احکام کیفری دادسرای مربوط اجراء می شود."

ماده ۱۱۴ ق.آ.د. ک: "جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجاری، کشاورزی، فعالیت کارگاهها، کارخانهها و شرکت های تجاری و تعاونی ها و مانند آن ممنوع است مگر در مواردی که حسب قراین معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه ای باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یادشده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است."

- مواردی که بازپرس مکلف به تبعیت از دادستان است:

ماده ۲۲۱ ق.آ.د. ک: "کفالت شخصی پذیرفته می شود که ملأئت او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه الکفاله محل تردید نباشد. چنانچه بازپرس ملأئت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان می رسانی. دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهار نظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است. در صورت تأیید نظر بازپرس توسط دادستان مراتب در پرونده درج می شود. تبصره - پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بلامانع است."

ماده ۷۳ ق.آ.د. ک: "دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می شود، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارد."

ماده ۷۴ ق.آ.د. ک: "دادستان می تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و بر نحوه انجام آن نظارت کند؛ اما نمی تواند جریان تحقیقات را متوقف سازد."

ماده ۷۶ ق.آ.د. ک: "دادستان پیش از آنکه تحقیق در جرمی را از بازپرس بخواهد یا جریان تحقیقات را به طور کلی به بازپرس واگذار کند، می تواند اجرای برخی تحقیقات و اقدامات لازم را از بازپرس تقاضا کند. در این صورت، بازپرس مکلف است فقط تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان را انجام دهد و نتیجه را نزد وی ارسال کند."

نکته: اگر دادستان تا قبل از صدور کیفرخواست، درخواست تشدید یا تخفیف قرار تأمین کیفری را از بازپرس داشته باشد و بازپرس در این خصوص با وی اختلاف کند نیز حل اختلاف با دادگاه خواهد بود.

ماده ۲۴۴ ق.آ.د. ک: "دادستان در جریان تحقیقات مقدماتی تا پیش از تنظیم کیفرخواست می تواند تشدید یا تخفیف تأمین را از بازپرس درخواست کند. هرگاه بین بازپرس و دادستان موافقت حاصل نشود، پرونده برای رفع اختلاف به دادگاه ارسال می شود و بازپرس طبق نظر دادگاه اقدام می کند."

گاهی اوقات دادستان با عقیده بازپرس مخالف نیست ولیکن تحقیقات بازپرس را کامل نمی داند؛ در این صورت صرفاً تکمیل مواردی که برای کشف حقیقت لازم است را از بازپرس می خواهد و بازپرس نیز مکلف به تبعیت و انجام دستورات است.

نکته: اگر دادستان تکمیل تحقیقاتی را از بازپرس بخواهد که برای کشف حقیقت لازم نبوده، مرتکب تخلف مستوجب مجازات انتظامی تا درجه ۳ شده است.

ماده ۲۶۶ ق.آ.د. ک: "چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می کند و تکمیل آن را می خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است. تبصره - هرگونه درخواست تکمیل تحقیقات که برای کشف حقیقت لازم نباشد، موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه است."

۲۲۵ - اصولاً حل اختلاف نظر بین دادستان و بازپرس با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را دارد؛ مگر در دو مورد:

- اختلاف در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن باشد؛ که در این صورت حل اختلاف با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- در حوزه قضایی مربوطه دادسرا، دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک تشکیل نشده باشد؛ که در این صورت دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است.

ماده ۲۶۹ ق.آ.د. ک: "در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده برای حل اختلاف، به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود.

ماده ۲۷۱ ق.آ.د. ک: "مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادسرا تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است."

ماده ۲۷۲ ق.آ.د. ک: "در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، حل اختلاف با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می‌کند."

ماده ۲۷۳ ق.آ.د. ک: "حل اختلاف بین بازپرس و دادستان و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، در جلسه فوق‌العاده دادگاه صورت می‌گیرد. تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است، مگر در مورد قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که در صورت تأیید، این قرارها مطابق مقررات قابل تجدیدنظر است."

نکته: حل اختلاف بین دادستان و بازپرس در بازداشت موقت؛ باید ظرف حداکثر ده روز انجام شود.

نکته: حل اختلاف بین دادستان و بازپرس نظامی؛ با دادگاه نظامی می‌باشد.

مبحث سیزدهم: قرارهای قابل اعتراض در مرحله تحقیقات مقدماتی

گفتار اول: قرارهای قابل اعتراض از ناحیه شاکی

۲۲۶ - قرارهای قابل اعتراض از ناحیه شاکی عبارتند از:

- منع تعقیب، موقوفی تعقیب، اناطه.

ماده ۲۷۰ ق.آ.د. ک: "علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است: الف- قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی. ب- قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تأمین به تقاضای متهم. پ- قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم. تبصره- مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک‌ماه از تاریخ ابلاغ است."

- تعلیق تعقیب.

ماده ۸۱ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش‌ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت،

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند: الف- ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده. ب- ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش‌ماه. پ- خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک‌سال. ت- خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یک‌سال. ث- معرفی خود در زمان‌های معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک‌سال. ج- انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام‌المنفعه با تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک‌سال. چ- شرکت در کلاس‌ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یک‌سال. ح- عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یک سال. خ- عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال. د- عدم ارتباط و ملاقات با شرکاء جرم و بزه‌دیده به تعیین دادستان، برای مدت معین. ذ- ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش‌ماه. تبصره ۱- در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا دستورهای مقام قضایی را اجراء نکند، قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه قرار تعلیق را ابقاء می‌کند. مرجع صادرکننده قرار مکلف است به مفاد این تبصره در قرار صادره تصریح کند. تبصره ۲- قرار تعلیق تعقیب، ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است. تبصره ۳- هرگاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر است، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سرگرفته می‌شود. مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. تبصره ۴- بازپرس می‌تواند در صورت وجود شرایط قانونی، اعمال مقررات این ماده را از دادستان درخواست کند. تبصره ۵- در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه می‌تواند مقررات این ماده را اعمال کند. تبصره ۶- قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در واحد سجل کیفری ثبت می‌شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر، ترتیبات مندرج در قرار را رعایت ننماید، تعلیق لغو می‌گردد."

• بایگانی کردن پرونده.

ماده ۸۰ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک‌بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده‌روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است. تبصره- مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرایمی که به‌طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شوند، دادگاه تجدیدنظر است."

ماده ۱۰۴ ق.آ.د. ک: "بازپرس نمی‌تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به‌طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می‌شود. شاکی می‌تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها، به این قرار اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح شود، دادگاه رأساً، مطابق مقررات این ماده اقدام می‌کند."

● رد درخواست دسترسی به اوراق پرونده.

ماده ۱۰۰ ق.آ.د. ک: "شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، صورت‌مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد. تبصره ۱- در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است. تبصره ۲- ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی به شاکی ممنوع است. تبصره ۳- شاکی باید از انتشار مطالب و مدارکی که انتشار آنها به موجب شرع یا قانون ممنوع است امتناع کند، مگر در مقام احقاق حق خود در مراجع صالح."

● رد ایراد رد دادرس.

ماده ۴۲۴ ق.آ.د. ک: "مقامات قضایی دادرس را نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرس، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به‌صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌نماید و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیراین صورت، باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد، ابلاغ شود. مدعی رد می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. تبصره- صدور قرار رد ایراد، مانع انجام تحقیقات مقدماتی نیست."

گفتار دوم: قرارهای قابل اعتراض از ناحیه متهم

۲۲۷ - قرارهای قابل اعتراض از ناحیه متهم عبارتند از:

● بازداشت موقت، ابقاء تأمین، تشدید تأمین، تأمین خواسته.

ماده ۲۷۰ ق.آ.د. ک: "علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است: الف- قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی. ب- قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تأمین به تقاضای متهم. پ- قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم. تبصره- مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یکماه از تاریخ ابلاغ است."

• تعلیق تعقیب.

ماده ۸۱ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش‌ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند: الف- ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده. ب- ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش‌ماه. پ- خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک‌سال. ت- خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یک‌سال. ث- معرفی خود در زمان‌های معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک‌سال. ج- انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام‌المنفعه با تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک‌سال. چ- شرکت در کلاس‌ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یک‌سال. ح- عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یک سال. خ- عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال. د- عدم ارتباط و ملاقات با شرکاء جرم و بزه‌دیده به تعیین دادستان، برای مدت معین. ذ- ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش‌ماه. تبصره ۱- در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا دستورهای مقام قضایی را اجراء نکند، قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه قرار تعلیق را ابقاء می‌کند. مرجع صادرکننده قرار مکلف است به مفاد این تبصره در قرار صادره تصریح کند. تبصره ۲- قرار تعلیق تعقیب، ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است. تبصره ۳- هرگاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر است، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سرگرفته می‌شود. مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. تبصره ۴- بازپرس می‌تواند در صورت وجود شرایط قانونی، اعمال مقررات این ماده را از دادستان درخواست کند. تبصره ۵- در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه می‌تواند مقررات این ماده را اعمال کند. تبصره ۶- قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در واحد سجل کیفری ثبت می‌شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر، ترتیبات مندرج در قرار را رعایت ننماید، تعلیق لغو می‌گردد."

- عدم دسترسی به اوراق پرونده.

ماده ۱۹۱ ق.آ.د. ک: "چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند."

- جلوگیری از فعالیت خدماتی و تولیدی.

ماده ۱۱۴ ق.آ.د. ک: "جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجاری، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجاری و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یادشده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است."

- انواع قرارهای نظارت قضایی.

ماده ۲۴۷ ق.آ.د. ک: "بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند: الف- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین‌شده توسط بازپرس. ب- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری. پ- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی. ت- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز. ث- ممنوعیت خروج از کشور. تبصره ۱- در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می‌تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفاء کند. تبصره ۲- قرارهای موضوع این ماده ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد."

- عدم پذیرش کفیل یا وثیقه و نیز کفالت و وثیقه منتهی به بازداشت.

ماده ۲۲۶ ق.آ.د. ک: "متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می‌شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می‌گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت ده‌روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به اصل قرار منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند. تبصره- مرجع صادرکننده قرار و رییس یا معاون زندان مکلفند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه‌گذار معرفی می‌کند، فراهم کنند و هر زمان متهم، کفیل یا وثیقه معرفی نماید هرچند خارج از وقت اداری باشد، در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک مکلف به پذیرش آن هستند."

- قرار تأمین اشخاص حقوقی.

ماده ۶۹۰ ق.آ.د. ک: "در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء منحصرأ صدور قرارهای تأمینی زیر امکان پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است. الف- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می کند. ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است."

- رد درخواست فک یا تبدیل قرار بازداشت.

ماده ۲۴۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت می کند. در صورت مخالفت دادستان با تصمیم بازپرس، حل اختلاف با دادگاه صالح است. اگر متهم نیز موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس به طور فوری و حداکثر ظرف پنج روز به طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهار نظر می کند. در صورت رد درخواست، مراتب در پرونده ثبت و قرار رد به متهم ابلاغ می شود و متهم می تواند ظرف ده روز به آن اعتراض کند. متهم در هر ماه فقط یک بار می تواند این درخواست را مطرح کند."

- قرار رد ایراد رد دادرس.

ماده ۴۲۴ ق.آ.د. ک: "مقامات قضایی دادرس را نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرس، از رسیدگی امتناع کنند. شاکي، مدعی خصوصی یا متهم نیز می توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می نماید و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می شود و در غیراین صورت، باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد، ابلاغ شود. مدعی رد می تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. تبصره- صدور قرار رد ایراد، مانع انجام تحقیقات مقدماتی نیست."

- دستور اخذ یا ضبط تأمین.

ماده ۲۳۵ ق.آ.د. ک: "متهم، کفیل و وثیقه گذار می توانند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان، درباره اخذ وجه التزام، وجه الکفاله و یا ضبط وثیقه اعتراض کنند. مرجع رسیدگی به این اعتراض، دادگاه کیفری دو است: الف- هرگاه مدعی شوند در اخذ وجه التزام و وجه الکفاله و یا ضبط وثیقه مقررات مربوط رعایت نشده است. ب- هرگاه مدعی شوند متهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر کرده اند یا شخص ثالثی متهم را حاضر کرده است. پ- هرگاه مدعی شوند به جهات مذکور در ماده (۱۷۸) این قانون، متهم نتوانسته حاضر شود یا کفیل و وثیقه گذار به یکی از آن جهات نتوانسته اند متهم را حاضر کنند. ت- هرگاه مدعی شوند پس از صدور قرار قبولی کفالت یا التزام معسر شده اند. ث- هرگاه کفیل یا وثیقه گذار مدعی شوند تسلیم متهم، به علت فوت او در مهلت

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

مقرر ممکن نبوده است. تبصره ۱- دادگاه در تمام موارد فوق، خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی به شکایت رسیدگی می‌کند. رأی دادگاه قطعی است. تبصره ۲- مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور رییس یا دادرس دادگاه عمومی بخش، دادگاه کیفری دو نزدیک‌ترین شهرستان آن استان است. تبصره ۳- در خصوص بند (ت)، دادگاه به ادعای اعسار متهم یا کفیل رسیدگی و در صورت احراز اعسار آنان، به معافیت آنان از پرداخت وجه التزام یا وجه‌الکفاله حکم می‌کند."

گفتار سوم: سایر تصمیمات قابل اعتراض

۲۲۸ - علاوه بر موارد پیش گفته؛ برخی تصمیمات دیگر نیز در روند تحقیقات مقدماتی یا دادرسی هستند که قابل اعتراض می‌باشند:

- رأی کمیسیون استانی جبران خسارت بازداشت شده بی‌گناه؛ ظرف مدت ۲۰ روز قابل اعتراض در کمیسیون ملی جبران خسارت.

ماده ۲۵۸ ق.آ.د. ک: "رسیدگی به اعتراض شخص بازداشت شده، در کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رییس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رییس قوه قضاییه به عمل می‌آید. رأی کمیسیون قطعی است."

- نظر کارشناس؛ ظرف مدت ۷ روز از تاریخ ابلاغ وصول نظریه.

ماده ۱۶۱ ق.آ.د. ک: "جز در موارد فوری، پس از پرداخت دستمزد، به کارشناس اخطار می‌شود که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی، نظر خود را تقدیم کند. مراتب وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ می‌شود. طرفین می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ، جهت ملاحظه نظر کارشناس به دفتر بازپرسی مراجعه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کنند."

- ضبط یا معدوم نمودن اموال بدست آمده از جرم؛ ظرف مدت ۱۰ روز از ناحیه ذینفع (اعم از شاکی، متهم یا ثالث).

تبصره ۲ ماده ۱۴۸ ق.آ.د. ک: "متضرر از تصمیم بازپرس یا دادگاه در مورد اشیاء و اموال موضوع این ماده، می‌تواند طبق مقررات اعتراض کند، هر چند قرار بازپرس یا حکم دادگاه نسبت به امر کیفری قابل اعتراض نباشد. در این مورد، مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیم بازپرس، دادگاه و نسبت به تصمیم دادگاه، دادگاه تجدیدنظر استان است."

- توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای؛ ظرف مدت ۱۰ روز از ناحیه متضرر از توقیف.

ماده ۶۸۲ ق.آ.د. ک: "متضرر می‌تواند در مورد عملیات و اقدامات مأموران در توقیف داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، اعتراض کتبی خود را همراه با دلایل ظرف ده روز به مرجع قضایی دستوردهنده تسلیم نماید. به درخواست یادشده خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و قرار صادره قابل اعتراض است."

- توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته؛ قابل اعتراض از سوی ثالث در دادگاه حقوقی طبق تشریفات اجرای احکام مدنی.

ماده ۱۱۱ ق.آ.د. ک: "دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می کند."

نکته: مطابق رأی وحدت رویه شماره ۸۳۳ مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۷ هیات عمومی دیوان عالی کشور؛ "در مواردی که گزارش سازمان بازرسی کل کشور متضمن اعلام وقوع جرمی است و آن جرم دارای حیثیت عمومی باشد، سازمان موضوع را تا حصول نتیجه نهایی پیگیری می نماید و قرارهای نهایی دادسرا در این موارد با درخواست سازمان بازرسی کل کشور و موافقت دادستان ذی ربط، قابل اعتراض در دادگاه کیفری صالح است."

گفتار چهارم: قرارهای غیر قابل اعتراض

۲۲۹ - قرارهای غیر قابل اعتراض (قطعی) عبارتند از:

- قرار عدم صلاحیت، قرار ترک تعقیب، اعطای مهلت، نیابت قضایی، فک یا تخفیف قرار تأمین کیفری، دستور منع خروج از کشور

مبحث چهاردهم: نحوه رسیدگی اعتراض به قرارها و نیز حل اختلاف بین دادستان و بازپرس

ماده ۲۷۱ ق.آ.د. ک: "مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادسرا تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است."

ماده ۲۷۲ ق.آ.د. ک: "در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، حل اختلاف با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می کند."

ماده ۲۷۳ ق.آ.د. ک: "حل اختلاف بین بازپرس و دادستان و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، در جلسه فوق العاده دادگاه صورت می گیرد. تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است، مگر در مورد قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که در صورت تأیید، این قرارها مطابق مقررات قابل تجدیدنظر است."

نکته: مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۵۴ مورخ ۹۵/۸/۲۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور؛ "رأی دادگاه کیفری یک نسبت به تأیید قرار منع تعقیب صادره از دادسرا در خصوص جرائم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است."

ماده ۲۷۴ ق.آ.د. ک: "دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می کند. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادسرا کامل نباشد، بدون نقض قرار می تواند تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقص تحقیق باید به تفصیل و بدون هر گونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه می دهد."

ماده ۲۷۵ ق.آ.د. ک: "هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده شود، دادرسی مربوط با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می کند و اگر در تحقیقات موردنظر دادگاه ابهامی بیابد، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می کند."

ماده ۲۷۶ ق.آ.د. ک: "در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال نماید."

نکته: در مورد فوق؛ دادسرا قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادر نمی کند. چرا که دادگاه سابق بر این قرار جلب به دادرسی صادر نموده و در حقیقت دادسرا هیچ ادعا و تقاضایی برای رسیدگی و صدور حکم نداشته که بخواهد کیفرخواست صادر کند.

ماده ۲۷۷ ق.آ.د. ک: "در صورت نقض قرار موقوفی تعقیب، بازپرس مطابق مقررات و صرف نظر از جهتی که علت نقض قرار موقوفی تعقیب است، به پرونده رسیدگی و با انجام تحقیقات لازم، تصمیم مقتضی اتخاذ می کند."

نکته: در مورد فوق، ممکن است رسیدگی بازپرس و انجام تحقیقات؛ الزمیه منجر به صدور هر نوع قرار نهایی (اعم از جلب به دادرسی یا منع تعقیب و...) گردد.

۲۳۰ - اصل بر این است که هرگاه در مورد شخصی قرار منع تعقیب صادر و این قرار قطعی شود؛ دیگر نمی توان وی را به همان اتهام مجدد تعقیب کرد. این اصل یک استثناء دارد که در ماده ۲۷۸ قانون به آن اشاره شده است. بدین توضیح که اگر علت صدور قرار منع تعقیب، فقدان یا عدم کفایت دلیل بوده و بعد از قطعیت قرار منع تعقیب، دلیل جدیدی کشف شود (نه دلیلی که از قبل در پرونده وجود داشته و به هر دلیل به آن پرداخته نشده) فقط یک بار دیگر می توان تعقیب را از سر گرفت. در این صورت:

- اگر قرار منع تعقیب در دادسرا قطعی شده باشد؛ با اجازه دادستان.
- اگر قرار منع تعقیب در دادگاه قطعی شده باشد؛ با درخواست دادستان و اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام.

ماده ۲۷۸ ق.آ.د. ک: "هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یکبار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می توان او را برای یکبار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می کند."

مبحث پانزدهم: وظایف و اختیارات دادستان در تحقیقات مقدماتی

۲۳۱ - قبلاً گفتیم که اصولاً دادستان مقام تعقیب دعوای عمومی است. امر تعقیب را به جریان انداخته و فرمان انجام تحقیقات مقدماتی را می دهد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

گفتار اول: نظارت بر روند تحقیق

۲۳۲ - در مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری به لزوم نظارت دادستان به روند تحقیقات مقدماتی اشاره شده است.

ماده ۲۷ ق.آ.د. ک: "دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادرسی شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش برعهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آراء کیفری، نظارت می‌کند و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید."

ماده ۷۳ ق.آ.د. ک: "دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارد."

ماده ۷۴ ق.آ.د. ک: "دادستان می‌تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و بر نحوه انجام آن نظارت کند؛ اما نمی‌تواند جریان تحقیقات را متوقف سازد."

ماده ۷۵ ق.آ.د. ک: "نظارت بر تحقیقات بر عهده دادستانی است که تحقیقات در حوزه او به عمل می‌آید، هر چند راجع به امری باشد که خارج از آن حوزه اتفاق افتاده است."

۲۳۳ - نظارت دادستان بر قرارها و تصمیمات قضایی بازپرس، مهم‌ترین بخش نظارت دادستان نظارت بر تصمیمات و قرارهاست که بدین منظور دادستان چند دادیار اظهار نظر در این خصوص تعیین می‌کند.

۲۳۴ - کلیه قرارهای نهایی و آن دسته از تصمیمات و قرارهای مقدماتی که به موجب قانون باید به اطلاع دادستان برسند، مستلزم ارسال پرونده نزد دادستان می‌باشند. در این موارد بازپرس الزامی بر قبول نظر دادستان ندارد و اگر اختلافی در این خصوص رخ دهد مستند ماده ۲۶۹ قانون، مرجع حل اختلاف دادگاه صالح می‌باشد.

ماده ۲۶۹ ق.آ.د. ک: "در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده برای حل اختلاف، به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود."

گفتار دوم: انصراف از ادامه تعقیب

۲۳۵ - در راستای کاستن پرونده‌های ارسالی به دادگاه، در قانون آیین دادرسی کیفری قرارهای ترک تعقیب، بایگانی پرونده، تعلیق تعقیب، اعطای مهلت به متهم و ارجاع به میانجی‌گری پیش‌بینی شده است.

نکته: اعطای مهلت و ارجاع به میانجی‌گری، در اختیار بازپرس یا دادیار؛

قرار بایگانی پرونده، در اختیار قاضی دادگاه؛

قرارهای ترک و تعلیق تعقیب، در اختیار دادستان.

ماده ۷۹ ق.آ.د. ک: "در جرائم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک‌بار تا یک‌سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند."

ماده ۸۰ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یکبار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است. تبصره - مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرایمی که به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می شوند، دادگاه تجدیدنظر است."

ماده ۸۱ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می کند: الف - ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه دیده. ب - ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش ماه. پ - خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک سال. ت - خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یک سال. ث - معرفی خود در زمان های معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک سال. ج - انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام المنفعه با تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک سال. چ - شرکت در کلاس ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یک سال. ح - عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یک سال. خ - عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال. د - عدم ارتباط و ملاقات با شرکاء جرم و بزه دیده به تعیین دادستان، برای مدت معین. ذ - ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش ماه. تبصره ۱ - در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا دستورهای مقام قضایی را اجراء نکند، قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه قرار تعلیق را ابقاء می کند. مرجع صادرکننده قرار مکلف است به مفاد این تبصره در قرار صادره تصریح کند. تبصره ۲ - قرار تعلیق تعقیب، ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است. تبصره ۳ - هرگاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر است، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سر گرفته می شود. مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی شود. تبصره ۴ - بازپرس می تواند در صورت وجود شرایط قانونی، اعمال مقررات این ماده را از دادستان درخواست کند. تبصره ۵ - در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود، دادگاه می تواند مقررات

این ماده را اعمال کند. تبصره ۶- قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در واحد سجل کیفری ثبت می‌شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر، ترتیبات مندرج در قرار را رعایت ننماید، تعلیق لغو می‌گردد.

ماده ۸۲ ق.آ.د. ک: "در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک‌بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد. تبصره- بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجی‌گری را از دادستان تقاضا نماید."

۲۳۶- پس ملاحظه گردیده که در جرائم قابل گذشت، شاکی هم می‌تواند به طور کلی گذشت نماید (منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب) و هم می‌تواند قبل از صدور کیفرخواست موقتاً تا یک سال از ادامه تعقیب متهم خودداری نماید. (منجر به صدور قرار ترک تعقیب)

۲۳۷- اگر شاکی ظرف مدت این یک سال تصمیم گرفت تعقیب را ادامه دهد، شکایت جدید محسوب نمی‌شود و لذا نیازمند ابطال تمبر هزینه دادرسی نیست. ولی باید دوباره از متهم تأمین اخذ شود. چرا که با صدور قرار ترک تعقیب، پرونده مختومه شده و مطابق ماده ۲۵۱ قانون، زمانی که پرونده به هر کیفیتی مختومه شود، قرارهای تأمین و نظارت قضایی ملغی می‌گردند.

مبحث شانزدهم: تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان

ماده ۲۸۵ ق.آ.د. ک: "در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به‌جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادرسی عمل می‌آید. تبصره ۱- تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون برعهده ضابطان دادگستری و دادرسی است انجام می‌دهد. تبصره ۲- در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۲۳۷ - دادسرای ویژه نوجوانان یک دادسرای مجزایی نبوده، بلکه یک شعبه از دادسرای عمومی و انقلاب می‌باشد. لذا دادسرای تخصصی می‌باشد و نه اختصاصی.

۲۳۸ - ملاک تشخیص صلاحیت دادسرای ویژه نوجوانان، سن مرتکب در لحظه ارتکاب جرم می‌باشد.

۲۳۹ - در دادسرای ویژه نوجوانان، دادیار وجود ندارد.

۲۴۰ - مرجع صالح تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان:

- افراد زیر ۱۵ سال؛ تمامی جرائم (اعم از حدود قصاص، دیات و تعزیرات) به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان.
- افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال؛ اصل بر این است که تحقیقات مقدماتی جرائم این افراد در دادسرای ویژه نوجوانان باشد. این اصل دو استثناء:

- جرائم منافی عفت؛ حسب مورد در دادگاه اطفال و نوجوانان یا دادگاه کیفری ۱ ویژه نوجوانان.
- جرائم تعزیری درجه ۷ یا ۸؛ در دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان.
- ۲۴۱ - تشکیل پرونده شخصیت برای برخی جرائم متهمین بزرگسال در ماده ۲۰۳ قانون پیش بینی شده است:
- سلب حیات.
- قطع عضو.
- حبس ابد.
- ثلث ديه کامل یا بیش از آن.
- تعزیر درجه ۱ تا ۴

ماده ۲۰۳ ق.آ.د. ک: "در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر () است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان ديه آنها ثلث ديه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می گردد، حاوی مطالب زیر است: الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم ب- گزارش پزشکی و روان پزشکی."

۲۴۲ - در خصوص اطفال و نوجوانان، قانونگذار در ماده ۲۸۶ قانون، علاوه بر موارد قبلی، جرایم تعزیری درجه ۵ و ۶ را نیز اضافه نموده است. لذا تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان در موارد زیر الزامی می‌باشد:

- سلب حیات.
- قطع عضو.
- حبس ابد.
- ثلث ديه کامل یا بیش از آن.
- تعزیر درجه ۱ تا ۶

ماده ۲۸۶ ق.آ.د. ک: "علاوه بر موارد مذکور در ماده (۲۰۳) این قانون، در جرائم تعزیری درجه پنج و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۲۴۳ - امکان اخذ قرار تأمین کیفری در جرائم اطفال و نوجوانان به شرح ذیل می‌باشد:

• **جرائم افراد زیر ۱۵ سال؛** مطلقاً مجاز به صدور قرار تأمین کیفری نیستیم. باید طفل به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی‌اش سپرده شود. اگر ولی یا سرپرست نداشت؛ یا داشت ولی در دسترس نبودند و یا از پذیرش طفل امتناع نمودند، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که دادگاه مصلحت بداند، می‌سپارد. در حقیقت اشخاص مذکور ملتزم می‌شوند که هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند.

نکته: درست است که شخص حقیقی یا حقوقی پیش گفته ملتزم می‌شود ولیکن کفیل محسوب نمی‌شود و لذا مسئولیت‌های کفیل بر وی بار نمی‌گردد.

• **جرائم افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال؛** اصل بر این است که خودش شخصاً ملتزم به حضور شود؛ مگر در صورت ضرورت. در این حالت حسب مورد صرفاً صدور یکی از قرارهای تأمین کیفری کفالت، وثیقه و یا نگهداری موقت در قانون اصلاح و تربیت مجاز است.

نکته: در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه و یا در مورد جرائم پیش بینی شده در ماده (۲۳۷) این قانون، دادسرا یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده (۲۳۸) این قانون قرار نگهداری موقت آنان را در قانون اصلاح و تربیت صادر کند که این قرار تابع کلیه آثار و احکام قرار بازداشت موقت است.

بخش چهارم: صلاحیت مراجع در امور کیفری

- ۱ - محاکمه؛ با صدور قرار جلب به دادرسی و موافقت دادستان با آن و صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه صالح آغاز می‌شود.
- ۲ - تقاضای دادستان از مرجع رسیدگی، مبنی بر صدور حکم به محکومیت و مجازات متهم کیفرخواست نامیده می‌شود.
- ۳ - اصول و قوانین مربوط به صلاحیت از جمله قوانین آمره هستند که کلیه مراجع قضایی مکلف به رعایت آن می‌باشند. بنابراین:
 - افراد ذی نفع در رسیدگی نمی‌توانند بر خلاف آن تراضی کنند.
 - اعتراض به صلاحیت مرجع رسیدگی کننده در هر مرحله‌ای امکان پذیر می‌باشد.
 - مرجع رسیدگی باید بدو صلاحیت خود را احراز نماید و نباید منتظر ایراد از طرف یکی از افراد ذی نفع باشد.
 - رأی صادر شده توسط مرجع فاقد صلاحیت بی اعتبار بوده و در مرجع تجدیدنظر قابل نقض می‌باشد.

فصل اول: قواعد عمومی صلاحیت مراجع رسیدگی

مبحث اول: انواع صلاحیت

- ۴ - صلاحیت در لغت به معنای شایستگی و اختیار است. اما در حقوق یعنی شایستگی یک مرجع برای رسیدگی به یک موضوع.

گفتار اول: صلاحیت ذاتی

- ۵ - ملاک تعیین کننده آن موضوع اتهام است. سه عنصر صنف، نوع و درجه صلاحیت ذاتی مراجع را مشخص می‌سازند.
- **منظور از صنف یک دادگاه؛** تعیین این نکته است که رسیدگی به موضوع مورد نظر باید توسط مرجع حقوقی صورت بگیرد یا کیفری یا اداری؟

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- **منظور از نوع یک دادگاه، تعیین این نکته است که آیا مرجع مزبور باید یک مرجع عمومی باشد یا اختصاصی؟**
- مراجع عمومی؛ مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به کلیه امور را دارند؛ مگر اموری که قانون مشخص کرده باشد.
- مراجع اختصاصی؛ مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارند؛ مگر مواردی که قانون مشخص کرده است.
- **منظور از درجه یک دادگاه؛ تعیین این نکته است که رسیدگی به موضوع مورد نظر در صلاحیت دادگاه بدوی است یا تجدید نظر؟**
- مراجع تجدیدنظر؛ مراجعی هستند که رسیدگی آن‌ها مسبوق به رسیدگی مرجعی دیگر می‌باشد.

گفتار دوم: صلاحیت محلی

۶ - صلاحیت محلی همراه با صلاحیت ذاتی، مجموعاً تعیین کننده صلاحیت مرجع رسیدگی کننده است.

الف: قاعده کلی در صلاحیت محلی

- ۷ - طبق یک قاعده کلی؛ دادگاه‌ها صلاحیت رسیدگی به جرایمی را دارند که در حوزه قضایی (قلمرو مکانی) آن‌ها واقع شده است.
- ۸ - مبنای صلاحیت محلی این است که جرم در همان محلی که نظم عمومی را مختل کرده است رسیدگی شود. به علاوه دسترسی به دلائل، آثار جرم، شهود و مطلعین در محل وقوع جرم آسان تر است.

ماده ۳۱۰ ق.آ.د. ک: "متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضایی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدای تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد."

ب: صلاحیت محلی در جرائم مرکب

- ۹ - در خصوص جرم مرکب (جرمی که عنصر مادی آن از دو یا چند عمل از نوع متفاوت تشکیل شده است مثل کلاهبرداری)؛ هر یک از مراجعی که قسمتی از جرم در آن حوزه صورت گرفته است دارای صلاحیت می‌باشند. اما اگر یک دادگاه شروع به رسیدگی کرد، دادگاه دیگر باید از رسیدگی خودداری نماید و ادامه رسیدگی با مرجعی است که سبق رسیدگی دارد.

نکته: رویه قضایی دادگاه صالح در جرم مرکب را دادگاه محل وقوع آخرین جزء جرم می‌داند.

- ۱۰ - در خصوص صلاحیت محلی جرم کلاهبرداری، دو رأی وحدت رویه صادر شده است. یکی در مورد کلاهبرداری رایانه‌ای و دیگری در مورد کلاهبرداری غیر رایانه‌ای.

- رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ مورخ ۹۱/۱۲/۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور:

"نظر به اینکه در صلاحیت محلی، اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است و این اصل در قانون جرائم رایانه‌ای نیز مورد تأکید قانون گذار قرار گرفته، بنابراین در جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه هرگاه تمهید مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه‌های قضایی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح کننده حساب زیان دیده از بزه که پول به طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرار دارد صالح به رسیدگی است."

- رأی وحدت رویه شماره ۸۵۳ مورخ ۱۴۰۳/۷/۱۷ هیات عمومی دیوان عالی کشور:

"طبق ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در صلاحیت محلی، اصل بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است. بدین جهت در جرم کلاهبرداری غیررایانه ای، هرگاه زیان دیده بر اثر فریب و رفتار متقلبانه، وجهی از حساب خود به حساب تعرفه شده بزهکار انتقال داده باشد، نظر به اینکه با انتقال وجه از حساب زیان دیده، مال از سیطره و تسلط او خارج می شود، لذا دادگاهی که محل افتتاح حساب شاکی در حوزه قضایی آن قرار دارد، صالح به رسیدگی است."

ج: صلاحیت محلی در جرائم مستمر

۱۱ - در خصوص جرم مستمر (جرمی که عنصر مادی آن با تداوم و استمرار تحقق می یابد مثل حمل سلاح بدون مجوز)؛ در صورتی که استمرار در شهرهای مختلف رخ دهد، هر یک از این شهرها محل وقوع جرم محسوب شده و دادگاه هر یک، صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. اگر یکی از دادگاهها شروع به رسیدگی نماید، به دلیل سبق رسیدگی؛ حق تقدم داشته و دادگاههای دیگر از رسیدگی خودداری خواهند نمود.

د: صلاحیت محلی در جرائم مقید

۱۲ - در خصوص جرائم مقید به نتیجه (اگر رفتار فیزیکی در یک مکان و نتیجه در مکانی دیگر بوده باشد)؛ همان راه حل جرائم مستمر بکار گرفته می شود.

- رأی وحدت رویه شماره ۷۲۱ مورخ ۹۰/۴/۲۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور:

"وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی دیگر منوط به آن است که نتیجه آن که مقصود مرتکب است محقق گردد، بنابراین در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه قضایی شروع و نتیجه آن در حوزه قضایی دیگر حاصل شود، محل حدوث نتیجه مزبور، محل وقوع جرم محسوب و مناط صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده نیز همین امر خواهد بود."

- رأی وحدت رویه شماره ۶۶۹ مورخ ۸۳/۷/۲۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور:

"در رویه متداول سیستم یکپارچه بانکها، به دارنده چک اختیار داده شده است که علاوه بر شعبه افتتاح حساب، وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید. بنابراین در صورت مراجعه دارنده چک در مهلت مقرر، به شعب دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از بانک مرجوع الیه، بزه صدور چک بلامحل محقق و دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی خواهد بود."

ه: صلاحیت محلی در جرائم ترک فعل

۱۳ - در خصوص جرایمی که عنصر مادی آنها ترک فعل است؛ مکانی که شخص در آن جا قانوناً موظف به انجام آن فعل بوده، محل تحقق جرم می باشد. به عنوان مثال: در بزه ترک انفاق؛ دادگاه محل اقامتگاه مشترک یا اقامتگاه زن (با مجوز قانونی یا با اجازه همسر) صالح می باشد. نیز در بزه غیبت زندانی از مرخصی (یعنی عدم بازگشت زندانی به زندان بعد از اتمام مرخصی)؛ دادگاه محل زندانی که وی باید خود را به آنجا معرفی می نموده صالح به رسیدگی است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

و: صلاحیت محلی در جرائم ارتكابی در خارج از کشور

۱۴ - در خصوص جرائم ارتكابی در خارج از کشور که دادگاه‌های ایران؛ حسب مورد مطابق یکی از اصول مندرج در مواد ۳ الی ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲؛ صلاحیت رسیدگی به آن را دارند:

- اگر متهم از اتباع ایران باشد؛ در دادگاه محل دستگیری.
- اگر متهم از اتباع بیگانه باشد؛ در دادگاه تهران.

ماده ۳۱۶ ق.ا.د. ک: "به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود."

گفتار سوم: صلاحیت شخصی

۱۵ - علی‌الاصول صلاحیت شخصی به جای صلاحیت ذاتی تعیین تکلیف می‌کند. به عبارتی گاهی شخصیت مرتکب به جای موضوع اتهام، ضابطه تعیین صلاحیت دادگاه قرار می‌گیرد. مثل ماده ۳۰۴ که بیان می‌دارد "به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود."

استثنا گاهی اوقات صلاحیت شخصی به جای صلاحیت محلی تعیین تکلیف می‌نماید. یعنی پس از تعیین صلاحیت ذاتی، شخصیت متهم ملاک تعیین صلاحیت قرار می‌گیرد. همانند ماده ۳۰۷ که رسیدگی به اتهامات اشخاصی که از مقامات عالی رتبه نظام محسوب می‌شوند را در صلاحیت دادگاه‌های حوزه قضائی تهران می‌داند.

مبحث دوم: استثنائات قواعد صلاحیت

۱۶ - حکم کلی صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم (صلاحیت محلی)، گاهی با احکام دیگری تخصیص خورده است.

گفتار اول: صلاحیت اضافی

۱۷ - صلاحیت اضافی صلاحیتی است که یک دادگاه علاوه بر صلاحیت اصلی خود نسبت به جرم ارتكابی در حوزه قضایی‌اش، نسبت به جرمی دیگر که ممکن است در حوزه قضایی دیگری اتفاق افتاده باشد، اعمال می‌کند.

۱۸ - صلاحیت اضافی یا در نتیجه تعدد اتهامات و یا تعدد متهمین ایجاد می‌شود.

الف: تعدد اتهام

۱۹ - وضعیت کسی است که مرتکب چند جرم گردیده و باید برای همه آنها محاکمه شود.

۲۰ - اگر شخصی مرتکب چند جرم شده باشد:

- همه جرائم در یک حوزه قضایی و در صلاحیت ذاتی یک دادگاه است؛ همان دادگاه، به تمام اتهامات وی توأمان رسیدگی می‌کند.

- همه جرائم در یک حوزه قضایی ولی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف است؛ در همان حوزه قضایی به همه اتهامات رسیدگی می‌شود؛ بدین نحو که متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین اتهام را دارد، محاکمه می‌شود و پس از آن برای

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می‌شود. در صورتی که اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می‌شود.

• **جرائم در حوزه‌های قضایی مختلف ولی در صلاحیت ذاتی یک دادگاه است؛** در این صورت رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدای تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.

• **جرائم در حوزه‌های قضایی مختلف و در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف است؛**

در این صورت طبق فرمول زیر عمل می‌کنیم:

ابتدا باید ببینیم بر اساس ماده ۳۱۰ قانون، کدام محل صالح به رسیدگی است. پس از آن که محل رسیدگی به این اتهامات مشخص شد، باید بررسی کنیم که طبق ماده ۳۱۴ هر اتهام در کدام دادگاه باید رسیدگی شود.

ماده ۳۱۰ ق.آ.د. ک: "رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدای تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد."

ماده ۳۱۳ ق.آ.د. ک: "به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهم‌تر را دارد."

نکته: در رسیدگی توأمان نباید صلاحیت ذاتی نقض شود.

ماده ۳۱۴ ق.آ.د. ک: "هر کس متهم به ارتكاب جرائم متعدد باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد، متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین اتهام را دارد، محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می‌شود. در صورتی که اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می‌شود. تبصره ۱- هرگاه شخصی متهم به ارتكاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرائم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود. تبصره ۲- چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده (۳۰۲) این قانون در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید."

۲۱ - ملاک تعیین مهم‌ترین جرم، شدت مجازات است:

• در خصوص جرائم تعزیری طبق طبقه بندی هشت گانه ماده ۱۹ ق.م.ا می‌توان مجازات شدیدتر را تعیین نمود.

• در خصوص جرائم حدی مستلزم قصاص و دیه با یکدیگر و با جرائم تعزیری اصولاً مجازات شلاق و حبس از جزای نقدی شدیدتر و مجازات اعدام از همه آنان شدیدتر است. اما در خصوص شدیدتر بودن شلاق از حبس یا حبس از شلاق اختلاف نظر وجود دارد.

نکته: صلاحیت دادسرا تابع صلاحیت دادگاه است در فرض تعدد اتهام، حکم ماده ۳۱۰ در خصوص دادسرا نیز اجرا شده و تحقیقات در داسرایی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده است.

ب: تعدد متهم

۲۲ - فرضی است که دو یا چند نفر در تحقق عمل مجرمانه واحد نقش داشته باشند و رسیدگی به اتهام همه آنها مطرح باشد. دخالت دو نفر یا بیشتر در ارتکاب یک عمل مجرمانه به صورت مباشرت، مشارکت، معاونت و سردستگی یک گروه مجرمانه قابل تصور است.

معاون جرم؛ کسی است که بدون دخالت در عنصر مادی جرم با برانگیختن دیگری به ارتکاب جرم یا تسهیل آن به مباشر کمک می‌کند.

شریک جرم؛ کسی است که در عنصر مادی جرم همکاری می‌کند.

نکته: ملاک تفکیک معاونت از مشارکت دخالت یا عدم دخالت در عنصر مادی جرم است.

۲۳ - گاهی اوقات دخالت دو یا چند نفر در تحقق عمل مجرمانه، منجر به ارتکاب چند جرم می‌شود. در این فرض مرتکبین و جرائم هر دو متعدد می‌باشند. در این فرض گاهی اوقات قانون گذار چند جرم را یک جرم محسوب نموده و با در نظر گرفتن حالت تعدد مرتکبین به عنوان یک کیفیت مشدد، مجازات آن جرم را بیشتر از حالت تک مرتکب تعیین نموده است.

۲۴ - جرم سازمان یافته در اسناد بین المللی و قوانین برخی کشورها پیش بینی شده و آن همکاری سه نفر یا بیشتر در تحقق یک نقشه مجرمانه با قصد تحصیل منافع مالی است.

در قانون مجازات اسلامی به جای جرم سازمان یافته از گروه مجرمانه سازمان یافته سخن گفته شده و آن گروهی است نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف گردد.

ماده ۱۳۰ ق.م.ا: "هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد. تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد. تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.

ماده ۳۱۱ ق.آ.د. ک: "شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر اینکه در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد. تبصره- هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه‌های کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می‌شود و چنانچه افراد مذکور

در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می‌شود"

ماده ۳۱۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. تبصره- در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرائم اشخاص بالاتر از هیجده سال تابع قواعد عمومی است"

۲۵- در اجتماع معاون و مباشر، متهم اصلی مباشر و در اجتماع چند شریک، متهم اصلی کسی است که بیشترین نقش و میزان دخالت در ارتکاب عمل مجرمانه را بر عهده داشته و نسبت به دیگران سهم بیشتری در تحقق آن داشته است و در جرائم سازمان یافته، متهم اصلی سردرسته گروه مجرمانه که بیشتر عمل او مصداق معاونت دارد است.

گفتار دوم: احاله

۲۶- احاله عبارت است از واگذاری رسیدگی به یک اتهام از دادگاه دارای صلاحیت محلی به دادگاه دیگری که اصولاً صلاحیت محلی رسیدگی به آن را ندارد.

۲۷- مستفاد از ماده ۳۳۹ اصل بر این است که پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع الیه اخذ و به شعبه دیگر مگر به تجویز قانون ارجاع داد و احاله استثنائی بر این اصل است.

ماده ۳۳۹ ق.آ.د. ک: "پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌الیه، اخذ و به شعبه دیگر مگر به تجویز قانون ارجاع داد. تبصره ۱- رعایت مفاد این ماده در مورد شعب بازپرسی، دادگاه تجدیدنظر استان و شعب دیوان عالی کشور نیز الزامی است. تبصره ۲- تخلف از مقررات این ماده، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهارم است."

۲۸- فلسفه پیش بینی احاله این است که در برخی موارد دادگاه غیر صالح از نظر محلی شرایط بهتری برای رسیدگی دارد.

۲۹- احاله ممکن است حسب مورد در هر مرحله‌ای از رسیدگی (اعم از دادرسی یا دادگاه) انجام شود:

- احاله از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی همان استان؛ درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی مبدأ + موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان.
- احاله از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی استان دیگر؛ درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی مبدأ + موافقت دیوان عالی کشور.
- احاله از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی همان استان و یا استان دیگر در جهت حفظ نظم و امنیت عمومی؛ پیشنهاد رییس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور + تجویز دیوان عالی کشور.

ماده ۴۱۸ ق.آ.د. ک: "در هر مرحله از رسیدگی کیفری، احاله پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان، حسب مورد، به درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی مبدأ و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان و از حوزه قضایی یک استان به استان دیگر به تقاضای همان اشخاص و موافقت دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

تبصره- در مورد جرائم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، احاله حسب مورد به درخواست دادستان نظامی یا رییس سازمان قضایی استان با موافقت رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح انجام می‌شود."

نکته: در جرائم صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح؛ احاله به درخواست دادستان نظامی یا رییس سازمان قضایی استان + موافقت رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح.

۳۰ - موارد احاله:

- متهم یا بیشتر متهمین در حوزه قضایی دیگری باشند.
- محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور بوده و دادگاه دیگر، به علت نزدیک بودن به محل وقوع، آسان‌تر بتواند به موضوع رسیدگی کند.
- جهت حفظ نظم و امنیت عمومی؛ به پیشنهاد رییس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور.

ماده ۴۱۹ ق.آ.د. ک: "احاله در موارد زیر صورت می‌گیرد: الف- متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند. ب- محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد، به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیک بودن به محل وقوع آن، آسان‌تر بتواند به موضوع رسیدگی کند. تبصره- احاله پرونده نباید به کیفیتی باشد که موجب عسر و حرج شاکي و یا مدعی خصوصی شود."

- **ماده ۴۲۰ ق.آ.د. ک:** "علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رییس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می‌شود. تبصره- در جرائم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، رییس این سازمان می‌تواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به حوزه قضایی دیگر احاله کند."

گفتار سوم: صلاحیت انحصاری در دادگاه‌های مرکز استان یا پایتخت

۳۱ - گاهی اوقات به دلیل اهمیت جرم یا شخصیت مرتکب، دادگاه پایتخت و یا دادگاه مرکز استان صالح به رسیدگی می‌باشند که در این صورت دادرای این دادگاه‌ها نیز صالح می‌باشد.

ماده ۲۶ ق.آ.د. ک: "انجام وظایف دادرای در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرایی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می‌کند مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر نماید."

- **ماده ۳۰۵ ق.آ.د. ک:** "به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۳۵۲) این قانون به‌طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود. تبصره- احکام و ترتیبات هیأت منصفه، مطابق قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن است."

- **ماده ۳۰۷ ق.آ.د. ک:** "رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رییس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رییس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ

دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استان‌ها حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد. تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضاییه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند. تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است."

• ماده ۳۰۸ ق.آ.د. ک: "رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادهای و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادهای و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد."

• ماده ۳۰۹ ق.آ.د. ک: "صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرائم اشخاص موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون، اعم از آن است که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند."

• ماده ۵۸۵ ق.آ.د. ک: "به جرائم نظامیان زیر در دادگاه و دادرسی نظامی مرکز استان رسیدگی می‌شود: الف- نظامیان دارای درجه سرهنگی که در محل سرتیپ دومی و بالاتر شاغل می‌باشند. ب- نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی در صورتی که مشمول مقررات ماده (۳۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ نباشند."

• ماده ۷۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: "مسئولان مستقیم دستگاه‌های کاشف و مأمور وصول درآمدهای دولت و سایر مراجعی که برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق موضوع این قانون مورد خطاب کتبی مرجع رسیدگی کننده و یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت قرار می‌گیرند، چنانچه ظرف بیست روز از تاریخ وصول استعلام نسبت به پاسخگویی مستند اقدام نمایند، به مجازات منع اشتغال در شغل خود در نوبت اول و انفصال موقت تا شش ماه از خدمات دولتی در نوبت‌های بعدی محکوم می‌گردند، مگر اینکه اثبات نمایند عدم ارسال پاسخ، مستند به عذر موجه قانونی بوده است. رسیدگی به این امر در صلاحیت محاکم کیفری دادگستری مراکز استان‌ها می‌باشد."

• ماده ۳ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور: "کلیه جرائم نظامیان دارای درجه سرتیپی و بالاتر در مراجع قضایی ذیربط در تهران رسیدگی می‌شود."

• ماده ۱۹ قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های رییس جمهور: "رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رییس جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است و در جرایم عادی از طریق دادگاه‌های عمومی دادگستری تهران و با اطلاع مجلس صورت می‌گیرد."

• جرائم مندرج در قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی؛ از قبیل تغییر مسیر یا مقصد هواپیما، هواپیما ربایی یا اخلال در پرواز یا خرابکاری در هواپیما یا فرودگاه یا تأسیسات هواپیمایی در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های پایتخت می‌باشد که یکی از آنها حسب صلاحیت ذاتی اقدام به رسیدگی می‌کند.

مبحث سوم: تعارض صلاحیت و حل اختلاف آن

۳۲ - اصولاً هر دادگاهی باید قبل از رسیدگی، صلاحیت خود را بر اساس قواعد عمومی و اختصاصی صلاحیت احراز کند.

- احراز صلاحیت نیاز به قرار خاصی ندارد و شروع به رسیدگی دلالت بر آن دارد.

- عدم صلاحیت مستلزم صدور قرار خاص و ارسال پرونده به مرجع صالح است.

۳۳ - مرجعی که پرونده به آن ارسال می‌شود، تکلیفی به قبول تشخیص مرجع اول ندارد:

- در صورت وجود صلاحیت اقدام به رسیدگی می‌کند.

- در صورتی که این مرجع نیز خود را صالح نداند و مرجع ثالثی را صالح بداند؛ پرونده را برای رسیدگی به مرجع ثالث ارسال می‌کند.

- اگر مرجع اول را صالح بداند، حالت تعارض صلاحیت (اختلاف صلاحیت) پیش می‌آید. تعارض صلاحیت یعنی دو دادگاه نسبت به یک پرونده هم زمان از خود به نفع دیگری نفی صلاحیت کرده (تعارض منفی) یا نسبت به یک پرونده هر دو هم زمان خود را صالح به رسیدگی بدانند (تعارض مثبت) که البته بیشتر شاهد تعارض منفی هستیم.

۳۴ - حل اختلاف در امور کیفری نیز مطابق قواعد آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید. قاعده کلی حل اختلاف در صلاحیت این است که حل اختلاف باید توسط مرجعی صورت بگیرد که نسبت به طرفین اختلاف، مرجع بالاتر محسوب می‌شود.

نکته: اگر دو دادگاه از لحاظ صلاحیت ذاتی در یک درجه و از لحاظ صلاحیت محلی نیز در یک حوزه قرار داشته باشند (مثلاً دادگاه کیفری یک تهران تعارض صلاحیت مطرح نمی‌شود و مطابق بند ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ ق.آ.د.م دادگاه دوم باید پرونده را به دلیل سبق رسیدگی به دادگاه اول ارسال دارد).

ماده ۳۱۷ ق.آ.د.م: "حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری، مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است و حل اختلاف بین دادرها مطابق قواعد حل اختلاف دادگاه‌هایی است که دادرها در معیت آن قرار دارد."

ماده ۲۷ ق.آ.د.م: "در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیتدار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهارنظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده راجعت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌کند. رأی دادگاه تجدیدنظر در تشخیص صلاحیت لازم‌الاتباع خواهد بود. تبصره - در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاه‌های دو حوزه قضایی از دو استان باشد، مرجع حل اختلاف به ترتیب یادشده، دیوان عالی کشور می‌باشد."

ماده ۲۸ ق.آ.د.م: "هرگاه بین دادگاه‌های عمومی، نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت، اختلاف محقق شود همچنین در مواردی که دادگاه‌ها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیر قضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رأی دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت، لازم‌الاتباع می‌باشد."

ماده ۲۹ ق.آ.د.م: "رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، خارج از نوبت خواهد بود."

ماده ۳۰ ق.آ.د. م: "هرگاه بین دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان و یا دادگاه تجدیدنظر استان با دادگاه بدوی در مورد صلاحیت اختلاف شود حسب مورد، نظر مرجع عالی لازم‌الاتباع است."

نکته: در صورت تعارض در صلاحیت محلی میان دو دادگاه مرجع حل اختلاف دادگاه تجدید نظر استان است. مگر این که دو دادگاه در حوزه یک استان نباشند که در این صورت مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور می‌باشد.

نکته: در صورت تعارض در صلاحیت ذاتی، همواره مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور می‌باشد. نکته: اختلاف دادگاه‌های کیفری یک و دو در صلاحیت خود اختلاف در صلاحیت ذاتی نیست و مقررات آ.د.م نیز راه حل روشنی ارائه نمی‌دهند. در این فرض با توجه به ماده ۵۸۳ که صلاحیت دادگاه نظامی یک و دو را همان صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو دانسته؛ می‌توان به ماده ۶۰۰ استناد نمود؛ بدین صورت که نظر دادگاه کیفری یک متبع خواهد بود.

ماده ۵۸۳ ق.آ.د. ک: "وظایف، اختیارات، صلاحیت و تعداد اعضای دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی همان است که در مورد دادگاه‌های کیفری دو، کیفری یک و تجدیدنظر استان مقرر شده است مگر مواردی که در این بخش به نحو دیگری درباره آن تعیین تکلیف شود."

ماده ۶۰۰ ق.آ.د. ک: "در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو در حوزه قضایی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک متبع است. در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک زمان جنگ و دادگاه نظامی دو زمان جنگ در حوزه قضایی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک زمان جنگ لازم‌الاتباع است."

نکته: ماده ۶۰۰ برای فرضی که دادگاه کیفری یک و دو در حوزه یک استان نباشند راه حلی ارائه نداده است. اما می‌توان گفت که قصد قانون گذار در ماده ۶۰۰ عدم تحمیل نظر دادگاه نظامی یک بر دادگاه نظامی دو واقع در حوزه قضایی استان دیگر بوده و می‌توان در این فرض دیوان عالی کشور را صالح بر حل اختلاف دانست.

مبحث چهارم: ضمانت اجرای قواعد صلاحیت

۳۵ - مستنبط از صدر و بند ب ماده ۴۵۰ قانون؛ اصل بر عدم اعتبار اقدامات و تصمیمات مراجع قضایی فاقد صلاحیت (ذاتی یا محلی) است و چنان چه حکمی نیز صادر شده باشد حکم مرجع غیر صالح نقض گردیده، رسیدگی باید در مرجع صالح از سر گرفته شود.

ماده ۴۵۰ ق.آ.د. ک: "رئیس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را بررسی و گزارش جامع آن را تهیه می‌کند و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع می‌دهد. این عضو، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل در خصوص تجدیدنظرخواهی و جهات قانونی آن است، تهیه و در جلسه دادگاه قرائت می‌کند. خلاصه این گزارش در پرونده درج می‌شود و سپس دادگاه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید: الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می‌کند و پرونده را نزد دادرای صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رأی می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه تجدید نظر استان، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند و یا دادگاه تجدیدنظر می‌تواند خود مبادرت به انجام تحقیقات نماید. ب- هرگاه رأی صادره از نوع قرار باشد و تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و قرار مطابق مقررات صادر شده باشد، آن را تأیید و پرونده به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌شود و چنانچه به هر علت دادگاه تجدیدنظر عقیده به نقض داشته باشد، پرونده برای رسیدگی به دادگاه

صادرکننده قرار اعاده می‌شود و آن دادگاه، مکلف است خارج از نوبت رسیدگی کند. پ- هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می‌کند. ت- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی مقتضی صادر می‌کند. ث- ر غیر از موارد مذکور در بندهای فوق، هرگاه جرم از جرائم مستوجب مجازات‌های حدود، قصاص و جرائم غیرعمدی مستوجب بیش از نصف دیه و یا جرائم تعزیری درجه چهار و پنج باشد به‌طور مطلق و در جرائم تعزیری درجه شش و هفت در صورت محکومیت به حبس و در سایر جرائم در صورت اقتضاء، دادگاه تجدیدنظر با صدور دستور تعیین وقت رسیدگی، طرفین و اشخاصی را که حضورشان ضروری است احضار می‌کند. طرفین می‌توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی کنند. در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نیست."

فصل دوم: صلاحیت اختصاصی هر یک از مراجع رسیدگی

مبحث اول: مراجع رسیدگی نخستین

۱- دادگاه‌های نخستین؛ مراجعی هستند که پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی در دادرسی یا در موارد استثنائی و خاص عدم انجام تحقیقات مقدماتی در دادرسی، اولین مرحله رسیدگی به اتهام متهم را بر عهده دارند.

۲- دادگاه‌های کیفری بدوی عبارتند از:

- دادگاه کیفری یک.
- دادگاه کیفری دو.
- دادگاه انقلاب.
- دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان.
- دادگاه نظامی.
- دادگاه عمومی بخش با صلاحیت دادگاه کیفری دو در حوزه قضایی بخش.
- دادگاه ویژه روحانیت.

ماده ۲۹۴ ق.آ.د. ک: "دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود."

نکته: عدم ذکر دادگاه ویژه روحانیت در ماده ۲۹۴ قانون به علت عدم تعلق تشکیلاتی آن به قوه قضاییه است.

۳- مراجع رسیدگی نخستین یا عمومی هستند و یا اختصاصی.

گفتار اول: مراجع عمومی رسیدگی

۴- مراجع عمومی؛ مراجعی هستند که اصولاً صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم را دارند مگر جرائمی که به طور استثنائی در صلاحیت مرجع دیگری قرار گرفته باشد. این مراجع عبارتند از: دادگاه کیفری دو، دادگاه کیفری یک.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۵- این دادگاه صلاحیت عام رسیدگی به تمام جرائم را داراست؛ مگر این که قانون رسیدگی به جرمی را در صلاحیت مرجع دیگری قرار داده باشد.

ماده ۳۰۱ ق.آ.د. ک: "دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد."

۶- دادگاه کیفری دو در حوزه قضایی شهرستان و با یک قاضی تشکیل می‌شود. در نقاطی که به دلیل کمی جمعیت هنوز به شهرستان تبدیل نشده و بخش محسوب می‌شوند، دادگاه عمومی بخش تشکیل و به جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کند.

ماده ۲۹۹ ق.آ.د. ک: "در صورت ضرورت به تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه بخش، دادگاه عمومی بخش تشکیل می‌شود. این دادگاه به تمامی جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کند. تبصره ۱- به تشخیص رییس قوه قضاییه، تشکیل دادگاه عمومی بخش در شهرستان‌های جدید که به لحاظ قَلت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورتی به تشکیل دادگستری نباشد بلامانع است. تبصره ۲- به تشخیص رییس قوه قضاییه، در حوزه قضایی بخش‌هایی که به لحاظ کثرت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورت ایجاب می‌کند، تشکیل دادگستری با همان صلاحیت و تشکیلات دادگستری شهرستان بلامانع است."

ب: دادگاه کیفری یک

۷- این دادگاه به جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی می‌کند.

ماده ۳۰۲ ق.آ.د. ک: "به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف- جرائم موجب مجازات سلب حیات. ب- جرائم موجب حبس ابد. پ- جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن. ت- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر. ث- جرائم سیاسی و مطبوعاتی."

۸- در دادگاه کیفری یک نظام تعدد قاضی حاکم است. در این دادگاه اصولاً تعداد قضات باید سه نفر باشد یک رئیس و دو مستشار اما تشکیل جلسه و رسیدگی با حضور دو قاضی رئیس و مستشار یا دو مستشار نیز معتبر است.

ماده ۲۹۶ ق.آ.د. ک: "دادگاه کیفری یک دارای رییس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. در صورت عدم حضور رییس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد. تبصره ۱- دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود. تبصره ۲- دادرس علی‌البدل حسب مورد می‌تواند به جای رییس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رییس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند بلامانع است. تبصره ۳- دادگاه‌های کیفری استان و عمومی جزایی موجود به ترتیب به دادگاه‌های کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند."

جرائمی که تا تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاه‌های نظامی نیز جاری است."

۹- دادگاه کیفری یک در مرکز استان تشکیل می‌شود ولی به تشخیص رئیس قوه قضایی در حوزه قضایی شهرستان هم ممکن است تشکیل شود. در شهرهایی که دادگاه کیفری یک تشکیل نشده باشد، جرائم داخل در صلاحیت آن در دادگاه کیفری یک نزدیک به محل وقوع جرم در حوزه همان استان رسیدگی می‌شود نه لزوماً دادگاه کیفری یک مرکز استان.

۱۰- در دادگاه کیفری یک شعبه‌ای تخصصی به نام دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان تشکیل می‌شود که صلاحیت آن رسیدگی به جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب (در موارد تعدد قاضی) افراد بالغ زیر ۱۸ سال (دختر ۹ تا ۱۸ سال و پسر ۱۵ تا ۱۸ سال) است.

ماده ۳۱۵ ق.آ.د. ک: "جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر هیجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد. تبصره ۱- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست. تبصره ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است."

۱۱- دادگاه کیفری یک و دو از نظر صلاحیت ذاتی یکسان بوده و گویی دادگاه کیفری یک شعبه‌ای تخصصی از دادگاه کیفری دو می‌باشد.

ماده ۳۱۳ ق.آ.د. ک: "به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهم‌تر را دارد."

ماده ۳۱۴ ق.آ.د. ک: "هر کس متهم به ارتکاب جرائم متعدد باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد، متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین اتهام را دارد، محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می‌شود. در صورتی که اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می‌شود. تبصره ۱- هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرائم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود. تبصره ۲- چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده (۳۰۲) این قانون در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید."

نکته: اگر پرونده در دادگاه کیفری دو مطرح شده باشد و دادگاه پس از رسیدگی متوجه شود که جرم در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار دارد دادگاه کیفری دو مجاز به ادامه رسیدگی و صدور حکم نمی‌باشد.

۱۲- در جرائم ماده ۳۰۲ قانون، دادرای صالح، دادرای محل وقوع جرم خواهد بود؛ حتی اگر دادگاه کیفری یک در آن محل وجود نداشته باشد.

ماده ۴۰۱ ق.آ.د. ک: "در مواردی که به جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک در خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود، تمام وظایف و اختیارات دادرای، از جمله شرکت در جلسه محاکمه و دفاع از کیفرخواست برعهده دادرای محل وقوع جرم است."

ماده ۲۶ ق.آ.د. ک: "انجام وظایف دادرای در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به‌عهده دادرایی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می‌کند مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر نماید."

سؤال: ماده ۲۶ و ۴۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری، هر دو در مورد تعیین دادرای صالح برای جرایمی است که دادگاه آن، در غیر محل وقوع جرم است. قانونگذار در ماده ۲۶ گفته دادرای در معیت دادگاه (یعنی دادرای غیر محل وقوع جرم) صالح است ولی در ماده ۴۰۱ گفته دادرای محل وقوع جرم صالح است. این تعارض ظاهری را چگونه حل کنیم؟؟؟

پاسخ: تنها راه حل این تعارض ظاهری این است که بگوییم قانونگذار در ماده ۲۶ یک حکم کلی را مطرح کرده و گفته در جرایمی که دادگاهش در غیر محل وقوع جرم تشکیل می‌شود، دادرای در معیت همان دادگاه (یعنی دادرای غیر محل وقوع جرم) صالح است. در حقیقت متعاقباً در ماده ۴۰۱ قانون، یک استثناء آورده و گفته در جرائم در صلاحیت کیفری یک، دادرای صالح همان دادرای محل وقوع جرم است.

نکته مهم: پس جرائم در صلاحیت کیفری یک و نیز انقلاب با تعدد قاضی (که ترکیب و ترتیب رسیدگی‌اش شبیه کیفری یک است) دادرای صالح؛ دادرای محل وقوع جرم خواهد بود و در سایر موارد مثل جرائم مقامات موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون، دادرای صالح؛ دادرای در معیت دادگاه صالح (حسب مورد دادرای مرکز استان و یا دادرای تهران) خواهد بود.

گفتار دوم: مراجع اختصاصی رسیدگی

۱۳- **مراجع اختصاصی:** مراجعی هستند که اصولاً صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را ندارند، مگر جرایمی که صریحاً در صلاحیت آنها قرار داده شده باشد.

۱۴- رسیدگی در مراجع اختصاصی باید مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های این مراجع، محدودیت‌های حق دفاعی متهم به شکل برگزاری محاکمه غیر علنی یا عدم استقبال از برخورداری از وکیل است. ویژگی دیگر مراجع اختصاصی سرعت در رسیدگی به دلیل محدودیت صلاحیت آنان است.

۱۵- دادگاه‌های انقلاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای رسیدگی به جرائم ضد انقلاب در ایران تشکیل شدند.

ماده ۳۰۳ ق.ا.د. ک: "به جرائم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود: الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی‌الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به‌منظور مقابله با نظام. ب- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری. پ- تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل. ت- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است."

۱۶- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ (کتاب تعزیرات) آمده‌اند. اما رویه قضایی در عمل مفهومی گسترده‌تر از این مواد را در نظر دارد.

ماده ۴۹۸ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود."

ماده ۴۹۹ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است."

ماده ۴۹۹ مکرر ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود. تبصره ۱- منظور از توهین موارد مندرج در «قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴» می‌باشد. تبصره ۲- چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان یافته ارتکاب یابد و یا از سوی ماموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود و یا از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می‌شود."

ماده ۵۰۰ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد."

ماده ۵۰۰ مکرر ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به

حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تعیین می‌شود: ۱- هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد. ۲- هر گونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم السلام). تبصره ۱- تأمین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه‌های موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت به حبس درجه پنج و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کمک‌های مالی و حمایت‌های مادی ارائه شده می‌باشد. چنانچه مرتکب شخص حقوقی باشد به انحلال و پرداخت جزای نقدی مذکور محکوم می‌گردد. تبصره ۲- ارتباط گروه‌های موضوع این ماده با خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت‌های تشکیلاتی موجب تشدید مجازات مقرر به میزان یک درجه می‌گردد. تبصره ۳- اموال سردسته‌ها و اشخاص تأمین‌کننده مالی گروه‌های موضوع این ماده که ناشی از جرم بوده یا برای ارتکاب جرم استفاده یا به این منظور تهیه شده باشد و اموال متعلق به گروه‌های مزبور به نفع بیت المال مصادره می‌گردد. در صورتی که مشخص شود اموال متعلق به دیگری بوده یا دیگری نسبت به آن صاحب حق باشد و آن اموال به منظور انجام افعال مجرمانه در اختیار اشخاص و گروه‌های مذکور قرار نگرفته باشد، اموال مزبور به مالک یا صاحب حق مسترد و مرتکب معادل ارزش آن به جزای نقدی محکوم می‌شود، و یا چنانچه مشخص شود مجرم نسبت به دیگری دین حال دارد و اموال استفاده‌شده در ارتکاب جرم یا تهیه شده به منظور ارتکاب جرم، متعلق به خود او است و ناشی از جرم نیست، اموال وی معادل ارزش دین حال به طلبکار یا طلبکاران مسترد و مجرم معادل ارزش اموال مسترد شده به جزای نقدی محکوم می‌شود. تبصره ۴- امور آموزشی و پژوهشی و سایر اقدامات مشابه به منظور رد و طرد و پاسخگویی به شبهات و نقد عقاید گروه‌های موضوع این ماده از شمول حکم این ماده و ماده (۴۹۹ مکرر) این قانون خارج است."

ماده ۵۰۱ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالماً و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می‌شود."

ماده ۵۰۲ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرائم جاسوسی شود بنحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد."

ماده ۵۰۳ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذیصلاح در حال

نقشه‌برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شوند."

ماده ۵۰۴ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می‌شود والا چنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود."

ماده ۵۰۵ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس با هدف بر هم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه‌بندی شده را با پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع‌آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود."

ماده ۵۰۶ ق.م.ا. تعزیرات: "چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده می‌باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند."

ماده ۵۰۷ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری موثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد."

ماده ۵۰۸ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد."

ماده ۵۰۹ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می‌گردد."

ماده ۵۱۰ ق.م.ا. تعزیرات: "هر کس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هر گونه لطمه به کشور بوده‌اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آن‌ها بشود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود. تبصره- هر کس بدون آن که جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید، افرادی را به هر نحو شناسائی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود."

ماده ۵۱۱ ق.م.ا تعزیرات: "هر کس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویق اذهان عمومی تهدید به بمب گذاری هواپیما، کشتی و وسائل نقلیه عمومی نماید یا ادعا نماید که وسایل مزبور بمب گذاری شده است علاوه بر جبران خسارت وارده به دولت و اشخاص به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد."

۱۷- ماده ۵۱۲ ق.م.ا تعزیرات: "هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می گردد. تبصره- در مواردی که احراز شود متهم قبل از دستیابی نظام توبه کرده باشد مشمول مواد (۵۰۸) و (۵۰۹) و (۵۱۲) نمی شود."

۱۸- قانونگذار تعریف محاربه و افساد فی الارض را در مواد ۲۷۹ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی آورده است.

ماده ۲۷۹ ق.م.ا مصوب ۹۲: "محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود."

ماده ۲۸۶ ق.م.ا مصوب ۹۲: "هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونهای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد. تبصره- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می شود."

نکته: جرایمی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض هستند را نیز باید در صلاحیت دادگاه انقلاب دانست.

۱۹- در چهار صورت قاجاق کالا و ارز در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار می گیرد:

- سازمان یافته باشد.
- حرفه‌ای باشد (یعنی بیش از سه بار به صورت تکرار یا تعدد).
- کالاهای قاجاق جزو کالاهای ممنوع باشد و نه مجاز یا مجاز مشروط.
- جرم ارتكابی مستلزم حبس یا انفصال دائم از خدمات دولتی باشد.

ماده ۴۴ قانون قاجاق کالا و ارز: "رسیدگی به جرائم قاجاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاجاق کالاهای ممنوع و قاجاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. سایر پرونده‌های قاجاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. چنانچه پرونده‌ای، متهمان متعدد داشته و رسیدگی به اتهام یکی از آنان در صلاحیت مرجع قضائی باشد، به اتهامات سایر

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

اشخاص نیز در این مراجع رسیدگی می‌شود. تبصره- در صورتی که پس از ارجاع پرونده به سازمان تعزیرات حکومتی و انجام تحقیقات محرز شود رسیدگی به جرم ارتكابی در صلاحیت مرجع قضائی است، شعبه مرجع الیه مکلف است بلافاصله قرار عدم صلاحیت خود را صادر کند. این قرار پس از تأیید مقام مافوق شعبه در سازمان تعزیرات حکومتی و یا در صورت عدم اعلام نظر آن مقام ظرف مدت یک هفته، قطعی است و پرونده مستقیماً به مرجع قضائی ذی صلاح ارسال می‌شود. همچنین در مواردی که پرونده به تشخیص مرجع قضائی در صلاحیت تعزیرات حکومتی است، پرونده مستقیماً به مرجع مذکور ارسال می‌گردد و شعب سازمان تعزیرات حکومتی مکلف به رسیدگی می‌باشند. مقررات این تبصره از شمول ماده (۲۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مستثنی است."

رأی وحدت رویه شماره ۸۰۹ مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: "با عنایت به تعریف «قاچاق کالا» در بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی و تفکیک عناوین «قاچاق» و «نگهداری کالای قاچاق» در مواد دیگر این قانون از جمله ماده ۲۲ آن، صرف نگهداری مشروبات الکلی خارجی گرچه به عنوان یکی از مصادیق کالای ممنوع جرم و مستوجب مجازات مقرر در ماده ۲۲ قانون یاد شده است، اما از حیث صلاحیت از شمول ماده ۴۴ همین قانون خارج است. بر این اساس و با توجه به ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی و استثنایی بودن صلاحیت دادگاه انقلاب، رسیدگی به بزه یادشده در صلاحیت دادگاه کیفری دو است. بنا به مراتب، رأی شعبه سی و هفتم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

رأی وحدت رویه شماره ۸۳۹ مورخ ۱۴۰۲/۹/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: "نظر به اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تشکیل و تعیین صلاحیت دادگاه‌ها منوط به حکم قانون است، لذا ایجاد هرگونه صلاحیت یا توسعه آن مستلزم تصریح قانونی است و در موارد تردید به قدر متیقن اکتفا می‌شود و با توجه به تفکیک عناوین مجرمانه «قاچاق» و «نگهداری کالای ممنوع قاچاق» در ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، حکم مقرر در ماده ۴۴ این قانون در خصوص صلاحیت دادگاه انقلاب، صرفاً ناظر به جرم قاچاق با همان تعریف در این قانون است و به مواردی که اشخاص، مرتکب نگهداری کالای قاچاق از جمله مشروبات الکلی خارجی به صورت جزئی می‌شوند و از مصادیق قاچاق کالا نباشد، تسری ندارد. از سوی دیگر ذکر کلمه «احکام» در تبصره ۵ الحاقی به ماده ۶۳ همان قانون (مصوب ۱۰/۱۱/۱۴۰۰) مفید تعیین «صلاحیت» نمی‌باشد و ناسخ رأی وحدت رویه ۸۰۹ - ۱/۱۷/۱۴۰۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیست. در این گونه موارد طبق ماده ۵۱ قانون یاد شده و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری اقدام می‌گردد. در نتیجه رسیدگی به بزه نگهداری مشروبات الکلی خارجی با توصیف فوق در صلاحیت دادگاه کیفری دو می‌باشد. بنا به مراتب، رأی شعبه بیستم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

۲۰- جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب ارتكابی اطفال و نوجوانان:

- اگر توسط فرد بالغ زیر هجده سال ارتكاب یابد؛ در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی می‌شود.
- اگر توسط افراد نابالغ ارتكاب یابد؛ در دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان رسیدگی خواهد شد.

ماده ۳۰۴ ق.آ.د. ک: "به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در قانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند. تبصره ۱- طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است. تبصره ۲- هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد."

ماده ۳۱۵ ق.آ.د. ک: "جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر هیجده سال تمام شمسی ارتكاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد. تبصره ۱- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست. تبصره ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است."

۲۱- در صورت ایجاد تعارض بین صلاحیت دادگاه انقلاب و کیفری یک:

- اگر یکی از جرائم بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ باشد؛ دادگاه انقلاب صالح خواهد بود.
- اگر جزو جرائم مطبوعاتی و سیاسی باشد؛ مطلقاً در دادگاه کیفری یک رسیدگی خواهد شد.

ماده ۲۹۷ ق.آ.د. ک: "دادگاه انقلاب در مرکز هر استان و به تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. این دادگاه برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون دارای رییس و دو مستشار است که با دو عضو نیز رسمیت دارد. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رییس یا دادرس علی‌البدل یا یک مستشار تشکیل می‌شود. تبصره- مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در این قانون در دادگاه انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند جاری است."

۲۲- دادگاه انقلاب اصولاً در مرکز استان یا در شهرهایی که رئیس قوه قضایی تشخیص می‌دهد، تشکیل می‌شود. چنانچه محل وقوع جرم، شهری غیر از مرکز استان باشد؛ از تبصره یک ماده ۲۹۶ قانون وحدت ملاک می‌گیریم و پرونده را جهت رسیدگی به نزدیک‌ترین دادگاه انقلاب در حوزه آن استان ارسال می‌کنیم.

تبصره ۱ ماده ۲۹۶ ق.آ.د. ک: "دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود."

• دادگاه نظامی

۲۳- بر اساس اصل ۱۷۲ قانون اساسی؛ برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ محاکم نظامی تشکیل شده ولی به جرائم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌گردد.

ماده ۵۹۷ ق.آ.د. ک: "به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود. تبصره ۱- رسیدگی به جرایمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند در دادگاه‌ها و دادسراهای سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است. تبصره ۲- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرایمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند. تبصره ۳- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود. تبصره ۴- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند."

۲۴- جرم نظامی:

• در معنای خاص یا مضیق؛ جرمی است ماهیتاً نظامی که فقط توسط یک مقام نظامی یا انتظامی قابل تحقق می‌باشد؛ مانند فرار از خدمت یا لغو دستور.

• در معنای عام یا موسع؛ جرمی است که فرد نظامی به مناسبت شغل یا وظیفه خود مرتکب می‌شود؛ مانند سرقت یا اختلاس که ارتکاب این جرائم توسط فرد غیر نظامی هم امکان پذیر است.

ماده ۱ ق.م.جرائم نیروهای مسلح: "دادگاه‌های نظامی به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد زیر که در این قانون به اختصار «نظامی» خوانده می‌شوند رسیدگی می‌کنند: الف- کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته. ب- کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته. ج- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته. د- کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته. ه- کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. و- کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن. ز- محصلان موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح، مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. ح- کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضاء نیروهای مسلح محسوب می‌شوند. تبصره ۱- جرائم نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود. تبصره ۲- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال نمی‌شود."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۲۵- ملاک صلاحیت دادگاه نظامی؛ داشتن سمت‌های فوق در زمان ارتکاب جرم است، نه در زمان رسیدگی. لذا رهایی از خدمت، مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

ماده ۵۹۷ ق.آ.د. ک: "به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود. تبصره ۱- رسیدگی به جرایمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند در دادگاه‌ها و دادرهای سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است. تبصره ۲- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرایمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند. تبصره ۳- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود. تبصره ۴- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند."

۲۶- اشخاص فوق حتی اگر زیر هجده سال تمام هم سن داشته باشند؛ در صورت ارتکاب جرائم نظامی، در دادگاه نظامی محاکمه می‌شوند؛ البته با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان.

ماده ۵۹۹ ق.آ.د. ک: "به جرائم نظامیان کمتر از هیجده سال تمام شمرسی که در صلاحیت سازمان قضایی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادرها و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود."

۲۷- صلاحیت دادگاه نظامی در دو مورد توسعه یافته است:

- مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- اجازه رهبری.

۲۸- مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ تحت عنوان قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۷۳؛ صلاحیت دادگاه‌های نظامی را در دو مورد افزایش داده است:

- هرگاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرائم خاص نظامی یا انتظامی جرائم دیگری کشف شود، سازمان قضایی نیروهای مسلح صالح به رسیدگی می‌باشد.
- جرایمی که اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت مرتکب شده‌اند. (هر نوع جرمی) و نیز جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارتشان در کشور در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود.

ماده ۱ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور: "هر گاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرائم خاص نظامی یا انتظامی، جرائم دیگری کشف شود، سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی می‌باشد."

ماده ۲ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور: "جرایمی که اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح، در مدت اسارت مرتکب شده‌اند، و نیز جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارتشان در کشور، در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود."

۲۹- در خصوص توسعه صلاحیت دادگاه نظامی به موجب اجازه رهبری تبصره ۱ ماده ۵۹۷ قانون را داریم.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

تبصره ۱ ماده ۵۹۷ ق.آ.د. ک: "رسیدگی به جرایمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند در دادگاه‌ها و دادرهای سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است."

۳۰- توسعه صلاحیت دادگاه نظامی به اجازه رهبری منحصر در دو مورد می‌باشد:

- به اجازه امام خمینی (ره) جرائم مربوط به وظایف قانونی کارکنان وزارت اطلاعات و همچنین در مواردی که پرونده مشتمل بر اطلاعات طبقه بندی شده و اسرار جمهوری اسلامی ایران باشد، در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود.
 - به اجازه مقام معظم رهبری به جرائم امنیتی و جرائم حین خدمت افراد نظامی، در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.
- ۳۱- جرائم نظامیان در مقام ضابط دادگستری، در همه موارد فوق؛ از صلاحیت دادگاه نظامی خارج و در صلاحیت دادگاه‌های عمومی خواهد بود.

اصل ۱۷۲ قانون اساسی: "برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند."

تبصره ۴ ماده ۵۹۷ ق.آ.د. ک: "جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند."

۳۲- دادرهای نظامی و دادگاه نظامی در مرکز استان تشکیل می‌شود. در شهرستان‌های مورد نیاز دادرهای نظامی ناحیه تشکیل می‌شود.

۳۳- انواع دادگاه نظامی:

- دادگاه نظامی دو.
- دادگاه نظامی یک.
- دادگاه تجدید نظر نظامی.
- دادگاه نظامی دو زمان جنگ.
- دادگاه نظامی یک زمان جنگ.
- دادگاه تجدید نظر نظامی زمان جنگ.

ماده ۵۸۲ ق.آ.د. ک: "دادگاه‌های نظامی که به موجب این قانون تشکیل می‌شوند، عبارتند از: الف- دادگاه نظامی دو. ب- دادگاه نظامی یک. پ- دادگاه تجدیدنظر نظامی. ت- دادگاه نظامی دو زمان جنگ. ث- دادگاه نظامی یک زمان جنگ. ج- دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ."

۳۴- صلاحیت دادگاه‌های نظامی دو نظامی یک و تجدید نظر نظامی همان است که در مورد دادگاه‌های کیفری دو کیفری یک و تجدید نظر استان مقرر شده است.

ماده ۵۸۳ ق.آ.د. ک: "وظایف، اختیارات، صلاحیت و تعداد اعضای دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی همان است که در مورد دادگاه‌های کیفری دو، کیفری یک و تجدیدنظر استان مقرر شده است مگر مواردی که در این بخش به نحو دیگری درباره آن تعیین تکلیف شود."

۳۵- دادگاه نظامی زمان جنگ: با تصویب رئیس قوه قضاییه در زمان جنگ و در کنار دادگاه نظامی یک و دو در مراکز استان‌ها یا سایر مناطق تشکیل می‌شود تا به جرائم مربوط به جنگ رسیدگی کند.

ماده ۵۹۰ ق.آ.د. ک: "در زمان جنگ دادگاه‌های نظامی زمان جنگ با تصویب رئیس قوه قضاییه، به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به جنگ با رعایت ماده (۵۹۱) این قانون در محل قرارگاه‌های عملیاتی، مراکز استان‌ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می‌شود. تبصره ۱- حوزه قضایی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مقتضیات و شرایط جنگی با تصویب رئیس قوه قضاییه تعیین می‌شود. تبصره ۲- دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی تا هنگام تشکیل دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مورد برابر مقررات دادرسی زمان جنگ، به جرائم مربوط به جنگ رسیدگی می‌کنند."

نکته: تشخیص وقوع جنگ و زمان آن در صلاحیت ستاد کل نیروهای مسلح است.

۳۶- جرائم داخل در صلاحیت دادگاه‌های نظامی زمان جنگ: یا از نظر ماهیت و یا از نظر مکان ارتکاب، ویژگی خاصی دارند:

- از نظر ماهیت؛ یا باید از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی باشند یا از جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدامات عملیاتی.
- از نظر مکان؛ کلیه جرائم ارتكابی در مناطق جنگی داخل در صلاحیت این دادگاه‌ها می‌باشد.

ماده ۵۹۱ ق.آ.د. ک: "جرائم مربوط به جنگ که توسط نظامیان ارتکاب می‌یابد و در دادگاه زمان جنگ رسیدگی می‌شود، عبارتند از: الف- کلیه جرائم ارتكابی در مناطق عملیاتی در حدود صلاحیت سازمان قضایی. ب- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی در حدود صلاحیت سازمان قضایی. پ- جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدامات عملیاتی، گرچه محل وقوع آن خارج از مناطق عملیاتی باشد."

نکته: در همه این موارد مرتکب باید از افراد نظامی یا ملحق به نظامیان و جرم او هم مرتبط با وظایف خاص نظامی یا انتظامی باشد.

۳۷- اگر در محلی دادگاه نظامی دو نباشد یا این که باشد ولی با تراکم پرونده روبرو شده باشد، دادگاه نظامی یک می‌تواند رسیدگی کند. در این حالت دادگاه نظامی یک با یک عضو تشکیل می‌شود.

ماده ۵۸۷ ق.آ.د. ک: "هرگاه در محلی دادگاه نظامی دو تشکیل نشده یا بالاتصدی باشد و یا تشکیل شده ولی با تراکم پرونده روبرو باشد، دادگاه نظامی یک حسب ارجاع، به پرونده‌هایی که در صلاحیت دادگاه نظامی دو است نیز رسیدگی می‌نماید. در این صورت دادگاه مزبور با تصدی یکی از اعضاء تشکیل می‌شود. تبصره- هرگاه در استانی دادگاه نظامی یک یا تجدیدنظر نظامی تشکیل نشده یا بالاتصدی باشد یا به جهاتی از قبیل ردّ دادرسی، امکان رسیدگی در استان فراهم نبوده و اعزام قاضی مأمور نیز مقدور نباشد، رسیدگی به پرونده‌های مربوط، حسب مورد در نزدیک‌ترین حوزه قضایی به عمل می‌آید."

۳۸- دادگاه نظامی یک پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت به دادگاه نظامی دو صادر کند و باید به هر حال رأی مقتضی را صادر نماید.

ماده ۵۸۸ ق.آ.د. ک: "دادگاه نظامی یک، پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند به اعتبار صلاحیت دادگاه نظامی دو، قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید."

۳۸ در اختلاف بین دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو در حوزه قضایی یک استان؛ نظر دادگاه نظامی یک لازم‌الاتباع است.

ماده ۶۰۰ ق.آ.د. ک: "در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو در حوزه قضایی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک متبع است. در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک زمان جنگ و دادگاه نظامی دو زمان جنگ در حوزه قضایی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک زمان جنگ لازم‌الاتباع است."

• دادگاه اطفال و نوجوانان

۳۹- این دادگاه برای رسیدگی به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی ایجاد شده است.

ماده ۳۰۴ ق.آ.د. ک: ""

۴۰- این دادگاه یک دادگاه اختصاصی است؛ به دو دلیل:

اولاً: مفهوم مخالف تبصره ماده ۲۹۸ که گفته "با تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در یک حوزه قضایی، دادگاه کیفری دو دیگر نمی‌تواند به جرائم افراد زیر هجده سال تمام شمسی رسیدگی نماید."

ثانیاً: در هیچ کجای قانون نگفته که این دادگاه شعبه‌ای از سایر دادگاه‌های است.

۴۱- تنها فرضی که برای کاربرد تبصره ۱ ماده ۳۱۴ قانون می‌توان در نظر گرفت این است که فردی قبل از هجده سالگی مرتکب جرم در صلاحیت دادگاه اطفال و بعد از هجده سالگی مرتکب جرم در صلاحیت دادگاه کیفری یک شده باشد.

تبصره ۱ ماده ۳۱۴ ق.آ.د. ک: "هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرائم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود."

۴۲- هیچ گاه یک فرد زیر هجده سال در دادگاه انقلاب محاکمه نمی‌شود:

- اگر مرتکب نابالغ باشد؛ در دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان.
- اگر بالغ زیر ۱۸ سال باشد؛ در دادگاه کیفری یک ویژه جرائم نوجوانان.

ماده ۳۱۵ ق.آ.د. ک: "جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر هیجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد. تبصره ۱- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب،

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست. تبصره ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است."

۴۳- در دادگاه اطفال و نوجوانان وحدت قاضی ولی در دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان تعدد قاضی (یک رییس و دو مستشار یا یک رییس و یک مستشار یا دو مستشار) داریم.

۴۴- اصولاً در همه جا ملاک سنی برای احراز صلاحیت، سن مرتکب در حین ارتکاب جرم است؛ این اصل دو استثناء دارد:

- جایی است که قبل از شروع به رسیدگی، سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند که در این صورت؛ رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد ولیکن در این صورت نیز متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره مند می‌گردد.

تبصره دو ماده ۳۰۴ ق.آ.د. ک: "هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد."

نکته: منظور از شروع به رسیدگی در تبصره فوق تاریخی است که رئیس دادگاه پس از احراز صلاحیت خود دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین را صادر می‌کند.

- جایی که فرد نظامی زیر ۱۸ سال مرتکب جرم در صلاحیت سازمان قضائی مرتکب می‌شود که در این صورت، به جرم وی با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.

ماده ۵۹۹ ق.آ.د. ک: "به جرائم نظامیان کمتر از هیجده سال تمام شملی که در صلاحیت سازمان قضایی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود."

۴۵- شرایط قضات دادگاه و دادسرای اطفال و نوجوانان:

- دارا بودن حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی.
- دارا بودن شایستگی برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند.

ماده ۴۰۹ ق.آ.د. ک: "قضات دادگاه و دادسرای اطفال و نوجوانان را رییس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می‌کند."

۴۶- دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود که نظر مشاور، مشورتی است و حق رأی ندارد.

۴۷- ویژگی‌های مشاور دادگاه اطفال و نوجوانان: (ماده ۴۱۰ ق.آ.د. ک)

- از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته.

۴۸- دادرسی اطفال و نوجوانان یک دادرسی افتراقی یعنی حاوی مقرراتی بعضاً متفاوت با دادرسی جرائم بزرگسالان است. برخی از این مقررات افتراقی عبارتند از:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- در این دادگاه‌ها وقت جلسه رسیدگی به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌شود.
- ماده ۴۱۲ ق.آ.د. ک:** "دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند."
- در این دادگاه‌ها ابلاغ وقت رسیدگی به متهم منوط به این است که در موقع رسیدگی سن وی هجده سال تمام یا بیشتر باشد.
- تبصره ۱ ماده ۴۱۲ ق.آ.د. ک:** "هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هیجده سال و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می‌شود."
- موارد الزامی مداخله وکیل نسبت به جرائم بزرگسالان بیشتر است.
- ماده ۴۱۵ ق.آ.د. ک:** "در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا آرش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند."
- اصل علنی بودن دادرسی نه تنها در مورد عموم بلکه حتی گاهی در مورد خود متهم نیز اعمال نمی‌شود.
- ماده ۴۱۳ ق.آ.د. ک:** "در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است."
- ماده ۴۱۴ ق.آ.د. ک:** "هرگاه مصلحت طفل موضوع تبصره (۱) ماده (۳۰۴) این قانون، اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می‌شود."
- تمام آرای صادره از دادگاه اطفال و نوجوانان، قابل تجدید نظر خواهی است.
- ماده ۴۴۵ ق.آ.د. ک:** "آراء دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدیدنظر خواهی است."
- دادگاه ویژه روحانیت
- ۴۹- این دادگاه از تشکیلات قوه قضاییه نیست و تأسیس و فعالیت آن، تحت نظر مقام رهبری است. صلاحیت و تشکیلات این دادگاه، طبق آیین نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات ۱۳۸۴ مشخص شده است.
- ۵۰- در این آیین نامه، دلیلی بر انحصار صلاحیت این دادگاه به روحانیان شیعه وجود ندارد.
- ۵۱- صلاحیت این دادگاه یک نوع صلاحیت مبتنی بر شخصیت خاص مرتکب است اما عمل مرتکب نیز باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد.

۵۲- از نظر شخصیت؛ مرتکب جرم باید روحانی باشد. روحانی به سه دسته افراد اطلاق می‌شود:

- شخصی که ملبس به لباس روحانیت باشد.
- کسی که در حوزه مشغول به تحصیل باشد.
- شخصی که با وجود اشتغال به کاری غیر از تحصیل در حوزه و بدون بر تن کردن لباس روحانیت، عرفاً روحانی محسوب شود.

ماده ۱۶ آیین نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت: "روحانی به کسی اطلاق می‌گردد که ملبس به لباس روحانیت باشد یا در حوزه مشغول تحصیل باشد، یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفاً روحانی محسوب گردد."

۵۳- از نظر عمل مرتکب؛ محدودیتی وجود ندارد. اعمالی که در صلاحیت رسیدگی این دادگاه قرار داده شده‌اند عبارتند از:

- کلیه جرائم روحانیان.
- کلیه اعمال خلافشان روحانیان.
- کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.
- کلیه اموری که از سوی مقام رهبری ارجاع می‌شود.

ماده ۱۳ آیین نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت: "دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند: الف- کلیه جرائم روحانیون. ب- کلیه اعمال خلافشان روحانیون. ج- کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد. د- کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود. تبصره ۱- در مواردی که دادرای ویژه، رسیدگی به پرونده‌ای را به سایر مراجع قضایی ذی‌ربط واگذار نماید، مراجع مذکور موظف به رسیدگی می‌باشند. تبصره ۲- در مورد بند ج رسیدگی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط صورت می‌گیرد. تبصره ۳- کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آنها، معاونان و مشاوران روسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران و فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر، و مدیران کل اطلاعات استان‌ها که به لحاظ روحانی بودن نامبردگان فوق پرونده آنان در دادرها و دادگاه ویژه روحانیت مطرح می‌گردد و نیز کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه در دادرها و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد."

نکته: در موارد تعارض صلاحیت؛ اگر دادگاه ویژه، رسیدگی را به سایر مراجع واگذار نماید؛ مرجع مذکور موظف به رسیدگی می‌باشد.

۵۴- به اتهامات شرکاء، معاونین و مرتبطين متهم روحانی در دادرها و دادگاه ویژه رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۱ آیین نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت: "اتهامات شرکاء، معاونین و مرتبطين متهم روحانی در دادرها و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت."

۵۵- این دادگاه در شهرهای محدود و تابع اصل وحدت قضائی تشکیل شده است.

۵۶- در آیین نامه به تعیین، تعداد، اعضاء و ترکیب هیات منصفه اشاره شده است؛ بدون این که مشخص نماید این هیات در چه مواردی مداخله می‌کند. ظاهراً هدف، رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی روحانیون بوده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف: "صلاحیت‌های دادگاه صلح به شرح زیر است: ۱- دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد ریال. تبصره- رئیس قوه قضائیه می‌تواند نصاب مذکور در این بند را هر سه سال یک بار با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعدیل کند. ۲- دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق. ۳- دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند ۱ این ماده در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱/۱۲/۱۳۹۱ نباشد. ۴- دعاوی و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره بها بجز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب یا پیشه یا تجارت. ۵- اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوا رسیدگی کرده باشد. ۶- حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن. ۷- تأمین دلیل. ۸- تقاضای سازش موضوع ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی. ۹- جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی. ۱۰- جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت. ۱۱- دعاوی اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (به استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است)، الزام به اخذ پایان کار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام. تبصره ۱- به کلیه جرائم مذکور در این ماده مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست در دادگاه صلح رسیدگی می‌شود. تبصره ۲- دادگاه صلح با حضور رئیس یا دادرس علی البدل رسمیت می‌یابد. دادگاه صلح با رضایت طرفین، پرونده را برای حصول سازش به عضو یا اعضای شورا که در دادگاه مستقر می‌باشند یا شعبه شورا یا میانجی‌گری ارجاع می‌دهد. چنانچه حداکثر ظرف دو ماه موضوع منتهی به سازش شود، مراتب صورتجلسه و جهت اتخاذ تصمیم به قاضی دادگاه صلح اعلام می‌شود تا طبق مقررات اقدام کند. در صورت عدم حصول سازش، قاضی دادگاه صلح مطابق قانون، به موضوع رسیدگی کرده و مبادرت به صدور رأی می‌نماید. تبصره ۳- دادگاه صلح می‌تواند در ساعات غیراداری و یا در روزهای تعطیل نیز به دعاوی رسیدگی نماید و استقرار آن در محل شورا بلامانع است. تبصره ۴- در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه‌های صلح و همچنین سایر مراجع قضائی و غیرقضائی به ترتیب زیر اقدام می‌شود: الف- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضائی شهرستان‌های یک استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح با دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی یک استان، حل اختلاف با دادگاه تجدید نظر آن استان است. ب- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضائی دو استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح و دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدید نظر استانی است که مرجع قضائی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده است. پ- در مواردی که دادگاه صلح به صلاحیت مراجع غیرقضائی، از خود نفی صلاحیت کند، پرونده برای تعیین صلاحیت به دادگاه تجدید نظر استان ارسال می‌شود، تشخیص آن مرجع لازم‌الاتباع است. تبصره ۵- آرای دادگاه صلح، قطعی است مگر در موارد زیر که قابل تجدید نظرخواهی در دادگاه تجدید نظر استان است: الف- دعاوی موضوع بند (۱) این ماده در صورتی که خواسته بیشتر از نصف نصاب مذکور در آن بند باشد. ب- موارد موضوع بند (۹) این ماده نسبت به دیه یا آرش، در صورتی که میزان یا جمع آنها بیش از یک دهم دیه کامل یا معادل آن باشد. پ- موارد مذکور در بندهای (۲)، (۳) و (۴) این ماده. ت- موارد موضوع بند

(۵) این ماده مشروط به اینکه اصل دعوا قابل اعتراض باشد. ث- جنبه عمومی جرائم غیر عمدی موضوع بند (۹) در صورتی که مجازات قانونی آن درجه شش یا بیشتر باشد. ج- جرائم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آنها حبس درجه هفت باشد."

۵۸- این دادگاه در قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ پیش بینی شده است. صلاحیت کیفری دادگاه صلح به شرح زیر می باشد:

- جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی.
- جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت.

نکته: رسیدگی هر دو مورد فوق مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست خواهد بود.

۵۹- در دادگاه صلح، سیستم وحدت قاضی (رییس یا دادرسی علی البدل) را داریم.

۶۰- در صورت حدوث اختلاف بین دادگاههای صلح و همچنین سایر مراجع قضائی و غیرقضائی به ترتیب زیر اقدام می شود:

- حل اختلاف بین دادگاههای صلح واقع در حوزههای قضائی شهرستانهای یک استان؛ با دادگاه تجدیدنظر همان استان است.
- حل اختلاف بین دادگاه صلح با دادرها یا دادگاههای حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی یک استان؛ با دادگاه تجدیدنظر همان استان است.

• حل اختلاف بین دادگاههای صلح واقع در حوزههای قضائی دو استان؛ با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضائی آن استان، آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده است.

• حل اختلاف بین دادگاه صلح و دادرها یا دادگاههای حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی دو استان؛ با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضائی آن استان، آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده است.

• در مواردی که دادگاه صلح به صلاحیت مراجع غیرقضائی، از خود نفی صلاحیت کند، پرونده برای تعیین صلاحیت به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می شود که تشخیص آن مرجع لازم الاتباع است.

۶۱- اصل بر قطعیت آرای صادره از دادگاه صلح است؛ مگر در موارد زیر که قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است:

- دعاوی موضوع بند ۱ ماده ۱۲ در صورتی که خواسته بیشتر از نصف نصاب مذکور در آن بند باشد.
- موارد موضوع بند ۹ ماده ۱۲ نسبت به دیه یا آرش، در صورتی که میزان یا جمع آنها بیش از یک دهم دیه کامل یا معادل آن باشد.
- موارد مذکور در بندهای ۲، ۳ و ۴ ماده ۱۲.
- موارد موضوع بند ۵ ماده ۱۲ مشروط به اینکه اصل دعوا قابل اعتراض باشد.
- جنبه عمومی جرائم غیر عمدی موضوع بند ۹ ماده ۱۲ در صورتی که مجازات قانونی آن درجه شش یا بیشتر باشد.
- جرائم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آنها حبس درجه هفت باشد.

ب: مراجع غیر قضائی

- هیات منصفه

۶۲- **هیات منصفه:** جمعی از افراد عادی از اقشار جامعه است که در کنار قضات، در امر رسیدگی کیفری دخالت دارند.

۶۳- به جرائم سیاسی و مطبوعاتی به طور علنی و با حضور هیات منصفه در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می شود.

اصل ۱۶۸ قانون اساسی: "رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند."

ماده ۳۰۵ ق.آ.د. ک: "به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۳۵۲) این قانون به‌طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود. تبصره - احکام و ترتیبات هیأت منصفه، مطابق قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن است."

۶۴- با وجود این که در سال ۱۳۸۲ قانون هیات منصفه تصویب شد اما این قانون هرگز اجرا نشد و هم اکنون قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ با اصلاحات سال ۱۳۷۹ اجراء می‌شود.

۶۵- به موجب ماده ۳۶ قانون مطبوعات؛ انتخاب اعضای هیات منصفه هر دو سال یک بار به طریق ذیل خواهد بود:

• **در تهران؛** به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی، رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاست گذاری ائمه جمعه سراسر کشور.

• **در سایر مراکز استان‌ها؛** به دعوت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی، رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان، رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی.

۶۶- هیات مذکور در تهران ۲۱ نفر و در سایر استان‌ها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی از بین گروه‌های مختلف اجتماعی، روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارکنان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان می‌باشند.

۶۷- هیات منصفه موظف به پاسخ گویی به دو سؤال است:

• آیا متهم بزهکار است؟

• در صورت بزهکار بودن، آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

۶۸- پس از اعلام نظر هیئت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید. نتیجه این که؛ دادگاه می‌تواند برخلاف تشخیص هیات منصفه در برائت یا مجرمیت فرد، حکم صادر نماید.

رأی وحدت رویه شماره ۸۳۷ مورخ ۱۴۰۲/۷/۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور: "مطابق اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. به موجب تبصره یک الحاقی ماده ۴۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ پس از اعلام نظر هیأت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم کرده و مبادرت به صدور رأی می‌نماید. نظر به اینکه حکم تبصره مذکور در مورد تکلیف دادگاه به صدور رأی طبق قانون اطلاق داشته و شامل مجرمیت و برائت متهم می‌شود و با توجه به اصل یکصد و شصت و ششم قانون اساسی و ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رأی دادگاه باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است. بنابراین در مواردی که نظر اکثریت هیأت منصفه بر بی‌گناهی متهم باشد، اما دادگاه با لحاظ ادله موجود در پرونده رفتار منتسب به وی را طبق قانون، جرم و مستوجب مجازات تشخیص دهد، با عنایت به استقلال قاضی در صدور رأی و تکلیف وی به رعایت قانون ملزم به تبعیت از نظر هیأت منصفه نمی‌باشد و به استناد قانون، حکم به محکومیت متهم صادر می‌کند. بنا به مراتب رأی شعبه بیست و ششم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

با اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است."

• شورای حل اختلاف

۶۹- شوراهای حل اختلاف به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی تأسیس شده‌اند. حوزه فعالیت آن‌ها تابع حوزه قضائی بخش یا شهرستان مربوط است.

۷۰- شوراهای حل اختلاف تخصصی در دو مورد ایجاد می‌شود:

- برای رسیدگی به امور فنی و صنفی در دعاوی و شکایات فی‌مابین اصناف.
- برای رسیدگی به امور و دعاوی مربوط به احوال شخصیه فی‌مابین اقلیت‌های دینی موضوع اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۷۱- هر شعبه شورا دارای رئیس، یک نفر عضو اصلی و حسب مورد یک نفر عضو علی‌البدل است که جلسات شورا با حضور دو نفر رسمیت می‌یابد. نیز در هر حوزه قضائی حسب مورد تعدادی عضو علی‌البدل تعیین می‌شود که در صورت غیبت رئیس شعبه شورا یا عضو اصلی یا در صورت عدم وحدت نظر دو عضو شورا به دستور رئیس شورای حوزه قضائی مربوط، عضو علی‌البدل، جایگزین یا اضافه می‌شود. برای هر شعبه در مناطق شهری (متناسب با حجم کار و تعداد پرونده‌ها) حداکثر دو نفر و در شعب مناطق روستایی در صورت نیاز یک نفر نیروی اداری و دفتری شورا به کار گرفته می‌شود.

۷۲- امروزه به تمام دعاوی و جرائم مندرج در قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، در دادگاه صلح رسیدگی می‌شود و شورا صرفاً در امر صلح و سازش مطابق احکام این قانون اقدام می‌کند.

۷۳- دعاوی زیر حتی با توافق طرفین قابل طرح در شورا نیست:

- اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، بطلان نکاح، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، رجوع، نسب، ولایت قهری و قیمومت.
- اختلاف در اصل وقفیت و وصیت و تولیت.
- دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی.
- دعاوی راجع به وجوه و اموال عمومی و دولتی و انفال.
- اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قانونی غیر دادگستری می‌باشد.

۷۴- شوراها در موارد زیر حسب مورد با درخواست خواهان یا مدعی خصوصی یا شاکی برای صلح و سازش اقدام می‌نمایند:

- کلیه امور مدنی و حقوقی.
 - جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت.
 - کلیه جرائم قابل گذشت.
 - سازمان تعزیرات حکومتی
- ۷۵- یک مرجع اختصاصی دولتی است که برای رسیدگی و صدور حکم در مورد برخی جرائم اقتصادی در حوزه تولید و توزیع کالاها و خدمات در کشور است.

۷۶- سازمان تعزیرات حکومتی در واقع یک مرجع اداری وابسته به قوه مجریه است که بر خلاف اصل تفکیک قوا، استثنائاً به کار قضایی می‌پردازد.

۷۷- هر شعبه بدوی از سازمان تعزیرات حکومتی با حضور یک رئیس و دو عضو تشکیل می‌شود و می‌تواند حکم به مجازات‌هایی هم چون جزای نقدی، تعطیلی موقت یا دائم یک واحد صنفی یا محروم نمودن آن از تمام یا بعضی از خدمات دولتی صادر نماید. رأی شعبه قطعی و لازم الاجرا است ولی می‌توان از آن رأی در دیوان عدالت اداری شکایت نمود.

مبحث دوم: مراجع رسیدگی مجدد

گفتار اول: قبل از قطعیت حکم

۷۸- قبل از قطعیت حکم؛ دو مرجع دادگاه تجدید نظر استان و دیوان عالی کشور در عرض یکدیگر برای رسیدگی مجدد به پرونده وجود دارد:

۷۹- اگر اعتراض به حکم؛ قبل از قطعیت آن در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر استان باشد، اعتراض شخص تجدیدنظرخواهی و اگر مرجع رسیدگی به آن دیوان عالی کشور باشد، اعتراض شخص فرجام خواهی نام دارد.

۸۰- اعتراض به حکم دو اثر دارد:

- **اثر تعلیقی؛** اعتراض مانع از لازم الاجرا شدن و قطعیت حکم می‌گردد و تا زمان اتخاذ تصمیم در مرجع رسیدگی مجدد، مفاد آن به اجراء در نخواهد آمد.
- **اثر انتقالی؛** اعتراض سبب انتقال رسیدگی از مرجع نخستین به مرجع مجدد می‌شود.

نکته: اعتراض به حکم استثنائاً در دو مورد اثر تعلیقی ندارد:

- حکم برائت.
- حکم تعلیق تمام مجازات.

ماده ۳۷۶ ق.آ.د. ک: "هرگاه رأی بر برائت، منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد، بلافاصله به دستور دادگاه آزاد می‌شود."

الف: دادگاه تجدیدنظر استان

۸۱- اصل بر صلاحیت دادگاه تجدیدنظر استان است. دادگاه تجدیدنظر صلاحیت عام دارد. لذا موارد صلاحیت دیوان عالی کشور نیاز به تصریح دارد.

۸۲- این دادگاه قلمرو استانی داشته و در مرکز استان تشکیل می‌شود. اصولاً تعداد اعضای آن، سه قاضی می‌باشد. یک رئیس و دو مستشار. ولی با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد.

ماده ۴۲۶ ق.آ.د. ک: "دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیرقطعی کیفری است، جز در مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد. دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان تشکیل می‌شود. این دادگاه دارای رییس و دو مستشار است، دادگاه تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور با دو عضو نیز رسمیت دارند."

۸۳- به دلیل جایگاه رفیع دیوان عالی کشور، صلاحیت آن محدود به موارد مهم است.

ماده ۴۲۸ ق.آ.د. ک: "آرای صادره درباره جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه سه و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل یا بیش از آن است و آرای صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است. تبصره- اجرای این ماده مانع از انجام سایر وظایف نظارتی دیوان عالی کشور به شرح مقرر در اصل یکصد و شصت و یکم (۱۶۱) قانون اساسی نمی باشد."

۸۴- ملاک تشخیص صلاحیت دیوان عالی کشور، مجازات قانونی جرم است و نه مجازات قضایی (مندرج در دادنامه).

گفتار دوم: بعد از قطعیت حکم

۸۵- احکام کیفری در سه حالت قطعی می شوند:

- به هنگام صدور به موجب قانون قطعی و غیر قابل اعتراض باشند. (جرائم مستوجب مجازات تعزیری درجه ۸ و دیه یا آرش مجموعاً کمتر از یک دهم دیه کامل)

ماده ۴۲۷ ق.آ.د. ک: "آرای دادگاههای کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است: الف- جرائم تعزیری درجه هشت باشد. ب- جرائم مستلزم پرداخت دیه یا آرش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد."

- حکم در هنگام صدور قابل اعتراض بوده ولی در مهلت مقرر قانونی نسبت به آن اعتراض نشده باشد.
- حکم قابل اعتراض بوده و پس از اعتراض نسبت به آن، در مرجع صالح (حسب مورد دادگاه تجدیدنظر استان و یا دیوان عالی کشور) قطعی شده باشد.

۸۶- پس از قطعیت حکم، قاعده اعتبار امر مختوم لازم الاجرا است. اما گاهی ممکن است دلایل روشنی بر نادرست بودن حکم به دلیل اشتباه قضایی وجود داشته باشد. در این موارد امکان **اعاده دادرسی** وجود دارد.

الف: اعاده دادرسی عام (ماده ۴۷۴ ق.آ.د. ک)

۸۷- مرجع اصلی و عام نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم، دیوان عالی کشور است. در این روش دادگاه دیگری که هم عرض دادگاه صادر کننده حکم است با موافقت دیوان عالی کشور یک بار دیگر به اتهام شخصی که در مورد او حکم قطعی صادر شده است، رسیدگی می کند. درخواست اعاده دادرسی کیفری مهلت خاصی ندارد.

۸۸- موارد اعاده دادرسی در ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است. بعلاوه؛ قانونگذار در برخی مواد دیگر از جمله ماده ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نیز امکان اعاده دادرسی را پیش بینی نموده است.

ماده ۴۷۴ ق.آ.د. ک: "درخواست اعاده دادرسی در مورد احکام محکومیت قطعی دادگاهها اعم از آنکه حکم مذکور به اجراء گذاشته شده یا نشده باشد در موارد زیر پذیرفته می شود: الف- کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

سپس زنده بودن وی محرز گردد. ب- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد. پ- شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز گردد. ت- درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود. ث- در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است. ج- پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم‌علیه یا عدم تقصیر وی باشد. چ- عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد."

ماده ۳۴۶ ق.م.ا: "اگر پس از صدور حکم، بطلان همه یا برخی از سوگندها ثابت شود مانند آنکه برخی از اداءکنندگان سوگند، از سوگندشان عدول کنند یا دروغ بودن سوگند یا از روی علم نبودن سوگند، برای دادگاه صادرکننده حکم ثابت شود، مورد از جهات اعاده دادرسی است."

رأی وحدت رویه شماره ۸۴۰ مورخ ۱۴۰۲/۹/۲۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور: "با توجه به اطلاق صدر ماده ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورتی که پس از صدور حکم قطعی به استناد قسامه، برخی از اداکنندگان سوگند، در دادگاه صادر کننده حکم یا خارج از دادگاه از سوگند خود عدول نمایند به نحوی که تعداد ادا کنندگان سوگند کمتر از حد نصاب مقرر برای اثبات جنایت شود، محکوم‌علیه به استناد عدول آنان می‌تواند نسبت به حکم صادره در دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی نماید. پذیرش این درخواست منوط به اثبات عدول ادا کنندگان سوگند در دادگاه صادرکننده حکم نیست، اما در مواردی که بطلان قسامه به دلیل دروغ بودن یا از روی علم نبودن سوگند باشد، برابر قسمت اخیر ماده ۳۴۶ قانون یاد شده پذیرش اعاده دادرسی مستلزم اثبات این ادعا در دادگاه صادرکننده حکم است. بنا به مراتب، رأی شعبه بیست و هشتم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است."

۸۹- از حکم اجرا شده هم می‌توان درخواست اعاده دادرسی نمود. در این فرض محکوم علیه می‌تواند از طریق اعاده دادرسی و اثبات بی‌گناهی خود، از تحمیل مجازات‌های تکمیلی و تبعی رهایی یافته و انگ محکومیت را از خود رفع کرده و در صورت امکان خسارت ناشی از اجرای مجازات ناروا را نیز مطالبه نماید.

۹۰- پذیرش اعاده دادرسی به معنای نقض حکم توسط دیوان عالی کشور نیست. بلکه این دادگاه هم عرض است که بعد از رسیدگی مجدد، تشخیص می‌دهد رأی را نقض کند یا خیر.

ماده ۴۷۵ ق.آ.د. ک: "اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی دارند: الف- محکوم‌علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم‌علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او. ب- دادستان کل کشور. پ- دادستان مجری حکم."

۹۱- فوت محکوم علیه مانع از اعاده دادرسی نیست.

۹۲- اعاده دادرسی فقط نسبت به احکام محکومیت امکان پذیر است نه قرارها و نه حکم برائت؛ بنابراین، شاکی مطلقاً و دادستان از حکم برائت متهم حق درخواست اعاده دادرسی ندارند.

۹۳- اصولاً درخواست اعاده دادرسی اثر توقیفی و مانعی برای اجرای حکم قطعی ندارد. قانون گذار توقف اجرای حکم را منوط به پذیرش درخواست متقاضی و تجویز اعاده دادرسی اعلام کرده است؛ مگر در سه مورد زیر که شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی و قبل از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، دستور توقف اجرای حکم را می دهد:

- مجازات سالب حیات.

- سایر مجازات های بدنی.

- قلع و قمع بنا.

۹۴- پس از تجویز اعاده دادرسی؛ قاضی اجرای احکام بدون نیاز به کسب نظر دادگاه صادر کننده حکم قطعی؛ دستور توقف اجرای حکم را صادر می نماید.

۹۵- پس از تجویز اعاده دادرسی؛ اگر تأمین مناسب اخذ نشده یا اخذ شده ولی منتفی گردیده باشد، تأمین مناسب توسط دادگاهی که قرار است به موضوع رسیدگی نماید، اخذ می شود. در رسیدگی اگر دلائل ارائه شده توسط محکوم علیه قوی باشد آثار و تبعات حکم محکومیت در ابتدا فوراً لغو می شود.

ماده ۴۷۸ ق.آ.د. ک: "هرگاه رأی دیوان عالی کشور مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد یا طبق ماده (۴۷۷) اعاده دادرسی پذیرفته شده باشد اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق می افتد و چنانچه از متهم تأمین اخذ نشده و یا تأمین منتفی شده باشد یا متناسب نباشد، دادگاهی که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می کند، تأمین لازم را اخذ می نماید. تبصره- در صورتی که مجازات مندرج در حکم، از نوع مجازات سالب حیات یا سایر مجازات های بدنی یا قلع و قمع بنا باشد، شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی قبل از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، دستور توقف اجرای حکم را می دهد."

۹۶- پس از تجویز اعاده دادرسی:

- اگر رسیدگی مجدد در دادگاه بدوی باشد؛ حسب مورد و بسته به میزان مجازات قانونی، ممکن است رأی صادره قطعی یا قابل اعتراض (تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی) باشد.

- اگر رسیدگی مجدد در دادگاه تجدیدنظر باشد؛ رأی صادره قطعی خواهد بود.

ماده ۴۸۳ ق.آ.د. ک: "هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند، محکوم علیه می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می دهد یا به مجازاتی که مناسب تر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می کند. این رأی قطعی است."

۹۷- آن چه در این ماده بیان شده است؛ ناظر بر تخفیف مجازات محکوم علیه، در پی تحصیل گذشت شاکی پس از صدور حکم در جرائم غیر قابل گذشت است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

نکته: تحصیل گذشت شاکی در جرائم غیر قابل گذشت موجب اعاده دادرسی نیست.

۹۸- با توجه به عبارت "در صورت اقتضاء" این تخفیف برای دادگاه اختیاری است و نه اجباری و دادگاه نیز باید در حدود مجازات قانونی تخفیف دهد.

ب: اعاده دادرسی خاص (ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک)

۹۹- در این نوع اعتراض، شخص معترض از رئیس قوه قضاییه می‌خواهد تا اعاده دادرسی را تجویز نماید. این درخواست مقید به مهلت یا زمان خاصی نیست.

۱۰۰- اعاده دادرسی از طریق رئیس قوه قضاییه محدود به مصادیق مصرح و خاصی نیست؛ بلکه تابع یک ضابطه عام "رای خلاف بین شرع باشد" می‌باشد.

نکته: منظور از رای خلاف بین شرع این است که احکام شرع به قدری در خصوص یک موضوع روشن باشند که حکم دادگاه آشکارا بر خلاف آنها باشد.

ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک: "در صورتی که رییس قوه قضاییه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رییس قوه قضاییه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند. تبصره ۱- آراء قطعی مراجع قضایی (اعم از حقوقی و کیفری) شامل احکام و قرارهای دیوان عالی کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دادگاههای تجدیدنظر و بدوی، دادرها و شوراهای حل اختلاف می‌باشند. تبصره ۲- آراء شعب دیوان عالی کشور در باب تجویز اعاده دادرسی و نیز دستورهای موقت دادگاهها، اگر توسط رییس قوه قضاییه خلاف شرع بین تشخیص داده شود، مشمول احکام این ماده خواهد بود. تبصره ۳- در صورتی که رییس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح و یا رییس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی خود، رأی قطعی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف شرع بین تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مستندات از رییس قوه قضاییه درخواست تجویز اعاده دادرسی نمایند. مفاد این تبصره فقط برای یکبار قابل اعمال است؛ مگر اینکه خلاف شرع بین آن به جهت دیگری باشد."

ماده ۴۸۲ ق.آ.د. ک: "نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌شود، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نمی‌شود. مگر این که اعاده دادرسی از مصادیق ماده (۴۷۷) بوده و مغایرت رأی صادره با مسلمات فقهی به جهات دیگری غیر از جهت قبلی باشد و یا رأی جدید مجدداً همانند رأی قبلی مغایر با مسلمات فقهی صادر شده باشد."

۱۰۱- این نوع تجویز اعاده دادرسی، مخصوص احکام نبوده و هر حکم و قرار به شرط قطعیت با هر مرجع صادر کننده‌ای حتی شورای حل اختلاف و یا دیوان عالی کشور را شامل می‌شود.

۱۰۲- در جرائم مربوط به حقوق عامه، رئیس قوه قضاییه می‌تواند بر اساس ماده ۲۹۳ به درخواست دادستان کل کشور، اعاده دادرسی را تجویز نماید. در این فرض رأی باید حتماً حکم باشد و نه قرار و مبنای درخواست دادستان کل نیز باید به لحاظ خلاف بین شرع بودن حکم باشد.

ماده ۲۹۳ ق.آ.د. ک: "هرگاه در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غایب مفقودالاثر بی‌سرپرست حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف شرع بین و یا قانون تشخیص دهد به‌طور مستدل مراتب را جهت اعمال ماده (۴۷۷) به رئیس قوه‌قضاییه اعلام می‌کند."

۱۰۳- تنها فرضی که دیوان عالی کشور رسیدگی ماهوی می‌کند، اعمال ماده ۴۷۷ قانون است. در سایر موارد؛ دیوان عالی کشور بدون ورود به ماهیت امر، صرفاً رسیدگی شکلی می‌نماید.

۱۰۴- در ماده ۴۷۷ همانند اعاده دادرسی عام، تنها تجویز اعاده دادرسی برای رئیس قوه قضاییه شناخته شده است نه نقض حکم.

بخش پنجم: نحوه رسیدگی

فصل اول: رسیدگی بدوی

۱- در تمام امور کیفری هر یک از طرفین می‌توانند یک یا چند وکیل داشته باشند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل جلسه کافی است.

ماده ۳۴۶ ق.آ.د. ک: "در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است. تبصره- در غیرجرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند."

ماده ۳۸۵ ق.آ.د. ک: "هر یک از طرفین می‌تواند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کند. استعفای وکیل تعیینی یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه رسیدگی پذیرفته نمی‌شود."

۲- حداکثر تعداد وکلا:

- در دادگاه کیفری دو و دادگاه انقلاب با وحدت قاضی؛ دو نفر.
- در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب با تعدد قاضی؛ سه نفر.

۳- طبق ماده ۳۳۵ قانون؛ دادگاه‌های کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می‌کنند:

- کیفرخواست دادستان.
- قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه. (در مقام رسیدگی به اعتراض شاکی نسبت به قرار منع تعقیب بازپرس و پس از نقض آن)

نکته: پس از صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، پرونده به دادرسی اعاده شده و بازپرس پس از تفهیم اتهام، اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب پرونده را به دادگاه ارسال می‌دارد. در این موارد نیازی به صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست در دادرسی نیست؛ مگر در صورتی که رسیدگی به اتهام در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد؛ زیرا دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست مبادرت به رسیدگی می‌نماید.

- ادعای شفاهی دادستان در دادگاه.

نکته: مراجعه مستقیم شاکی به دادگاه از موارد شروع به رسیدگی شناخته نمی‌شود.

۴- گاهی جهاتی در پرونده وجود دارد که بر اساس آن، دادرس حق رسیدگی ندارد و باید از رسیدگی امتناع نماید. این جهات در ماده ۴۲۱ قانون ذکر شده و عبارتند از:

- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس و یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم؛ وجود داشته باشد.
- دادرس، قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوی باشد یا یکی از طرفین، مباشر امور دادرس یا امور همسر وی باشد.
- دادرس، همسر و یا فرزند او، وارث یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم باشند.
- دادرس در همان امر کیفری قبلاً تحت هر عنوان یا سمتی اظهارنظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین بوده باشد.
- بین دادرس، پدر و مادر، همسر و یا فرزند او و یکی از طرفین دعوی یا پدر و مادر، همسر و یا فرزند او، دعوای حقوقی یا کیفری مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور رأی قطعی، بیش از دو سال نگذشته باشد.
- دادرس، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشند.

نکته: شکایت انتظامی از جهات رد دادرس محسوب نمی‌شود.

رأی وحدت رویه شماره ۸۲۸ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور: "نظر به اینکه اولاً، طبق ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، بدون دلیل کافی برای توجه اتهام نمی‌توان کسی را به عنوان متهم احضار کرد. ثانیاً، وفق مواد ۳۹ و ۴۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، تعقیب قاضی، در جرائم عمدی منوط به تعلیق وی از سمت قضایی به وسیله دادگاه عالی انتظامی قضات و در جرائم غیر عمدی منوط به تجویز دادستان انتظامی قضات است. ثالثاً، جهات رد جنبه استثنایی دارد و در موارد تردید، مطابق اصل، دادرس مکلف به رسیدگی است. بنابراین، صرف شکایت کیفری از قاضی رسیدگی‌کننده به معنای «مطرح بودن دعوای کیفری» بین او و شاکی نیست تا به استناد بند «ث» ماده ۴۲۱ قانون صدرالذکر، موجب رد دادرس شود. بنا به مراتب، رأی شعبه پانزدهم دادگاه تجدید نظر استان کرمان تا حدی که با این نظر انطباق دارد، به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ همان قانون، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است."

رأی وحدت رویه شماره ۵۱۷ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور: "نظر دادرس دادگاه کیفری بر قابل تعقیب دانستن متهم که ضمن رسیدگی به شکایت از قرار منع پیگرد ابراز شود اظهار عقیده در موضوع اتهام محسوب نبوده و از موارد رد دادرس نمی‌باشد؛ بنابراین رأی شعبه یازدهم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است."

۵- محاکمات دادگاه علنی است (یعنی هیچ مانعی برای حضور افراد در جلسات رسیدگی وجود ندارد)؛ مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیر علنی بودن محاکمه را درخواست کنند.

۶- علاوه بر مورد فوق؛ در موارد زیر هم دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیر علنی بودن محاکمه را صادر می‌کند:

- امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

• علنی بودن محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

۷- غیر علنی بودن دادرسی امری استثنائی است و نیاز به صدور قرار دارد. اما امکان اعتراض به این قرار پیش بینی نشده است.

۸- نحوه رسیدگی در دادگاه کیفری یک و دو با هم متفاوت است. دادگاه انقلاب در موارد وحدت قاضی تابع مقررات ناظر بر رسیدگی دادگاه کیفری دو است اما در موارد تعدد قاضی تابع مقررات حاکم بر رسیدگی دادگاه کیفری یک می باشد.

بحث اول: با کیفرخواست

۹- رسیدگی با کیفرخواست شکل اصلی و رایج دادرسی های کیفری است که ممکن است این کیفرخواست به صورت کتبی و یا شفاهی باشد.

گفتار اول: کیفرخواست کتبی

۱۰- مطابق ماده ۲۷۹ قانون؛ در کیفرخواست کتبی موارد زیر باید قید شود:

- مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تأهل او.
- آزاد، تحت قرار تأمین یا نظارت قضایی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت.
- نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه.
- ادله انتساب اتهام.
- مستند قانونی اتهام.
- سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم.
- خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم.

۱۱- سهو قلم یا اشتباه بین در صدور کیفرخواست:

- اگر پیش از ارسال به دادگاه کشف شود؛ دادستان آن را اصلاح می کند.
 - اگر پس از ارسال به دادگاه کشف شود؛ دادستان صرفاً موارد اصلاحی آن را به دادگاه اعلام می کند.
- ۱۲- مهم ترین مسأله در مورد رسیدگی به کیفرخواست، مسأله استقلال تشخیص دادگاه نسبت به دادرسی و عدم لزوم تبعیت دادگاه از عنوان اتهامی انتخاب شده در کیفرخواست است. اگر دادگاه عنوان مجرمانه ای غیر از عنوان مجرمانه کیفرخواست را بر رفتار متهم منطبق بداند، باید آن را به متهم تفهیم نماید.

ماده ۲۸۰ ق.آ.د. ک: "عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می شود، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست. در صورتی که مجموع اعمال ارتكابی متهم در نتیجه تحقیقات دادرسی روشن باشد و دادگاه فقط عنوان اتهام را نادرست تشخیص دهد، مکلف است اتهام جدید را به متهم تفهیم، تا از اتهام انتسابی مطابق مقررات دفاع کند و سپس مبادرت به صدور رأی نماید."

۱۳- حضور دادستان در دادگاه برای طرح و دفاع از کیفرخواست:

- در دادگاه کیفری دو و دادگاه انقلاب با وحدت قاضی؛ اختیاری (مگر در مواردی که دادگاه الزامی بداند)
- در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب با تعدد قاضی؛ بدون استثناء الزامی. (ولی عدم حضور وی موجب توقف رسیدگی نمی شود مگر آن که دادگاه حضور وی را الزامی بداند.)

نکته: دادستان می تواند معاون یا نماینده خود را برای طرح و دفاع از کیفرخواست به دادگاه اعزام نماید.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۱۴- هنگام صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه؛ دادگاه باید تصویر کیفرخواست را برای متهم نیز ارسال نماید.

ماده ۳۴۲ ق.آ.د. ک: "در غیر موارد مذکور در مواد (۳۴۰) و (۳۴۱) این قانون، دادگاه با تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ آن به شاکی یا مدعی خصوصی، متهم، وکیل یا وکلای آنان، دادستان و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، آنان را برای شرکت در جلسه رسیدگی احضار می‌کند. تصویر کیفرخواست برای متهم فرستاده می‌شود."

الف: دادگاه کیفری دو و انقلاب با وحدت قاضی

۱۵- اولین اقدام در این دادگاه‌ها، مطالعه پرونده برای احراز صلاحیت یا عدم صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به اتهام می‌باشد. در صورتی که پرونده ناقص باشد دادگاه می‌تواند خود آن را تکمیل نماید یا این که با ذکر دقیق موارد نقص پرونده را به دادسرا اعاده دهد. ۱۶- اگر با بررسی پرونده دادگاه به موارد موقوفی یا منع تعقیب برخورد نماید باید قرار مربوطه را صادر نماید. تمام این اقدامات، حداکثر باید ظرف یک ماه انجام شود.

نکته: اصولاً در صورت جرم نبودن عمل یا عدم انتساب آن به متهم، در دادسرا قرار منع تعقیب و در دادگاه حکم برائت صادر می‌شود. اما در ماده ۳۴۱ چون دادگاه بدون برگزاری جلسه به بررسی پرونده می‌پردازد؛ در حکم ادامه مرحله تحقیقات بوده و قرار منع صادر می‌کند که این امر خلاف اصل ترافعی بودن در دادگاه می‌باشد.

۱۶- اگر حداکثر ظرف یک ماه هیچ یک از موارد فوق مطرح نباشد، دادگاه وقت رسیدگی تعیین و به اشخاص مربوطه ابلاغ می‌کند. ۱۷- در روز رسیدگی پس از استعلام هویت از متهم، کیفرخواست توسط منشی دادگاه قرائت شده، آنگاه اظهارات دادستان و شاکی و سپس دفاعیات متهم شنیده می‌شود.

۱۸- عکسبرداری، فیلمبرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه:

• **در دادگاه کیفری دو و انقلاب با وحدت قاضی؛ ممنوع است.** اما رئیس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.

• **در دادگاه کیفری یک و انقلاب با تعدد قاضی؛ ضبط صوتی الزامی ولی ضبط تصویری به تشخیص دادگاه می‌باشد.**

ماده ۳۵۳ ق.آ.د. ک: "انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است. تبصره ۱- هرگونه عکسبرداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است. اما رئیس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود. تبصره ۲- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضاییه امکان پذیر است."

ماده ۴۰۰ ق.آ.د. ک: "محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می‌شود. انتشار آنها ممنوع و استفاده از آنها نیز منوط به اجازه دادگاه است."

۱۹- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده صرفاً در صورتی مجاز است که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد.

نکته: بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان پذیر است.

نکته: اگر بر خلاف مفاد ماده ۳۵۳ قانون، جریان رسیدگی، گزارش پرونده و یا مفاد حکم قطعی منتشر شود؛ در حکم افترا می باشد.

۲۰- در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در صحت اقرار، دادگاه شروع به تحقیقات از متهم می کند و اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره ای که دادستان، شاکی، مدعی خصوصی، متهم و یا وکیل آنان معرفی می کنند استماع می نماید. (ماده ۳۵۹ آ.د.ک)

۲۱- در مواردی که متهم به طور صریح اقرار به ارتکاب جرم می کند و هیچ گونه شک و شبهه ای در اقرار و نیز تردیدی در صحت و اختیاری بودن آن وجود ندارد؛ دادگاه به استناد اقرار وی رأی صادر می کند.

۲۲- دادگاه باید پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند.

ماده ۳۷۱ ق.آ.د.ک: "قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می شود و دادستان یا نماینده وی نیز می تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است."

۲۳- اگر رأی بر برائت، منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد؛ بلافاصله به دستور دادگاه آزاد می شود. (م ۳۷۶ آ.د.ک)

۲۴- اگر رأی غیرقطعی به حبس، شلاق تعزیری و یا جزای نقدی صادر شود و متهم در بازداشت باشد؛ مقام قضائی که پرونده تحت نظر او است باید با احتساب ایام بازداشت قبلی مراتب را به زندان اعلام کند تا وی بیش از میزان محکومیت در زندان نماند. (م ۳۷۷ آ.د.ک)

ب: دادگاه کیفری یک و انقلاب با تعدد قاضی

۲۵- در این دادگاه ها، وجود کیفرخواست کتبی برای شروع به رسیدگی الزامی است و دادگاه نمی تواند با کیفرخواست شفاهی یا صرفاً قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه رسیدگی را آغاز کند.

۲۶- در این دادگاه ها، به جز در جرائم سیاسی و مطبوعاتی، حضور وکیل متهم لازم است و بدون حضور او جلسه تشکیل نمی شود.

ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک: "در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی شود. چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می شود. تبصره ۱- هرگاه وکیل بدون عذر موجه از حضور در دادرسی امتناع کند، دادگاه مراتب را به مرجع صالح به منظور تعقیب وکیل متخلف اعلام می دارد. تبصره ۲- هرگاه پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم، وکیل تعیینی به دادگاه معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی می شود. تبصره ۳- تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم فقط برای یک بار قابل پذیرش است."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۲۷- مستفاد از ماده ۳۵۰ قانون؛ حضور وکیل و متهم هر دو هم زمان برای رسیدگی در خصوص ماده ۳۴۸ الزامی است و در صورت عدم حضور متهم:

- اگر قرار تأمین کفالت یا وثیقه از ناحیه غیر باشد؛ حسب مورد به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می‌شود تا متهم را حاضر نماید.
 - اگر قرار تأمین وجه التزام یا وثیقه از جانب خود متهم باشد؛ دستور اخذ وجه التزام یا ضبط وثیقه صادر خواهد شد.
- ۲۸- جلب بدون احضار متهم در دادگاه کیفری یک و نیز انقلاب با تعدد قاضی، فقط در جرائم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ و آن هم در صورت لزوم ممکن است. ولیکن در جرائم سیاسی و مطبوعاتی، جلب بدون احضار امکان پذیر نمی‌باشد.

گفتار دوم: کیفرخواست شفاهی

- ۲۹- کیفرخواست شفاهی وسیله‌ای است برای رسیدگی خارج از نوبت به پرونده‌هایی که به دلایلی مثل جریحه دار شدن احساسات عمومی، واکنش سریع جامعه در برابر جرم را ایجاب می‌کند.
- ۳۰- در کیفرخواست شفاهی؛ اصولاً در همان روز ارجاع پرونده به شعبه، رسیدگی به اتهام متهم و صدور حکم انجام می‌شود.
- ۳۱- این کیفرخواست کاملاً شفاهی و غیر مکتوب هم نیست؛ بلکه تقاضای محاکمه و مستندات اتهام پرونده مرقوم می‌گردند.
- ۳۲- رسیدگی با کیفرخواست شفاهی تابع شرایطی است:
- در خصوص جرائم موضوع ماده ۳۰۲ امکان پذیر نیست.
 - لازم است که شاکی و متهم حاضر بوده و یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد. لذا رسیدگی غیابی با کیفرخواست شفاهی مجاز نیست.
 - تحقیقات مقدماتی در دادسرا کامل شده باشد. (البته به جز صدور قرار تأمین؛ چرا که در انتهای ماده ۸۶ گفته اخذ تأمین مناسب با دادگاه است پس به صورت استثنائی در این موارد اخذ تأمین با دادگاه است نه بازپرس).
- ۳۳- برای رسیدگی با کیفرخواست شفاهی، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه می‌دهد و به متهم تفهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می‌شود.

مبحث دوم: بدون کیفرخواست

گفتار اول: بدون تحقیق در دادسرا

- ۳۴- در موارد جرائم افراد زیر پانزده سال، جرائم منافی عفت، جرائم تعزیری درجه هفت و هشت و جرائم ارتكابی در حوزه قضایی بخش، تحقیقات مقدماتی مستقیماً در دادگاه انجام می‌شود.
- ۳۵- در تمامی موارد فوق؛ رسیدگی دادگاه به دو بخش تحقیق و دادرسی تقسیم می‌شود که در بخش تحقیق، اقدامات دادرسی همانند بازپرس می‌باشد. بنابراین در این بخش، دادگاه می‌تواند صلاحیت را بررسی کند. قرار عدم صلاحیت یا قرار موقوفی با منع تعقیب صادر کند اما نیازی به صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست وجود ندارد.
- ۳۶- قرارهای قابل اعتراض اگر از دادگاه صادر شوند با وحدت ملاک از تبصره ماده ۸۰ در دادگاه تجدیدنظر استان قابل اعتراض خواهند بود.
- ۳۷- آن دسته از قرارهای بازپرس که نیازمند تأیید دادستان است (مانند قرار تعلیق تعقیب)؛ چنان چه از دادگاه صادر شوند نیازی به تأیید رئیس حوزه قضایی ندارند.

۳۸- پس از تکمیل تحقیقات، اگر طرفین حاضر باشند و برای آماده شدن جهت دفاع یا تسلیم دادخواست ضرر و زیان، درخواست مهلت نکنند؛ دادگاه جلسه رسیدگی را همان لحظه برگزار می‌کند و در غیر این صورت دادگاه با صدور قرار تأمین مناسب برای متهم، وقت دیگری را برای رسیدگی معین می‌نماید.

ماده ۳۴۰ ق.آ.د. ک: "جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود. در این مورد و سایر مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه پس از انجام تحقیقات به ترتیب زیر اقدام می‌کند: الف- چنانچه دادگاه خود را صالح به رسیدگی نداند، قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند و اگر مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب بداند، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند. ب- در غیر موارد مذکور در بند (الف)، چنانچه اصحاب دعوی حاضر باشند و درخواست مهلت نکنند، دادگاه با تشکیل جلسه رسمی، مبادرت به رسیدگی می‌کند. در صورتی که اصحاب دعوی حاضر نباشند یا برای تدارک دفاع یا تقدیم دادخواست ضرر و زیان، درخواست مهلت کنند، دادگاه با اخذ تأمین متناسب از متهم، وقت رسیدگی را تعیین و مراتب را به اصحاب دعوی و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، ابلاغ می‌کند."

۳۹- مطابق ماده ۳۴۳ قانون؛ فاصله بین ابلاغ احضاریه تا وقت رسیدگی نباید کمتر از هفت روز باشد.
۴۰- در موارد طرح مستقیم پرونده در دادگاه اگر دادگاه کیفری یک یا انقلاب با تعدد قاضی باشد؛ پس از تحقیقات مقدماتی نمی‌تواند بلافاصله وارد مرحله رسیدگی شود و باید قرار رسیدگی صادر نموده و تشریفات مربوط به جلسه مقدماتی از قبیل اخطار تعیین وکیل به متهم و اخطار به طرفین برای طرح ایرادات و اشکالات را به جا آورد.

ماده ۳۸۳ ق.آ.د. ک: "در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، پس از پایان تحقیقات مقدماتی، چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه حسب مورد، قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند."

ماده ۳۸۴ ق.آ.د. ک: "پس از ارجاع پرونده به دادگاه کیفری یک، در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون و یا پس از صدور قرار رسیدگی در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، هرگاه متهم وکیل معرفی نکرده باشد، مدیر دفتر دادگاه ظرف پنج روز به او اخطار می‌کند که وکیل خود را حداکثر تا ده روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند، مدیر دفتر، پرونده را نزد رییس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود."

ماده ۳۸۷ ق.آ.د. ک: "پس از تعیین وکیل، مدیر دفتر بلافاصله به متهم و وکیل او و حسب مورد، به شاکی یا مدعی خصوصی یا وکیل آنان اخطار می‌کند تا تمام ایرادها و اعتراض‌های خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تسلیم کنند. تجدید مهلت به تقاضای متهم یا وکیل او برای یک نوبت و به مدت ده روز از تاریخ اتمام مهلت قبلی، به تشخیص دادگاه بلامانع است."

ماده ۳۸۹ ق.آ.د. ک: "پس از اتمام مهلت اعم از آنکه ایراد و اعتراضی واصل شده یا نشده باشد، مدیر دفتر، پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند. رییس دادگاه، پرونده را شخصاً بررسی و گزارش جامع آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه ارجاع می‌کند. عضو مذکور حداکثر ظرف ده روز، گزارش مبسوط راجع به اتهام و ادله و جریان

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

پرونده را تهیه و تقدیم رییس می کند. دادگاه به محض وصول گزارش، جلسه مقدماتی اداری را تشکیل می دهد و با توجه به مفاد گزارش و اوراق پرونده و ایرادها و اعتراض های اصحاب دعوی به شرح زیر اقدام می کند: الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می کند و پرونده را نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست می فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند. ب- هرگاه موضوع، خارج از صلاحیت دادگاه باشد، قرار عدم صلاحیت صادر می کند. پ- در صورتی که به دلیل شمول مرور زمان، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و یا جهات قانونی دیگر، متهم قابل تعقیب نباشد، قرار موقوفی تعقیب صادر می کند. در این صورت چنانچه متهم زندانی باشد به دستور دادگاه، فوری آزاد می شود. تبصره- دادگاه می تواند در صورت ضرورت، دادستان یا نماینده او، شاکی یا مدعی خصوصی یا متهم و یا وکلای آنان را برای حضور در جلسه مقدماتی دعوت کند."

گفتار دوم: پس از تحقیق در دادسرا

۴۱- این حالت در موارد لزوم پرداخت دیه از بیت المال یا موارد لزوم پرداخت دیه توسط اشخاص، با وجود سقوط جنبه عمومی جرم رخ می دهد.

۴۲- در این موارد پس از صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب، پرونده با دستور دادستان و نه کیفرخواست به دادگاه ارسال می گردد.

ماده ۸۵ ق.آ.د. ک: "در مواردی که دیه باید از بیت المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می شود. تبصره ۱- حکم این ماده در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا با هر تصمیم دیگری در دادسرا مختومه می شود اما باید نسبت به پرداخت دیه تعیین تکلیف شود نیز جاری است. تبصره ۲- در مواردی که مسئولیت پرداخت دیه متوجه عاقله است، در صورت وجود دلیل کافی و با رعایت مقررات مربوط به احضار، به وی اخطار می شود برای دفاع از خود حضور یابد. پس از حضور، موضوع برای وی تبیین و اظهارات او اخذ می شود. هیچ یک از الزامات و محدودیت های مربوط به متهم در مورد عاقله قابل اعمال نیست. عدم حضور عاقله مانع از رسیدگی نیست."

۴۳- در موارد لزوم پرداخت دیه از بیت المال یا پرونده متهم ندارد و یا قابل شناسایی یا قابل دسترسی نیست.

۴۴- پس از ارسال پرونده به دادگاه، دادگاه باید از دستگاه پرداخت کننده دیه به منظور دفاع از حقوق بیت المال دعوت به عمل بیاورد. این دستگاه حق تجدید نظر خواهی از رأی را دارد.

تبصره ماده ۳۴۲ ق.آ.د. ک: "در دعاوی مربوط به مطالبه خسارت موضوع ماده (۲۶۰) این قانون و ماده (۳۰) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ و مواردی که دیه از بیت المال مطالبه می شود، دادگاه موظف است از دستگاه پرداخت کننده دیه یا خسارت به منظور دفاع از حقوق بیت المال برای جلسه رسیدگی دعوت نماید. دستگاه مذکور حق تجدیدنظر خواهی از رأی را دارد."

۴۵- از مصادیق صدور قرار موقوفی و ارسال پرونده به دادگاه برای پرداخت دیه؛ فوت متهم پس از ارتکاب جرم و یا جنون متهم در زمان ارتکاب جرم می باشد.

فصل دوم: رسیدگی مجدد

۱- در راستای جلوگیری از اعتراض بی دلیل و جلوگیری از اتلاف وقت و هزینه دادگستری ماده ۴۴۲ مقرر داشته "در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد محکوم علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادر کننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه قطعی است."

۲- عبارت صدر ماده ۴۴۲ عام بوده و شامل تمام جرائم تعزیری از درجه یک تا هفت می‌باشد. (چون مجازات‌های تعزیری درجه ۸ قابل اعتراض نیستند)

۳- منظور مقنن از عبارات "درخواست تجدیدنظر" یا "تجدیدنظرخواهی" معنای خاص آنها نبوده؛ بلکه منظور مطلق انصراف از اعتراض به رأی است، اعم از این که حکم قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان باشد یا قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور.

۴- با توجه به این که به موجب ماده ۴۳۳ به شاکی نیز مستقلاً حق تجدیدنظر یا فرجام خواهی از جنبه کیفری حکم علی الاطلاق داده شده است برای جمع مسالمت آمیز مواد ۴۳۳ و ۴۴۲ باید گفت در صورتی حکم ماده ۴۴۲ اجرا خواهد شد که علاوه بر دادستان، شاکی خصوصی هم درخواست تجدیدنظر یا فرجام نکرده باشد.

ماده ۴۳۳ ق.آ.د. ک: "اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر یا فرجام دارند: الف- محکوم علیه، وکیل یا نماینده قانونی او. ب- شاکی یا مدعی خصوصی و یا وکیل یا نماینده قانونی آنان. پ- دادستان از جهت برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات."

رأی وحدت رویه شماره ۷۷۲ مورخ ۹۷/۹/۲۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور: "ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر داشته در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد چنانچه محکوم علیه حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست را مسترد نماید دادگاه به موضوع رسیدگی و مجازات تعیین شده را در حد مقرر در آن ماده تخفیف می‌دهد با توجه به سیاق عبارات آن، برای دادگاه افاده تکلیف می‌نماید. از این رو از شمول مقررات تبصره ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ خارج است و رأی شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی کرمان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است."

رأی وحدت رویه شماره ۸۲۳ مورخ ۱۴۰۱/۴/۲۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور: "با توجه به اینکه فلسفه وضع ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، کاهش یک مرحله دادرسی و تسریع در قطعی شدن حکم است و در ماده ۴۳۳ همین قانون برای شاکی حق تجدیدنظرخواهی، به طور مطلق، پیش‌بینی شده و رسیدگی به درخواست تجدیدنظر شاکی، بعد از صدور حکم قطعی بر تخفیف مجازات در اجرای ماده صدرالذکر، نقض غرض و معارض با قطعی بودن حکم است و صدور دو حکم در موضوع واحد موجب اشکال در اجرا نیز می‌شود، بنابراین اعمال تخفیف مجازات در موارد عدم تجدیدنظرخواهی دادستان و اسقاط حق تجدیدنظرخواهی توسط محکوم علیه مطابق ماده ۴۴۲ قانون یادشده، در صورت فقدان شاکی و یا عدم

تجدیدنظرخواهی وی در مهلت و یا استرداد درخواست تجدیدنظر از سوی وی، امکان پذیر است. بنا به مراتب، رأی شعبه ۱۰۸ دادگاه کیفری دو اراک که با این نظر انطباق دارد، به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون مذکور، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است."

۵- در خصوص اجرای حکم ماده ۴۴۲ باید توجه داشت که تخفیف مورد نظر از نوع تقلیل مجازات است نه تبدیل آن.

۶- اگر محکوم علیه از حق خود انصراف ندهد؛ پرونده دوباره رسیدگی خواهد شد:

- این رسیدگی ممکن است در همان دادگاه بدوی رسیدگی کننده به حکم صورت بگیرد (در مورد احکام غیابی)
- یا ممکن است در دادگاه دیگری باشد (حسب مورد دادگاه تجدیدنظر و یا دیوان عالی کشور).

مبحث اول: رسیدگی به وخواهی از حکم غیابی

۷- پس از اعلام ختم دادرسی، دادگاه باید ظرف یک هفته اقدام به صدور رأی کند. در صورتی که دادگاه حکم غیابی صادر کند. این حکم قابل وخواهی از سوی محکوم علیه غایب در همان دادگاه است.

گفتار اول: حکم غیابی

ماده ۴۰۶ ق.آ.د. ک: "در تمام جرائم، به استثنای جرایمی که فقط جنبه حق اللهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می کند. در این صورت، چنانچه رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم باشد، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی، قابل وخواهی در همان دادگاه است و پس از انقضای مهلت وخواهی برابر مقررات حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام است. مهلت وخواهی برای اشخاص مقیم خارج از کشور، دو ماه است. تبصره ۱- هرگاه متهم در جلسه رسیدگی حاضر و در فاصله تنفس یا هنگام دادرسی بدون عذر موجه غائب شود، دادگاه رسیدگی را ادامه می دهد. در این صورت حکمی که صادر می شود، حضوری است. تبصره ۲- حکم غیابی که ظرف مهلت مقرر از آن وخواهی نشود، پس از انقضای مهلت های وخواهی و تجدیدنظر یا فرجام به اجراء گذاشته می شود. هرگاه حکم دادگاه ابلاغ واقعی نشده باشد، محکوم علیه می تواند ظرف بیست روز از تاریخ اطلاع، وخواهی کند که در این صورت، اجرای رأی، متوقف و متهم تحت الحفظ به همراه پرونده به دادگاه صادرکننده حکم اعزام می شود. این دادگاه در صورت اقتضاء نسبت به اخذ تأمین یا تجدیدنظر در تأمین قبلی اقدام می کند. تبصره ۳- در جرایمی که فقط جنبه حق اللهی دارند، هرگاه محتویات پرونده، مجرمیت متهم را اثبات نکند و تحقیق از متهم ضروری نباشد، دادگاه می تواند بدون حضور متهم، رأی بر برائت او صادر کند."

ماده ۴۰۷ ق.آ.د. ک: "دادگاه پس از وخواهی، با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می کند و پس از بررسی ادله و دفاعیات وخواه، تصمیم مقتضی اتخاذ می نماید. عدم حضور طرفین یا هر یک از آنان مانع رسیدگی نیست."

۸- حکم دادگاه هنگامی غیابی است که متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و لایحه هم نفرستاده باشند. در غیر این صورت رأی دادگاه حضوری خواهد بود.

۹- رأی دادگاه نسبت به شاکی همیشه حضوری محسوب می شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۱۰- اهمیت حضور یا عدم حضور متهم یا وکیل او مربوط به مرحله رسیدگی است نه مرحله تحقیقات مقدماتی. پس اگر متهم یا وکیل او در مرحله تحقیقات مقدماتی حاضر بوده باشند ولی پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، در هیچ یک از جلسات حاضر نشوند و لایحه هم نفرستاده باشند، باز هم حکم غیابی خواهد بود.

۱۱- در زمان طرح پرونده در دادگاه، حضور در جلسه رسمی رسیدگی به پرونده ملاک صدور حکم غیابی یا حضوری است نه مراجعه‌های دیگر به دادگاه.

۱۲- صدور حکم غیابی در تمام جرائم ممکن است؛ مگر جرایمی که فقط جنبه حق الهی دارند.

نکته: منظور مقنن از جرائمی که فقط جنبه حق الهی دارند جرائمی است که نه جنبه حق الناس دارند و نه جنبه نظم عمومی، مانند مصرف مسکر.

۱۳- در جرائم حق الهی، پرونده باید تا دستگیری و حضور متهم مفتوح بماند؛ مگر این که اساساً دلیلی در پرونده علیه متهم نباشد و اخذ توضیحات از او هم ضرورت نداشته باشد که در این صورت فقط صدور حکم برائت متهم به طور غیابی مجاز است.

گفتار دوم: واخواهی از حکم غیابی و رسیدگی مجدد

۱۴- حکم غیابی قابل اعتراض است و این اعتراض و واخواهی نامیده می‌شود. مرجع رسیدگی به واخواهی، همان دادگاه صادر کننده حکم است.

۱۵- واخواهی توسط کسی می‌تواند صورت بگیرد که حکم نسبت به او غیابی باشد. بنابراین دادستان، شاکی، شریک و معاونی که حکم نسبت به آنها حضوری باشد نمی‌توانند واخواهی نمایند.

۱۶- حکم غیابی یا حکم به محکومیت است و یا حکم به برائت. از آن جا اعتراض به حکم غیابی برائت نفعی برای متهم ندارد، تنها امکان واخواهی از حکم محکومیت برای متهم وجود دارد نه حکم برائت.

۱۷- مهلت و واخواهی از حکم غیابی بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی حکم است و در صورتی که ابلاغ قانونی باشد بیست روز از تاریخ اطلاع متهم از حکم می‌باشد. در مورد اشخاص مقیم خارج این مدت دو ماه است.

۱۸- ابلاغ حکم به وکیل متهم، ابلاغ واقعی محسوب می‌شود و ابلاغ به دفتر وکیل یا کارمندان دفتر وکیل، ابلاغ قانونی تلقی می‌شود.

۱۹- اطلاع یا عدم اطلاع امری ذهنی است و باید به کمک دلایل و قرائنی معلوم گردد. اگر دلیل و قرینه‌ای دال بر اطلاع متهم وجود نداشته باشد، در ابلاغ قانونی طبق اصل استصحاب اصل بر عدم اطلاع می‌باشد.

۲۰- دادگاه پس از واخواهی با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می‌کند و پس از بررسی ادله و دفاعیات واخواه، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. عدم حضور طرفین یا هر یک از آنان مانع رسیدگی نخواهد بود.

۲۱- در دادگاه‌های کیفری یک و انقلاب با تعدد قاضی، در هر مورد که دادگاه بخواهد رسیدگی غیابی کند باید از قبل قرار رسیدگی غیابی صادر کند. در این قرار موضوع اتهام و وقت دادرسی و نتیجه عدم حضور قید و مراتب دو نوبت به فاصله ده روز در یکی از روزنامه‌های کثیر الانتشار ملی یا محلی آگهی می‌شود. فاصله بین تاریخ آخرین آگهی و وقت دادرسی نباید کمتر از یک ماه باشد.

ماده ۳۹۴ ق.آ.د. ک: "هرگاه متهم متواری باشد یا دسترسی به وی امکان نداشته باشد و احضار و جلب او برای تعیین وکیل یا انجام تشریفات راجع به تشکیل جلسه مقدماتی یا دادرسی مقدور نباشد و دادگاه حضور متهم را برای دادرسی ضروری تشخیص ندهد، به تشکیل جلسه مقدماتی مبادرت می‌ورزد و در غیاب متهم، اقدام به رسیدگی می‌کند، مگر آنکه دادستان احضار متهم را ممکن بداند که در این صورت دادگاه پس از تقاضای دادستان، مهلت مناسبی برای احضار یا جلب متهم به وی می‌دهد. مهلت مذکور نباید بیشتر از پانزده روز باشد. تبصره ۱- در

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

هر مورد که دادگاه بخواهد رسیدگی غیابی کند، باید از قبل قرار رسیدگی غیابی صادر کند. در این قرار، موضوع اتهام و وقت دادرسی و نتیجه عدم حضور قید و مراتب دونوبت به فاصله ده روز در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی آگهی می‌شود. فاصله بین تاریخ آخرین آگهی و وقت دادرسی نباید کمتر از یک‌ماه باشد. تبصره ۲- هرگاه متهمان متعدد و بعضی از آنان متواری باشند، دادگاه نسبت به متهمان حاضر شروع به رسیدگی می‌نماید و در مورد غایبان به ترتیب فوق رسیدگی می‌کند."

۲۲- پس از رسیدگی به واخواهی، رأی دادگاه ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ حسب مورد قابل تجدیدنظر خواهی یا فرجام خواهی است. پس اگر مهلت واخواهی منقضی شود و محکوم علیه واخواهی نکند؛ از تاریخ انقضاء مهلت مذکور، وی حسب مورد حق تجدیدنظر خواهی یا فرجام خواهی خواهد داشت.

۲۳- از نظر امکان اجرای حکم غیابی؛ ابلاغ حکم چه واقعی باشد و چه قانونی، برای اجرا کافی است. به این صورت که پس از گذشت مهلت‌های مقرر از زمان ابلاغ قانونی یا واقعی برای واخواهی و تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی، حکم به اجرا در می‌آید. اما در صورتی که ابلاغ قانونی باشد و متهم پس از اجرای حکم از آن مطلع شود طبق تبصره ماده ۴۰۶ می‌تواند ظرف بیست روز درخواست واخواهی دهد. در این صورت اجرای حکم متوقف می‌شود و متهم تحت الحفظ به همراه پرونده به دادگاه صادر کننده اعزام می‌شود. دادگاه در خصوص تأمین مناسب تصمیم‌گیری خواهد نمود.

مبحث دوم: رسیدگی به اعتراض به حکم حضوری

۲۴- اصل بر قابل تجدیدنظر بودن آراء می‌باشد و تعداد آرای قطعی بسیار اندک و محدود به موارد مندرج در ماده ۴۲۷ قانون است:

- جرائم تعزیری درجه هشت.
- جرائم مستلزم پرداخت دیه یا آرش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد.

ماده ۴۲۷ ق.آ.د. ک: "آرای دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است: الف- جرائم تعزیری درجه هشت باشد. ب- جرائم مستلزم پرداخت دیه یا آرش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد. تبصره ۱- در مورد مجازات‌های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدیدنظر، همان مجازات قانونی اولیه است. تبصره ۲- آرای قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار رد درخواست واخواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظرخواهی باشد."

۲۵- مستند به ماده ۴۴۵ قانون؛ تمام آرای صادره از دادگاه اطفال و نوجوانان قابل تجدیدنظرخواهی است.

۲۶- رأی اعم از حکم یا قرار است. اصل بر قابل اعتراض بودن قرارهایی است که اصدار آن‌ها موجبات اضرار به حقوق اصحاب دعوا را فراهم سازد است. طبق تبصره ۲ ماده ۴۲۷ لازم نیست که حکم دادگاه دائر بر محکومیت باشد تا قابلیت تجدید نظر یا فرجام یابد؛ بلکه حکم برائت، قرار منع یا موقوفی تعقیب، قرار اعدادی، قرار اناطه، قرار تعویق صدور حکم و... نیز قابلیت اعتراض را دارند؛ مگر این که در مورد جرائم بندهای الف و ب ماده ۴۲۷ صادر شده باشند.

۲۷- در تمام موارد؛ ملاک تشخیص آراء قطعی یا قابل اعتراض، مجازات قانونی است نه مجازات قضایی (دادنامه‌ای)

۲۸- در برخی موارد که حکم دادگاه کیفری علاوه بر مجازات به معنای خاص، حاوی محکومیت به پرداخت دیه یا ضرر و زیان هم باشد، قابلیت تجدیدنظرخواهی دیه (بر اساس بند ب ماده ۴۲۷ ق.آ.د. ک) و قابلیت تجدید نظر خواهی خسارت (بر اساس ماده ۳۳۱ ق.آ.د. م) در صورتی خواهد بود که خواسته ضرر و زیان خواهان بیشتر از سه میلیون ریال باشد.

ماده ۳۳۱ ق.آ.د. م: "احکام زیر قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد: الف- در دعاوی مالی که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون (۳/۰/۰) ریال متجاوز باشد. ب- کلیه احکام صادره در دعاوی غیرمالی. ج- حکم راجع به متفرعات دعوا در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد. تبصره- احکام مستند به اقرار در دادگاه یا مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتباً رأی آنان را قاطع دعوا قرار داده باشند قابل درخواست تجدیدنظر نیست مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادر کننده رأی."

۲۹- قانونگذار در ماده ۴۲۹ ق.آ.د.ک به طور استثنائی حقی را به این نحو قرار داده که مثلاً اگر حکم دادگاه مبنی بر محکومیت متهم به مجازات تعزیری درجه شش و پرداخت دو میلیون ریال ضرر و زیان ناشی از جرم باشد و یا این که حکم مزبور حکایت از محکومیت متهم به مجازات تعزیری درجه هشت و پرداخت چهار میلیون ضرر و زیان ناشی از جرم باشد، هر دو جنبه کیفری و حقوقی این حکم قابل تجدید نظر خواهی است.

ماده ۴۲۹ ق.آ.د. ک: "در مواردی که رأی دادگاه توأم با محکومیت به پرداخت دیه، آرش یا ضرر و زیان است، هرگاه یکی از جنبه‌های مزبور قابل تجدیدنظر یا فرجام باشد، جنبه‌های دیگر رأی نیز به تبع آن، حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام است."

۳۰- تجدید نظر خواهی یا فرجام خواهی نسبت به جنبه کیفری حکم نیازمند تنظیم فرم‌های مخصوص نبوده ولی مستلزم پرداخت هزینه مربوط به آن است. اما اگر اعتراض نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم باشد هم دادخواست لازم است و هم پرداخت هزینه دادرسی.

۳۱- لزوم پرداخت هزینه تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی **سه استثناء** دارد:

- در صورتی که متهم در زندان باشد؛ از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر یا فرجام در امری که به موجب آن زندانی است معاف می‌گردد.

ماده ۴۳۸ ق.آ.د. ک: "هرگاه تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه زندانی باشد، حسب مورد از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر یا فرجام در امری که به موجب آن زندانی است، معاف می‌گردد."

- در صورتی که متهم هم از جنبه کیفری و هم از جنبه ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد (با دادخواست حقوقی جداگانه یا بدون آن)؛ چنانچه همزمان نسبت به هر دو جنبه اعتراض کند، فقط هزینه تجدیدنظر یا فرجام در امر کیفری را می‌پردازد.
- طرفین می‌توانند نسبت به هزینه دادرسی مدعی اعسار شوند که بررسی آن بر عهده دادگاه صادر کننده حکم نخستین است.

۳۲- چنانچه دادگاه صادر کننده حکم بدوی، دادگاه کیفری یک یا انقلاب با تعدد قاضی بوده و در محل وقوع جرم تشکیل نشده باشد؛ به استناد ماده ۴۰۱ قانون، فرجام خواهی از این حکم بر عهده دادستان محل وقوع جرم است نه دادستان شهرستان محل تشکیل دادگاه.

۳۳- مهلت درخواست یا دادخواست تجدیدنظر و فرجام برای اشخاص مقیم ایران **بیست روز** و برای اشخاص مقیم **خارج از کشور دو ماه** از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت واخواهی است."

۳۴- هرگاه تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، خارج از مهلت مقرر تقدیم شود و درخواست کننده عذر موجهی (طبق ماده ۱۷۸ قانون) عنوان کند، دادگاه صادرکننده رأی ابتدا به عذر او رسیدگی می‌نماید و در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می‌کند.

۳۵- تجدیدنظرخواه یا فرجام خواه باید درخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رأی بدوی تسلیم کند ولی می‌تواند آن را مستقیماً به دفتر دادگاه تجدیدنظر و اگر در بازداشت به سر می‌برد به دفتر زندان تقدیم نماید. در دو مورد اخیر، دفتر دادگاه تجدیدنظر و دفتر بازداشتگاه مکلفند درخواست مزبور را برای اقدامات بعدی به دفتر دادگاه صادر کننده رأی بدوی ارسال کنند.

گفتار اول: رسیدگی تجدیدنظر

۳۶- در دادگاه تجدیدنظر، برای رسیدگی به پرونده‌ها ابتدا باید گزارش جامعی از پرونده توسط رئیس و یا مستشار به تعیین رئیس، تهیه شود. پس از قرائت این گزارش در جلسه، یکی از اقدامات زیر انجام می‌شود:

- اگر تحقیقات صورت گرفته ناقص باشد؛ دادگاه خودش آن را تکمیل می‌کند یا دستور انجام آن را به دادسرا یا دادگاه بدوی ارسال می‌کند.

- اگر تحقیقات کامل باشد ولی رأی بدوی به صورت قرار باشد و دادگاه تجدید نظر آن را درست تشخیص دهد؛ قرار را تأیید و اگر آن را نادرست بداند قرار را نقض کرده و پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه صادر کننده قرار عودت می‌دهد.

- اگر تشخیص دهد که دادگاه بدوی صلاحیت ذاتی یا محلی نداشته است؛ رأی را نقض کرده پرونده را برای رسیدگی به دادگاه صالح ارسال می‌دارد و مراتب را به دادگاه صادر کننده رأی اعلام می‌دارد.

- اگر به عقیده دادگاه تجدید نظر عمل مرتکب عنوان جزایی نداشته باشد؛ رأی بدوی را نقض و حکم برائت صادر می‌کند.
- اگر متهم به لحاظ جنون، توبه، شمول مرور زمان یا عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی قابل تعقیب نباشد؛ ضمن نقض رأی بدوی؛ قرار موقوفی تعقیب متهم را صادر می‌نماید.

۳۷- اگر هیچ یک از موارد فوق اتفاق نیفتد؛ دادگاه در موارد ذیل برای تأیید یا نقض حکم باید طرفین را احضار کرده و جلسه رسیدگی برگزار نماید، هر چند طرفین یا یکی از آنها حضور نیابد و وکیل نیز معرفی نکند:

- جرائم مستوجب مجازات‌های حدود، قصاص.
- جرائم غیرعمدی مستوجب بیش از نصف دیه.
- جرائم تعزیری درجه چهار و پنج باشد به طور مطلق.
- جرائم تعزیری درجه شش و هفت در صورت محکومیت به حبس.
- در سایر جرائم در صورت اقتضاء.

نکته: در غیر از این موارد تشکیل یا عدم تشکیل جلسه دادرسی بستگی به نظر دادگاه دارد.

۳۸- در مواردی که رسیدگی در دادگاه تجدید نظر استان مستلزم تعیین وقت و احضار طرفین است، رسیدگی با حضور دادستان شهرستان مرکز استان یا یکی از معاونان یا دادیاران وی و با رعایت ماده (۳۰۰) این قانون به ترتیب زیر انجام می‌شود:

- قرائت گزارش پرونده و تحقیقات و اقدامات انجام شده توسط یکی از اعضای دادگاه.
- طرح سؤالات لازم و تحقیق از طرفین توسط رئیس یا مستشار و استماع دفاعیات آنان.
- کسب اطلاع از شهود و مطلعان در صورت لزوم.
- اظهار عقیده دادستان یا نماینده او.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

• استماع اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی.

• آخرین دفاعیات متهم یا وکلای آنان.

۳۹- دادگاه تجدید نظر استان پس از تشکیل جلسه رسیدگی و اعلام ختم دادرسی به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کند:

• هرگاه رأی مورد تجدید نظرخواهی مطابق ادله موجود در پرونده و طبق قانون صادر شده باشد؛ رأی را تأیید و پرونده را به دادگاه صادر کننده رأی اعاده می‌کند.

• هرگاه متهم به جهات قانونی قابل تعقیب نباشد یا دادگاه تجدید نظر استان به هر دلیل براءت متهم را احراز کند؛ رأی تجدید نظرخواسته را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند، هر چند محکوم علیه درخواست تجدید نظر نکرده باشد و چنان چه محکوم علیه زندانی باشد به دستور دادگاه فوری آزاد می‌شود.

• چنان چه رأی تجدید نظرخواسته را مخالف قانون تشخیص دهد؛ با استدلال و ذکر مبانی و مستند قانونی آن را نقض و در ماهیت انشای رأی می‌کند.

۴۰- در خصوص جرائم مستوجب تعزیر یا اقدامات تأمینی یا تربیتی، وقتی دادگاه تجدید نظر رأی تجدید نظر خواسته را نقض و اقدام به صدور رأی می‌کند برای صدور حکم براءت یا موقوفی جدد با محدودیت مواجه نیست اما برای صدور حکم محکومیت با قاعده منع تشدید مجازات در مرحله تجدید نظر مواجه است.

۴۱- طبق این قاعده؛ دادگاه تجدیدنظر حق ندارد مجازات دادنامه بدوی را تشدید نماید؛ مگر در دو مورد:

• وقتی که دادستان و شاکی به حکم دادگاه اعتراض دارند.

• در موردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی باشد که در قانون مقرر شده بدون این که کیفیات مخففه اثرگذار باشند و این امر مورد تجدید نظرخواهی شاکی و یا دادستان قرار گرفته باشد.

۴۲- در مواردی که رأی دادگاه تجدید نظر استان بر محکومیت متهم باشد و متهم و یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی نخستین و تجدید نظر حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده باشد؛ رأی دادگاه تجدید نظر استان ظرف بیست روز پس از ابلاغ واقعی به متهم یا وکیل او قابل واخواهی و رسیدگی در همان دادگاه است. رأیی که در این مرحله صادر می‌شود قطعی است.

گفتار دوم: رسیدگی فرجامی

۴۳- در دیوان عالی کشور اصولاً رسیدگی شکلی است. یعنی به صلاحیت، شیوه رسیدگی و تحقیقات، ارزش ادله و انطباق حکم با قانون پرداخته می‌شود.

۴۴- در دیوان عالی کشور اصل بر این است که طرفین احضار نمی‌شوند؛ مگر این که شعبه رسیدگی کننده حضور آنها را لازم بداند.

۴۵- ابتدا توسط رئیس شعبه یا عضو دیگری به تعیین او گزارشی از پرونده تهیه می‌شود. عضو ممیز گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل درباره فرجام خواهی و جهات قانونی آن است به صورت مستدل تهیه و به رئیس شعبه تسلیم می‌کند. در هنگام رسیدگی به پرونده ابتدا این گزارش قرائت می‌شود و قبل از تصمیم گیری اعضاء، دادستان کل کشور یا نماینده او (معمولاً دادیار دیوان عالی) باید نظر خود را در مورد نقض یا تأیید رأی اعلام دارند که در متن دادنامه نیز درج خواهد شد:

• اگر از نظر اعضاء رأی صحیح و قابل تأیید باشد؛ پرونده مختومه و جهت اجرای مفاد آن به مرجع صادر کننده رأی اعاده می‌گردد.

• اگر نظر اعضاء این باشد که بررسی‌ها و تحقیقات انجام شده در مراحل قبلی ناقص است؛ رأی را نقض کرده و با ذکر موارد نقص و دستور رفع نقص، پرونده را به دادگاه صادر کننده حکم باز می‌گرداند تا دادگاه پس از رفع نقص، اقدام به صدور رأی مجدد نماید. این رأی نیز قابل فرجام خواهی خواهد بود.

• اگر نظر اعضاء این باشد که رأی برخلاف قانون و مستندات پرونده است؛ رأی را نقض و پرونده را جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض دادگاه نخستین صادر کننده حکم می‌فرستد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- در صورتی که رأی فرجام خواسته به صورت قرار باشد و در دیوان نقض شود؛ پرونده برای ورود در ماهیت و صدور حکم به همان دادگاه صادر کننده رأی اعاده می گردد.
 - اگر رأی فرجام خواسته صحیح نبوده و قابل نقض باشد اما دیوان کشور اساساً آن عمل را جرم نداند و یا با فرض جرم بودن عمل آن جرم را مشمول مرور زمان یا عفو عمومی یا نظایر آن بداند که امکان تعقیب متهم وجود نداشته باشد تا توجیهی برای ارسال پرونده به دادگاه نخستین شود؛ رأی مذکور در دیوان نقض و پرونده همان جا مختومه می شود (نقض بلا ارجاع).
 - در سایر موارد مانند رأیی که از دادگاه غیر صالح صادر شده است یا رأیی که مغیر با قانون است، پرونده پس از نقض رأی به دادگاه دیگری غیر از دادگاه صادر کننده حکم واگذار می گردد.
 - ۴۶- دادگاهی که دیوان پرونده را به آن ارجاع می دهد با دعوت از طرفین رسیدگی کرده و اقدام به صدور حکم می کند. این دادگاه در هر صورت الزامی به تبعیت از استنباط و رأی دیوان عالی کشور ندارد.
 - ۴۷- رأی دادگاهی که دیوان پرونده را به آن ارجاع داده است قطعی نبوده و قابل اعتراض است. در صورت اعتراض مجدد:
 - اگر رأی مذکور با رأی دادگاه قبلی متفاوت باشد؛ شعبه دیوان به آن رسیدگی کرده و مطابق آن چه گفته شد تصمیم می گیرد.
 - چنان چه رأی مزبور همانند حکمی باشد که یک بار شعبه دیوان به آن رسیدگی و آن را نقض نموده است (دادگاه بدوی به رأی خود اصرار داشته باشد):
 - اگر شعبه دیوان این بار استدلال دادگاه را بپذیرد حکم را تأیید می کند.
 - در غیر این صورت؛ پرونده جهت اتخاذ تصمیم در مورد حکم مذکور در هیأت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور مرکب از رؤسا و مستشاران کلیه شعب کیفری دیوان مطرح می شود. چنان چه هیأت عمومی حکم دادگاه بدوی را صحیح بداند آن را تأیید کرده و پرونده مختومه می گردد و اگر نظر شعبه دیوان را صحیح تشخیص بدهد، حکم مذکور را نقض می کند و پرونده جهت رسیدگی و صدور حکم به شعبه دیگری هم عرض دادگاه صادر کننده حکم ارسال می شود. دادگاه مزبور بر اساس استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور حکم صادر می کند.
- نکته:** ظاهراً هدف قانون گذار این بوده که دادگاه مذکور را دست کم ملزم به صدور حکم بر پایه همان استدلالی نماید که هیأت عمومی داشته؛ هر چند که در نتیجه گیری به گونه دیگری بیاندیشد و حکم دهد. ولی به نظر می رسد در رویه، رأی اصراری برای دادگاه مورد بحث، فقط جنبه مشورتی دارد.

فصل سوم: رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان

مبحث اول: تشکیلات

- ماده ۴۰۸ ق.آ.د. ک: "رییس دادگستری یا رییس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان هر حوزه حسب مورد ریاست دادگاههای اطفال و نوجوانان را نیز برعهده دارد."
- ماده ۴۰۹ ق.آ.د. ک: "قضات دادگاه و دادرای اطفال و نوجوانان را رییس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می کند."
- ماده ۴۱۰ ق.آ.د. ک: "مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

و بازنشسته انتخاب می‌شوند. تبصره ۱- برای انتخاب مشاوران، رییس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بداند به رییس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رییس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است. تبصره ۲- در صورت مؤنث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد."

ماده ۴۱۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه باز بماند، رییس دادگستری می‌تواند شخصاً به جای او انجام وظیفه کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به جای قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به طور موقت مأمور رسیدگی نماید."

۱- انتخاب قضات دادرسی و دادگاه اطفال و نوجوانان توسط رئیس قوه قضائیه ولی انتخاب مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان توسط رئیس کل دادگستری استان انجام می‌شود.

مبحث دوم: ترتیب رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان

ماده ۴۱۲ ق.آ.د. ک: "دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند. تبصره ۱- هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هیجده سال و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می‌شود. تبصره ۲- در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت و همچنین در جرائم تعزیری که مجازات قانونی آنها غیر از حبس است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید."

۲- شرایط لازم برای جواز رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در وقت فوق العاده:

- متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند.
- جرم تعزیری درجه ۱ تا ۵ (غیر حبسی) باشد و یا درجه ۶ تا ۸ (اعم از حبسی یا غیر آن) باشد.

ماده ۴۱۳ ق.آ.د. ک: "در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است."

نکته: از قسمت اخیر ماده ۴۱۳ نتیجه می‌شود که در جرائم اطفال و نوجوانان اصل علنی بودن محاکمه رعایت نمی‌شود.

ماده ۴۱۴ ق.آ.د. ک: "هرگاه مصلحت طفل موضوع تبصره (۱) ماده (۳۰۴) این قانون، اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می‌شود."

نکته: در مورد اطفال (افرادى که به حد بلوغ شرعى نرسیده‌اند) حکم غیابی نداریم؛ حتی اگر طفل بنا به اقتضای مصلحت، در تمام یا قسمتی از دادرسی حضور نداشته باشد.

۳- موارد الزامی مداخله وکیل در جرائم اطفال و نوجوانان:

- جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است.
- جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا آرش بیش از خمس دیه کامل است.
- در جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۶

ماده ۴۱۵ ق.آ.د. ک: "در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا آرش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می شود. در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می تواند از خود دفاع کند."

ماده ۴۱۶ ق.آ.د. ک: "به دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم که در دادگاه اطفال و نوجوانان مطرح می گردد، طبق مقررات قانونی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می شود. در هنگام رسیدگی به دعوای ضرر و زیان، حضور طفل لازم نیست، مگر در صورتی که توضیحات وی برای صدور رأی ضروری باشد."

ماده ۴۱۷ ق.آ.د. ک: "آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان علاوه بر شاکی، متهم و محکوم علیه، به ولی یا سرپرست قانونی متهم و محکوم علیه و در صورت داشتن وکیل به وکیل ایشان نیز ابلاغ می شود."

بخش ششم: ادله اثبات دعوی در امور کیفری

فصل اول: اهمیت دلیل در امور کیفری و تکلیف ارائه آن

- ۱- **دلیل؛** به هرگونه وسیله ای که وجود یا عدم امری یا صحت و سقم ادعایی را اثبات کند می گویند.
 - ۲- دلایل در امور کیفری از اهمیت بیشتری نسبت به امور حقوقی برخوردارند. در امور حقوقی معمولاً طرفین هنگام ایجاد رابطه حقوقی، به ایجاد دلیل اثبات نیز مبادرت می ورزند. اما در امور کیفری، اصولاً اثبات وقایعی مطرح است که تحقق آن از پیش معلوم نبوده و کسی درصدد تهیه دلیل اثبات آن نیز برنیامده است. بنابراین دلایل بعد از واقعه مجرمانه باید جمع آوری شوند.
 - ۳- نقش قاضی در امور کیفری فعال تر از رسیدگی های حقوقی می باشد. در این راستا وی باید از دادسرا و ضابطان کمک بگیرد.
 - ۴- اصل برائت یکی از اصول تضمین کننده حقوق و آزادی های فردی است که مطابق آن هر کس بی گناه فرض می شود؛ مگر این که ارتکاب جرمی توسط او به اثبات برسد. در رسیدگی های کیفری، اثبات جرم به موجب حکم قطعی دادگاه است. اولین اثر این اصل این است که بار ارائه دلیل مجرمیت متهم بر عهده دادستان است که در دعوای عمومی طرف اصلی متهم محسوب می شود. در صورت وجود شاکی خصوصی وی نیز همچون دادستان مکلف است که دلیل مجرمیت متهم را ارائه دهد.
 - ۵- در هر جرم باید سه عنصر قانونی، مادی و روانی جرم که منتسب به متهم است اثبات شوند:
- **عنصر قانونی؛** ثابت کردن وجود متن قانونی است که عمل منتسب به متهم را جرم دانسته و در زمان تحقق عنصر مادی جرم، لازم الاجرا بوده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

• **عنصر مادی؛** تجلی خارجی فکر مرتکب است که معمولاً به صورت رفتار (اعم از فعل، ترک فعل، حالت، وضعیت و یا نگهداری) بروز می‌کند.

• **عنصر روانی؛** نشان دهنده حالت ذهنی مرتکب یا محتوای ذهن او در هنگام ارتکاب عمل است. این حالت ذهنی در برخی جرائم قصد و خواست ارتکاب جرم است و در بعضی از جرائم صرف بی احتیاطی و بی مبالاتی.

۶- لزوم اثبات مجرمیت متهم توسط مرجع تعقیب، این نتیجه را در پی دارد که پس از اثبات این امر، در صورت ادعای وجود یک عامل توجیه کننده نظیر دفاع مشروع یا هر عامل دیگری که سبب سلب مسئولیت کیفری یا مجازات از متهم شود، طبق قاعده "البینه علی المدعی" متهم باید وجود چنین عاملی را اثبات کند.

۷- چون اصل بر بی گناهی متهم است نیازی به اثبات بی گناهی نیست؛ چراکه اصل نیاز به اثبات ندارد. همچنین وی مجبور به اعتراف نیست و طبق اصل ۳۸ قانون اساسی، کسی نباید برای گرفتن اعتراف تحت شکنجه قرار بگیرد.

۸- در موارد شک و تردید در مفهوم قانون یا در تعیین موضوع باید تفسیر به نفع متهم کرد؛ چرا که بقاء بر اصل، نیازمند دلیل نمی‌باشد؛ بلکه خروج از اصل نیازمند دلیل است.

فصل دوم: ارزیابی دلایل

۱- در دنیا دو نظام ارزیابی دلایل وجود دارد:

• **نظام دلایل قانونی؛** که دلایل و ارزش اثباتی هر یک از قبل تعیین گردیده و در صورت ارائه آنها قاضی حتی بر خلاف عقیده خود ناگزیر به صدور حکم بر اساس آن دلایل است و راه دیگری ندارد. در این نظام دلایل خود موضوعیت یافته و نقش قاضی به احراز دلایل موردنظر قانونگذار تنزل می‌یابد. در گذشته در نظام دلایل قانونی گاهی برای ایجاد دلیل به زور و خشونت توسل می‌شده مثلاً برای گرفتن اقرار، شکنجه صورت می‌گرفته است.

• **نظام اعتقاد درونی (یا اقناع وجدانی)؛** که در آن قاضی ملزم به قبول هیچ دلیلی نیست؛ بلکه در ارزیابی ارزش و اعتبار هر دلیل آزادی کامل دارد. در این نظام دلایل موضوعیت ندارند بلکه طریقت دارند. در نظام اقناع وجدانی، اصل آزادی دلیل شکل گرفته است که به موجب آن قاضی در ارزیابی دلایل و تعیین ارزش و اعتباری که باید به هر دلیل بدهد از آزادی عمل کامل برخوردار است. تنها محدودیت اصل آزادی دلیل، استفاده از طرق غیرقانونی برای تحصیل دلیل است. یعنی قاضی می‌تواند به هر دلیلی که موجب اقناع وجدانی او شود استناد نماید؛ مگر دلایلی که به طرق غیر قانونی تحصیل شده باشند. طبق این محدودیت ضابطان و مقامات قضایی در جمع آوری دلایل باید به گونه‌ای عمل کنند که حقوق متهم و کرامت انسانی او در جریان فرایند کیفری حفظ گردد.

۲- در ایران؛ قبل از انقلاب نظام اقناع وجدانی حاکم بود. بعد از انقلاب قانونگذار با توجه به جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات، دلایل اثبات هر جرم را جداگانه بیان نمود. هم اکنون قانون گذار ادله اثبات در امور کیفری را در مواد ۱۶۰ الی ۲۱۶ ق.م.ا.پیش بینی نموده است. ماده ۳۱۸ ق.آ.د.ک نیز ادله را به همان مواد از ق.م.ا.ارجاع داده است.

۳- به طور کلی می‌توان گفت در جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات؛ نظام دلایل قانونی با اندکی تغییر و در جرائم مستوجب تعزیر نظام اقناع و جدانی پذیرفته شده است.

۴- در نظام قانونی پذیرفته شده در ایران، از اهمیت و ارزش اغراق آمیز دلایل به شکل سابق کاسته شده است. مثلاً قاضی با علم به بی گناهی طرف می‌تواند به اقرار وی ترتیب اثر نبخشد. ولی لازم هم نیست قاضی برای صدور حکم محکومیت به علم و اقناع وجدانی برسد.

۵- در جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات دلایل موضوعیت دارند نه طریقت. یعنی با ارائه آنها جرم ثابت می‌شود نه این که لازم باشد این دلایل طریقه تحصیل علم قاضی باشند.

ماده ۱۶۱ ق.م.ا: "در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد، اثبات می‌شود، قاضی به استناد آنها رأی صادر می‌کند مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد."

ماده ۱۶۲ ق.م.ا: "هر گاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود."

فصل سوم: مهم‌ترین دلایل اثبات در امور کیفری

۱- در نظام اقناع وجدانی، علم قاضی شرط اثبات جرم است و با توجه به اصل آزادی دلیل، هر دلیلی که در پرونده کیفری مضبوط بوده و در جریان رسیدگی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در مرجع بالاتر قابل کنترل باشد، می‌تواند موجب این علم باشد.

ماده ۲۱۱ ق.م.ا: "علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند. تبصره- مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد."

ماده ۱۶۰ ق.م.ا: "ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است. ..."

ماده ۱۶۴ ق.م.ا: "اقرار عبارت از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است"

- ۲- گاهی به دلایل احساسی یا عاطفی، اقرار برای رهنیدن مرتکب اصلی از تعقیب و مجازات صورت می‌گیرد.
- ۳- از نظر ماهوی لازم است که اقرار کننده عاقل، بالغ و قاصد باشد.
- ۴- در جرائم مستوجب حد، اقرار باید در حضور قاضی دادگاه صورت بگیرد نه دادر.ا.
- ۵- متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد؛ مگر این که با بررسی قاضی رسیدگی کننده، قرائن و اماراتی برخلاف مفاد اقرار باشد که در این صورت دادگاه تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند.

۶- اصولاً اقرار نیاز به تکرار ندارد؛ اما در برخی جرائم خاص نیاز به تکرار دارد:

- در زنا، لواط، تفریض و مساحقه؛ چهار بار.
- در شرب خمر، قوادی، کذب و سرقت موجب حد؛ دو بار.
- ۷- انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست؛ به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می‌گردد.

ماده ۱۷۴ ق.م.ا: "شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- ۸- شهادت به دلایلی مانند فراموشی، خطای دید، سستی بنیان‌های اخلاقی و غیره؛ یکی از متزلزل‌ترین دلایل می‌باشد.
- ۹- **شهادت شرعی** آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است. اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد.
- ۱۰- اگر قاضی علم به خلاف واقع بودن شهادت داشته باشد نمی‌تواند به آن شهادت ترتیب اثر بدهد. حتی اگر قرائن و اماراتی بر خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد قاضی موظف است در این باره تحقیق نماید.
- ۱۱- شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید شرایط زیر را دارا باشد:

- بلوغ.
 - عقل.
 - ایمان.
 - عدالت.
 - طهارت مولد.
 - ذی نفع نبودن در موضوع.
 - نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها.
 - عدم اشتغال به تکدی.
 - ولگرد نبودن.
- ۱۲- شخصی که اشتها به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود و یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد؛ تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی پذیرفته نمی‌شود. شهادی که شرایط مذکور فوق را نداشته باشد می‌تواند در حد اماره قضایی پذیرفته شود.
- ۱۳- ادعای نداشتن شرایط لازم برای ادای شهادت جرح شاهد نامیده می‌شود. جرح حق کسی است که شاهد علیه او شهادت می‌دهد.
- ۱۴- اگر کسی که خود به طور عینی واقعه مورد نظر را ندیده یا نشنیده است صرفاً اقدام به ارائه اطلاعات خود از آن واقعه نماید؛ چنین کسی مطلع نامیده می‌شود و اظهارات او می‌تواند در حد اماره قضایی قابل بهره برداری باشند.

رأی وحدت رویه شماره ۸۳۵ مورخ ۱۴۰۲/۶/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: "با تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) و انحلال دادرهای عمومی و انقلاب از نظام قضایی کشور، انجام تحقیقات مقدماتی بر عهده دادگاه بوده و در نتیجه تصریح به «دادر» در ماده ۶۵۰ قانون مذکور در مورد شهادت دروغ موضوعاً منتفی بوده است. پس از تشکیل مجدد دادرها قانونگذار علاوه بر ماده ۳۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درخصوص دادگاه، در ماده ۲۰۹ همین قانون، در مورد دادر نیز به تفهیم حرمت و مجازات شهادت دروغ از سوی بازپرس به شاهد به عنوان یک تکلیف قانونی تصریح نموده و ضمانت اجرای تخلف شاهد از تفهیم موضوع فوق توسط بازپرس با توجه به لزوم تفسیر قانون با هدف کشف مراد مقنن، مجازات تعیین شده در مورد شهادت دروغ در مرحله تحقیقات مقدماتی نزد مقامات دادر نیز مشمول ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است. بنا به مراتب، رأی شعبه سیزدهم دادگاه تجدیدنظر استان البرز که با این نظر مطابقت دارد با اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود و این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است."

سوگند عبارت از گواه قرار دادن خداوند بر درستی گفتار اداء کننده سوگند است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

- ۱۵- موارد اثبات ادعا به وسیله سوگند محدود است و این موارد در مواد ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۱ و ۳۱۳ به بعد ق.م.ا آمده است.
- ۱۶- حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی‌شود؛ لکن قصاص، دیه، آرش و ضرر و زیان ناشی از جرائم، با سوگند اثبات می‌گردد.
- ۱۷- **قسامه** یکی از دلایل اثبات جنایات عمدی یا غیر عمدی است که در واقع تعداد معینی سوگند از جانب شاکی یا متهم یا بستگان آنهاست که با رعایت تشریفات مقرر در قانون اداء می‌گردد.
- ۱۸- تقاضای سوگند قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند در صورتی که در وکالت نامه تصریح شده باشد، طرف را سوگند دهد. اما سوگند یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای موکل سوگند یاد کند.
- ۱۹- **علم قاضی** عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم علم قاضی است وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.
- ۲۰- مستندات مزبور در علم قاضی باید اموری عینی و بین یعنی آشکار، قابل بررسی و مذاکره در پرونده و قابل ارزیابی توسط مرجع بالاتر باشد. این امور باید نوعاً علم آور باشند.
- ۲۱- مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند؛ می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرند. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.
- ۲۲- یکی از موارد علم آور برای قاضی؛ امارات قضایی است. **امارات قضایی** وقایعی هستند که در نظر قاضی می‌توانند نشانه وقوع یا عدم وقوع امری باشند و می‌توانند مورد استناد وی برای صدور حکم قرار بگیرند.
- ۲۳- ارزیابی میزان اعتبار امارات با قاضی است. اثر انگشت، صدا یا تصویر ضبط شده بر روی یک نوار یا لوح فشرده یا دوربین‌های مدار بسته اماکن و محل‌های تحت نظارت به شرط احراز اصالت و انتساب، تست‌های DNA و... از زمره امارات قضایی هستند که با فقدان دلایل دیگر نقش مهمی در کشف حقیقت دارند.
- ۲۴- بعضی از امارات نیاز به دانش تخصصی دارند. به همین دلیل قاضی از نظرات کارشناس در آن‌ها بهره می‌برد. اما قاضی ملزم به تبعیت از نظریه کارشناس نمی‌باشد.
- ۲۵- در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد؛ اگر علم بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر رأی صادر می‌کند. چنان چه برای قاضی علم حاصل نشود. ادله قانونی دیگر معتبر است و بر اساس آنها رأی صادر می‌شود. در تعارض سایر ادله با یکدیگر؛ اقرار بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند مقدم است. همچنین شهادت شرعی بر قسامه و سوگند تقدم دارد.

بخش هفتم - اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی

فصل اول: کلیات

ماده ۴۸۴ ق.آ.د. ک: "اجرای احکام کیفری برعهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رییس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد، در دادسرا عهده‌دار این وظیفه است.... تبصره ۳- در حوزه قضایی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رییس دادگاه و در غیاب وی با دادرس علی‌البدل است."

ماده ۴۸۵ ق.آ.د. ک: "معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی در اختیار دارد. تبصره- قاضی اجرای احکام کیفری باید حداقل سه سال سابقه خدمت قضایی داشته باشد."

۱- اختلاف نظر بین قاضی اجرای احکام کیفری و دادستان متصور نیست؛ چراکه قاضی اجرای احکام کیفری دادیار محسوب می‌شود و باید از دادستان تبعیت کند.

ماده ۴۸۹ ق.آ.د. ک: "وظایف قاضی اجرای احکام کیفری عبارت است از: الف- صدور دستور اجرای احکام لازم‌الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آنها. ب- نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان. پ- اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط مطابق قوانین و مقررات. ت- اعطای مرخصی به محکومان بر اساس قوانین و مقررات. ث- اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آنها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات. ج- اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات‌ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است."

ماده ۴۹۰ ق.آ.د. ک: "آرای کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ به موقع اجراء گذاشته می‌شود: الف- رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می‌کند. ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد. پ- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد. ت- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد."

ماده ۴۹۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه قاضی اجرای احکام کیفری، رأی صادره را از لحاظ قانونی لازم‌الاجراء نداند، مراتب را با اطلاع دادستان به دادگاه صادرکننده رأی قطعی اعلام و مطابق تصمیم دادگاه اقدام می‌کند."

ماده ۴۹۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه رأی، در خصوص اشخاص متعدد صادر شده باشد و در موعد مقرر بعضی از آنان اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام کرده باشند، پس از گذشت مهلت اعتراض و یا تجدیدنظر یا فرجام در مورد بقیه لازم‌الاجراء است."

ماده ۴۹۳ ق.آ.د. ک: "اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام درباره یک قسمت از رأی، مانع از اجرای سایر قسمت‌های لازم‌الاجرای آن نیست."

ماده ۴۹۴ ق.آ.د. ک: "عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می شود و به هیچ وجه متوقف نمی شود، مگر در مواردی که قانون مقرر نماید."

ماده ۴۹۵ ق.آ.د. ک: "آرای کیفری به دستور و تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری اجراء می شود و در مواردی که طبق قانون، اجرای رأی باید توسط وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکت های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است به عمل آید، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور اجراء و ارائه تعلیمات لازم، بر چگونگی اجراء و اقدامات آنها نظارت دارد."

ماده ۴۹۶ ق.آ.د. ک: "تمام ضابطان دادگستری، نیروهای انتظامی و نظامی، مقامات و مستخدمان وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکت های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است، در حدود وظایف خود مکلفند دستور قاضی اجرای احکام کیفری را در مقام اجرای رأی که مرتبط با اجرای آن است رعایت کنند. متخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب انتظامی و اداری، به مجازات مقرر قانونی نیز محکوم می شود."

ماده ۴۹۷ ق.آ.د. ک: "رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجراء می شود."

ماده ۴۹۸ ق.آ.د. ک: "هرگاه شیوه اجرای رأی در دادنامه تعیین گردد، به همان ترتیب اجراء می شود و در صورت عدم تعیین شیوه اجراء، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات قانونی، رأی را اجراء می کند."

ماده ۴۹۹ ق.آ.د. ک: "اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتكب و بیم تجری او یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند."

ماده ۵۰۰ ق.آ.د. ک: "محکوم علیه برای اجرای رأی احضار می شود و در صورت عدم حضور، به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود تا محکوم علیه را برای اجرای رأی تسلیم کند. در این صورت، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند به طور همزمان دستور جلب محکوم علیه را صادر کند. تبصره - در صورتی که بیم فرار یا مخفی شدن محکوم علیه باشد، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند با ذکر دلیل در پرونده، از ابتداء دستور جلب محکوم علیه را صادر کند."

ماده ۵۰۱ ق.آ.د. ک: "اجرای مجازات در موارد زیر به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می افتد: الف - دوران بارداری. ب - پس از زایمان حداکثر تا شش ماه. پ - دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دوسالگی. ت - اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه."

ماده ۵۰۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل

به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند. تبصره - هرگاه حین اجرای مجازات، بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات این ماده اقدام می‌کند."

ماده ۵۰۳ ق.آ.د. ک: "هرگاه محکوم علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازات‌های مالی که از اموال محکوم علیه وصول می‌شود. تبصره - محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود."

ماده ۵۰۴ ق.آ.د. ک: "در غیر مجازات حبس، هرگاه رییس قوه قضاییه با عفو یا تخفیف مجازات محکوم علیه برای پیشنهاد به مقام رهبری موافقت کند و دستور توقف اجرای حکم دهد، اجرای حکم متوقف می‌شود."

ماده ۵۰۵ ق.آ.د. ک: "در مواردی که مطابق مقررات، اجرای رأی موقوف می‌شود، قاضی اجرای احکام کیفری قرار موقوفی اجراء صادر می‌کند."

ماده ۵۰۶ ق.آ.د. ک: "موقوف شدن اجرای مجازات در حقوق شاکی یا مدعی خصوصی و اجرای احکام ضبط اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از ارتکاب جرم تحصیل شده است، تأثیری نخواهد داشت، مگر اینکه علت موقوف شدن اجرای مجازات، نسخ مجازات قانونی باشد."

ماده ۵۰۷ ق.آ.د. ک: "چنانچه اجرای مجازات مستلزم دسترسی به محکوم علیه به دفعات باشد و محکوم علیه در پرونده فاقد قرار تأمین بوده و یا قرار صادره متناسب نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات، قرار تأمین متناسب صادر می‌کند."

ماده ۵۰۸ ق.آ.د. ک: "قاضی اجرای احکام کیفری درباره درخواست محکوم علیه، کفیل یا وثیقه‌گذار مبنی بر تبدیل قرار تأمین، تغییر کفیل یا وثیقه‌گذار و یا جایگزینی وثیقه، تصمیم می‌گیرد."

ماده ۵۰۹ ق.آ.د. ک: "هرگاه اقدامات قاضی اجرای احکام کیفری منتهی به دسترسی به محکوم علیه نشود و بیم فرار وی از کشور باشد، می‌تواند دستور منع خروج او را از کشور صادر و به مراجع قانونی اعلام کند؛ اما به محض حضور یا دستگیری محکوم علیه نسبت به لغو این دستور اقدام می‌کند."

ماده ۵۱۰ ق.آ.د. ک: "هرگاه پس از صدور حکم معلوم شود محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری است و اعمال مقررات تعدد، در میزان مجازات قابل اجراء مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری به شرح زیر اقدام می‌کند: الف - اگر احکام به طور قطعی صادر یا به لحاظ عدم تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشند، در صورت تساوی دادگاه‌ها پرونده‌ها را به دادگاه صادرکننده آخرین حکم و در غیر این صورت به دادگاه دارای صلاحیت بالاتر ارسال می‌کند، تا پس از نقض تمام احکام، با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود. ب - اگر حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، پرونده‌ها را به این دادگاه ارسال می‌کند تا پس از نقض تمام احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود. چنانچه احکام از شعب مختلف دادگاه

تجدیدنظر استان صادر شده باشد، شعبه صادرکننده آخرین حکم تجدیدنظر خواسته صلاحیت رسیدگی دارد. پ - در سایر موارد و همچنین در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته باشد یا احکام متعدد در حوزه‌های قضایی استان‌های مختلف یا در دادگاه‌های با صلاحیت ذاتی متفاوت صادر شده باشد، پرونده‌ها را به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند تا پس از نقض احکام، حسب مورد، مطابق بندهای (الف) یا (ب) اقدام شود. تبصره - در موارد فوق، دادگاه در وقت فوق‌العاده بدون حضور طرفین به موضوع، رسیدگی و بدون ورود در شرایط و ماهیت محکومیت با رعایت مقررات تعدد جرم، حکم واحد صادر می‌کند."

ماده ۵۱۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه هنگام اجرای حکم معلوم شود محکوم علیه محکومیت‌های قطعی دیگری داشته است که در اعمال مقررات تکرار جرم مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری، پرونده را نزد دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌کند. در این صورت، چنانچه دادگاه، محکومیت‌های سابق را محرز دانست، مطابق مقررات اقدام می‌نماید. تبصره - هرگاه حکم در دیوان عالی کشور تأیید شده باشد، پرونده به آن مرجع ارسال می‌شود تا چنانچه محکومیت‌های سابق را محرز دانست، حکم را نقض و پرونده را جهت صدور حکم به دادگاه صادرکننده آن ارسال کند."

ماده ۵۱۲ ق.آ.د. ک: "شخصی که به موجب حکم قطعی، برائت حاصل کند، می‌تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه صادرکننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم برائت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضاییه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود."

فصل دوم: اجرای مجازات حبس

ماده ۵۱۳ ق.آ.د. ک: "اشخاص محکوم به حبس با ذکر مشخصات کامل، نوع جرم، میزان محکومیت، ایام بازداشت قبلی و مرجع صادرکننده حکم در برگه مخصوص، برای تحمل کیفر به زندان همان حوزه قضایی یا نزدیک‌ترین حوزه قضایی آن استان، حسب مورد، به همراه مأمور بدرقه زن و یا مرد و با رعایت موازین مراقبتی، اعزام و معرفی می‌شوند. تبصره ۱ - زندان‌ها به زندان بسته، نیمه باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود. تبصره ۲ - به جز مواردی که در قانون یا در حکم دادگاه تصریح شده است، محکومان با توجه به نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیتشان، بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی و تأیید قاضی اجرای احکام در یکی از بخش‌های فوق نگهداری می‌شوند. تبصره ۳ - در صورتی که محل اقامت محکوم به حبس، خارج از حوزه دادگاه صادرکننده حکم باشد، نامبرده برای تحمل ادامه حبس به زندان محل اقامت خود منتقل می‌شود؛ مگر اینکه این امر موجب مفسده باشد که در این صورت با تشخیص قاضی صادرکننده رأی قطعی به نزدیک‌ترین زندان به محل اقامت خود منتقل می‌شود. هزینه انتقال از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود."

ماده ۵۱۴ ق.آ.د. ک: "نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است. نگهداری متهمان در بازداشتگاه‌ها و زیر نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور صورت می‌گیرد."

ماده ۵۱۵ ق.آ.د. ک: "مدت تمام کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی لازم الاجراء، حبس شود. چنانچه محکوم علیه پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در همان پرونده مطرح بوده تحت نظر یا بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی از میزان حبس او کسر می‌شود. تبصره - اگر مدت زمان تحت نظر یا بازداشت شدن متهم کمتر از بیست و چهار ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز محاسبه می‌شود."

ماده ۵۱۶ ق.آ.د. ک: "در مورد محکومیت به مجازات‌های جایگزین حبس، شلاق و جزای نقدی، ایام بازداشت قبلی موضوع ماده (۵۱۵) به شرح زیر محاسبه می‌شود: الف - به ازای هر روز بازداشت قبلی، یک روز جزای نقدی روزانه، هشت ساعت خدمات عمومی و پنج روز از دوره مراقبت کسر می‌شود. ب - در مورد محکومیت به شلاق به عنوان مجازات تعزیری به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه ضربه از شلاق کسر می‌شود. پ - در مورد محکومیت به جزای نقدی، مطابق مقررات فصل مربوط به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اقدام می‌شود."

ماده ۵۱۷ ق.آ.د. ک: "چنانچه قاضی صادرکننده حکم، ایام بازداشت قبلی را محاسبه نکرده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری به احتساب این ایام، حسب ملاک‌های موضوع مواد فوق اقدام می‌کند."

ماده ۵۱۸ ق.آ.د. ک: "قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است دستور تعیین وقت پرونده محکوم به حبس را به گونه‌ای صادر کند که حداقل ده روز پیش از اتمام مدت حبس، پرونده تحت نظر قرار گیرد تا با تعیین تاریخ اتمام مدت حبس محکوم علیه، دستور آزادی وی را در تاریخ یادشده صادر و به زندان اعلام کند. رییس زندان نیز مکلف است پس از اتمام مدت حبس چنانچه محکوم علیه به اتهام دیگری در بازداشت نباشد، فوری برای آزادی زندانی اقدام نماید و نتیجه اقدامات را بلافاصله به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند. تبصره - در صورتی که تخلف از این ماده منجر به حبس بیش از مدت مقرر در رأی گردد، قاضی اجرای احکام کیفری علاوه بر محکومیت انتظامی تا درجه چهار، طبق مواد (۱۴) و (۲۵۵) این قانون مسؤول پرداخت خسارت حبس اضافی به محکوم علیه است."

ماده ۵۱۹ ق.آ.د. ک: "رییس زندان مکلف است هرگونه انتقال یا اعزام زندانی به زندان یا حوزه‌های قضایی دیگر و نیز بازگشت وی را بلافاصله و حسب مورد، به قاضی اجرای احکام کیفری یا مرجع قضایی مربوط به طور کتبی و با ذکر ادله و سوابق اطلاع دهد."

ماده ۵۲۰ ق.آ.د. ک: "محکومان می‌توانند در صورت رعایت ضوابط و مقررات زندان و مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب امتیازات لازم پس از سپردن تأمین مناسب، ماهانه حداکثر سه روز از مرخصی برخوردار شوند. در موارد بیماری حاد یا فوت بستگان نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول یا همسر و یا ازدواج فرزندان، زندانی می‌تواند به تشخیص دادستان حداکثر تا پنج روز از مرخصی استفاده نماید. تعیین مقررات موضوع این ماده و امتیاز هر یک از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی، چگونگی انطباق وضعیت زندانیان با شرایط تعیین شده و نحوه اعطای مرخصی به آنان به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد. تبصره ۱ - در موارد شمول قسمت دوم این ماده، در صورت عجز از فراهم نمودن تأمین، اعزام محکوم تحت مراقبت مأموران، یک روز در ماه و به مدت ده ساعت بلامانع است. تبصره ۲ - اعزام متهمان بازداشت شده به مرخصی تنها به مدت و به شرح مقرر در تبصره فوق و با نظر مرجع صدور قرار جایز است. تبصره ۳ - در مواردی که زندانی دارای شاکی خصوصی است

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

و بنا به تشخیص دادستان یا قاضی اجرای احکام، اعطای مرخصی می‌تواند در جلب رضایت شاکی مؤثر باشد، زندانی می‌تواند علاوه بر مرخصی مذکور در این ماده پس از سپردن تأمین مناسب، در طول مدت حبس یک نوبت دیگر و حداکثر به مدت هفت روز از مرخصی استفاده نماید. در صورتی که محکوم بتواند بخشی از خسارت شاکی را پرداخت یا رضایت او را جلب کند، این مرخصی فقط برای یک‌بار دیگر به مدت هفت روز تمدید می‌شود. تبصره ۴ - محکومانی که به موجب قانون مشمول مقررات تعلیق اجرای مجازات نمی‌شوند، پس از تحمل یک سوم از میزان مجازات با رعایت شرایط مندرج در صدر ماده و به تشخیص دادستان می‌توانند در هر چهارماه حداکثر پنج‌روز از مرخصی برخوردار شوند. تبصره ۵ - رییس قوه قضاییه می‌تواند به مناسبت‌های ملی و مذهبی علاوه بر سقف تعیین‌شده در این قانون، حداکثر دو بار در سال به زندانیان واجد شرایط، مرخصی اعطاء کند. تبصره ۶ - مواردی که شخص باید به موجب مقررات شرعی به‌طور دائم در زندان باشد از شمول مقررات این ماده و تبصره‌های آن خارج است."

ماده ۵۲۱ ق.آ.د. ک: "در صورتی که مجازات حبس با انفصال موقت از خدمت توأم باشد، اجرای مجازات انفصال موقت از زمان پایان یافتن مجازات حبس شروع می‌شود. تبصره - مدت زمانی که محکوم علیه پیش از صدور حکم قطعی به موجب الزامات قانونی از خدمت معلق شده است، از میزان محکومیت وی به انفصال موقت کسر می‌شود."

ماده ۵۲۲ ق.آ.د. ک: "در صورتی که مداوای محکوم به حبس در خارج از زندان ضروری باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، مدت زمان مورد نیاز برای مداوا را با توجه به نظر پزشکی قانونی تعیین می‌کند و با اخذ تأمین متناسب، اجرای حبس را به تعویق می‌اندازد و هرگاه محکوم علیه تأمین متناسب ندهد، معالجه وی در بیمارستان تحت نظر ضابطان صورت می‌گیرد و مدت معالجه جزء محکومیت وی محسوب می‌شود. تبصره - مفاد این ماده از جهت اعزام برای مداوای سایر افرادی که در حبس به سر می‌برند، نیز اجراء می‌شود."

ماده ۵۲۳ ق.آ.د. ک: "اطفال تا سن دوسال تمام را نباید از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده است جدا کرد، مگر آنکه مصلحت طفل اقتضاء کند. در این صورت کودک به پدر و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت وی به ترتیب به جد پدری یا وصی آنها و یا نزدیکان وی با رعایت مراتب ارث و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت آنان، به مؤسسات ذی صلاح سپرده می‌شود."

ماده ۵۲۴ ق.آ.د. ک: "در صورت ارتکاب تخلف انضباطی توسط زندانی، یکی از تنبیهات زیر با رعایت تناسب از سوی شورای انضباطی تعیین و پس از تأیید قاضی اجرای احکام اجراء می‌شود: الف - انتقال از مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال به زندان بسته یا نیمه‌باز ب - محرومیت از ملاقات حداکثر تا سه نوبت پ - محرومیت از مرخصی حداکثر تا سه‌ماه ت - محرومیت از پیشنهاد عفو و آزادی مشروط حداکثر تا شش‌ماه."

ماده ۵۲۵ ق.آ.د. ک: "قانون‌های اصلاح و تربیت، اماکنی هستند که برای نگهداری و تربیت اطفال و نوجوانان موضوع این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، در مراکز استان‌ها و به تناسب نیاز و ضرورت با تشخیص رییس قوه قضاییه در سایر مناطق کشور ایجاد شده‌اند و یا ایجاد می‌شوند."

ماده ۵۲۶ ق.آ.د. ک: "قضات دادگاه اطفال و نوجوانان مکلفند برای بررسی وضعیت قضایی مددجویان و طرز تعلیم و تربیت و پیشرفت اخلاقی آنان، حداقل هر ماه یک بار از کانون اصلاح و تربیت حوزه محل خدمت خود بازدید به عمل آورند. این امر مانع اجرای وظایف قانونی دادستان نیست."

ماده ۵۲۷ ق.آ.د. ک: "هرگاه حسب گزارش مدیران کانون، رفتار و اخلاق طفل یا نوجوانی، موجب فساد اخلاق اطفال و یا نوجوانان دیگر گردد، در صورت احراز موضوع توسط قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان و به دستور وی، طفل یا نوجوان مذکور در محل دیگری در همان قسمت نگهداری می شود و پس از اصلاح اخلاق و رفتارش با دستور دادگاه به محل قبلی بازگردانده می شود."

فصل سوم: اجرای محکومیت های مالی

ماده ۵۲۹ ق.آ.د. ک: "هرکس به موجب حکم قطعی دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد، اموال وی به وسیله مرجع اجرای حکم، شناسایی، توقیف و با رعایت مقررات راجع به مستثنیات دین از محل فروش آنها نسبت به اجرای حکم اقدام می شود. در صورت فقدان مال یا عدم شناسایی آن، مرجع اجرای حکم می تواند با توقیف بخشی از حقوق طبق قانون اجرای احکام مدنی و یا تمام یا بخشی از سایر درآمدهای محکوم علیه برای وصول جزای نقدی اقدام مقتضی به عمل آورد. در صورت تقاضای تقسیط از جانب محکوم علیه و احراز قدرت وی به پرداخت اقساط، دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء می شود می تواند با اخذ تضمین مناسب امر به تقسیط نماید. هرگاه اجرای حکم به طرق مذکور ممکن نگردد با رعایت مقررات مربوط به مجازات های جایگزین حبس به ترتیب زیر عمل می شود: الف - در جزای نقدی تا پانزده میلیون ریال، هر سی هزار ریال به یک ساعت انجام خدمات عمومی رایگان تبدیل می شود. ب - در جزای نقدی بالای پانزده میلیون ریال، همچنین در صورت عدم شرایط اجرای بند (الف) این ماده، هر سیصد هزار ریال به یک روز حبس تبدیل می شود. تبصره ۱ - چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم محکومیت قطعی به جزای نقدی، به دلیل اتهام یا اتهامات مطرح در پرونده در بازداشت بوده باشد، دادگاه پس از تعیین مجازات، ایام بازداشت قبلی را در ازای هر سیصد هزار ریال یک روز از مجازات تعیین شده کسر می کند. قضات اجرای احکام موظفند رعایت مراتب فوق را به هنگام اجرای حکم، مراقبت نمایند و در صورت عدم رعایت خود اقدام کنند. تبصره ۲ - صدور حکم تقسیط جزای نقدی یا تبدیل آن به مجازات دیگر مانع استیفای مابه ازای بخش اجراء نشده آن از اموالی که بعداً از محکوم علیه به دست می آید، نیست. تبصره ۳ - هرگاه محکوم علیه ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ احضاریه قضای اجرای احکام کیفری برای پرداخت جزای نقدی حاضر نشود، قاضی اجرای احکام می تواند او را از پرداخت بیست درصد (۲۰٪) جزای نقدی معاف کند. دفتر قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است در برگه احضاریه محکوم علیه معافیت موضوع این تبصره را قید کند."

ماده ۵۳۰ ق.آ.د. ک: "در صورت محکومیت اشخاص به جزای نقدی در مرحله بدوی، محکوم علیه می تواند قبل از قطعیت حکم از دادگاه صادرکننده تقاضای تقسیط کند. درخواست مذکور به منزله اسقاط حق تجدیدنظرخواهی نیست. تبصره - دعوای تقسیط جزای نقدی در هر مورد باید به صورت مستقل مطرح شود."

ماده ۵۳۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه محکوم علیه در زمان صدور حکم نخستین مبنی بر تقسیط از بابت مجازات بدل از جزای نقدی در حبس باشد بلافاصله به وسیله دادگاه صادر کننده رأی آزاد می شود. در هر صورت، قابلیت تجدیدنظرخواهی از رأی صادره درباره تقسیط مانع از اجرای رأی بدوی دایر بر تقسیط نیست."

ماده ۵۳۲ ق.آ.د. ک: "در صورت صدور حکم مبنی بر تقسیط جزای نقدی و عدم پرداخت به موقع اقساط از سوی محکوم علیه، با اعلام قاضی اجرای احکام، حکم تقسیط به وسیله دادگاه صادر کننده حکم قطعی لغو می شود و برای اجرای حکم اقدام قانونی مقتضی انجام می گیرد."

ماده ۵۳۳ ق.آ.د. ک: "پس از صدور حکم تقسیط، در صورت حصول تمکن مالی، محکوم علیه مکلف است مراتب را حداکثر ظرف سه ماه به قاضی مجری حکم اعلام نماید تا نسبت به وصول محکوم به اقدام شود. در غیر این صورت با اعلام قاضی اجرای احکام، دادگاه صادر کننده حکم قطعی نسبت به لغو حکم تقسیط اقدام می نماید."

ماده ۵۳۴ ق.آ.د. ک: "هرگاه محکوم علیه پیش از اتمام مهلت قانونی پرداخت دیه، به پرداخت تمام یا بخشی از آن اقدام کند، قاضی اجرای احکام کیفری ضمن پذیرش، مراتب را به محکوم له اعلام می کند. تبصره - مهلت های پیش بینی شده برای پرداخت دیه جرائم شبه عمد و خطای محض مانع از پذیرش تقاضای اعسار و یا تقسیط نیست."

ماده ۵۳۵ ق.آ.د. ک: "هرگاه محکوم به پرداخت دیه فوت کند، قاضی اجرای احکام در صورت تقاضای محکوم له مطابق مقررات مربوط، دیه را از ماترک محکوم علیه استیفاء می کند."

ماده ۵۳۶ ق.آ.د. ک: "چنانچه حکم صادره متضمن بازگرداندن مال به شخص باشد و وی پس از شش ماه از تاریخ اختاریه قاضی اجرای احکام کیفری، بدون عذر موجه برای دریافت مال منقول مراجعه نکند، قاضی اجرای احکام کیفری در صورت احتمال عقلایی فساد مال، می تواند دستور فروش مال را صادر کند. در این صورت مال به فروش می رسد و پس از کسر هزینه های مربوط، در صندوق دادگستری تودیع می گردد."

ماده ۵۳۷ ق.آ.د. ک: "اجرای دستورهای دادستان و آراء لازم الاجرای دادگاه های کیفری در مورد ضبط و مصادره اموال، اخذ وجه التزام، وجه الکفاله یا وثیقه و نیز جزای نقدی، وصول دیه، رد مال و یا ضرر و زیان ناشی از جرم برعهده معاونت اجرای احکام کیفری است. تبصره - چنانچه اجرای دستور یا رأی در موارد فوق مستلزم توقیف و یا فروش اموال باشد، انجام عملیات مذکور مطابق مقررات اجرای احکام مدنی است."

ماده ۵۳۸ ق.آ.د. ک: "در اجرای مواد (۲۳۲) و (۲۳۳) این قانون، دیه و یا ضرر و زیان ناشی از جرم در ابتداء از محل تأمین اخذ شده پرداخت و مازاد بر آن به نفع دولت ضبط می شود."

ماده ۵۳۹ ق.آ.د. ک: "دادخواست تقسیط جزای نقدی از تاجر پذیرفته نمی شود. تاجری که متقاضی تقسیط محکوم به است باید مطابق مقررات قانون تجارت، دادخواست ورشکستگی دهد. کسبه جزء، مشمول این ماده نیستند."

فصل چهارم: اجرای سایر احکام کیفری

ماده ۵۴۱ ق.آ.د. ک: "هرگاه اجرای مجازات منوط به درخواست محکوم‌له باشد و در تقاضای اجرای آن، بدون داشتن عذرموجه، تأخیر کند، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری به وی ابلاغ می‌شود تا ظرف سه‌ماه تصمیم خود را درباره اجرای حکم اعلام کند. در صورت سپری شدن این مدت و عدم وصول درخواست اجرای حکم بدون عذرموجه، قاضی اجرای احکام کیفری قرار تأمین صادره را لغو می‌کند. در این صورت، چنانچه محکوم‌علیه به علت دیگری در حبس نباشد، آزاد و پرونده به‌طور موقت بایگانی می‌شود."

ماده ۵۴۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه محکوم به سلب حیات، در غیرجرائم مستوجب حد که قابل عفو نیستند و قصاص پس از لازم‌الاجراء شدن حکم و پیش از اجرای آن درخواست عفو کند، به دستور دادگاه صادرکننده حکم، اجرای آن فقط برای یک‌بار تا اعلام نتیجه از سوی کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومان به تأخیر می‌افتد. کمیسیون مزبور مکلف است حداکثر ظرف دوماه به این تقاضا رسیدگی و نتیجه را به دادگاه اعلام کند. تبصره - قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است، حداقل یک هفته پیش از اجرای حکم سلب حیات موضوع این ماده، مراتب را به محکوم‌علیه اعلام کند."

ماده ۵۴۳ ق.آ.د. ک: "پیش از اجرای حکم سلب حیات، مراسم مذهبی توسط اشخاص واجد صلاحیت اجراء می‌شود. هنگام اجرای حکم باید دادستان یا نماینده او، قاضی اجرای احکام کیفری، فرمانده نیروی انتظامی محل یا نماینده وی، پزشک قانونی یا پزشک معتمد و منشی دادگاه حضور داشته باشند. هرگاه اجرای حکم در محوطه زندان صورت گیرد، رییس زندان یا نماینده وی نیز حضور می‌یابد. وکیل محکوم‌علیه نیز می‌تواند برای اجرای حکم حاضر شود. پس از حاضر کردن محکوم‌علیه در محل اجرای حکم، منشی دادگاه، حکم را با صدای رسا قرائت می‌کند. سپس به دستور قاضی اجرای احکام کیفری، حکم اجراء شده، صورت‌مجلس تنظیم می‌شود و به امضای حاضران می‌رسد."

ماده ۵۴۵ ق.آ.د. ک: "شخصی که به تبعید یا اقامت اجباری محکوم شده است، به دادرسی محل اجرای حکم اعزام می‌شود."

ماده ۵۴۶ ق.آ.د. ک: "نظارت بر حضور و فعالیت محکومان در محل تبعید یا اقامت اجباری برعهده قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم است."

ماده ۵۴۷ ق.آ.د. ک: "قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم تبعید یا اقامت اجباری، در صورت ضرورت و با اخذ تأمین مناسب به محکومان به تبعید یا اقامت اجباری با رعایت مفاد ماده (۵۲۰) این قانون مرخصی اعطاء می‌کند."

ماده ۵۴۸ ق.آ.د. ک: "اشخاصی که به منع از اقامت در نقطه‌ای معین محکوم می‌شوند، از محل تعیین‌شده اخراج می‌شوند و مراتب به نیروی انتظامی محل و سایر نهادها و مراجع مرتبط ابلاغ می‌شود."

ماده ۵۵۰ ق.آ.د. ک: "اجرای احکام رفع تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی است."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

فصل پنجم: اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی

ماده ۵۵۱ ق.آ.د. ک: "در صورت تعلیق اجرای مجازات (۱)، قاضی اجرای احکام کیفری، محکوم علیه را احضار و در صورت عدم حضور بدون عذر موجه، جلب می کند و با حضور محکوم علیه، دستور یا دستورهای دادگاه، چگونگی اجراء و ضمانت عدم رعایت آنها را به وی تفهیم و ابلاغ می نماید."

ماده ۵۵۲ ق.آ.د. ک: "هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می کند. دادگاه در وقت فوق العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می گیرد. تبصره- در صورت عدم پذیرش پیشنهاد از سوی دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند هر دوماه یکبار مجدداً اجرای این ماده را به دادگاه پیشنهاد نماید."

ماده ۵۵۳ ق.آ.د. ک: "در جرائم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه دیده مؤثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند."

ماده ۵۵۴ ق.آ.د. ک: "قاضی اجرای احکام کیفری، پس از موافقت دادگاه با پیشنهاد موضوع ماده فوق، با اخذ تأمین متناسب از محکوم علیه، دستور اجرای تصمیم دادگاه را صادر و مراتب را به زندان اعلام می کند."

ماده ۵۵۵ ق.آ.د. ک: "صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، حکم آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی (۱) و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری، آثار عدم تبعیت محکوم علیه یا متهم از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می شود. چنانچه محکوم علیه یا متهم در مدت مزبور بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری تبعیت نکند، یا مرتکب جرم عمدی شود، شاکی یا مدعی خصوصی می تواند مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری برای اجرای مقررات مربوط اعلام کند."

ماده ۵۵۶ ق.آ.د. ک: "محکوم علیه یا متهم مکلف است حسب مورد در طول دوره تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، امکان نظارت مأمور مراقبتی را به شیوه‌ای که قاضی اجرای احکام کیفری مشخص می نماید، فراهم آورد و هرگونه اقدامی از قبیل تغییر شغل یا محل اقامت، که اجرای کامل نظارت را با دشواری مواجه می سازد از قبل به اطلاع قاضی اجرای احکام کیفری برساند."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۵۵۸ ق.آ.د. ک: "چنانچه اقامتگاه اشخاص مشمول تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، در حوزه قضایی دیگری غیر از حوزه قضایی دادگاه صادرکننده رأی باشد، اشخاص مذکور می‌توانند اجرای تصمیم مذکور را در محل اقامت خود تقاضا نمایند. در این صورت قاضی مجری حکم با اعطای نیابت به قاضی اجرای احکام حوزه اقامت آنان، تمامی دستورهای دادگاه و واحد اجرای احکام و شرایط مقرر در رأی را به قاضی مجری نیابت اعلام می‌نماید و موارد مذکور، تحت نظارت قاضی مرجوع‌الیه اجراء می‌شود."

نکته: موقوف شدن اجرای مجازات در حقوق شاکی یا مدعی خصوصی و اجرای احکام ضبط اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از ارتکاب جرم تحصیل شده است تأثیری نخواهد داشت؛ مگر اینکه علت موقوف شدن اجرای مجازات نسخ مجازات قانونی باشد.

۲- قاضی اجرای احکام در مرحله اجرای احکام هم می‌تواند قرار تأمین صادر کند. با تجویز صدور قرار تأمین توسط قاضی اجرای احکام کیفری، منعی برای صدور قرار نظارت قضایی هم در صورت لزوم دیده نمی‌شود.

۳- قاضی اجرای احکام کیفری درباره درخواست محکوم علیه، کفیل یا وثیقه گذار مبنی بر تبدیل قرار تأمین، تغییر کفیل یا وثیقه گذار و یا جایگزینی وثیقه، تصمیم می‌گیرد.

۴- هرگاه اقدامات قاضی اجرای احکام کیفری منتهی به دسترسی به محکوم علیه نشود و بیم فرار وی از کشور باشد؛ می‌تواند دستور منع خروج او را از کشور صادر و به مراجع قانونی اعلام کند؛ اما به محض حضور یا دستگیری محکوم علیه نسبت به لغو این دستور اقدام می‌کند.

۵- مراحل اخذ جزای نقدی در صورت عدم پرداخت محکوم علیه:

- شناسایی، توقیف و فروش اموال محکوم علیه.
- توقیف بخشی از حقوق محکوم علیه طبق قانون اجرای احکام مدنی.
- توقیف تمام یا بخشی از سایر درآمدهای محکوم علیه
- تقسیط جزای نقدی محکوم علیه با موافقت دادگاه نخستین
- ۶- مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

- منزل مسکونی که عرفاً درشان محکوم علیه در حالت اعسار او باشد.

- اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.

- آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.

- کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آن‌ها.

- وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آن‌ها و افراد تحت تکفلشان لازم است.

- تلفن مورد نیاز مدیون.

- مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.

۷- در صورت استنکاف محکوم علیه از پرداخت جزای نقدی و عدم دسترسی به مال او، بازداشت وی به دستور دادسرا صورت می گیرد نه دادگاه صادر کننده حکم بدوی.

۸- اگر محکوم علیه کارمند باشد اعم از دولتی یا خصوصی چنانچه دارای زن یا فرزند باشند یک چهارم و در غیر اینصورت یک سوم از حقوق وی توقیف می شود.

۹- شناسایی توقیف و فروش اموال محکوم علیه برای وصول جزای نقدی و نیز توقیف بخشی از حقوق با تمام یا بخشی از سایر درآمدهای او بدین منظور به دستور قاضی اجرای احکام کیفری صورت می گیرد و نیاز به دستور دادگاه ندارد.

۱۰- صدور رأی درباره تقسیط جزای نقدی به نظر می رسد مستلزم تقدیم دادخواست نمی باشد. زیرا اصولاً تقدیم دادخواست در امور مدنی و حقوق خصوصی اشخاص موضوعیت دارد و تقسیط جزای نقدی از شمول آن خارج است و قانونگذار هم تصریحی به لزوم تقدیم دادخواست در این خصوص نکرده است.

۱۱- حق وکیل محکوم علیه به حضور در محوطه زندان برای شرکت در مراسم اجرای مجازات سلب حیات موکلش ملازمه با اطلاع قبلی او از این مراسم دارد. بنابراین قاضی اجرای احکام کیفری باید در مدتی متعارف قبل از تاریخ مقرر زمان و مکان اجرای مجازات را به وکیل یا وکلای وی اطلاع دهد.

۱۲- تشریفات اجرای حکم سلب حیات:

- ابلاغ حکم اجرای سلب حیات به محکوم له حداقل یک هفته قبل از اجرای حکم.
- اجرای مراسم مذهبی توسط اشخاص واجد شرایط صلاحیت قبل از اجرای حکم.
- حضور دادستان یا نماینده وی، قاضی اجرای احکام کیفری، فرماندهی نیروی انتظامی محل یا نماینده وی، پزشکی قانونی یا پزشک معتمد و منشی دادگاه در محل اجرای حکم.
- حضور رئیس زندان یا نماینده وی در مواقعی که اجرای حکم در محوطه زندان باشد.
- قرائت حکم دادگاه توسط منشی دادگاه.
- صدور دستور اجرای حکم توسط قاضی اجرای احکام.
- اجرای حکم.
- تنظیم صورتجلسه و امضای حاضران.

بخش هشتم – هزینه دادرسی

ماده ۵۵۹ ق.آ.د. ک: "شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام طرح شکایت تأدیه کند. مدعی خصوصی هم که به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان می کند، باید هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد. چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، به تشخیص دادستان یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی می کند از پرداخت هزینه شکایت معاف می شود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف نماید. رسیدگی به امر کیفری را نمی توان به علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت. تبصره- پس از صدور حکم و هنگام اجرای آن، قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است هزینه دادرسی را از محل محکوم به استیفاء کند. مگر آنکه محکوم به از مستثنیات دین بوده و یا به میزانی نباشد که موجب خروج محکوم له از اعسار گردد."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۵۶۰ ق.آ.د. ک: "شاکی و متهم بابت هزینه انتشار آگهی، ایاب و ذهاب گواهان، حق الزحمه کارشناسان، مترجمان و پزشکان و سایر اشخاصی که به تشخیص مقام قضایی احضار می‌شوند، وجهی نمی‌پردازند و هزینه‌های مذکور از اعتبارات مربوط به قوه قضاییه پرداخت می‌شود، اما هرگاه اقدامات مذکور بنا به درخواست شاکی صورت گیرد، شاکی باید هزینه مقرر را مطابق قوانین و مقررات و تعرفه‌های مربوط، در مهلت تعیین شده، پرداخت کند. در صورتی که شاکی ملزم به پرداخت هزینه مذکور باشد و از پرداخت آن امتناع کند، هزینه مذکور از اعتبارات مربوط به قوه قضاییه پرداخت می‌شود و مراتب به اطلاع دادستان می‌رسد تا به دستور وی و از طریق اجرای احکام مدنی، با توقیف و فروش اموال شاکی، با رعایت مستثنیات دین، معادل هزینه پرداخت شده اخذ و به حساب مربوط در خزانه‌داری کل واریز شود. در هر صورت از متهم هیچ هزینه‌ای اخذ نمی‌شود. تبصره ۱- در صورتی که به تشخیص مقام قضایی، شاکی قادر به پرداخت هزینه‌های فوق نباشد، هزینه از اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود. تبصره ۲- در موارد فوری به دستور مقام قضایی، اقدامات موضوع این ماده، پیش از پرداخت هزینه مربوط انجام می‌شود. تبصره ۳- میزان هزینه ایاب و ذهاب گواهان مطابق تعرفه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد."

ماده ۵۶۱ ق.آ.د. ک: "هزینه تطبیق رونوشت یا تصویر اسناد و تهیه آنها برابر مقررات قانونی است."

ماده ۵۶۲ ق.آ.د. ک: "دادگاه مکلف است هنگام صدور حکم، تمامی هزینه‌هایی را که در جریان تحقیقات و محاکمه صورت گرفته است، به تفصیل تعیین و مسؤول پرداخت آن را معین کند."

ماده ۵۶۳ ق.آ.د. ک: "شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند در هر مرحله از دادرسی تمام هزینه‌های پرداخت شده دادرسی را از مدعی علیه طبق مقررات مطالبه کند. دادگاه پس از ذی‌حق شناختن وی، مکلف است هنگام صدور حکم، مدعی علیه را به پرداخت هزینه‌های مزبور ملزم کند."

ماده ۵۶۴ ق.آ.د. ک: "در صورت محکومیت متهم، پرداخت هزینه‌های دادرسی به عهده او است."

ماده ۵۶۵ ق.آ.د. ک: "هرگاه شخصی که به موجب حکم دادگاه مسؤول پرداخت هزینه دادرسی است، فوت کند، هزینه مذکور از ماترک وی وصول می‌شود."

۱- لزوم پرداخت هزینه تجدید نظرخواهی یا فرجام خواهی سه استثناء دارد:

- در صورتی که متهم در زندان باشد از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر یا فرجام در امری که به موجب آن زندانی است معاف می‌گردد.
- اگر متهم در دادگاه هم از جنبه کیفری و هم از جنبه ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد (با دادخواست حقوقی جداگانه یا بدون آن) چنان چه هم زمان نسبت به هر دو جنبه اعتراض کند، فقط هزینه درخواست تجدیدنظر یا فرجام در امر کیفری را می‌پردازد و لزومی ندارد که برای جنبه حقوقی هزینه‌ای پرداخت نماید.
- طرفین می‌توانند نسبت به هزینه دادرسی مدعی اعسار شوند که بررسی آن بر عهده دادگاه صادر کننده حکم نخستین است.

بخش نهم - سایر مقررات

ماده ۵۶۶ ق.آ.د. ک: "تمام مراجع قضایی موضوع این قانون مکلفند با توجه به نوع دعاوی به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند. تبصره - شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی اعم از حقوقی و کیفری موضوع این ماده به موجب آیین نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد."

ماده ۵۶۷ ق.آ.د. ک: "در اجرای تکالیف مقرر در تبصره ماده (۱۴۵)، تبصره ماده (۱۴۷)، مواد (۲۱۵)، (۳۴۷) و (۳۴۸) این قانون و در تمام مواردی که به موجب مقررات این قانون، انجام تحقیقات و یا هر اقدام دیگری، مستلزم پرداخت هزینه از سوی دولت است، اعتبار آن هر سال در ردیف مستقلی در بودجه کل کشور پیش‌بینی و منظور می‌شود."

ماده ۵۶۸ ق.آ.د. ک: "مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم اطفال و نوجوانان و نیروهای مسلح مقرر نگردیده تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است."

بخش دهم - آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح

فصل اول: کلیات

ماده ۵۷۱ ق.آ.د. ک: "سازمان قضایی نیروهای مسلح که در این قانون به اختصار سازمان قضایی نامیده می‌شود، شامل دادسرا و دادگاه‌های نظامی به شرح مواد آتی است."

ماده ۵۷۲ ق.آ.د. ک: "رئیس سازمان قضایی از بین قضاتی که حداقل پانزده سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند، توسط رئیس قوه قضاییه منصوب می‌شود."

ماده ۵۷۳ ق.آ.د. ک: "رئیس سازمان قضایی علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه سازمان‌های قضایی استان‌ها، ریاست شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران را نیز برعهده دارد و می‌تواند یک نفر قائم مقام و به تعداد لازم معاون داشته باشد. تبصره - ایجاد تشکیلات قضایی و اداری در سازمان قضایی و انتصاب قضات سازمان همچنین تغییر سمت یا محل خدمت آنان با رعایت اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی به تشخیص رئیس قوه قضاییه است. رئیس سازمان قضایی می‌تواند پیشنهادهای خود را در موارد مزبور به رئیس قوه قضاییه ارائه نماید."

ماده ۵۷۴ ق.آ.د. ک: "معاونان و مدیران کل سازمان قضایی می‌توانند با ابلاغ رئیس قوه قضاییه، عضو دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدیدنظر نظامی تهران نیز باشند. تبصره - مقررات این ماده فقط درباره دارندگان پایه قضایی و یا قضات نظامی قابل اجراء است."

ماده ۵۷۵ ق.آ.د. ک: "هرگاه در اثر وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان مربوط مکلف است تمام ادله و مدارک خود را به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد. تبصره ۱- دعوای اعسار از پرداخت محکوم به موضوع این ماده، باید به طرفیت یگان محکوم له دعوای اصلی اقامه شود. تبصره ۲- گان متضرر از جرم، حق طرح دعوی، دفاع و پیگیری دعوی، اعتراض و تجدیدنظرخواهی را مطابق مقررات مربوط دارد و گذشت یگان مذکور مسموع نیست."

ماده ۵۷۶ ق.آ.د. ک: "رسیدگی به دعوای خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است."

ماده ۵۷۷ ق.آ.د. ک: "تخلف از مقررات مواد (۵۷۵)، (۶۰۶)، (۶۰۷)، (۶۱۳) و تبصره (۳) ماده (۶۰۳) این قانون، به حکم دادگاه نظامی، موجب محکومیت به انفصال از شغل از سه ماه تا یک سال می‌شود."

۱- اگر یک نظامی مرتکب جرائم عمومی (مانند کلاهبرداری تخریب سرقت توهین و...) شود در دادگاه‌های کیفری به جرائم وی رسیدگی خواهد شد.

۲- اگر یک نظامی در مقام ضابط دادگستری (مانند ورود به منزل دیگری بدون حکم قضایی یا جلب دیگری بدون دستور قضایی و...) شود در دادگاه‌های کیفری به جرائم وی رسیدگی خواهد شد.

۳- اگر یک نظامی مرتکب جرائم نظامی (مانند قرار از خدمت و...) شود در دادگاه‌های نظامی به جرائم وی رسیدگی خواهد شد.

فصل دوم: تشکیلات دادسرا و دادگاه‌های نظامی

ماده ۵۷۸ ق.آ.د. ک: "در مرکز هر استان، سازمان قضایی استان متشکل از دادسرا و دادگاه‌های نظامی است. در شهرستان‌ها در صورت نیاز، دادسرای نظامی ناحیه تشکیل می‌شود. حوزه قضایی دادسرای نظامی نواحی به تشخیص رییس قوه قضاییه تعیین می‌شود. تبصره ۱- دادستان نظامی استان بر اقدامات قضات دادسرای نظامی ناحیه از حیث وظایفی که برعهده دارند، نظارت دارد و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید. تبصره ۲- رییس دادسرای نظامی ناحیه که معاون دادستان نظامی مرکز استان است، علاوه بر نظارت قضایی، بر امور اداری نیز ریاست دارد. تبصره ۳- حوزه قضایی هر استان به تعداد لازم شعب دادگاه و دادسرا و نیز تشکیلات مورد نیاز از قبیل واحد ابلاغ، اجرای احکام و واحد ارشاد و معاضدت قضایی دارد و در صورت تعدد شعب دادگاه و دادسرا، هر یک دارای دفتر کل نیز می‌باشد." **ماده ۵۷۹ ق.آ.د. ک:** "رییس سازمان قضایی استان، رییس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی است و بر کلیه شعب دادگاه و دادسرای نظامی استان نظارت و ریاست اداری دارد. تصدی امور اداری در غیاب رییس سازمان با معاون وی و در غیاب آنها با دادستان نظامی استان است."

ماده ۵۸۰ ق.آ.د. ک: "در صورت نیاز به تشخیص رییس قوه قضاییه، یک یا چند شعبه از دادگاه‌های نظامی استان در دادسرای نواحی موضوع ماده (۵۷۸) این قانون مستقر می‌شود."

ماده ۵۸۱ ق.آ.د. ک: "اختیارات و وظایف رییس، دادستان و دیگر مقامات قضایی سازمان قضایی استان با رعایت مقررات این بخش، همان اختیارات و وظایفی است که حسب مورد برای رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌های

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

عمومی و انقلاب و سایر مقامات قضایی دادگستری مقرر شده است. تبصره - گروه شغلی، حقوق و مزایای قضات شاغل در سازمان قضایی همان است که برای همتراز آنان در دادگستری پیش‌بینی شده است. و لیکن با توجه به معافیت قضات نظامی از پرداخت مالیات، همترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد."

ماده ۵۸۲ ق.آ.د. ک: "دادگاه‌های نظامی که به موجب این قانون تشکیل می‌شوند، عبارتند از: الف - دادگاه نظامی دو ب - دادگاه نظامی یک پ - دادگاه تجدیدنظر نظامی ت - دادگاه نظامی دو زمان جنگ ث - دادگاه نظامی یک زمان جنگ ج - دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ."

ماده ۵۸۳ ق.آ.د. ک: "وظایف، اختیارات، صلاحیت و تعداد اعضای دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی همان است که در مورد دادگاه‌های کیفری دو، کیفری یک و تجدیدنظر استان مقرر شده است مگر مواردی که در این بخش به‌نحو دیگری درباره آن تعیین تکلیف شود."

ماده ۵۸۴ ق.آ.د. ک: "دادگاه نظامی یک در مرکز هر استان تشکیل می‌شود."

ماده ۵۸۵ ق.آ.د. ک: "به جرائم نظامیان زیر در دادگاه و دادسرای نظامی مرکز استان رسیدگی می‌شود: الف - نظامیان دارای درجه سرهنگی که در محل سرتیپ دومی و بالاتر شاغل می‌باشند. ب - نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی در صورتی که مشمول مقررات ماده (۳۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ نباشند."

ماده ۵۸۶ ق.آ.د. ک: "با انتخاب رییس سازمان قضایی استان عضویت مستشاران دادگاه تجدیدنظر نظامی در دادگاه نظامی یک استان بلامانع است."

ماده ۵۸۷ ق.آ.د. ک: "هرگاه در محلی دادگاه نظامی دو تشکیل نشده یا بالاتر تصدی باشد و یا تشکیل شده ولی با تراکم پرونده روبرو باشد، دادگاه نظامی یک حسب ارجاع، به پرونده‌هایی که در صلاحیت دادگاه نظامی دو است نیز رسیدگی می‌نماید. در این صورت دادگاه مزبور با تصدی یکی از اعضاء تشکیل می‌شود. تبصره - هرگاه در استانی دادگاه نظامی یک یا تجدیدنظر نظامی تشکیل نشده یا بالاتر تصدی باشد یا به جهاتی از قبیل ردّ دادرسی، امکان رسیدگی در استان فراهم نبوده و اعزام قاضی مأمور نیز مقدور نباشد، رسیدگی به پرونده‌های مربوط، حسب مورد در نزدیک‌ترین حوزه قضایی به عمل می‌آید."

ماده ۵۸۸ ق.آ.د. ک: "دادگاه نظامی یک، پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند به اعتبار صلاحیت دادگاه نظامی دو، قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید."

ماده ۵۸۹ ق.آ.د. ک: "در صورت ضرورت، برای رسیدگی به جرائم ارتكابی نظامیان که در صلاحیت سازمان قضایی است، با تصویب رییس قوه قضاییه، شعبه یا شعبی از دادسرای نظامی در محل استقرار تیپ‌های مستقل رزمی و بالاتر و یا رده همتراز آنها در سایر نیروها برای مدت معین تشکیل می‌شود. تأمین محل مناسب و امکانات مورد نیاز به‌عهده یگان مربوطه است."

ماده ۵۹۰ ق.آ.د. ک: "در زمان جنگ دادگاه‌های نظامی زمان جنگ با تصویب رییس قوه قضاییه، به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به جنگ با رعایت ماده (۵۹۱) این قانون در محل قرارگاه‌های عملیاتی، مراکز

استان‌ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می‌شود. تبصره ۱ - حوزه قضایی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مقتضیات و شرایط جنگی با تصویب رئیس قوه قضاییه تعیین می‌شود. تبصره ۲ - دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی تا هنگام تشکیل دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مورد برابر مقررات دادرسی زمان جنگ، به جرائم مربوط به جنگ رسیدگی می‌کنند."

ماده ۵۹۱ ق.آ.د. ک: "جرائم مربوط به جنگ که توسط نظامیان ارتکاب می‌یابد و در دادگاه زمان جنگ رسیدگی می‌شود، عبارتند از: الف - کلیه جرائم ارتكابی در مناطق عملیاتی در حدود صلاحیت سازمان قضایی ب - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی در حدود صلاحیت سازمان قضایی پ - جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدامات عملیاتی، گرچه محل وقوع آن خارج از مناطق عملیاتی باشد."

ماده ۵۹۲ ق.آ.د. ک: "ترکیب، صلاحیت و آیین دادرسی دادسرا و دادگاه‌های نظامی زمان جنگ به ترتیب تعیین شده برای سایر دادگاه‌های نظامی است مگر آنکه در این قانون به نحو دیگری مقرر شود."

ماده ۵۹۳ ق.آ.د. ک: "دادسرای نظامی زمان جنگ در معیت دادگاه‌های نظامی زمان جنگ تشکیل می‌شود و در صورت عدم تشکیل، دادسرای نظامی مرکز استان محل وقوع جرم، وظایف آن را انجام می‌دهد. تبصره - قضات سازمان قضایی با ابلاغ رئیس قوه قضاییه می‌توانند با حفظ سمت، حسب مورد به عنوان قضات دادسرا یا دادگاه نظامی زمان جنگ نیز انجام وظیفه نمایند."

ماده ۵۹۴ ق.آ.د. ک: "رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ، بر کلیه شعب دادگاه‌ها و دادسرای نظامی زمان جنگ، نظارت و ریاست اداری دارد و در غیاب وی ریاست اداری به عهده معاون وی و در غیاب آنان با دادستان نظامی زمان جنگ حوزه قضایی مربوط است."

ماده ۵۹۵ ق.آ.د. ک: "پس از انحلال دادسرا و دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، پرونده‌های مربوط حسب مورد در دادسرا و دادگاه‌های نظامی صالح برابر مقررات دادرسی زمان صلح رسیدگی می‌شود. تبصره - دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، با تصویب رئیس قوه قضاییه منحل می‌شوند."

ماده ۵۹۶ ق.آ.د. ک: "پشتیبانی و تأمین کلیه امکانات مورد نیاز دادگاه‌های نظامی زمان جنگ بر عهده قرارگاه عملیاتی محل تشکیل دادگاه‌های مزبور است."

۱- تصدی امور اداری سازمان قضائی استان به ترتیب اولویت:

- رئیس سازمان قضائی استان
- معاون سازمان قضایی استان
- دادستان نظامی استان

۲- مسئولیت‌های همزمان در سازمان قضایی:

- رئیس سازمان قضایی = رئیس شعبه اول دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران.
- رئیس سازمان قضایی استان = رئیس شعبه اول دادگاه تجدید نظر نظامی استان.
- رئیس دادسرای نظامی ناحیه = معاون دادستان نظامی مرکز استان.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

۳- به نظر می‌رسد که تشخیص وقوع جنگ و زمان آن در صلاحیت ستاد کل نیروهای مسلح است و رئیس قوه قضائیه بر اساس این تشخیص مجاز به تشکیل دادگاه‌های نظامی زمان جنگ خواهد بود.

فصل سوم: صلاحیت

ماده ۵۹۷ ق.آ.د. ک: "به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود. تبصره ۱- رسیدگی به جرایمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند در دادگاه‌ها و دادرسی‌های سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است. تبصره ۲- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرایمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند. تبصره ۳- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود. تبصره ۴= جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند."

ماده ۵۹۸ ق.آ.د. ک: "به اتهامات نظامیانی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را داشته باشند، چنانچه از جرایمی باشد که در صلاحیت سازمان قضایی است، در دادرسی و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می‌شود."

ماده ۵۹۹ ق.آ.د. ک: "به جرائم نظامیان کمتر از هیجده سال تمام شمسی که در صلاحیت سازمان قضایی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادرسی و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود."

ماده ۶۰۰ ق.آ.د. ک: "در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو در حوزه قضایی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک متبع است. در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک زمان جنگ و دادگاه نظامی دو زمان جنگ در حوزه قضایی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک زمان جنگ لازم‌الاتباع است."

ماده ۶۰۱ ق.آ.د. ک: "در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی زمان جنگ با سایر مراجع قضایی نظامی در یک حوزه قضایی، نظر دادگاه نظامی زمان جنگ متبع است."

۱- به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح (به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری) در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود.

نکته: منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی جرایمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند.

فصل چهارم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

ماده ۶۰۲ ق.آ.د. ک: "ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی‌شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند."

ماده ۶۰۳ ق.آ.د. ک: "مأموران زیر پس از کسب مهارت‌های لازم و اخذ کارت مربوط ضابط نظامی می‌باشند: الف - مأموران دژبان نیروهای مسلح ب - مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چهارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی پ - مأموران بازرسی و قضایی نیروهای مسلحت - فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی ث - افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت عدم حضور سایر ضابطان نظامی ج - مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط نظامی محسوب می‌شوند. تبصره ۱- رؤسا، معاونان و مأموران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی و همچنین مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی است، ضابط نظامی محسوب می‌شوند. تبصره ۲- کارکنان وظیفه، ضابط نظامی محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام‌شده در این رابطه با ضابطان نظامی است و این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست. تبصره ۳- اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی به‌عهده ضابطان نظامی مربوط است."

ماده ۶۰۴ ق.آ.د. ک: "سازمان قضایی مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفای وظایف قانونی برای ضابطان نظامی برگزار نماید. تبصره - آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط رییس سازمان قضایی و با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد."

ماده ۶۰۵ ق.آ.د. ک: "در غیاب ضابطان نظامی در محل وقوع جرم، وظایف آنان به‌وسیله ضابطان دادگستری انجام می‌شود و پس از حضور ضابطان نظامی، ادامه تحقیقات به آنان محول می‌شود، مگر اینکه مقام قضایی ترتیب دیگری اتخاذ نماید. در این مورد ریاست و نظارت بر ضابطان به‌عهده دادستان نظامی است."

ماده ۶۰۶ ق.آ.د. ک: "در موارد ضروری که به تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، انجام تحقیقات مقدماتی، جمع‌آوری دلایل، بررسی صحنه جرم یا انجام کارشناسی به ضابطان یا کارشناسان خارج از یگان محول می‌شود، فرمانده یگان محل وقوع جرم، مکلف به همکاری با آنان است. همچنین وی می‌تواند به‌منظور رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار نظامی، یک نفر نماینده برای همراهی با مأموران یا کارشناسان معرفی نماید."

ماده ۶۰۷ ق.آ.د. ک: "دادستان نظامی به‌منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یک بار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستورهای لازم را صادر می‌کند. مسؤولان یگان مربوط مکلف به همکاری هستند."

ماده ۶۰۸ ق.آ.د. ک: "فرماندهان و مسؤولان نظامی و انتظامی مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرم در حوزه مسؤولیت خود، مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش کنند. متخلف از مقررات این ماده به مجازات جرم کتمان حقیقت مقرر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح محکوم می‌شود. تبصره - تعرفه خدمتی متهمان مانند سوابق کیفری، انضباطی، تشویقات، آموزش‌های طی شده، سوابق پزشکی و سایر اموری که می‌تواند در تصمیم مقام قضایی مؤثر باشد به مراجع قضایی ارسال می‌شود."

ماده ۶۰۹ ق.آ.د. ک: "ریاست و نظارت بر ضابطان نظامی از حیث وظایفی که به عنوان ضابط برعهده دارند، با دادستان نظامی است. سایر قضات دادسرا و دادگاه نظامی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارند. تبصره - ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است."

ماده ۶۱۰ ق.آ.د. ک: "نقل و انتقال متهمان و محکومان دادسرا و دادگاه‌های نظامی به عهده دژبان یگان‌های نیروهای مسلح ذی‌ربط است و در صورتی که یگان مربوط در محل، دژبان نداشته باشد، توسط نیروی انتظامی صورت می‌گیرد، مگر اینکه مرجع قضایی دستور خاصی صادر نماید که در این صورت برابر دستور انجام می‌شود. در هر صورت هزینه نقل و انتقال به عهده یگان بدرقه‌کننده است."

ماده ۶۱۱ ق.آ.د. ک: "یگان‌های نظامی و انتظامی مکلفند گزارش فرار کارکنان وظیفه تحت امر خود را بلافاصله به حوزه وظیفه عمومی اعزام‌کننده، دژبان مربوط و فرماندهی انتظامی محل سکونت افراد مزبور اعلام نمایند. تبصره - مأموران انتظامی و دژبان نظامی مربوط موظفند کارکنان وظیفه فراری موضوع این ماده را پس از شناسایی، برابر مقررات دستگیر و به دادسرای نظامی محل دستگیری تحویل دهند."

ماده ۶۱۲ ق.آ.د. ک: "سایر وظایف، اختیارات و مسؤولیت‌های ضابطان نظامی در محدوده صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های نظامی به شرحی است که برای ضابطان دادگستری مقرر شده است."

ماده ۶۱۳ ق.آ.د. ک: "قضات سازمان قضایی می‌توانند در یگان‌های نظامی و انتظامی با اطلاع فرمانده یگان یا رئیس یا مسؤول قسمت مربوط، تحقیقات و اقدامات لازم را درباره جرایمی که در صلاحیت آنان است خود یا از طریق ضابطان نظامی انجام دهند. مسؤولان و فرماندهان نظامی و انتظامی در این رابطه مکلف به همکاری می‌باشند."

ماده ۶۱۴ ق.آ.د. ک: "در مواردی که رسیدگی به امری از نظر علمی، فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات نیاز به کارشناسی داشته باشد، مرجع رسیدگی‌کننده از کارشناس یا هیأت کارشناسی کسب نظر می‌نماید. تبصره ۱- در مواردی که موضوع کارشناسی از امور نظامی باشد یا به تشخیص مرجع قضایی، اظهار نظر کارشناسان نیروهای مسلح ضروری باشد، نیروهای مسلح مکلفند نسبت به تأمین کارشناسان مورد نیاز و پرداخت هزینه کارشناسی اقدام نمایند. تبصره ۲- شرایط و نحوه تعیین کارشناس در موارد مربوط به امور نظامی، تعداد و ترکیب هیأت‌های کارشناسی، نحوه رسیدگی به تخلفات و پرداخت هزینه آنان به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ

لازم الاجراء شدن این قانون توسط ستادکل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی تهیه می شود و به تصویب فرماندهی کل قوا می رسد."

ماده ۶۱۵ ق.آ.د. ک: "احضار متهمان نظامی و متهمان وزارت اطلاعات از طریق فرمانده یا مسئول مافوق انجام می گیرد، اما در موارد ضروری یا در صورتی که به متهم در یگان مربوطه دسترسی نباشد، احضار از محل اقامت صورت می گیرد و مراتب به اطلاع فرمانده یا مسئول مافوق می رسد. تبصره ۱- نحوه احضار و جلب فرماندهان و مسؤولان نیروهای مسلح براساس دستورالعملی است که به تصویب فرماندهی کل قوا می رسد. تبصره ۲- ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ در محل اقامت، بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می شود."

ماده ۶۱۶ ق.آ.د. ک: "هرگاه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و این امر به طریق دیگری هم مقدور نباشد با موافقت رییس سازمان قضایی استان یا معاون وی، متهم یک نوبت به وسیله یکی از روزنامه های کثیرالانتشار کشوری یا محلی و با درج مهلت یک ماه از تاریخ نشر آگهی، احضار می شود، چنانچه متهم پس از انقضای مهلت مقرر حضور نیابد، رسیدگی طبق مقررات ادامه می یابد. تبصره - در جرم فرار از خدمت، ابلاغ احضاریه به آخرین نشانی محل اقامت متهم که در پرونده کارگزینی وی موجود است، ابلاغ قانونی محسوب می شود و رسیدگی بر طبق مقررات و بدون رعایت تشریفات نشر آگهی ادامه می یابد."

ماده ۶۱۷ ق.آ.د. ک: "در صورتی که به تشخیص قاضی پرونده به لحاظ مصالح نیروهای مسلح، حیثیت اجتماعی متهم، عفت و یا امنیت عمومی، ذکر درجه یا موضوع اتهام و یا نتیجه عدم حضور در احضارنامه و یا روزنامه به مصلحت نباشد، درجه یا موضوع اتهام و یا نتیجه عدم حضور ذکر نمی شود."

ماده ۶۱۸ ق.آ.د. ک: "در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است: الف - جرائم موجب مجازات محارب یا مفسد فی الارض ب - جرائم عمدی علیه امنیت داخلی و خارجی موجب مجازات تعزیری درجه پنج و بالاتر پ - شورش مسلحانه ت - لغو دستور حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان یا در ناحیه ای با شرایط جنگی و یا محدودیت های ضروری اعلام شده ث - ایراد ضرب و یا جرح عمدی با سلاح، نسبت به مافوق ج - قتل عمدی چ - فرار از جبهه ح - فرار از محل مأموریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضدانقلاب، اشراک و قاچاقچیان مسلح خ - فرار همراه با سلاح گرم یا توسط هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و وسایل موتوری جنگی یا مجهز به سلاح جنگی د - فرار به سوی دشمن ذ - فرار با تبانی یا توطئه ر - سرقت سلاح و مهمات و وسایل نظامی در هنگام اردوگشی یا مأموریت آماده باش یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی در صورت اخلال در مأموریت یگان و یا حمل سلاح ظاهر یا مخفی توسط یک یا چند نفر از مرتکبان در حین سرقت ز - تخریب، آتش زدن، از بین بردن و اتلاف عمدی تأسیسات، ساختمان ها، استحکامات نظامی، کشتی، هواپیما و امثال آنها، انبارها، راه ها، وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی، مراکز نگهداری اسناد طبقه بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح، وسایل دفاعی، تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی، مهمات و مواد منفجره اعم از اینکه مرتکب شخصاً اقدام نماید یا دیگری را وادار به آن کند. تبصره - در

مواردی که مجازات قانونی جرم حبس باشد، مدت بازداشت موقت نباید از حداقل مجازات قانونی آن جرم تجاوز کند."

ماده ۶۱۹ ق.آ.د. ک: "در خصوص قرار بازداشت موقت و سایر قرارهای تأمین که منتهی به بازداشت متهم می‌شود، مرجع قضایی نظامی رسیدگی‌کننده مکلف است مراتب را در اسرع وقت به یگان مربوط اعلام نماید. تبصره - مفاد این ماده نسبت به سایر موارد سالب آزادی که در اجرای آراء دادگاه‌ها صورت می‌گیرد نیز لازم‌الاجراء است."

ماده ۶۲۰ ق.آ.د. ک: "کارکنان فراری نیروهای مسلح تا به‌طور رسمی خود را برای ادامه خدمت به یگان مربوط معرفی ننمایند، فرار آنان مستمر محسوب می‌شود و مشمول مقررات مرور زمان تعقیب نمی‌شود."

ماده ۶۲۱ ق.آ.د. ک: "مقررات مرور زمان تعقیب نسبت به جرم فرار از خدمت کارکنان پایور (کادر) نیروهای مسلح در مواردی که ارتکاب این جرم برابر مقررات استخدامی مربوط، مستلزم اخراج آنان از خدمت باشد، قابل اعمال نیست."

ماده ۶۲۲ ق.آ.د. ک: "صدور قرار موقوفی تعقیب به لحاظ فوت یا عفو متهمان فراری یا شمول مرور زمان نسبت به جرم فرار از خدمت کارکنان پایور نیروهای مسلح که به‌طور رسمی خود را برای ادامه خدمت به یگان مربوط معرفی می‌نمایند یا دستگیر می‌شوند، موجب تبدیل ایام فرار به انتساب نمی‌شود و از این جهت حقوق و مزایایی به آنان تعلق نمی‌گیرد."

ماده ۶۲۳ ق.آ.د. ک: "در خصوص جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادسرا و دادگاه نظامی است، ایامی که متهم یا محکوم علیه برخلاف قوانین و مقررات در کشور حضور نداشته است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود."

ماده ۶۲۴ ق.آ.د. ک: "ابتدای مرور زمان نسبت به جرائم در صلاحیت دادگاه نظامی دو زمان جنگ، یک‌سال پس از اعلام پایان جنگ و در مورد جرائم در صلاحیت دادگاه نظامی یک زمان جنگ، سه‌سال پس از اعلام پایان آن است."

فصل پنجم: وکالت در دادسرا و دادگاه نظامی

ماده ۶۲۵ ق.آ.د. ک: "در جرائم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به‌کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می‌نمایند. تبصره - تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ تابع مقررات مذکور در این ماده است."

ماده ۶۲۶ ق.آ.د. ک: "وکلا دارای تابعیت خارجی نمی‌توانند برای دفاع در دادگاه نظامی حاضر شوند، مگر اینکه در تعهدات بین‌المللی به این موضوع تصریح شده باشد."

۱- اسناد سری؛ اسنادی است که افشای غیر مجاز آنها، منافع عمومی و امنیت ملی را دچار مخاطره کند.

۲- اسناد به کلی سری؛ اسنادی است که افشای غیر مجاز آنها، به اساس حکومت و مبانی دولت ضرر جبران ناپذیر وارد می‌کند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

فصل ششم: ترتیب رسیدگی، صدور و ابلاغ رأی

ماده ۶۲۷ ق.آ.د. ک: "رییس سازمان قضایی می تواند ارجاع پرونده ها را به رییس شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران تفویض کند. ارجاع پرونده ها در غیاب رییس شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران بر عهده رؤسای دادگاه های تجدیدنظر نظامی به ترتیب شماره شعبه است."

ماده ۶۲۸ ق.آ.د. ک: "ارجاع پرونده ها در دادگاه نظامی در غیاب رییس سازمان قضایی استان، به عهده معاون و در غیاب وی به عهده رؤسای دادگاه های تجدیدنظر و نظامی یک و دو به ترتیب شماره شعبه است."

ماده ۶۲۹ ق.آ.د. ک: "هرگاه پس از صدور کیفرخواست معلوم شود که متهم مرتکب جرم دیگری از همان نوع شده است، دادگاه می تواند به جرم مزبور نیز رسیدگی کند یا پرونده را جهت تکمیل تحقیقات به دادسرا ارسال نماید."
ماده ۶۳۰ ق.آ.د. ک: "در جرم فرار از خدمت تا زمانی که استمرار آن قطع نشده است، رسیدگی غیابی صورت نمی گیرد."

ماده ۶۳۱ ق.آ.د. ک: "چنانچه در اجرای مأموریت های نیروهای مسلح در اثر تیراندازی یا غیر آن، شخص یا اشخاص بی گناهی مقتول یا مجروح شوند یا خسارت مالی به آنان وارد شود و درباره اتهام مأموران قرار منع تعقیب صادر شود، بنا به تقاضای اولیای دم یا متضرر بدون تقدیم دادخواست، پرونده جهت تعیین تکلیف در خصوص پرداخت دیه و خسارت توسط سازمان متبوع به دادگاه نظامی ارسال می شود. دادگاه نماینده یگان مربوط را برای شرکت در جلسه رسیدگی دعوت می نماید. عدم حضور نماینده مانع رسیدگی و صدور رأی نیست."

ماده ۶۳۲ ق.آ.د. ک: "دادگاه نظامی زمان جنگ پس از وصول پرونده برابر مقررات رسیدگی را آغاز و پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف سه روز مبادرت به انشاء رأی می کند."

ماده ۶۳۳ ق.آ.د. ک: "انتشار اطلاعات مربوط به آراء دادگاه های نظامی ممنوع است. اما رییس سازمان قضایی در موارد ضروری و در صورت اقتضای مصلحت، می تواند اطلاعات مربوط به آراء قطعی دادگاه های نظامی را جهت انتشار در اختیار پایگاه اطلاع رسانی قوه قضاییه و سازمان قضایی قرار دهد. تبصره - در مواردی که به تشخیص دادستان نظامی یا رییس سازمان قضایی، جهت پیشگیری از جرم آموزش ضروری باشد، به میزان لازم اطلاعات مربوط به احکام و فرآیند رسیدگی به جرم در اختیار یگان ها قرار می گیرد."

۱- وجه تمایز دادگاه های نظامی زمان جنگ در خصوص حداکثر بازه زمانی صدور رأی با سایر دادگاه ها این است که در دادگاه نظامی زمان جنگ حداکثر ظرف ۳ روز و در سایر دادگاه ها حداکثر ظرف ۷ روز انشاء رأی می گردد.

فصل هفتم: تجدید نظر و اعاده دادرسی

ماده ۶۳۴ ق.آ.د. ک: "آراء دادگاه‌های نظامی جز در مواردی که قطعی محسوب می‌شود حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر نظامی همان استان و یا دیوان عالی کشور قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی است."

ماده ۶۳۵ ق.آ.د. ک: "آراء دادگاه‌های نظامی از حیث قطعیت یا قابلیت تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی مانند آراء سایر دادگاه‌های کیفری است، مگر آنکه در این بخش ترتیب دیگری مقرر شده باشد."

ماده ۶۳۶ ق.آ.د. ک: "آراء قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، ظرف هفتاد و دو ساعت از زمان ابلاغ، قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی است و دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور باید حداکثر ظرف هفت روز پس از وصول پرونده، رسیدگی و رأی مقتضی را صادر نماید، مگر آنکه صدور رأی در مدت مزبور به دلایل قانونی از قبیل نقص تحقیقات مقدور نباشد که در این صورت باید علت تأخیر به‌طور مستدل در پرونده قید شود."

ماده ۶۳۷ ق.آ.د. ک: "علاوه بر اشخاص مندرج در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری رییس سازمان قضایی نیز نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی حق درخواست اعاده دادرسی را دارد."

ماده ۶۳۸ ق.آ.د. ک: "در صورتی که مجازات مندرج در حکم دادگاه به لحاظ وضعیت خاص خدمتی محکوم علیه مانند محرومیت از ترفیع کارکنان بازنشسته، قابل اجراء نباشد، دادستان نظامی مطابق ضوابط، حسب مورد حق درخواست تجدیدنظر یا فرجام را دارد. در این صورت مرجع تجدیدنظر یا فرجام جهت تعیین مجازات قانونی دیگر اقدام می‌کند."

۱- شخصی که حق تجدید نظر خواهی از آراء کیفری صادره از دادگاه‌های نظامی را حسب مورد دارند عبارتند از:

- شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او.
- محکوم علیه یا نماینده قانونی او.
- دادستان.
- دادیار

فصل هشتم: اجرای احکام

ماده ۶۳۹ ق.آ.د. ک: "اجرای احکام دادگاه‌های نظامی مطابق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری به عهده دادرسی نظامی صادرکننده کیفرخواست است. در موارد احاله و عدم صلاحیت، اجرای احکام دادگاه‌ها، به ترتیب برعهده دادرسی مرجع محال علیه و مرجع صالح به رسیدگی است."

ماده ۶۴۰ ق.آ.د. ک: "پس از قطعیت آراء دادگاه‌ها، قاضی اجرای احکام مکلف است خلاصه‌ای از رأی را به یگان مربوط ابلاغ نماید. تبصره- مفاد این ماده در مورد قرارهای نهایی دادرسی نیز توسط بازپرس لازم الاجراء است."

ماده ۶۴۱ ق.آ.د. ک: "علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در قانون، در مورد محکومیت به مجازات‌های زیر، ایام بازداشت قبلی به شرح زیر محاسبه می‌شود: الف - کسر سه روز از مدت اضافه خدمت به ازای هر روز بازداشت قبلی ب -

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

کسر چهار روز از مدت انفصال موقت از خدمت به ازای هر روز بازداشت قبلی پ - کسر پنج روز از مدت محرومیت از ترفیع به ازای هر روز بازداشت قبلی تبصره - در مورد محکومیت به کسر حقوق، احتساب ایام بازداشت قبلی، برابر مقررات مربوط به محکومیت به جزای نقدی است."

ماده ۶۴۲ ق.آ.د. ک: "اجرای دستورهای و آراء لازم الاجرای دادگاههای نظامی در مورد اخذ وجه التزام، وجه الکفاله یا وثیقه و نیز جزای نقدی، وصول دیه، رد مال و یا ضرر و زیان ناشی از جرم و سایر عملیات مربوط از قبیل توقیف یا فروش اموال، در سازمان قضایی برعهده قاضی اجرای احکام است."

۱- در مورد اجرای حکم توسط دادرسی مرجع محال الیه؛ این امر اعم از این است که احاله بدو در دادرسی صورت گرفته باشد، یا بعداً در دادگاه.

۲- بدیهی است ارسال مفاد قرارهای نهایی دادرسی به یگان مربوط (اعم از قرار منع تعقیب، قرار جلب به دادرسی، قرار موقوفی تعقیب یا قرار توقف تحقیقات) باید قطعی شده باشند.

۳- منظور از "یگان مربوط"؛ واحدی است که جرم، علیه آن یا توسط یکی از پرسنل آن واقع شده است.

فصل نهم: زندان ها و بازداشتگاه های نظامی

ماده ۶۴۳ ق.آ.د. ک: "متهمان و محکومان دادرسی و دادگاههای نظامی با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاه های رسمی و زندان های مستقل از سایر متهمان و زندانیان نگهداری می شوند. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است."

ماده ۶۴۴ ق.آ.د. ک: "در صورت تقاضای متهمان و محکومان نظامی سایر مراجع قضایی و موافقت دادستان مربوط و دادستان نظامی استان، این افراد مدت بازداشت یا محکومیت حبس خود را در بازداشتگاه ها و زندان های نظامی سپری می نمایند. تبصره - محکومان غیرنظامی دادگاه های نظامی و محکومان نظامی که محکومیت آنان منجر به اخراج می شود، با رعایت مقررات فوق جهت تحمل محکومیت حبس به زندان های عمومی معرفی می شوند."

ماده ۶۴۵ ق.آ.د. ک: "تا زمانی که بازداشتگاه ها و زندان های نظامی احداث نگردیده است و یا ظرفیت پذیرش آنها متناسب با تعداد متهمان و محکومان نظامی نباشد، سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مکلف است افراد مزبور را در بند اختصاصی نظامیان نگهداری نماید."

ماده ۶۴۷ ق.آ.د. ک: "دادستان نظامی بر امور بازداشتگاه ها و زندان های نظامی حوزه قضایی خود نظارت کامل دارد. اجرای این ماده نافی اختیارات قانونی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیست."

ماده ۶۴۸ ق.آ.د. ک: "مواردی که مقررات ویژه ای برای دادرسی جرائم نیروهای مسلح مقرر نگردیده است، تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است."

بخش یازدهم: دادرسی الکترونیکی

ماده ۶۵۵ ق.آ.د. ک: "در هر مورد که به موجب قوانین آیین دادرسی و سایر قوانین و مقررات موضوعه اعم از حقوقی و کیفری، سند، مدرک، نوشته، برگه اجراییه، اوراق رأی، امضاء، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضایی، نشانی و مانند آن لازم باشد صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره‌های آن کافی و معتبر است. تبصره ۱ - در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود. قوه قضاییه موظف است سامانه‌های امنیتی لازم را جهت تبادل امن اطلاعات و ارتباطات بین اصحاب دعوی، کارشناسان، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، ضابطان و مراجع قضایی و سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه ایجاد نماید. تبصره ۲ - قوه قضاییه می‌تواند جهت طرح و پیگیری امور قضایی مراجعان موضوع این قانون در فضای مجازی نسبت به ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و جهت هماهنگی فعالیت دفاتر، نسبت به ایجاد کانون دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی اقدام نماید. دفاتر خدمات الکترونیک قضایی می‌توانند از بین دفاتر اسناد رسمی و غیر آن انتخاب یا تأسیس شوند. آیین‌نامه اجرایی این ماده () ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد. تبصره ۳ - مراجعان به قوه قضاییه موظفند پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه خود را در اختیار قوه قضاییه قرار دهند، و در صورت عدم دسترسی به پست الکترونیک، مرکز آمار موظف است برای شهروندان و متقاضیان امکانات لازم برای دسترسی به پست الکترونیکی ملی قضایی جهت امور قضایی ایجاد کند."

ماده ۶۵۹ ق.آ.د. ک: "به کارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، أخذ شهادت از شهود یا نظرات کارشناسی در صورتی مجاز است که احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد مورد نظر و ثبت مطمئن سوابق صورت پذیرد."

ماده ۶۶۰ ق.آ.د. ک: "چنانچه اشخاصی که داده‌های موضوع این بخش را در اختیار دارند، موجبات نقض حریم خصوصی افراد یا محرمانگی اطلاعات را فراهم آورند یا به‌طور غیرمجاز آنها را افشاء کرده یا در دسترس اشخاص فاقد صلاحیت قرار دهند، به حبس از دو تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا دویست میلیون ریال و انفصال از خدمت از دو تا ده سال محکوم خواهند شد."

ماده ۶۶۱ ق.آ.د. ک: "چنانچه اشخاصی که مسؤول حفظ امنیت مراکز، سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و اطلاعات موضوع این بخش هستند یا داده‌ها یا سامانه (سیستم) های مذکور در اختیار آنان قرار گرفته است بر اثر بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت یا عدم رعایت تدابیر متعارف امنیتی موجبات ارتکاب جرائم رایانه‌ای به‌وسیله یا علیه داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را فراهم آورند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا انفصال از خدمت تا پنج سال یا جزای نقدی از ده تا صد میلیون ریال محکوم خواهند شد."

بخش دوازدهم: آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای

ماده ۶۶۴ ق.آ.د. ک: "علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به موارد زیر را دارند: الف - داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند که به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شود. ب - جرم از طریق تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (.ir) ارتکاب یابد. پ - جرم توسط تبعه ایران یا غیرآن در خارج از ایران علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و تارنماهای مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی‌های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه‌ای که خدمات عمومی ارائه می‌دهد یا علیه تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یابد. ت - جرائم رایانه‌ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کمتر از هیجده سال، اعم از اینکه بزه‌دیده یا مرتکب ایرانی یا غیر ایرانی باشد و مرتکب در ایران یافت شود."

ماده ۶۶۵ ق.آ.د. ک: "چنانچه جرم رایانه‌ای در صلاحیت دادگاه‌های ایران در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادسرای محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. در صورتی که محل وقوع جرم مشخص نشود، دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار و در صورت اقتضاء صدور کیفرخواست می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر می‌کند."

ماده ۶۶۶ ق.آ.د. ک: "قوه قضاییه موظف است به تناسب ضرورت، شعبه یا شعبی از دادسراها، دادگاه‌های کیفری یک، کیفری دو، اطفال و نوجوانان، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای اختصاص دهد. تبصره - مقامات قضایی دادسراها و دادگاه‌های مذکور از میان قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه دارند انتخاب می‌شوند."

ماده ۶۶۷ ق.آ.د. ک: "ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد حفظ نمایند و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند. تبصره ۱ - داده ترافیک، هرگونه داده‌ای است که سامانه‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آنها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می‌شود. تبصره ۲ - اطلاعات کاربر، هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، نشانی جغرافیایی یا پستی یا قرارداد اینترنت (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی را شامل می‌شود."

ماده ۶۶۸ ق.آ.د. ک: "ارایه‌دهندگان خدمات میزبانی داخلی موظفند اطلاعات کاربران خود را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک و محتوای ذخیره شده و داده ترافیک حاصل از تغییرات ایجادشده را حداقل تا پانزده روز نگهداری کنند."

ماده ۶۶۹ ق.آ.د. ک: "هرگاه حفظ داده‌های رایانه‌ای ذخیره‌شده برای تحقیق یا دادرسی لازم باشد، مقام قضایی می‌تواند دستور حفاظت از آنها را برای اشخاصی که به‌نحوی تحت تصرف یا کنترل دارند صادر کند. در شرایط فوری، نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده‌ها، ضابطان قضایی می‌توانند دستور حفاظت را صادر کنند"

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

و مراتب را حداکثر تا بیست و چهار ساعت به اطلاع مقام قضایی برسانند. چنانچه هر یک از کارکنان دولت یا ضابطان قضایی یا سایر اشخاص از اجرای این دستور خودداری یا داده‌های حفاظت شده را افشاء کنند یا اشخاصی که داده‌های مزبور به آنها مربوط می‌شود را از مفاد دستور صادره آگاه کنند، ضابطان قضایی و کارکنان دولت به مجازات امتناع از دستور مقام قضایی و سایر اشخاص به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از پنج تا ده میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم می‌شوند. تبصره ۱ - حفظ داده‌ها به منزله ارائه یا افشاء آنها نیست و مستلزم رعایت مقررات مربوط است. تبصره ۲ - مدت زمان حفاظت از داده‌ها حداکثر سه‌ماه است و در صورت لزوم با دستور مقام قضایی قابل تمدید است."

ماده ۶۷۰ ق.آ.د. ک: "مقام قضایی می‌تواند دستور ارائه داده‌های حفاظت شده مذکور در مواد (۶۶۷)، (۶۶۸) و (۶۶۹) این قانون را به اشخاص یاد شده بدهد تا در اختیار ضابطان قرار گیرد. خودداری از اجرای این دستور و همچنین عدم نگهداری و عدم مواظبت از این داده‌ها موجب مجازات مقرر در ماده (۶۶۹) این قانون می‌شود."

ماده ۶۷۱ ق.آ.د. ک: "تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد."

ماده ۶۷۲ ق.آ.د. ک: "تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام می‌شود. در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور آنان چنانچه تفتیش یا توقیف ضرورت داشته باشد یا فوریت امر اقتضاء کند، قاضی با ذکر دلایل دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر می‌کند."

ماده ۶۷۳ ق.آ.د. ک: "دستور تفتیش و توقیف باید شامل اطلاعاتی از جمله اجرای دستور در محل یا خارج از آن، مشخصات مکان و محدوده تفتیش و توقیف، نوع و میزان داده‌های مورد نظر، نوع و تعداد سخت‌افزارها و نرم‌افزارها، نحوه دستیابی به داده‌های رمزنگاری یا حذف شده و زمان تقریبی انجام تفتیش و توقیف باشد که به اجرای صحیح آن کمک می‌کند."

ماده ۶۷۴ ق.آ.د. ک: "تفتیش داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی شامل اقدامات ذیل می‌شود: الف - دسترسی به تمام یا بخشی از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی ب - دسترسی به حامل‌های داده از قبیل دیسک‌ها یا لوح‌های فشرده یا کارت‌های حافظه پ - دستیابی به داده‌های حذف یا رمزنگاری شده."

ماده ۶۷۵ ق.آ.د. ک: "در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم، به روش‌هایی از قبیل چاپ داده‌ها، تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیرقابل دسترس کردن داده‌ها با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاری و ضبط حامل‌های داده عمل می‌شود."

ماده ۶۷۶ ق.آ.د. ک: "در شرایط زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شوند: الف - داده‌های ذخیره‌شده به سهولت در دسترس نباشد یا حجم زیادی داشته باشد. ب - تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد. پ - متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد. ت - تصویربرداری از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد. ث - تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می‌باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و بازنشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می‌باشد

ماده ۶۷۷ ق.آ.د. ک: "توقیف سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متناسب با نوع و اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه به منظور عدم دسترسی به سامانه، مهر و موم (پلمب) سامانه در محل استقرار و ضبط سامانه صورت می‌گیرد."

ماده ۶۷۸ ق.آ.د. ک: "چنانچه در حین اجرای دستور تفتیش و توقیف، تفتیش داده‌های مرتبط با جرم ارتكابی در سایر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که تحت کنترل یا تصرف متهم قرار دارند ضروری باشد، ضابطان با دستور مقام قضایی دامنه تفتیش و توقیف را به سامانه‌های دیگر گسترش می‌دهند و داده‌های مورد نظر را تفتیش یا توقیف می‌کنند."

ماده ۶۷۹ ق.آ.د. ک: "توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود، ممنوع است مگر اینکه توقیف برای اجرای موضوع اهم نظیر حفظ امنیت کشور ضرورت داشته باشد."

ماده ۶۸۰ ق.آ.د. ک: "در جایی که اصل داده‌ها توقیف می‌شود، ذی‌نفع حق دارد پس از پرداخت هزینه از آنها کپی دریافت کند، مشروط به اینکه ارائه داده‌های توقیف‌شده منافعی با ضرورت کشف حقیقت نباشد و به روند تحقیقات لطمه‌ای وارد نسازد و داده‌ها مجرمانه نباشد."

ماده ۶۸۱ ق.آ.د. ک: "در مواردی که اصل داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شود، قاضی موظف است با لحاظ نوع و میزان داده‌ها و نوع و تعداد سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای موردنظر و نقش آنها در جرم ارتكابی، در مهلت متناسب و متعارف برای آنها تعیین تکلیف کند."

ماده ۶۸۲ ق.آ.د. ک: "متضرر می‌تواند در مورد عملیات و اقدامات مأموران در توقیف داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، اعتراض کتبی خود را همراه با دلایل ظرف ده روز به مرجع قضایی دستوردهنده تسلیم نماید. به درخواست یادشده خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و قرار صادره قابل اعتراض است."

ماده ۶۸۳ ق.آ.د. ک: "کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به کنترل ارتباطات مخابراتی مقرر در آیین دادرسی کیفری است. تبصره - دسترسی به محتوای ارتباطات غیرعمومی ذخیره شده، نظیر پیام‌نگار (ایمیل) یا پیامک در حکم کنترل و مستلزم رعایت مقررات مربوط است."

ماده ۶۸۵ ق.آ.د. ک: "چنانچه داده‌های رایانه‌ای توسط طرف دعوی یا شخص ثالثی که از دعوی آگاهی ندارد، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شود و سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی مربوط به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری داده‌ها خدشه وارد نشود، قابل استناد است."

ماده ۶۸۶ ق.آ.د. ک: "کلیه مقررات مندرج در این بخش، علاوه بر جرائم رایانه‌ای شامل سایر جرایمی که ادله الکترونیکی در آنها مورد استناد قرار می‌گیرند نیز می‌شود."

ماده ۶۸۷ ق.آ.د. ک: "در مواردی که در این بخش برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای مقررات خاصی از جهت آیین دادرسی پیش‌بینی نشده است، تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است."

۱- صلاحیت تقنینی و صلاحیت قضایی دو روی یک سکه‌اند و چنان پیوستگی و ملازمتی میان آنها برقرار است که از آن به عنوان اصل پیوستگی صلاحیت‌های تقنینی و قضایی یاد می‌شود، به گونه‌ای که هرگاه قوانین یک کشور صلاحیت و قابلیت اجراء داشته باشند، دادگاه‌های آن کشور هم صلاحیت رسیدگی به آن جرائم را خواهند داشت. در مقابل در مواردی هم که دادگاه‌های یک کشور برای رسیدگی به چنین جرمی واجد صلاحیت اعلام شوند، قوانین این کشور هم قابلیت اجراء خواهند داشت و دادگاه‌های مذکور فقط این قوانین را اجراء خواهند نمود.

۲- مرجع صالح جهت رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور توقیف داده‌ها:

- اگر دادسرا صادر کرده باشد؛ دادگاه صالح.
- اگر دادگاه در جریان تحقیقات صادر کرده باشد؛ دادگاه تجدیدنظر.
- اگر دادگاه در جریان رسیدگی صادر کرده باشد؛ حسب مورد دادگاه تجدید نظر یا دیوان عالی کشور.

بخش سیزدهم: آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی

ماده ۶۸۸ ق.آ.د. ک: "هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می‌باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست. تبصره - فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، نمی‌تواند نمایندگی آن را عهده‌دار شود."

ماده ۶۸۹ ق.آ.د. ک: "پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای وی تبیین می‌شود. حضور نماینده شخص حقوقی تنها جهت انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی است و هیچ یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر در قانون برای متهم، در مورد وی اعمال نمی‌شود."

ماده ۶۹۰ ق.آ.د. ک: "در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء منحصرأ صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است. الف - قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند. ب - قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است."

ماده ۶۹۱ ق.آ.د. ک: "در صورت توجه اتهام به شخص حقوقی صدور قرار تأمین خواسته طبق مقررات این قانون بلامانع است."

ماده ۶۹۲ ق.آ.د. ک: "در صورت انحلال غیر ارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجراء صادر می‌شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود."

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه وکیل شو می باشد و هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر نحوی بدون موافقت کتبی ناشر ندارد و باز نشر آن بدون ذکر منبع موجب پیگرد قانونی است و خلاف شرع و اخلاق می باشد

ماده ۶۹۳ ق.آ.د. ک: "اجرای احکام مربوط به اشخاص حقوقی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است."

ماده ۶۹۴ ق.آ.د. ک: "در صورتی که شخص حقوقی دارای شعب یا واحدهای زیرمجموعه متعدد باشد، مسئولیت کیفری تنها متوجه شعبه یا واحدی است که جرم منتسب به آن است. در صورتی که شعبه یا واحد زیرمجموعه بر اساس تصمیم مرکزیت اصلی شخص حقوقی اقدام کند، مسئولیت کیفری متوجه مرکزیت اصلی شخص حقوقی نیز می‌باشد."

ماده ۶۹۵ ق.آ.د. ک: "اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی علیه شخص حقوقی اقرار محسوب نمی‌شود و اتیان سوگند نیز متوجه او نیست."

ماده ۶۹۶ ق.آ.د. ک: "در مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم اشخاص حقوقی مقرر نشده است مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری که در مورد این اشخاص قابل اجراء است اقدام می‌شود."

۱- منظور از "نماینده قانونی شخص حقوقی"؛ کسی است که به موجب اساسنامه شخص حقوقی با سایر اسناد قانونی تأسیس آن نمایندگی شخص مذکور را در برابر اشخاص ثالث بر عهده دارد، مانند مدیر عامل شرکت‌های سهامی.

۲- چنانچه شخص حقوقی بخواهد فرد دیگری غیر از نماینده قانونی را که نسبت به موضوع مطلع‌تر می‌داند، به مرجع قضایی معرفی نماید، این فرد، نماینده قراردادی شخص حقوقی محسوب شده و لزوماً باید وکیل دادگستری باشد. البته هیچ چیز مانع از این نیست که هم نماینده قانونی شخص حقوقی و هم وکیل دادگستری به وکالت از از طرف شخص حقوقی نزد مرجع قضایی حاضر شوند.

۳- "تبیین اتهام" اصطلاحی معادل تفهیم اتهام است که این قانون برای اعلام اتهام شخص حقوقی به نماینده قانونی یا وکیل آن به کار برده است.

۴- جلب نماینده شخص حقوقی در صورت عدم حضور بدون عذر موجه و یا صدور قرار تأمین در مورد او مجاز نیست.

۵- با توجه به عدم امکان صدور قرار تأمین کیفری برای اتهام واحد در مورد اشخاص حقیقی، به نظر می‌رسد که در مورد اشخاص حقوقی نیز مورد قرارهای فوق قابل جمع نبوده و مرجع قضایی باید با رعایت اصل تناسب تأمین منحصرأ یکی از دو قرار تأمین مخصوص اشخاص حقوقی را صادر نماید.

۶- به پایان حیات اشخاص حقیقی مرگ و به پایان حیات اشخاص حقوقی انحلال گفته می‌شود.

۷- شعب یا واحدهای زیرمجموعه شخص حقوقی، اجزاء شخص حقوقی بوده و خود شخصیت حقوقی مستقل ندارند. با این حال، به منظور عدم تسری آثار مسئولیت کیفری و مجازات به کل شخصیت حقوقی، قانونگذار مسئولیت را تنها متوجه شعبه یا واحدی دانسته که جرم منتسب به آن است

با آرزوی موفقیت برای همه شما عزیزان

پایان